

کیهان

۴۵۱

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۴ تا ۱۰ اسفندماه ۱۴۰۲ خورشیدی
سال چهارم - شماره ۱۹۱۷



جمهوری اسلامی و فساد؟ خالق و مخلوق!

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهلم

کیهان شماره ۱۹۱۷ (۴۵۱)

جمعه ۴ تا ۱۰ اسفندماه ۱۴۰۲

۲۳ تا ۲۹ فوریه ۲۰۲۴



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سر دبیری:

editorial@kayhan.london



وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم **حامد محمدی (نسر خلبان)**

برای نخستین بار ایفلا گردوده حضور نظامی و تاکتیک های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می کشد. **مآخذ: سازمان ملل متحد**
www.kayhan.london
و با انتشارات ساتراپ و سورپ هرگز در لندن و کانفرانسهای معتبر ایران و اروپا و آمریکا به نمایش های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hornum, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Bex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE 104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Rousseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

کانون فرهنگی پارس (ایران) در گردهمایی ماه فوریه برگزار می کند:
نمایش «ساختن فیلم گاو» اثر زنده یاد داریوش مهرجویی
فیلمی مستند از کارگردان و پژوهشگر سینمایی بهمن مقصدلو

فیلم انتخابی در:

چشواره آکادمیک سنا (دانشگاه های خاورمیانه شمالی آمریکا و کانادا) -۱۵ تا ۲۰۲۲
چشواره فیلمهای ایرانی IFCenter نیویورک، ژانویه ۲۰۲۴
چشواره فیلمهای ایرانی مرکز سینمایی جین سیگل، نیوجرسی فوریه ۲۰۲۴
چشواره هنر پرشین، مونتreal، جون ۲۰۲۲



همراه با برنامه هنری ستور نوازی بهمن حیدریان و پذیرایی
و اهدای کتاب از سوی انتشارات ساتراپ
زمان آغاز برنامه: ساعت ۷ پس از نیمروز جمعه ۲۳ فوریه ۲۰۲۴
مکان: سالن کتابخانه شهرداری کزنینگتون
Kensington Town Hall Library
Phillimore Walk, Kensington, London W8 7RX
ورودی: ۵ پوند

کیمسان

فهرست مطالب**

۴	مقاله - تفرقه و تجزیه به معنی تبلیغ علیه «یک کشور، یک ملت» / الاهی بقراط
۴-۵	تیتز هفته - جمهوری اسلامی و فساد؟ خالق و مخلوق! ... / روشنگر آسترکی
۶-۷	شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با «فاکس نیوز»: بین نرمش آمریکای و تهاجم جمهوری ... /
۷	نقض حقوق مسیحیان ایران در گزارش سالانه سازمان «ماده ۱۸» ... /
۸	درخواست تکراری وزیرای خارجه «گروه هفت» از جمهوری اسلامی ... /
۹	واکنش هابه ادعای آلمان بر بوک وزیر خارجه آلمان در مورد «کافی نبودن شواهد» ... /
۱۰-۱۱	۴ متهم پرونده «اکباتان» تحت عنوان «محرابه» محاکمه می شوند ... /
۱۱	چه فکر می کرد، چه شد ... / خیراندیش (احمد/حرار)
۱۲-۱۴	سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران - خاطرات علینقی علیخانی (بخش ۴) ... /
۱۴	شصتمین کنفرانس امنیتی مونیخ؛ اولاف شولتز: «رژیم ایران از جنگ غزه ... /
۱۵	نیویورک تایمز: انفجارها در خطوط لوله گاز ایران و «قلعه حسن خان» ... /
۱۶	ادعای غیر واقعی رویتز: توقف حملات گروه های نیابتی به نیروهای آمریکایی ... /
۱۷	مرگ مشکوک الکسی ناوالنی در زندان سبیری در آستانه پایان دوران محکومیت و ... /
۱۸	دیدار مقامات امنیتی روسیه و جمهوری اسلامی در بیشکک ... /
۱۹	رویتز: جمهوری اسلامی ایران صد هاشمیک بالستیک به روسیه فرستاد ... /
۲۰-۲۱	خطوط آیینی چیکرای جهان گستر (بخش ۲) ... / محمود مسائلی
۲۲-۲۳	پایگاه خبری «هیل» : دولت بایدن می تواند این لاین های تروریستی ... /
۲۳	حوثی ها کشتی آمریکایی حامل کمک های بشر دوستانه به یمن را ... /
۲۴-۲۶	ائتلاف و درگیری «نایب امام» با «اخوان المسلمین» شیعی ... / مهدی مظفری
۲۶-۲۷	خامنه ای یا بوتینی؟ کدامیک با سقوط فاصله ای کمتر دارد ... / ابراهم فرخی
۲۸-۲۹	تلاش ناکام برای گرم کردن تنور «انتخابات» ی که انتخابات نیست ... /
۲۹	هشدار ارفائل گروسی نسبت به ادامه غنی سازی غیر مجاز اورانیوم در ایران ... /
۳۰	فعالیت پلتفرم های پر کاربرد خارجی با «یک لایه پوسته جدید» ... /
۳۱	رسوایی های سردار پاسدار قالیباف و آقا زاده هایش ... /
۳۲	حمله حوثی ها به کشتی انگلیسی «رویمار» ... /
۳۲-۳۳	حمله سایبری آمریکایه کشتی جاسوسی جمهوری اسلامی در دریای سرخ ... /
۳۳	وال استریت ژورنال: جمهوری اسلامی به یکی از بزرگترین صادرکنندگان ... /
۳۴-۳۵	راهکار جمهوری اسلامی برای جلوگیری از مهاجرت گسترده نخبگان ... /
۳۶	تداوم فشار بر وکلای دادگستری؛ شکایت خسرو علی کردی از ... /
۳۷	خشک شدن ۵/۵ میلیون مترمربع از سواحل غرب مازندران ... /
۳۸	پدیده «بزرگسالان سرراهی» و «ول کردن سالمندان» توسط خانواده ... /
۳۹	تداوم بی خبری از وضعیت دودختر دانش آموز بوده شده و بازداشتی های ... /
۴۰-۴۲	جهان عرب را از دست چیکر اهانجات دهید ... / محمود مسائلی
۴۲	جمهوری اسلامی احتمال دارد خیلی سریع از صفحه روزگار محو شود ... /
۴۲	«سیاست سنجی» جدید «ارفی» در اسفندماه: رأی واقعی شما چیست؟ ... /
۴۳	باز نشر به مناسبت درگذشت «لیلا شریفوا»؛ ترانه هایی از دور دست ... / الاهی بقراط
۴۴-۴۵	معرفی گلی ترقی در محفل ادبی پنجشنبه های لندن ... /
۴۵	گفتگو با مری آپیک؛ نمایشنامه «انگلیسی» ساناز طوسی با هنرمندان ایرانی ... /
۴۶	ممنوعیت استفاده از وی. پی. ان در ایران ... /
۴۶-۴۷	سازمان مجاهدین و ضدیت با آزادی بیان و سینمای آزاد ... / حنیف حیدر نژاد
۴۷	محاکمه یکی از رؤسای باند تبهکار «یاکوزا» ی ژاپن به اتهام تلاش ... /
۴۸	انتقال دارای های اربابک زنجانی به ایران ... /
۴۹	ترک اعتیاد معتادان پولدار در کمپ های «لاکچری» با ۵۰ میلیون تومان ... /
۵۰-۵۱	کلاهبرداری «کوروش کمبانی»؛ ساختار فساد خیز و حمایت از یک «سرباز فراری» ... /
۵۱-۵۲	وزارت «صمت» از مجوز های رسمی «کوروش کمبانی» خبر داد ... /
۵۲-۵۳	دور جدید اعتصاب کارگران گروه ملی فولادهاواز ... /
۵۴	روز ایران در برلیناله باکران «کیک محبوب من» ... /
۵۵	آمار خودکشی رزیدنت ها و دستیاران تخصصی پزشکی ۱۰ برابر خودکشی ... /
۵۶	دادستان کل کشور خواستار تشدید برخورد قضایی با مراکز سقط جنین شد ... /
۵۷	بازداشت ۱۰ نوجوان اهل جوانرود به اتهام خوشحالی از باخت «تیم ملی» «فوتبال» ... /
۵۸-۵۹	خبر های کوتاه ... /
۶۰	پشت جلد - عکس هفته / رأی دادن یا ندادن؟! ... /

بازنشر
بازنشر

بازنشر



جمهوری اسلامی و فساد؟ خالق و مخلوق!



● **جمهوری اسلامی «خود فساد» است و فسادهای آشکار و گستاخانه‌اش، همپای مشکلات معیشتی، نقش مهمی در ریزش مشروعیت نظام و تبدیل شهروندان غیرسیاسی به مخالفان جدی آن داشته است**

مردم را بالا بکشد وجود دارد. از جمله اینکه با توجه به اهمیت داشتن کارت پایان خدمت برای مشمولان سربازی، در انجام هرگونه فعالیت بانکی و تجاری و اقدامات اداری مربوطه، یک سرباز فراری با چه روابط و رانتی توانسته شرکت ثبت کند، امور مالی و بانکی آن را سامان دهد و تبلیغات گسترده برای فعالیت تجاری خود انجام دهد؟! مجوزهای صنفی و مجوزهای دریافتی از وزارت صمت و دیگر ادارات به چه شکلی از سوی او دریافت شده است؟ و با توجه به سرباز فراری بودن، او چگونه توانسته سفر خارجی داشته باشد و در نهایت هم از ایران فرار کند؟!

اولی نبود و در جمهوری اسلامی آخری هم نخواهد بود! کلاهبرداری کلان «کورش کمپانی» حدود دو ماه پس از افشای بزرگترین رقم فساد اقتصادی تاریخ ایران از سوی «گروه کشت و صنعت دبش» با برند تجاری «چای دبش» به رقم ۳ میلیارد و ۳۷۰ میلیون دلار معادل ۱۴۰ هزار میلیارد تومان خرساز شده است. در این فاصله چند خبر دیگر در رابطه با فسادهای مختلف، از فساد مشابه «دبش» در واردات دو میلیون تُن برنج تا «اختلاس توأم با جعل سند» برای به جیب زدن رقم ۲۴۴ وام ازدواج منتشر شده است. اینها تنها نمونه‌هایی از فسادهای ریز و درشتی است که هر روز و هر ساعت در ساختار فسادزای جمهوری اسلامی در جریان است.

بخشی از فسادها مانند «چای دبش» مربوط به استفاده صاحبان شرکت‌ها از رانت و رابطه برای دریافت منابع کشور، از جمله ارز با نرخ دولتی، و ایجاد ساز و کار فاسد برای به جیب زدن این منابع است. برخی دیگر نیز مانند کلاهبرداری «کورش کمپانی» و نمونه‌های مشابهی که صدها هزار مالباخته طی سال‌های گذشته برجای گذاشته‌اند، با بهره‌مندی از خلاءها و فرصت‌هایی که در ساختار معیوب بوروکراسی و بانکی در ایران وجود دارد اهداف خود

در هفته‌ای که گذشت کلاهبرداری بزرگ شرکتی معروف به «کورش کمپانی» از بیش از ۲۰۰ هزار شهروند با رقمی معادل دو هزار میلیارد تومان برابر با ۳۵ میلیون دلار به صدر خبرهای داخلی ایران تبدیل شد. شرکت «کورش پردازان آی‌سا» با نام مستعار و ثبت نشده «کورش کمپانی» یکی از بزرگترین کلاهبرداری‌های تاریخ اقتصادی ایران را به بهانه فروش موبایل آیفون زیر قیمت بازار انجام داده و سرمایه بیش از ۲۰۰ هزار شهروند را به جیب زده است.

امیرحسین شریفیان مالک کورش کمپانی متولد ۱۳۷۵ و «سرباز فراری» است که پس از کلاهبرداری بزرگ به خارج کشور گریخته است. این کلاهبرداری با استفاده از سلبریتی‌ها از جمله ده‌ها ورزشکار و سینماگر در تبلیغاتی با ترغیب مردم به سرمایه‌گذاری در این شرکت صورت گرفته است.

همچنین شواهد نشان می‌دهد مدیرعامل این شرکت از حمایت ویژه‌ی افراد یا جریان‌های درون‌حکومتی برخوردار بوده و توانسته به راحتی یک کلاهبرداری بزرگ را سازماندهی و اجرا کند. برخی گزارش‌ها حاکی از آنست که امیرحسین شریفیان با منتسب کردن خود به جریان‌های مذهبی و حکومتی توانسته اعتماد مسئولان را جلب نماید.

از سوی دیگر شمار زیادی از سلبریتی‌ها از سینماگران و ورزشکاران با دریافت مبالغی برای این شرکت کلاهبردار تبلیغ کرده بودند که نقش مهمی در جلب اعتماد مردم، یا به بیان بهتر در فریب آنها، داشته است.

قوه قضاییه جمهوری اسلامی مدعی انجام اقداماتی برای پیگیری هرچه سریع‌تر این پرونده فساد بزرگ اقتصادی است. با اینهمه طی روزهای گذشته و با توجه به اطلاعات بسیار محدود منتشر شده از امیرحسین شریفیان و پرونده‌اش، ابهامات و پرسش‌های زیادی درباره روندی که این جوان دهه هفتادی سپری کرده تا ۳۵ میلیون دلار پول

سرمقاله

تفرقه و تجزیه یعنی تبلیغ علیه «یک کشور، یک ملت»

اکنون بیش از هر زمان مشخص می‌شود که نگرانی میهن‌دوستان از رهبران و حامیان برخی گروه‌های قومی که پیشینه‌شان به تجزیه‌طلبان وابسته به بیگانگان می‌رسد، و عدم باور به آنها و خدعه‌شان به شیوهی خمینی، امری جدی و واقعی است. همچنین بار دیگر ثابت می‌شود که با انگیزه و اهداف متناقض نمی‌توان به اتحاد و ائتلاف رسید بلکه باید بر سر ایده و اهداف ایجابی مشخص و نه صرفاً سلبی و کلی مانند «نه به جمهوری اسلامی» همکاری داشت تا بعد به همکاری در عرصه عمل رسید.



اگرچه این مباحث در جامعه ایران مطرح نیست اما فضای خارج کشور با آنها درگیر است؛ و از آنجا که به دلیل سرکوب وحشیانه، خارج کشور نقش مهمی در بازتاب صدای حقوق ایرانیان داخل بازی می‌کند، پس صحنه‌ی سیاسی در اینجا اهمیت دارد. از همین رو نیز جمهوری اسلامی بی‌وطن روی «تفرقه» و «تجزیه» درون «یک ملت، یک کشور» سرمایه‌گذاری کرده چرا که «از هر طرف که کشته شود» به سود آن است. در این میان افرادی ناآگاهانه در عمل با آن همراهی می‌کنند ولی آنچه مسلم است اینکه نمی‌توان سخن و رفتار رهبران این گروه‌ها و مدافعان دوآتشه‌ی آنان را «ناآگاهانه» دانست. در جنبش ملی ۴۰۱ هم همبستگی ملی و سراسری در داخل کشور با روشنی به غایش گذاشته شد و هم نیروی خارج کشور از جمله در تظاهرات ۲۲ اکتبر ۲۰۲۲ برلین با وجود سوء استفاده‌ی ناکام از آن، ثابت کرد که یکپارچه پشت ملت و کشور خود ایستاده است. در این میان بسیار تلاش شد تا مدافعان همبستگی ملی به عنوان «تفرقه‌افکن» معرفی شوند چرا که آنها ترغیب را دریافتی بودند. حال آنکه برای تشخیص صف تفرقه از همبستگی کفایت توجه کرد که چه افراد و گروه‌هایی بجای اشتراکات مرتب بر طبل اختلافات و تفاوت‌ها می‌کوبند و چه کسانی سال‌ها پیش از اینکه این افراد «برانداز» شوند بر همکاری تأکید کرده و هریار همبستگی ملی داخل کشور را به عنوان الگو در برابر آنها قرار داده‌اند؟

چه کسانی بجای تکیه بر ملت و کشوری که زن و مرد و مذاهب و اقوام مختلف در آن طی سده‌ها کنار هم زیسته‌اند، عین جمهوری اسلامی، زن و مرد و اقوام و مذاهب و اسلام و ضداسلام و بی‌دین و بادین را در برابر هم قرار داده‌اند؟! چه کسانی در برابر آلتزاتیو و شخصیت مورد اعتمادی که مردم دست‌کم از سال ۱۳۹۶ در خیابان‌های ایران فریاد می‌زنند به هر مترسک سیاسی جنگ می‌اندازند تا آنها را برای پراکندن و ناامید کردن جامعه عَلم کنند؟! و چه کسانی مفاهیمی مانند «عدم تمرکز» و «فدرالیسم» را طوری مطرح می‌کنند که گویی خارج از «یک ملت، یک کشور» قابل تحقق است!

تفرقه‌ی واقعی و تجزیه‌طلبی یعنی آرزو و تلاش برای تبدیل ایران به «ایرناستان» در کاریکاتوری از «اتحاد شوروی» یا «فدراسیون روسیه» با حکومتی فرقه‌ای مانند عراق و لبنان به پشتیبانی محافل بیگانه و قدرت‌های خارجی و رئیس‌جمهوری الطوایفی طایفه‌های فاسد در «اقلیم»‌ها! واقعا، چه تفرقه‌ای بالاتر از تبلیغ علیه «یک کشور، یک ملت» برای داشتن «اقلیم»؟!

به دلیل ضعف اطلاع‌رسانی، نقطه ضعف تلقی شده است.» این در حالیست که افشای فساد که در سال‌های گذشته تنها گوشه‌ای از آنها بر ملا شده، نه به «هاضمه» حکومت ارتباط دارد نه به «سیستم کشف فساد و بی‌رحم» که

فساد، استراتژی در خدمت ایدئولوژی
جمهوری اسلامی از بدو تأسیس به دلیل ایدئولوژی اسلامگرا و جهان‌وطن، منافع ملی را نادیده گرفت و بر

را پیش می‌برند. این عده، با استفاده از روش‌هایی از جمله شیوه فروش «پانزی»* به جیب مردم ساده‌لوح و مستأصل که در گرداب تورم و گرانی و فقر، به دنبال سودهای ناچیزی به عنوان «کمک خرج» هستند، دستبرد



اصلا وجود ندارد! افشای پرونده‌های فساد اغلب به دلیل رقابت‌های جریان‌ات حکومتی صورت می‌گیرد و به عنوان ابزاری برای از میدان به در کردن رقیب و تسویه حساب، در مقاطعی از جمله انتخابات نمایشی تشدید می‌شود.

برای نمونه در دو دولت اصلاح‌طلب حسن روحانی، اصولگرایان از طریق سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ساس) پرونده‌های فساد متصلان به هیئت دولت، از جمله حسین فریدون برادر حسن روحانی و مهدی جهانگیری برادر اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهور را رو کردند. این در حالیست که مهدی جهانگیری روابط پیچیده مالی و رانتی با سرداران سپاه پاسداران از جمله قاسم سلیمانی داشت! جریان رقیب محمدباقر قالیباف نیز در مقاطعی، از جمله در روزهای گذشته، پرونده‌های خانوادگی فاسد قالیباف را با هدف تخریب او منتشر کردند. فساد خانوادگی حکومتی، دلالاتی چون مرجان شیخ‌الاسلامی آل آقا و بابک زنجانی، و دزدی‌های آشکار مدیرانی چون محمودرضا خاوری حتی پس از علنی شدن نیز یا مانند فسادهای محمدباقر قالیباف پیگیری نمی‌شوند، یا مانند بابک زنجانی در نهایت با «ارفاق»، و یا مانند مرجان آل آقا با چشم‌پوشی روبرو می‌شوند و حکومتی که مدعی است «ریگی» را از آسمان به زمین کشاند تا بازداشت کند، اقدامی برای بازداشت امثال آل آقا و بازگرداندن آنها به کشور انجام نمی‌دهد!

جمهوری اسلامی اکنون پس از چهار دهه «خود فساد» است و فسادهای آشکار و گستاخانه‌ی آن همپای مشکلات معیشتی، نقش مهمی در ریزش مشروعیت نظام و تبدیل شهروندان غیرسیاسی به مخالفان جدی حکومت داشته است. علی‌خامنه‌ای و دیگر مقامات جمهوری اسلامی در حالی با توهم توطنه همواره «دشمن» را عامل بروز همه اعتراضات و نارضایتی‌های مردمی در ایران می‌دانند که در اصل خودشان، به عنوان حاکمیت برآمده از انقلاب ۵۷، «دشمن» ایران و مردم بوده و اصلی‌ترین نقش را در ایجاد «نارضایتی» و بر باد رفتن «مشروعیت» حکومت دارند.

روشنگ آسترکی

صدور انقلاب و تقویت نیروهای همسو و نیابتی در منطقه و جهان متمرکز شد.

«عدم شفافیت» و داشتن شبکه‌های تجاری-مالی غیررسمی و زیرزمینی راهکاری بود که حکومت می‌توانست با تکیه بر آن اهداف خود در خارج از مرزهای ایران را پیش ببرد و تحریم‌هایی را که پس از انقلاب ۵۷ و با گروگانگیری در سفارت آمریکا در تهران آغاز و در سال‌های بعد به دلیل فعالیت اتمی و تروریستی جمهوری اسلامی تشدید شد دور بزند. ساختار غیرشفافی که با رهبری سران حکومت و به عنوان راهبردی برای پیشبرد اهداف ایدئولوژیک حکومت ایجاد شد، به مرور چنان گسترده و عمیق شد که تار و پود نظام را با فساد درآمیخت.

در این میان انقلابیونی که حالا به مقامات مهم حکومتی تبدیل شده بودند، خود را بر سر سفره‌ای پرنعمت یافتند که انقلاب ۵۷ برای آنها گسترده بود. جمهوری اسلامی، برخلاف حکومت پهلوی، در مقابل ملی‌گرایی و ایرانخواهی ایستاده بود؛ در نتیجه نشستگان بر «کشتی نظام» خود را در برابر آبادی میهن و حقوق ملت مسئول نمی‌دانستند و تنها به «تناول» بیشتر از سفره انقلاب مشغول شدند.

در چنین فرایندی بود که فساد در جمهوری اسلامی فربه شد و به همه ساختار آن سرایت کرد. آمیختگی فساد با تار و پود جمهوری اسلامی آنقدر برجسته است که از یکسو دیگر قابل انکار نیست و از رهبر حکومت تا دیگر مقامات به آن اعتراف می‌کنند و از سوی دیگر در اظهاراتی متناقض اصرار به «مبارزه با فساد» دارند. برای نمونه علی‌خامنه‌ای ادعا کرده که «مبارزه با فساد نقطه قوت جمهوری اسلامی است!» یا ابراهیم رئیسی گفته «هاضمه نظام جمهوری اسلامی فساد را نمی‌پذیرد و فساد ناپذیر است!»

روزنامه «کیهان» چاپ تهران هم پس از افشای فساد شرکت «چای دیش» در مطلبی مدعی شد «جمهوری اسلامی سیستم کشف فساد قدرتمندی دارد که در آن به کسی رحم نمی‌شود. این موضوع در همه جا موجب فخر و مباهات بوده و نشانگر مبارزه با فساد و نقطه قوت نظام است، اما

می‌زنند. در این میان داشتن رانت‌های اداری و حکومتی، و ابزارهایی چون رشوه نیز به عنوان پوشش برای این شرکت‌ها عمل می‌کنند تا مدتی با خیال راحت به کلاهبرداری بپردازند بدون اینکه نظارت یا پاسخگویی در میان باشد.

در سطح کلان اما، مقامات و نهادهای حکومتی از دفتر رهبر جمهوری اسلامی تا مجلس شورای اسلامی، از دولت تا قوه قضاییه، از حوزه‌های علمیه تا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، از شهرداری‌ها تا نهادهای نظارتی، همگی به کانال‌هایی برای توزیع رانت و فساد تبدیل شده‌اند. فساد در جمهوری اسلامی چنان سازمانیافته است که در عمل مافیاهای تودرتو بر کشور حکومت می‌کنند و همه نهادهای رسمی را نیز به خدمت خود گرفته‌اند.

در پی ایجاد چنین چرخه‌ای است که ساختار فساد این قدرت را دارد که حتی برای شهروندان عادی اما مستعد نیز بستری فراهم کند که به کلاهبرداران حرفه‌ای تبدیل شوند؛ از سربازی که اتفاقی راننده رئیس بانک مرکزی وقت می‌شود تا یک سرباز فراری دهه هفتادی که شاید اگر در یک ساختار سالم و کارآمد فعالیت داشتند به کارآفرینی موفق تبدیل می‌شدند و یا دست‌کم قانون و نظام حقوقی اجازه تبدیل شدن آنها را به تبهکاران مالی نمی‌داد.

این ساختار اما هم تبهکارپرور است و هم قربانیان آنها را به سوی مسلخ هدایت می‌کند. فلاکت ناشی از جمهوری اسلامی چنان عامه مردم را مستأصل و ناچار کرده که با وجود ریسک‌های آشکاری که در دام‌های گسترده از سوی حکومت و تبهکاران وابسته‌اش وجود دارد، باز هم سرمایه خود را به امید داشتن اندک درآمد و سودی به «چاه ویل» جنایتکاران اقتصادی می‌ریزند.

این نمونه از قربانی شدن مردم را می‌توان در دام دولت حسن روحانی در بازار بورس برای جبران کسری بودجه از جیب شهروندان، یا شرکت‌هایی نظیر «کوروش کمپانی» که در ادعایی عجیب می‌خواست آیفون ۴۰ میلیون تومانی را ۲۰ میلیون به دست مشتری بدهد، تا موسسات مالی و اعتباری با ادعای سودهای غیرواقعی دید.

شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با «فاکس نیوز»: بین نرمش آمریکا و تهاجم جمهوری اسلامی «ارتباط مستقیم» وجود دارد



شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با «فاکس نیوز» / فوریه ۲۰۲۴

در مقابل این رژیم سختگیرانه و قاطع بوده. حکومت از نظر تاکتیکی عقب‌نشینی کرده و رفتار خصمانه و تهاجمی آن کمتر شده؛ بین این دو موضوع ارتباط مستقیم وجود دارد. اما هربار که آمریکا از خود نرمش نشان داده یا فشار کافی وارد نکرده، رژیم با سوء استفاده از فرصت، برای گسترش اقداماتش گستاخ‌تر شده. به عنوان مثال اتفاقی که اخیراً افتاد و حماس به اسرائیل حمله کرد. گروه‌های نیابتی وابسته به جمهوری اسلامی طبق معمول فعال‌اند. البته که رژیم به آنها آموزش می‌دهد و آنها را تأمین مالی می‌کند و از طریق آنها برای خرابکاری و بی‌ثباتی بیشتر در منطقه تلاش می‌کند و همزمان از اقدامات نیابتی‌ها نفع می‌برد بدون آنکه هیچ مسئولیتی بپذیرد و یا با اتهام روبرو شود. بنابراین چیزی که باید تغییر کند این است که به رژیم فشار بیشتری وارد کرد. این تنها راه عقب راندن آن است. البته برای حل همه مشکلات کافی نیست، ولی برای شروع لازم است.

● به نظر می‌رسد که دولت آمریکا وقتی شش میلیارد دلار درآمد نفتی رژیم را آزاد می‌کند یا بدهی ۱۰ میلیارد دلاری عراق بابت برق همزمان با آن به دست رژیم می‌رسد، درست عکس این راه را می‌رود. آیا این راه درستی برای برخورد با رژیم ایران است؟

-علیه جمهوری اسلامی تحریم‌هایی وضع شده از جمله تحریم‌های نفتی اما در عمل اجرا نمی‌شوند. رژیم به حدود ۹۰ میلیارد دلار پول، بیش از آنچه باید دریافت می‌کرد دسترسی داشته. واضح است که از این پول‌ها در جهت پیشبرد اهداف خود و افزایش و تقویت فعالیت‌هایش در منطقه استفاده می‌کند.

جلوگیری از ادامه فعالیت‌های تهاجمی آن در خارج کشور است».

● «تصمیم واقعی برای گرفتن گاو نر از شاخ‌اش، اینطوری نمی‌شود که با احتیاط از پیش اعلام کنیم این کار و آن کار را انجام نخواهیم داد!»

شاهزاده رضا پهلوی روز یکشنبه ۱۸ فوریه (۲۹ بهمن‌ماه) در مصاحبه با اریک شان در شبکه «فاکس نیوز» با انتقاد از مداخلت‌های غربی با رژیم ایران و خودداری دولت‌های اروپایی از تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بار دیگر تأکید کرد که حتا اقدام برای کاهش تهدیدات جمهوری اسلامی نیز کمک زیادی به صلح و ثبات خاورمیانه نمی‌کند و راه حل نهایی کمک به مردم ایران برای تغییر رژیم در این کشور است.

وی همچنین تأکید کرد روندی که در ۴۰ سال گذشته دولت‌های غربی در مورد جمهوری اسلامی پیش برده‌اند نتیجه نداده زیرا آنها انتظار تغییر رفتار از رژیمی را دارند که سرشت و دی‌ان‌ای آن تغییرناپذیر است.

● اریک شان: اعلیحضرت، خوش آمدید. خوشحالم که دوباره شما را در شبکه فاکس می‌بینیم.

شاهزاده رضا پهلوی: عصربخیر، خوشحالم که شما را دوباره می‌بینم.

-اجازه بدهید با این پرسش آغاز کنم، فکر می‌کنید دولت بایدن چه کاری باید انجام بدهد یا می‌تواند انجام بدهد که تا کنون انجام نداده تا این پیام را به تهران بفرستد که اقدامات تروریستی‌اش را متوقف کند؟

-ابتدا می‌خواهم به این اشاره کنم که هربار وقتی موضع دولت آمریکا، فارغ از جمهوریخواه بودن دموکرات بودن،

● شاهزاده رضا پهلوی روز یکشنبه ۱۸ فوریه (۲۹ بهمن‌ماه) در شبکه «فاکس نیوز» با انتقاد از مداخلت‌های غربی با رژیم ایران و خودداری دولت‌های اروپایی از تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بار دیگر تأکید کرد که فقط اقدام برای کاهش تهدیدات جمهوری اسلامی کمک زیادی به صلح و ثبات در خاورمیانه نمی‌کند و راه حل نهایی کمک به مردم ایران برای تغییر رژیم است.

● «چیزی که باید تغییر کند این است که به رژیم فشار بیشتری وارد کرد. این تنها راه عقب راندن آن است. البته برای حل همه مشکلات کافی نیست، ولی برای شروع لازم است».

● «علیه جمهوری اسلامی تحریم‌هایی وضع شده از جمله تحریم‌های نفتی اما در عمل اجرا نمی‌شوند. رژیم به حدود ۹۰ میلیارد دلار پول، بیش از آنچه باید دریافت می‌کرد دسترسی داشته. واضح است که از این پول‌ها در جهت پیشبرد اهداف خود و افزایش و تقویت فعالیت‌هایش در منطقه استفاده می‌کند».

● «غربی‌ها انتظار تغییر رفتار از رژیمی دارند که دی‌ان‌ای آن نمی‌تواند غیر از آنچه‌ی باشد که هست. در نهایت باید با مردم ایران که راه حل این مشکل و همفکر آنها هستند همراه شوند. مردمی که ارزش‌های مشترک مثل آزادی، دموکراسی و حقوق بشر با آنها دارند».

● «فراموش نکنیم که بازوی اصلی و اجرایی حکومت هم در داخل و هم در خارج، سپاه پاسداران است اما سپاه به دلیل نگرانی‌های شرکای اروپایی آمریکا هنوز در لیست گروه‌های تروریستی قرار نگرفته. این یک گام فراتر برای بیشتر محدود کردن توانایی رژیم در سرکوب‌های داخلی و

نقض حقوق مسیحیان ایران در گزارش سالانه سازمان «ماده ۱۸»



بر مبنای آنچه در این گزارش سالانه آمده است، در سال گذشته میلادی ۱۶۶ مسیحی جلب یا دستگیر شدند، ۲۲ حکم محکومیت برای مسیحیان تنها به خاطر اعتقاد دینی صادر شد و ۲۱ نفر نیز برای اجرای حکم به زندان رفتند. این احکام بر مبنای ماده‌های ۴۹۸، ۴۹۹ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی صادر شدند. در ماده ۴۹۸ این قانون آمده است «هر کس با هر مرامی، دسته، جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن برهم زدن امنیت کشور باشد و «محارب» شناخته نشود به حبس از دو تا ۱۰ سال محکوم می‌شود.» در ماده ۴۹۹ آمده است «هر کس در یکی از دسته‌ها یا جمعیت‌ها یا شعب جمعیت‌های مذکور در ماده (۴۹۸) عضویت یابد به سه ماه تا پنج سال حبس محکوم می‌گردد مگر اینکه ثابت شود از اهداف آن بی‌اطلاع بوده است.» بر پایه ماده ۵۰۰ نیز «هر کس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید به حبس از سه ماه تا یکسال محکوم خواهد شد.»

احمد رأفت با منصور برجی کشیش و سخنگوی «ماده ۱۸» گفتگویی در رابطه با این گزارش و وضعیت مسیحیان در جمهوری اسلامی انجام داده است.

«ماده ۱۸» یک سازمان مردم‌نهاد و غیرانتفاعی مستقر در لندن است که هدف خود را ترویج آزادی دینی و نیز حمایت از مسیحیانی می‌داند که در جمهوری اسلامی تحت آزار دینی (نقض آزادی دینی) قرار گرفته‌اند. این سازمان هر سال گزارشی در رابطه بر نقض حقوق مسیحیان و بویژه نوکیشان مسیحی در جمهوری اسلامی منتشر می‌سازد.

در مقدمه گزارش امسال آمده است «بسیاری از شهروندان ایرانی پس از اعتراضاتی که در سپتامبر ۲۰۲۲ و در پی جان باختن مهسا (ژینا) امینی در حین بازداشت شکل گرفت، و تلاش‌های حکومت ایران برای پنهانکاری آن، اشتیاق تازه‌ای برای تغییر را تجربه کردند. مقامات ایرانی با وجود استفاده از خشونت بیش از حد و اعدام برای سرکوب اعتراضات و خواسته‌های مردم ایران با چالش روبرو شدند. این موارد جنبه‌ای گسترده‌تر از نقض شدید آزادی بیان، حقوق زنان، و آزادی دین یا عقیده را نمایان می‌کند که بسیاری از گروه‌های دینی در ایران، از جمله مسیحیان، را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مطالبات گسترده مردم برای رعایت حقوق بشر در ایران، و احترام به آزادی‌ها و حقوق تمامی شهروندان، امیدی است که جامعه ایرانیان مسیحی نیز دل در گروی آن دارد.»

کارهایی می‌توانند کمک کنند؟ ۲۰ ثانیه بیشتر فرصت نداریم.

فکر می‌کنم مهم‌ترین چیز شبکه‌های اجتماعی هستند که هم به دریافت اطلاعات بیشتری که در دسترس است کمک می‌کند و هم اگر می‌خواهید بشنوید که مردم ایران خواستار چه چیزی هستند و یا اینکه هر کسی چطور می‌تواند به بیشتر توانمند شدن مردم در کارزار آنها برای آزادی کمک کند.

و همفکر آنها هستند همراه شوند. مردمی که ارزش‌های مشترک مثل آزادی، دموکراسی و حقوق بشر با آنها دارند. زمان آن فرا رسیده که ما به داوود در برابر جالوت کمک کرده و این فرصت را برای آنها فراهم کنیم.

- **بیندگانی که برنامه را تماشا می‌کنند چگونه می‌توانند از شما اطلاعات بیشتری کسب کرده و به شما کمک کنند؟**
- لطفاً پرسش را دوباره تکرار می‌کنید؟
- **مردم اکنون به کجا می‌توانند مراجعه کنند و با چه**

به این ترتیب با اجرای تحریم‌های وضع شده فقط می‌شود فشار را نگه داشت ولی معتقدم این فشار را می‌بایست افزایش داد. فراموش نکنیم که بازوی اصلی و اجرایی حکومت هم در داخل و هم در خارج، سپاه پاسداران است اما سپاه به دلیل نگرانی‌های شرکای اروپایی آمریکا هنوز در لیست گروه‌های تروریستی قرار نگرفته. این یک گام فراتر برای بیشتر محدود کردن توانایی رژیم در سرکوب‌های داخلی و جلوگیری از ادامه فعالیت‌های تهاجمی آن در خارج کشور است.

● **فکر می‌کنید چرا سپاه پاسداران را در لیست تروریستی قرار نمی‌دهند؟ چون حوثی‌ها نبودند و بعد از این حملات دوباره در لیست قرار گرفتند؟ [یکی از نخستین اقدامات دولت بایدن، خارج کردن حوثی‌ها از لیست تروریستی ایالات متحده بود که دی ۹۹ در دولت ترامپ انجام شده بود. پس از حملات اخیر، این گروه دوباره در لیست تروریستی آمریکا قرار گرفت.]**

-بله، حوثی‌ها هم در لیست نبودند و همانطور که اشاره کردید بعد از حملات که کار از کار گذشته بود در لیست قرار گرفتند. منظور من این است که بطور کلی این روش مناسبی برای مقابله با تروریسم نیست و فکر می‌کنم این روند به یک رهبری مقتدر و یک رهبری قوی نیاز دارد. تصمیم واقعی برای گرفتن گاو نر از شاخ‌اش، اینطوری نمی‌شود که با احتیاط از پیش اعلام کنیم این کار و آن کار را انجام نخواهیم داد! این روش درستی نیست که همچنان دنبال کرد. فکر می‌کنم استراتژیست‌ها و مشاوران باید راهکارهای بهتری در مقایسه با آنچه تا کنون انجام شده ارائه دهند. حداقل کاری که این دولت [بایدن] باید انجام دهد تلاش برای کاهش مشکلات است.

● **قاسم سلیمانی با یک حمله پیهادی توسط رئیس جمهوری سابق آمریکا در فرودگاه بغداد کشته شد، حالا جانشین او اسماعیل قاتنی هفته پیش در فرودگاه بغداد بود و برای شرکت در جلساتی به عراق رفت. فکر می‌کنید آیا باید برنامه‌ای برای حذف برخی رهبران ارشد جمهوری اسلامی وجود داشته باشد تا آنها عقب‌نشینی کنند؟**

-خب، وقتی سلیمانی کشته شد اجرای احکام اعدام در کشور تقریباً متوقف شد. درواقع رژیم یک پیام قوی دریافت کرد. نموداری وجود دارد که شما می‌توانید ببینید که تعداد اعدام‌ها در ایران در مقایسه با زمان دولت اواما و دولت بایدن به نصف کاهش پیدا کرده بود و این به دلیل موضع بسیار قوی‌تری بود که توسط دولت آمریکا تحت ریاست جمهوری ترامپ اتخاذ شد. اکنون موارد اعدام دوباره افزایش پیدا کرده. تکرار می‌کنم، قطعاً فشار بیشتری باید وجود داشته باشد.

پس از اینکه متأسفانه سه آمریکایی [در اردن] کشته شدند، ما شاهد تلافی [آمریکا] بودیم که باعث شد حملات و اقدامات [نیابتی‌های وابسته به سپاه] برای حمله به پرسنل و ارتش آمریکا کاهش پیدا کند؛ این نشان می‌دهد که پاسخ قاطعانه تا حدی جواب می‌دهد اما مشکل ما فقط با کاهش حملات تهاجمی رژیم حل نخواهد شد. ما نیاز به اقدامی داریم که برای همیشه به این رژیم پایان بدهیم. این رژیم منشأ تمام این مشکلات است. منشأ تأمین مالی و تهیه بودجه برای افراط‌گرایی، تهدید هسته‌ای و همه تهدیداتی است که به یک شکلی به این رژیم مربوط می‌شود.

در نهایت فکر می‌کنم راه حل برای تغییر این وضعیت دیگر نباید آن چیزی باشد که طی ۴۰ سال گذشته دولت‌های غربی دنبال کردند. غربی‌ها انتظار تغییر رفتار از رژیمی دارند که دی‌ان‌ای آن نمی‌تواند غیر از آنچیزی باشد که هست. در نهایت باید با مردم ایران که راه حل این مشکل

درخواست تکراری وزرای خارجه «گروه هفت» از جمهوری اسلامی: ارسال تسلیحات به روسیه و شبه‌نظامیان منطقه را متوقف کنید!



نشست وزرای خارجه «G7» در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ

ناقص قطعنامه ۲۲۱۶ شورای امنیت است. آنها با اشاره به کشته شدن سه نظامی آمریکایی در حمله پهبادی در اردن توسط یک گروه شبه‌نظامی وابسته به جمهوری اسلامی در اواخر ماه ژانویه، حملات حوثی‌ها علیه کشتی‌های تجاری عبوری از دریای سرخ و خلیج عدن و کشتی‌های نیروی دریایی را که از آنها محافظت می‌کنند «شدیداً» محکوم کردند.

اعضای «G7» اعلام کردند حمله به کشتی‌ها ناقص قوانین بین‌المللی است، جان بی‌گناهان را به خطر می‌اندازد و حقوق و آزادی کشتیرانی را تهدید می‌کند و از همین رو کشورهای عضو این گروه در راستای قطعنامه ۲۷۲۲ شورای امنیت سازمان ملل متحد، از حق دفاع کشورها از کشتی‌های خود در برابر حملات حمایت می‌کنند.

در همین راستا آنها با اعلام پشتیبانی از آغاز عملیات حفاظتی دریایی اتحادیه اروپا موسوم به «عملیات اسپیدز» و مأموریت ائتلاف دریایی به رهبری آمریکا با همکاری انگلیس با عنوان «عملیات نگهبان رفا» این اقدامات را برای تأمین امنیت دریایی، حقوق و آزادی‌های ناوربری و ترانزیت کالا حیاتی دانسته‌اند.

اعضای گروه هفت در پایان این بیانیه بر عزم خود مبنی بر اینکه جمهوری اسلامی هرگز نباید به سلاح هسته‌ای دست یابد تأکید کردند و با ابراز نگرانی از افزایش سطح غنی‌سازی اورانیوم در ایران اعلام کردند این اقدام هیچ توجیه غیرنظامی معتبری ندارد و بطور خطرناکی مرتبط با فعالیت‌های تسلیحاتی است. آنها طبق معمول تأکید کردند «راه حل دیپلماتیک بهترین راه برای رسیدگی به نگرانی‌های بین‌المللی در این مورد است.»

تمام آنچه در بیانیه «گروه هفت» از جمهوری اسلامی خواسته شد مواردی است که وزرای خارجه و رهبران عضو این گروه و گروه‌های مشابه در سال‌های اخیر طی بیانیه‌های تکراری مشترک یا به صورت مستقل از تهران درخواست کرده‌اند اما تقریباً در تمامی موارد بی‌نتیجه بوده است.

بوده است. نشست وزرای خارجه کشورهای عضو «گروه هفت» (G7) شامل آمریکا، کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، بریتانیا و همچنین مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا روز شنبه ۱۷ فوریه (۲۸ بهمن‌ماه) در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ برگزار شد.

آنتونیو تاجانی وزیر خارجه ایتالیا رئیس دوره‌ای «گروه هفت» در بیانیه پایانی این نشست از جمهوری اسلامی خواست «کمک به ارتش روسیه و جنگ تجاوزکارانه آن علیه اوکراین» را متوقف کند.

آنها همچنین از تمام کشورها خواسته‌اند «تأمین تجهیزات و قطعات مربوط به برنامه پهبادی [رژیم] ایران» را که در راستای «حمایت از اقدامات جنگی روسیه» است متوقف کنند.

بخشی از این بیانیه مرتبط با اوضاع خاورمیانه و جنگ در غزه است. اعضای این گروه تأکید کردند با اعمال تحریم‌ها یا سایر اقدامات، تلاش می‌کنند تا شبکه تأمین مالی حماس را که هزینه جنایت‌های این گروه تروریستی و سایر گروه‌های شبه‌نظامی از طریق آنها تأمین می‌شود از بین ببرند و عاملان آن را پاسخگو کنند.

آنها همچنین تأکید کردند که بطور فشرده همراه با شرکای منطقه‌ای خود برای جلوگیری از تشدید و گسترش بیشتر درگیری‌ها در خاورمیانه تلاش می‌کنند.

وزرای خارجه عضو «گروه هفت» با ابراز نگرانی از افزایش احتمال درگیری میان حزب‌الله و اسرائیل بر نقش مؤثر نیروهای مسلح لبنان و نیروی موقت سازمان ملل متحد در لبنان (UNIFIL) برای کاهش این خطر تأکید کردند و از همه دست اندرکاران خواستند تا با خویشتنداری برای کاهش تنش‌ها تلاش نمایند.

بیانیه «گروه هفت» در چند بند مرتبط با جمهوری اسلامی ایران است از جمله اینکه هشدار داده است تداوم ارائه تسلیحات و تجهیزات از سوی جمهوری اسلامی به حوثی‌ها در یمن و سایر گروه‌های شبه‌نظامی منطقه بطور خطرناکی

نشست وزرای خارجه کشورهای عضو «گروه هفت» (G7) شامل آمریکا، کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، بریتانیا و همچنین مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا روز شنبه ۱۷ فوریه (۲۸ بهمن‌ماه) در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ برگزار شد.

آنتونیو تاجانی وزیر خارجه ایتالیا رئیس دوره‌ای «گروه هفت» در بیانیه پایانی این نشست از جمهوری اسلامی خواست «کمک به ارتش روسیه و جنگ تجاوزکارانه آن علیه اوکراین» را متوقف کند.

آنها همچنین از تمام کشورها خواسته‌اند «تأمین تجهیزات و قطعات مربوط به برنامه پهبادی [رژیم] ایران» را که در راستای «حمایت از اقدامات جنگی روسیه» است متوقف کنند.

اعضای «G7» اعلام کردند حمله به کشتی‌ها ناقص قوانین بین‌المللی است، جان بی‌گناهان را به خطر می‌اندازد و حقوق و آزادی کشتیرانی را تهدید می‌کند و این گروه در راستای قطعنامه ۲۷۲۲ شورای امنیت سازمان ملل متحد، از حق دفاع کشورها از کشتی‌های خود در برابر حملات حمایت می‌کند.

وزرای خارجه کشورهای عضو گروه هفت در پایان این بیانیه بر عزم خود مبنی بر اینکه جمهوری اسلامی هرگز نباید به سلاح هسته‌ای دست یابد تأکید کردند و با ابراز نگرانی از افزایش سطح غنی‌سازی اورانیوم در ایران اعلام کردند این اقدام هیچ توجیه غیرنظامی معتبری ندارد و بطور خطرناکی مرتبط با فعالیت‌های تسلیحاتی است. آنها طبق معمول تأکید کردند «راه حل دیپلماتیک بهترین راه برای رسیدگی به نگرانی‌های بین‌المللی در این مورد است.»

تمام آنچه در بیانیه «گروه هفت» از جمهوری اسلامی خواسته شد مواردی است که وزرای خارجه و رهبران عضو این گروه و گروه‌های مشابه در سال‌های اخیر طی بیانیه‌های تکراری مشترک یا به صورت مستقل از تهران درخواست کرده‌اند اما تقریباً در تمامی موارد بی‌نتیجه

واکنش‌ها به ادعای آنالنا برбок وزیر خارجه آلمان در مورد «کافی نبودن شواهد» برای تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران در اروپا



وزرای خارجه آلمان و آمریکا در کنفرانس امنیتی مونیخ / فوریه سال ۲۰۲۴

● آنالنا برбок وزیر خارجه آلمان روز شنبه ۱۸ فوریه (۲۸ بهمن‌ماه) در جریان یکی از نشست‌های کنفرانس امنیتی مونیخ که وزیر خارجه آمریکا نیز در آن حضور داشت، این ادعا را تکرار کرد که «دادگاه‌های اروپایی شواهد کافی برای تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اختیار ندارد».

● ولید فارس تحلیلگر لبنانی-آمریکایی در واکنش به ادعای وزیر خارجه آلمان در حساب کاری خود در شبکه اجتماعی «ایکس»، ادعای برбок را زیر سؤال برده و می‌نویسد، دادگاه‌های اروپایی به اندازه کافی شواهد دارند اما این کمیسیون اروپاست که مانع از اعلام سپاه به عنوان سازمان تروریستی می‌شود... باید دید چه معامله‌ای با رژیم ایران شده است!

● مهناز شیرالی روزنامه‌نگار و فعال سیاسی ساکن فرانسه در واکنش به صحبت‌های امیراحمدی در «ایکس» می‌نویسد «سپاه پاسداران بازوی پر قدرت همان روحانیت جنایتکار است. با تروریست شناخت سپاه، بازوی نظامی و مالی روحانیت قطع خواهد شد و خوب دودش هم در چشم مزدوران پول بگیر همین روحانیت خواهد رفت».

آنالنا برбок وزیر خارجه آلمان روز شنبه ۱۸ فوریه (۲۸ بهمن‌ماه) در جریان یکی از نشست‌های کنفرانس امنیتی مونیخ که وزیر خارجه آمریکا نیز در آن حضور داشت، این ادعا را تکرار کرد که «دادگاه‌های اروپایی شواهد کافی برای تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اختیار ندارند».

این ادعا درست یک سال پس از آن بیان شد که جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در واکنش به درخواست‌های مکرر مردم ایران و شماری از چهره‌های اپوزیسیون و همچنین بسیاری از نمایندگان پارلمان اروپا گفته بود «قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست تروریستی نیازمند حکم دادگاه‌های اروپایی است».

ولید فارس تحلیلگر لبنانی-آمریکایی در واکنش به ادعای وزیر خارجه آلمان در حساب کاری خود در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت، «خانم برбок، شما ادعا می‌کنید دادگاه‌های اروپایی «شواهدی ندارند» که نشان دهد سپاه در خاک اروپا یا علیه اروپایی‌ها اقدامات تروریستی انجام داده است، در توطئه پیچیده سپاه پاسداران برای هم‌گذاری در همایش سازمان مجاهدین در رومه پاریس در سال ۲۰۱۸، هدف قراردادن هزاران شهروند اروپایی، هدف قراردادن صدها قانونگذار و سیاستمدار اروپایی و آمریکایی با هدف قتل‌عام تعداد زیادی از مردم... دادگاه‌های اروپایی مقامات رژیم ایران را که در اقدامات تروریستی دخالت داشتند به حبس محکوم کردند... همانها که با گروگان‌های اروپایی بازداشت شده توسط تهران مبادله شدند».

این تحلیلگر در ادامه می‌نویسد: «مقامات اروپایی می‌دانند اطلاعات پاسداران شهروندان اروپایی را ربوده، شکنجه کرده و به اعدام محکوم کرده. اینها همه مبنای شواهدی هستند که دادگاه‌های اروپایی قبلاً یافته و اعلام کرده‌اند. این کمیسیون اروپاست که مانع از اعلام سپاه به عنوان سازمان تروریستی می‌شود وگرنه دادگاه‌ها و قانونگذاران شواهد زیادی دارند و دولت‌ها هستند که از تروریستی اعلام کردن سپاه خودداری می‌کنند».

ولید فارس تأکید کرده «آنچه اکنون مورد نیاز است، جمع‌آوری سریع شواهدی است که نشان دهد چرا کمیسیون اروپا مانع انجام وظیفه دادگاه‌ها و قانونگذاران می‌شود؟ باید پیدا کرد چه معامله‌ای با رژیم ایران جلوی اجرای عدالت برای اروپایی‌ها و قربانیان رژیم خمینی را گرفته... بله، اینها چیزهایی است که سرنخ آن گم شده است.» اگرچه در داخل ایران مردم در جریان خیزش ملی شعار می‌دادند «سپاهی، بسیجی، داعش ما شمایین» در میان اپوزیسیون جمهوری اسلامی نیز گروهی معتقدند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نباید در لیست سپاه اروپا قرار بگیرد. یکی از آنها هوشنگ امیراحمدی استاد دانشگاه راتگرز در نیوجرسی است که سال‌ها برای عادی شدن روابط رژیم ایران و آمریکا تلاش کرده است. وی به بخش فارسی «صدای آمریکا» گفته «قرار دادن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی یک اشتباه است و اروپا این کار را نخواهد کرد».

امیراحمدی توضیح داده «مشکل ایران روحانیون است، اروپایی‌ها چون نزدیک‌تر به ایران هستند و مسائل را از نزدیک بیشتر دنبال می‌کنند دیدشان درست است و نمی‌خواهند نیرویی را که عامل و آلت است روبروی خودشان قرار دهند».

طی یک سال گذشته چندین تظاهرات در پایتخت‌های اروپایی توسط ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی برگزار شده که خواسته اصلی آنها تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران است. مهناز شیرالی روزنامه‌نگار و فعال سیاسی ساکن فرانسه در واکنش به صحبت‌های امیراحمدی در «ایکس» می‌نویسد «سپاه پاسداران بازوی پر قدرت همان روحانیت جنایتکار است. با تروریست شناخت سپاه، بازوی نظامی و مالی روحانیت قطع خواهد شد و خوب دودش هم در چشم مزدوران پول‌بگیر همین روحانیت خواهد رفت. پس چه انتظار که مزدوران رنگارنگ رژیم با تروریست شناخت سپاه موافق باشند؟»

در همین ارتباط ملیسا امیرخیزی مدیر امور مالی حزب لیبرال دموکرات‌های اروپایی ساکن بروکسل و آشنا به دیدگاه

نمایندگان پارلمان اروپا در مورد سپاه پاسداران در توییتی نوشت: «در اپوزیسیون یک جریان سیاسی- رسانه‌ای قوی وابسته به بنگاه‌های اقتصادی که یک سرشان در امارات و سر دیگرشان در پایتخت‌های اروپایی است، مخالف قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی اروپا است.» وی تأکید کرد، آنها به اسم «ضرورت باز نگه‌داشتن کانال‌های ارتباطی با تهران» یا نگرانی از «احتمال افزایش تنش‌ها» در پشت پرده برای جمهوری اسلامی لابی می‌کنند. برخی منابع غیررسمی می‌گویند دولت‌های اتحادیه اروپا تحت تأثیر منافع سه قدرت اصلی اروپایی (بریتانیا، فرانسه و آلمان) از تروریستی اعلام کردن سپاه خودداری می‌کنند. منطقی که مستقیم در ارتباط با درآمدهای مالی باندهای بزرگ اقتصادی است.

یک هفته قبل از برگزاری کنفرانس امنیتی مونیخ، بیش از ۱۰۰ نماینده مجلس بریتانیا از ریشی سوناک نخست وزیر این کشور خواسته بودند تا در مقابل «جنگ‌طلبی» رژیم ایران با قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی اقدام متناسب انجام دهند. این نمایندگان به نخست وزیر محافظه‌کار بریتانیا هشدار دادند که «ما در قبال رژیم ایران به یک استراتژی جدید نیاز داریم.» پارلمان اروپا بیش از یک سال پیش در ۱۹ ژانویه ۲۰۲۳ با اکثریت آراء قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی را تصویب کرده بود. قطعنامه صادر شده توسط این پارلمان دو محور اصلی دارد: (۱) سپاه به لیست سازمان‌های تروریستی اضافه و تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی گسترده‌تر شود؛

(۲) از معترضان در ایران باید حمایت شود. همچنین نمایندگان پارلمان اروپا خواستار توقف اعدام‌ها در ایران شده‌اند. با اینهمه شورای وزیران اتحادیه اروپا به بهانه‌های مختلف تا کنون از تروریستی اعلام کردن سپاه خودداری کرده است. تصمیمی که به اعتقاد تحلیلگران به گستاخ‌شدن سپاه و عوامل نیابتی آن و همچنین به تأمین مالی تروریسم کمک کرده است.

۴ متهم پرونده «اکباتان» تحت عنوان «محاربه» محاکمه می‌شوند



● پیام درافشان روز شنبه ۲۸ بهمن‌ماه با بیان اینکه پرونده بازداشت‌شدگان اکباتان، مشکلات و ایرادات اساسی دارد به نقل از یکی از بازداشت‌شدگان به وبسایت «دادبان ایران» گفت که چاره‌ای جز پذیرش اتهام نداشته است.

● در حال حاضر ۴ متهم پرونده اکباتان با اتهام سنگین در زندان هستند: محمدمهدی حسینی ۲۵ ساله، مهدی ایمانی ۲۹ ساله، نوید نجاران ۳۱ ساله و میلاد آرمون ۲۵ ساله متهم ردیف اول و از اولین بازداشت‌شدگان این پرونده که به «محاربه» و «مشارکت در قتل عمد» متهم شده است.

● چهار نفری که قرار وثیقه گرفتند: علیرضا برمرزپورناک که با پرداخت وثیقه آزاد شد. امیرمحمد خوش‌اقبال در انتظار تأمین وثیقه است. علیرضا کفایی با وثیقه آزاد شد و حسین نعمتی که او نیز با پرداخت وثیقه آزاد شده است.

پیام درافشان یکی از وکلای پرونده بازداشت‌شدگان «اکباتان» گفت: «قرار است ۴ نفر از متهمان پرونده موسوم به «اکباتان» را تحت عنوان «محاربه» در دادگاه انقلاب، محاکمه کنند.»

پیام درافشان روز شنبه ۲۸ بهمن‌ماه با بیان اینکه پرونده بازداشت‌شدگان اکباتان، مشکلات و ایرادات اساسی دارد به نقل از یکی از بازداشت‌شدگان به وبسایت «دادبان ایران» گفت که چاره‌ای جز پذیرش اتهام نداشته است.

وی درباره جزئیات این پرونده که قرار است توسط قاضی صلواتی مورد قضاوت قرار گیرد افزود: «طی برگزاری دادگاه، آن ۴ نفری که آزاد نشدند را دیدیم و می‌دانیم چه حال بدی دارند که دوستان‌شان آزاد شدند و آنها هنوز در زندانند. به ویژه آنکه این بچه‌ها در زندان قزل‌حصار هستند و هر هفته یک نفر را در مقابل چشمان‌شان برای اجرای حکم اعدام به سوئیت منتقل می‌کنند.»

این وکیل دادگستری با اشاره به اینکه مشکلات و ایرادات اساسی این پرونده، نشان‌دهنده حساسیت زیاد است، افزود: «خون یک عزیزی در این بین ریخته شده که قطعاً بسیار دردناک است. تلاش کردند تا آن مقطع پرونده جمع شود اما اشتباهات زیادی در پرونده وجود داشت. آن زمان فردی را دستگیر کردند که اعلام شد این همان فرد کاپشن سورمه‌ای است که در صحنه حضور داشته و سمت آن مرحوم رفته است.»

درافشان اضافه کرد: «ضابطان فرد بازداشت‌شده را به بازپرس معرفی کردند و او هم قبول کرد که همان فرد کاپشن سورمه‌ای است. بعد از گذشت زمان، فردی در اهواز دستگیر شد که کاپشن سورمه‌ای هم در کمندش بوده است. بازپرس از این موضوع عصبانی شد و از فرد اولی که دستگیر شد پرسید: «چرا قبول کردی که آن فرد شما بودی؟» فرد اعلام کرده بود: «مگر برای نپذیرفتن چاره‌ای داشتم؟» یک زمانی اگر با متهمی بدرفتاری می‌شد، آن را اعلام می‌کردیم و جامعه هم به آن واکنش نشان داد. اما در حال حاضر این واکنش از بین رفته است.»

در حال حاضر ۴ متهم پرونده اکباتان با اتهام سنگین در زندان هستند: محمدمهدی حسینی ۲۵ ساله که در ۱۲ آبان ۱۴۰۱ بازداشت شد از جمله اولین بازداشت‌شدگان این پرونده است که به دو اتهام «محاربه» و «مشارکت در قتل عمد» متهم شده است.

مهدی ایمانی ۲۹ ساله در ۲۲ آذر ۱۴۰۱ از سوی ماموران

دی‌ماه ۱۴۰۲ در شعبه ۱۳ دادگاه کیفری یک استان تهران برگزار شد.

در ابتدای آبان سال ۱۴۰۱ در جریان اعتراضات سراسری و پس از کشته شدن یک نفر از نیروهای بسیج به نام «آرمان علی‌وردی» در شهرک اکباتان تهران، دست‌کم ۵۰ نفر از جوانان ساکن این شهرک بازداشت شدند که از میان آنها برای ۱۴ نفر کیفرخواست صادر شد.

به گزارش ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، هرانا، پرونده این افراد به دو بخش تقسیم شده که یک بخش به شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ابوالقاسم صلواتی و بخش دیگر به شعبه ۱۳ دادگاه کیفری یک تهران ارجاع داده شده است.

پرونده «اکباتان» یکی از پیچیده‌ترین سناریوسازی‌های سازمان اطلاعات سپاه (ساس) علیه شهروندان معترضی است که در پاییز گذشته در شهرک اکباتان تهران به خیابان آمدند و اعتراضات گسترده‌ای را علیه جمهوری اسلامی، و در کنار دیگر شهروندان در شهرهای و محله‌های مختلف، رقم زدند. در جریان اعتراضات چهارم آبان امسال آرمان علی‌وردی از اعضای یگان امنیتی بسیج اکباتان مجروح و دو روز بعد در بیمارستان درگذشت. سازمان اطلاعات سپاه (ساس) پرونده آرمان علی‌وردی را با عنوان «قتل» پیگیری و در پی آن میلاد آرمون، حسین نعمتی، علیرضا کفایی و مهدی حسینی چهار جوان ساکن اکباتان را به قتل این بسیجی متهم کرد.

بنا بر کیفرخواست صادره، میلاد آرمون، محمدمهدی حسینی و مهدی ایمانی سه متهم ردیف اول تا سوم پرونده به «محاربه» متهم و علیرضا کفایی و حسین نعمتی و یک جوان دیگر نیز به «مشارکت در قتل عمد» و اتهاماتی از جمله «تبلیغ علیه نظام» متهم شدند.

در خردادماه نام یک متهم جدید دیگر در این پرونده، رسانه‌ای شد؛ نوید نجاران شهروند جوانی که توسط ضابط خاص قضایی در این پرونده به اتهام ارتکاب اعمال مجرمانه در زمینه جان باختن آرمان علی‌وردی بسیجی کشته شده در اکباتان تهران، در اهواز بازداشت و پس از بازجویی اولیه برای ادامه تحقیقات به تهران منتقل شد. این جوان

پلیس آگاهی تهران بازداشت شد، وی از جمله سه متهم این پرونده است که به دو اتهام «محاربه» و «مشارکت در قتل عمد» متهم شده است.

نوید نجاران ۳۱ ساله از سوی ماموران سازمان اطلاعات سپاه (ساس) استان خوزستان و دست‌کم چند ماه پس از دیگر متهمان پرونده، در اهواز بازداشت و به «مشارکت در قتل عمد» متهم شد.

میلاد آرمون ۲۵ ساله متهم ردیف اول و از اولین بازداشت‌شدگان این پرونده است که به دو اتهام «محاربه» و «مشارکت در قتل عمد» متهم شده است.

امیرمحمد خوش‌اقبال یکی دیگر از دیگر متهمان پرونده «اکباتان» که روز ۲۶ بهمن پس از تأمین وثیقه بطور موقت آزاد شد، در روزهای نخست تیرماه با چنان شکنجه‌های سختی در بازداشت روبرو شده بود که تصمیم به خودکشی گرفت.

حساب کاربری «شهرک اکباتان» که از زمان شروع اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ به پوشش اخبار این منطقه می‌پردازد روز ۱۹ بهمن اعلام کرد که هشت متهم پرونده «اکباتان» در اتهام قتل، مجرم شناخته نشدند و قرار است با قرار وثیقه آزاد و منتظر برگزاری دادگاه شوند.

در ادامه این خبر آمده بود از آنجا که دادگاه انقلاب برای ۴ نفر از این متهمان کیفرخواست محاربه صادر کرده، این ۴ نفر باید همچنان در زندان بمانند تا دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی تشکیل شود.

چهار نفری که قرار وثیقه گرفتند، علیرضا برمرزپورناک که با پرداخت وثیقه آزاد شد. امیرمحمد خوش‌اقبال در انتظار تأمین وثیقه است. علیرضا کفایی با وثیقه آزاد شد و حسین نعمتی که او نیز با پرداخت وثیقه آزاد شد.

چهار نفری که همچنان باید تا روز دادگاه انقلاب در زندان بمانند: نوید نجاران، میلاد آرمون، محمدمهدی حسینی و مهدی ایمانی هستند.

دومین جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات هشت تن از متهمان پرونده موسوم به «شهرک اکباتان» و از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ روز شنبه شانزدهم

→ ۳۱ ساله هم‌اکنون به «مشارکت در قتل عمد» متهم شده است.

پیام درافشان وکیل حسین نعمتی پیشتر درباره ایرادهایی که به این پرونده وارد است گفته بود که «حضور ضابطان متعدد و در نتیجه متهمان متعدد در پرونده» یکی از این ایرادات است به نحوی که هر یک از ضابطان یک عمل ارتكابی را به چند متهم نسبت داده‌اند و در نتیجه مشخص نیست که کدام یک از متهمان به‌واقع مرتکب عمل مجرمانه شده‌اند. اقرار و اعترافات اجباری متهمان با اعمال فشار و آزار و اذیت از آن‌ها گرفته شده است. همان‌طور که پیام درافشان می‌گوید، به عنوان نمونه یکی از ضابطان پرونده (حفاظت اطلاعات نیروی هوایی ارتش) جوانی را در استان خوزستان بازداشت کرده است و شماری از اقدامات را - که پیش‌تر به چندین متهم نسبت داده شده بود - جداگانه به او نسبت داده‌اند و این جوان نیز در اثر فشارهای وارده به‌اجبار همه آن‌ها را پذیرفته است.

از سوی دیگر حتی با تکیه بر مستندات موجود در پرونده هم مشخص نیست عامل اصلی کشته شدن آرمان علی‌وردی چه کسی است و در نتیجه صدور حکم اعدام برای این سه متهم با قوانین قضایی جمهوری اسلامی مغایرت دارد.

پیام درافشان در این‌باره توضیح داده بود که در بخش کیفری پرونده نیز انتساب اتهام «مشارکت در قتل عمد» و تلاش برای اعمال ماده ۳۷۰ قانون مجازات اسلامی» از سوی محمد شهریاری مبنی بر اعمال مجازات قصاص برای متهمان هم دارای ایراد است. در همین زمینه با وجود اینکه پزشکی قانونی به‌صراحت در گزارش خود علت مرگ را ضربات به سر اعلام کرده است و در نتیجه بنا بر ماده ۳۶۸ قانون مجازات اسلامی، فقط افرادی که به سر ضربه زده‌اند به عنوان شریک در قتل شناخته می‌شوند، اما اساساً مشخص نیست که کدام یک از متهمان به کدام بخش از بدن بسجی جان‌باخته و با چه شدتی ضربه زده‌اند. از این‌رو بر اساس ماده ۴۷۹ قانون مجازات اسلامی، در چنین شرایطی به دلیل نامشخص‌بودن عمل ارتكابی متهمان، آن‌ها قانوناً به پرداخت دیه محکوم خواهند شد، نه مجازات قصاص.

یکی دیگر از ایرادهای پرونده اعتراف‌گیری اجباری و شهادت از متهمان علیه یکدیگر است. «دادبان» در این‌باره نوشته که ایراد دیگر در پرونده این است که عمده اعترافات اجباری متهمان نه اعتراف علیه خود که در واقع شهادت علیه یکدیگر است و به این شهادت‌ها بر خلاف قانون به عنوان دلیلی بر ارتكاب جرم استناد شده است. این اعترافات اجباری اخذشده از متهمان علیه یکدیگر در حالی است که از منظر حقوقی، قانونی و شرعی اقرار متهمان یک پرونده علیه یکدیگر دلیلی بر اثبات ارتكاب جرم توسط آن‌ها نیست.

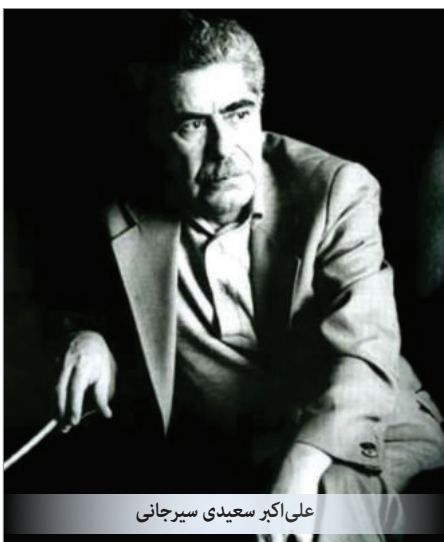
شهرک اکباتان یکی از بزرگترین شهرک‌های خاورمیانه واقع در غرب تهران با جمعیتی بیش از ۵۰ هزار نفر است که ساکنان آن در اعتراضات انقلاب ملی نقشی برجسته داشته‌اند. شهرک اکباتان از آغاز اعتراضات سال گذشته یکی از کانون‌های اعتراضات در پایتخت بود. ساکنان شهرک اکباتان تا امروز اعتراضات را زنده نگه داشته و حتی با وجود محدودیت‌های شدید امنیتی و انتظامی در شهرک، اگر امکان برگزاری تجمع را نداشتند با سر دادن شعارهای شبانه پایداری کردند.

بر اساس گزارش‌ها به جز شهروندانی که در پرونده کشته شدن آرمان علی‌وردی بازداشت شده‌اند، تعداد زیاد دیگری از ساکنان این شهرک در ماه‌های گذشته و در پی حملات وحشیانه نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

چه فکر می‌کرد، چه شد

خبراندیشی (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۰۵۹) خردادماه ۱۳۸۴



علی‌اکبر سعیدی سیرجانی

نظرات نویسنده از سوی روزنامه اطلاعات نیست بلکه هدف انعکاس نظرات اندیشمندان و صاحب‌نظران دردمندی است که علیرغم تمامی مشکلات، جلای وطن نکرده‌اند و همچنان به انقلاب وفا دار و موقعیت روزافزون آن را خواستارند.

و اینک سطوری چند از مقاله مفصل سعیدی سیرجانی، بعد از شنیدن سخنان حجت‌الاسلام رفسنجانی در آغاز نخستین دوره ریاست جمهوری ایشان:

«نطق دیروز آقای هاشمی رفسنجانی مرا تکان داد و یقین دارم در بسیاری از جماعت خاموشی گزیده یا به خاموشی کشیده همچو اثری داشته است. طنین سخن از صفا برخاسته این مرد هوشمند کویری درگوش ریا زده من چنان تأثیری کرد که خاموشی را گناه دانستم... نطق آقای هاشمی چون قطرات زلال باران در زمینه های گوناگون دلها اثرات متفاوتی داشت. بسیاری را به آینده مملکت امیدوار کرد و بسیاری را از آینده نومید. این جماعت نومیدان دار و دسته‌هایی مختلف و معدودند. در راس همه شیدانی هستند که سالهاست به برکت بازار آشفته به نوایی رسیده‌اند و آنهم چه نوایی. اینان قطعاً خاموش نخواهند نشست. اگر قرار شد نظمی در کارآید و ملت ایران به تساوی و عدالت از نعمات مملکت بهره‌گیرند... اگر قرار شد از تخصص و علم پاکیزه دامانان استفاده شود... اگر قرار شد بنا برحفظ کرامت انسانی باشد و از تجاوز به حریم مردم خودداری شود... تکلیف اینان چه خواهد شد؟ اینان قطعاً آرام نخواهند نشست... باری، سخنان ازدل برآمده هاشمی در جلسه تحلیف به دل من نشست و از آن مهمتر، آخرین جمله‌اش در نامه‌ای که برای معرفی وزیران به مجلس نوشته و نامی از اعتلای ایران برده بود. بعد از سالها می‌دیدم زمامدار مسئولی به فکر محدوده مسئولیتش افتاده است.»

یادآور می‌شویم که علی‌اکبر سعیدی سیرجانی در دوران ریاست جمهوری حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی ابتدا ممنوع‌القول، سپس ممنوع‌السفر و بالاخره بازداشت و زندانی شد و زنده از زندان بیرون نیامد.

شمر بن ذی‌الجوشن ضبابی پسرخاله حضرت ابوالفضل العباس برادر نانتی امام حسین و سپهسالار لشکر او بود. نوشته‌اند که قبل از شروع جنگ، ملاقاتی بین آندو صورت گرفته و شمر کوشیده است حضرت عباس را از برادرش جدا کند. حضرت عباس هم متقابلاً شمر را از جنگیدن با امام زینهار داده است.

می‌گویند در این ملاقات، حضرت عباس به شمر گفت تو می‌دانی به جنگ چه کسی آمده‌ای. گفت آری. گفت می‌دانی که حسین، پسر علی بن ابیطالب و نوه پیغمبر است. گفت البته که می‌دانم. گفت می‌دانی که او امام برحق است و یزید خلیفه غاصب؟ شمر به این طرف و آن طرف نگاهی افکند و چون مطمئن شد که کسی صدایش را نمی‌شنود جواب مثبت داد. حضرت پرسید پس چرا حق را به ناحق ترجیح داده‌ای و می‌خواهی به روی امام برحق شمشیر بکشی؟ جواب داد: به دلیل این که بچه‌ها خرج دارند! رئیس اتاق بازرگانی، برخلاف سنت و سابقه و باوجود آنکه قبلاً اعلام شده بود اتاق از کاندیدای معینی در انتخابات حمایت نمی‌کند، تغییر موضع داد و رسماً از حجت‌الاسلام والمسلمین رفسنجانی جانبداری کرد. دلیلش برکسی پوشیده نیست.

سرمایه داران داخلی و سرمایه‌گذاران خارجی رفسنجانی را ترجیح می‌دهند. دلیلش واضح است.

دلالتان سیاسی و دلالتان اقتصادی به رفسنجانی (۲) امید بسته‌اند. دلیلش این که از رفسنجانی (۱) خیر دیده‌اند.

گروهی از روزنامه نگاران و سیاسی‌نویسان پای علم رفسنجانی سینه می‌زنند. چه کنند؟ دولت اصلاح طلب و حکومت اصلاح طلبان نانشان را آجر کرد. بچه‌ها خرج دارند. در این میان، معدودی هم نان خودشان را می‌خورند و هلیم حاج اکبر را بهم می‌زنند با این خوشبینی ساده‌لوحانه که کاجی به از هیچی است و اگر کسی حریف این نابکاران باشد باز همین «اکبر» است.

روانش شاد علی‌اکبر سعیدی سیرجانی که او نیز درباره «رفسنجانی ۱» «برهمنی باور بود.

یکی از هموطنان لطف کرده و یادداشتی همراه با مقاله‌ای از شادروان سعیدی (بتاریخ ۲۶ مرداد ۱۳۶۸) فرستاده‌اند بدین مضمون:

«مطلبی به قلم شادروان سعیدی سیرجانی که در روزنامه اطلاعات وقت چاپ شده است درلایای کاغذهایم جلب نظر کرد. این مطلب را که آن روز به نظرم جالب آمده و در آرشو خود نگاه داشته‌ام به مناسبت اوضاع روز برایتان می‌فرستم تا اگر مقتضی دانستید استفاده کنید. چه فکر می‌کرد و چه شد! با عرض احترام...!، پژوهشگر».

مقاله مفصل است. نزدیک به چهارستون روزنامه. احساس خالص یک نویسنده پرشور و آرمانخواه. دریای موج امید. رؤیای تشنه‌ای مجذوب سراب. روزنامه اطلاعات در مقدمه کوتاهی برآن می‌نویسد:

«نوشته حاضر، مقاله ایست از آقای سعیدی سیرجانی، نویسنده سخن سنج و درد آشنا... که پس از انتشار بیانات پربر و مهم حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی در مراسم تحلیف رئیس‌جمهوری به رشته تحریر درآمده است.» و می‌افزاید: «بدیهی است درج مقاله به معنای تأیید تمامی

برنامه واگذاری کارخانجات دولتی به بخش خصوصی در ایران ۲۰ سال زودتر از دیگر نقاط جهان انجام شد

زمانی که در راه توسعه اقتصادی قدم گذاشتیم حتی آمار واردات و صادرات کشور را نداشتیم!

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از بهمن ماه ۱۳۸۰ تا مهرماه ۱۳۸۱ - از شماره ۸۹۲ تا ۹۲۳)

باز نشر

مقدمه

«بنیاد مطالعات ایران» هفتمین مجلد از مجموعه «توسعه و عمران ایران» را چاپ و منتشر کرد. این مجلد به خاطرات و ملاحظات دکتر علینقی عالیخانی وزیر بازرگانی و رئیس دانشگاه تهران در دوران قبل از انقلاب اختصاص دارد. ازین مجموعه، قبلاً گفتگو با عبدالرضا انصاری (آب و برق خوزستان) گفتگو با اکبر اعتماد (برنامه انرژی اتمی ایران) گفتگو با پرویز مینا (تحول صنعت نفت ایران) گفتگو با منوچهر گودرزی و خداداد فرمانفرمائیان و عبدالمجید مجیدی (برنامه ریزی عمرانی و تصمیم گیری سیاسی) گفتگو با محسن شیرازی (صنعت گاز ایران) گفتگو با باقر مستوفی (صنعت پتروشیمی ایران) انتشار یافته که گزیده‌هایی از هرکدام را خوانندگان ما در صفحه «خاطرات و تاریخ» ملاحظه کرده‌اند. غلامرضا افخمی که آرشيو تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات زیر نظر او قرار دارد در مقدمه‌ای بر «سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران» می‌نویسد:

«علینقی عالیخانی از ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۸ یعنی بیشترین سالهای دهه چهل شمسی، مسئولیت سیاستگذاری و اجرای سیاستهای اقتصادی کشور را به عهده داشته است. رابطه او با علم صمیمی، با منصور رسمی و با هویدا، اقلاً در سالهای اول، دوستانه بود... شاه همواره پشتیبان عالیخانی و نظرات او بود اما در همان حال، شاه و هویدا هر دو معتقد به اولویت رسالت دولت در توسعه اقتصادی بودند... تضاد میان نیازهای اقتصاد آزاد و الزامات سیاسی حکومت، تنش می‌آفرید و بر جو سیاسی اثر می‌گذاشت. این تنشها متدرجاً رابطه عالیخانی و هویدا را مشکل کرد و در نهایت منجر به استعفاي عالیخانی شد.»

ازین کتاب بخشهایی را برگزیده‌ایم که به تدریج می‌خوانید. طبق معمول کوشیده‌ایم مطالب را طوری تنظیم و تقسیم بندی کنیم که هر شماره تا حدود امکان مطلب مستقلی باشد.

● در لوایح ششگانه، ماده اول مربوط به قانون اصلاحات ارضی بود که قبلاً هم مطرح شده بود و یکی دو تا ماده که ارتباط به کار ما ندارد، مثل ماده پنجم که مربوط به تغییر قانون انتخابات و اعطای حق رأی به زنان است و نیز ماده مربوط به سپاه دانش. ولی سه مورد دیگر اینجا هست که یکی مربوط است به لایحه ملی کردن جنگلها، و دو تای دیگر مربوط به کارگران است، که مربوط به تقسیم سود سهام و فروش کارخانجات دولتی می‌شود. برداشت شما راجع به این دو سه مطلب چی بود؟

— هیچ ایرادی این کارها نداشت. البته سهیم شدن کارگران در سود کارخانجات بیشتر جنبه تبلیغاتی داشت و در عمل این سهیم شدن تبدیل شد به پرداخت يك ماه حقوق اضافی به کارگر، و هیچ نقش بزرگی بازی نکرد. چیزی که خیلی

مهمتر بود فروش کارخانجات بود، به خاطر اینکه شما در نظر بگیرید ما در ۱۳۴۱ و بعد ۴۲ هستیم که می‌شود ۱۹۶۳. آن چیزی که در دهه ۸۰ در جهان باب شد به نام Privatization، که به فارسی بسیار زشتی ترجمه شده «خصوصی سازی» این را ما ۲۰ سال زودتر در ایران انجام دادیم. رفتیم دنبال اینکه کارخانجات دولتی را به بخش خصوصی بفروشیم و این کار انجام شد. يك مقدار کارخانه‌ای هم که در فهرست فروش نبود، به وزارت اقتصاد آمد. چندتا از آنها را هم ما به تدریج فروختیم به بخش خصوصی. بنابراین ما با هیچ گونه مانعی روبرو نبودیم و نسبتاً آسان توانستیم این کارها را انجام بدهیم، البته يك دستگاهی درست کردیم به نام شرکت کارخانجات به مدیریت عامل مهندس محمد قره‌گزلو. چند نفر از آن مهندسان قدیمی کارکشته کارخانجات عضو هیئت



سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران

(بخش ۴)

خاطرات علینقی عالیخانی
ویراستار - دکتر غلامرضا افخمی

مدیره آنجا بودند، و آنها هم کارشان را در نهایت بی‌نظری انجام دادند. واقعاً در نهایت بی‌نظری.

● سئوالی که می‌کنم به این منظور است که شما وقتی که این مقام را قبول کردید و وزیر اقتصاد شدید بینشان نسبت به آینده با آنچه که در آن زمان شاه و علم مطرح کرده بودند تضاد خاصی نداشت؟ یعنی شما در همان قالب فکر می‌کردید؟

— هیچ نوع اندیشه مشخصی در میان نبود که درباره‌اش گفتگو بکنیم. امکانش هم وجود نداشت. به دلیل اینکه، امروز تعجب ممکن است بکنید. ما داده‌های اولیه کار خودمان را که نداشتیم. همه صحبت‌هایی که می‌کردیم کلی بود، بر اساس تصویری که داشتیم کار می‌کردیم. شما در نظر بگیرید، من وقتی که رفتم به وزارت اقتصاد، همانطور که حضورتان عرض کردم، از اولین کارهایی این بود که مقررات صادرات و واردات را تنظیم بکنم و آن را یکی از عملهای اصلی مبارزه با رکود قرار بدهم. روبرو شدم با اینکه ما آمار واردات و صادرات کشور را نداریم. آخرین آماری که ما در اسفند ۱۳۴۱ داشتیم مال ۱۳۳۶ بود. مال ۵ سال پیش. شما چگونه می‌خواهید با يك چنین آماری بگوئید که من چه دارم وارد می‌کنم و چه دارم صادر می‌کنم و چه قلمهائی غیرضروری است و می‌توان از وارداتش صرفنظر کرد و کدامها ارز زیادی می‌برند و بی‌فایده هستند و کدامها ارز زیاد یا کم می‌برند ولی سودمندند، یعنی آمار بازرگانی‌تان برابر بود با يك صفر بسیار بزرگ. بقیه چیزها هم همین‌طور. راجع به بازرگانی داخلی کشور هیچ گونه اطلاعی نداشتیم، اینکه مثلاً موجودی کارخانجات (inven-tory) چقدر است. این اطلاعات در تصمیم‌گیری اقتصادی نقش بزرگی را بازی می‌کند. اتفاقاً رکود ما، رکود تیبیکی بود، که اگر بخواهیم به اصطلاح انگلیسی بگوئیم (recession) بیشتر بود تا (crisis) «بحران»، چون بیشتر طبقه بازرگانان را تحت تأثیر قرار داده بود، و صنعت محدود ما به



سخنرانی علینقی عالیخانی، وزیر اقتصاد در کنفرانس اقتصادی (اسفند ۱۳۴۱)

پینه داشت می‌دادم و اینها دنبال کار می‌رفتند. هم برای اینکه کمک بکنند برای تشکیل کنفرانس اقتصادی و در مدتی که کنفرانس ادامه داشت در جلسه‌های کمیسیونهای مختلف باشند، و هم برای بررسیهای دیگر.

● مثلاً جمشید بهنام را برای کارهای جامعه شناختی...؟

– جمشید بهنام در مرحله اول، مثل بقیه کارشناسانی که در اختیار داشتیم، هر نوع کاری که پیش می‌آمد و ممکن بود که بتواند انجام بدهد دنبالش می‌رفت. بهنام در مؤسسه علوم اجتماعی بود. درس می‌داد و در ضمن هم اصولاً خود مؤسسه با من نزدیکی زیادی داشت، برای اینکه احسان نراقی را سالها می‌شناختم. اتفاقاً همان روزهای اولی که آنجا بودم احسان به دیدن من آمد. گفتم دنبال يك نفر می‌گردم که دفترم را اداره بکند و خیالم راحت باشد و به او اعتماد داشته باشم. او به من یادآوری کرد که يك جوانی است به نام ایرج علومی و او خیلی خوب است. من البته در شورایی عالی اقتصاد علومی را دیده بودم، ولی آشنائی چندانی با او نداشتم. این شخص نه فقط در نهایت صمیمیت با من کار کرد، بلکه وقتی که از وزارت اقتصاد به دانشگاه تهران رفتم او را همراه خودم بردم و بعد هم شد معاون وزارت بازرگانی و استانداری سمنان و غیره. جوان فوق‌العاده لایقی بود و هنوز هم اگرچه بالای شصت سال سن دارد، از نظر من جوان است. از همکاران فوق‌العاده خوب من بود. اینها را به تدریج شناختم و در ضمن هم می‌بایست شروع بکنم به شناخت کسانی که در دستگاههای دیگر با آنها کار می‌کردم. از همه مهمتر بانک مرکزی، وزارت دارائی، و سازمان برنامه بود. وزیر دارائی بهنیا بود که مرد فوق‌العاده جالبی بود ولی طرز فکرش در مورد مسائل اقتصادی خیلی قدیمی بود، خیلی سنتی. برخورد خاصی هم با او نداشتم، چون چند ماه بعد از اینکه من آمدم او به تدریج از کار کناره‌گیری کرد. بهنیا تصمیمش را گرفته بود که برود به بخش خصوصی. او بعد به بانک اعتبارات ایران رفت و گمان می‌کنم رئیس هیئت مدیره بود. کتاب زیاد می‌خواند و کسی بود که درباره خیلی مسائل می‌شد با او صحبت کرد، ولی از نقطه نظر مسائل مالی و اقتصادی واقعاً سبک کم و بیش سنتی و قدیمی داشت.

● بهنیا در دوران امینی وزیر دارائی بود. تا آن جایی که من شنیدم به دلیل مخالفتش با اصلاحات ارضی استعفا کرده بود و بعد دوباره در زمان علم وزیر دارائی شده بود. شما، چه طور بگویم، مسئله ایدئولوژیکی با او نداشتم؟

– نه. برای اینکه کار از این حرفها از نظر خود او هم دیگر گذشته بود و خودش هم می‌دانست که دیگر نمی‌خواهد آنجا بماند. او، مثلاً به بانک مرکزی هم اعتقاد نداشت. می‌گفت همان بانک ملی بود و کارش را می‌کرد، چه لزومی دارد بانک مرکزی درست کنیم. یعنی يك نوع شکاف فکری خیلی عمیقی بین او و طبقه تازه‌ای که در ایران داشت سر کار می‌آمد وجود داشت. چه با کسانی که در آن زمان به آنها می‌گفتند آمریکا رفته‌ها یا کسانی مثل من. زبانی که ما صحبت می‌کردیم با زبان او فرق داشت. ولی آدم با او اطلاع، با فرهنگ، و بسیار دلپذیر و خوبی بود و شخصاً با او تماس خوبی داشتم. تنها گرفتاری که در آن اوائل پیدا کرده بودم این بود که کسانی که از طرف وزارت دارائی می‌آمدند به عنوان ذبحساب وزارتخانه سعی می‌کردند که همکاری را بگویند که نمی‌شود، تا اینکه وزیر بیايد، بگوید که خوب آقای ذبحساب از شما خواهش می‌کنم راه حلی پیدا کنید و بعد ایشان این افتخار را بدهند به وزیر که کار را برایش درست انجام بدهند، که آن هم مطلقاً مطابق سلیقه من نبود. من با تندی خیلی زیادی کسی را که مدتها همه کارها را در وزارت صنایع فلج کرده بود و بعد شده بود ←

تصمیم گرفتیم در مرحله اول به معاون صنعتی خودم، که می‌بایست در قسمت صنعتی این وزارتخانه باشد، دست نزنم، که دکتر امیرعلی شیبانی بود. ولی به معاون اداری که در آنجا بود و بعداً از همکاران بسیار ارجمند و عزیز من شد، دکتر عبدالمجید ذهبی، احتیاج نداشتم. به خاطر اینکه با آمدن کیانپور کار گمرک و امور اداری را یکجا دست کیانپور سپرده بودم.

● این اقدامات چقدر بعد از انتصاب شما به وزارت انجام گرفت؟

– همان هفته اول. در ضمن دکتر احمد ضیائی را آوردم برای امور بازرگانی. پس در این موقع من دو معاون تازه داشتم که در قسمت بازرگانی و گمرک و اداری کار می‌کردند و یکی هم معاون صنعتی. این پایه اول بود. البته از همان اول کار با نبودن آمار و اطلاعات و همچنین نبودن يك مرکزی که تحقیقات اقتصادی را بکند کاملاً برایم روشن بود که من احتیاج به يك معاون چهارم دارم که صرفاً مسئول قسمت بررسیهای اقتصادی بشود ولی این مدتی وقت می‌گرفت تا بتوانم شخص مناسبی را پیدا بکنم و این کار را راه بیندازم.

● آیا وزارت بازرگانی معاونین دیگری هم داشت؟

– وزارت بازرگانی در آن زمان سه معاون داشت. من ناچار شدم همان روز اول، خیلی هم کار ناراحت کننده‌ای بود، رسماً عذر هر سه تایشان را بخواهم. همان طور که عرض کردم، در قسمت صنعتی هم به معاون اداری وزارت صنایع،



محمدصفی اصفیاء

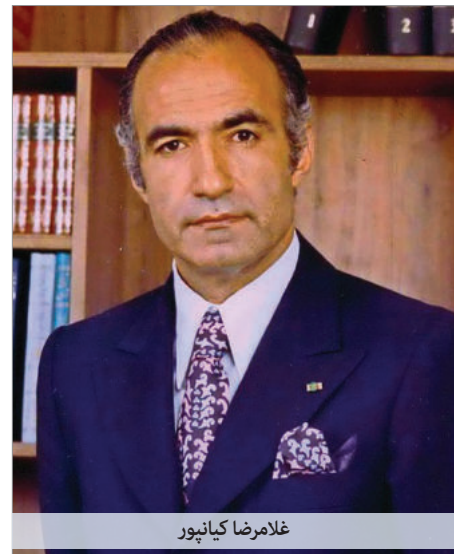
دکتر ذهبی گفتم برای او کار دیگری در نظر دارم، چون همه جا از او خیلی خوب شنیده بودم. بعد هم ثابت کرد که فوق‌العاده مرد لایقی است. چند وقت بعد او را گذاشتم رئیس شرکت فرش و واقعاً این مرد شرکت فرش را زنده کرد. یعنی کاری که دکتر ذهبی کرد به تنهایی ارزش این را دارد که در باره‌اش گفتگو و مطالعه بشود. مرد فوق‌العاده خدمتگزار بود و هست. خداوند عمرش را دراز بکند. کیانپور و ضیائی، همانطور که عرض کردم، از سازمان برنامه آمده بودند. به عنوان مدیرکل بازرگانی هم دکتر رکن‌الدین تهرانی را گذاشتم که از شورایی عالی اقتصاد آمده بود و گروه دیگری از کسانی که در دبیرخانه شورایی عالی اقتصاد در آن زمان با من همکاری می‌کردند، که همه‌شان را از سالیان پیش می‌شناختم: دکتر محمدعلی مولوی، دکتر جمشید بهنام، و چند نفر دیگر که اسمهایشان را شاید کمتر کسی می‌شناسد ولی در نهایت صمیمیت و کفایت با من همکاری کردند. به هرکدام مأموریتهایی که در حقیقت حالت وصله

→ خاطر رکود بازرگانی دچار رکود شده بود. در نتیجه، برای مبارزه با این رکود که ما در کشور داشتیم، یکی از اطلاعاتی که انسان باید داشته باشد این بود که ما چقدر موجودی داریم، اما کسی نمی‌دانست. نه فقط ما در اشل کشور نمی‌دانستیم. بازرگانهای صاحب صنعت ما در اشل شرکت خودشان نمی‌دانستند. واقعاً اقتصاد ما يك حالت ابتدائی داشت. بنابراین با این شرایط ما باید می‌رفتیم به جنگ اینکه مثلاً کارخانه‌ها را بیاییم خصوصی بکنیم، با چه شکلی مقررات صادرات و واردات کشور را تنظیم بکنیم. از این نوع مسائل زیاد داشتیم.

سازماندهی وزارت اقتصاد

● برای اینکه با مسائلی که روبرو می‌شدید بتوانید به صورت کارآمدی مواجه بشوید چه نوع تشکیلاتی را در نظر گرفتید؟ یعنی چطور این دو وزارتخانه را که یکی وزارت بازرگانی و دیگری وزارت صنایع و معادن بود، با هم ادغام کردید؟ در واقع، با چه نوع برداشت سازماندهی و مدیریت با این دو وزارتخانه مواجه شدید؟

– من در مورد وزارت بازرگانی نسبتاً آشنائی بیشتری داشتم به خاطر اینکه از راه دبیرخانه شورایی عالی اقتصاد با وزیرهای بازرگانی برخورد کرده بودم. بعضی‌هایشان را خیلی خوب می‌شناختم. از این گذشته، وقتی که به این وزارتخانه نوپا رفتم با دوستان خودم که پیش از آن در دبیرخانه شورا و کارشناسان اقتصادی بودند و دولت امینی،



غلامرضا کیانپور

پس از انحلال دبیرخانه، آنها را منتقل کرده بود به وزارت بازرگانی روبرو شدم. از آنها می‌توانستم برای کارهای جاری و فوری درخواست همکاری بکنم تا بعد تصمیم بگیرم که به کدام يك از آنها احتیاج دارم و در چه کاری، و کدام‌ایشان می‌توانند کار دیگری بکنند. از این گذشته، به خاطر کار مشاوره‌ای که در اتاق بازرگانی تهران انجام می‌دادم عملاً مسئولان وزارت بازرگانی را دیده بودم. از يك طرف آشنائی داشتم با کارشان؛ از طرف دیگر می‌توانستم بدانم بخش خصوصی، بازرگان یا صاحب صنعت، چه توقعی از اینها دارد، اینها چه دیدی نسبت به بخش خصوصی دارند، احياناً چه نوع کارهایی دستگاه دولتی بکند درست است و کدام خطا است، و حتی از نقطه نظر اخلاقی قابل ایراد است. با این طور مسائل آشنائی داشتم. ولی در قسمت صنعتی آشنائی من فوق‌العاده کم بود. یکی دو مرتبه در اتاق بازرگانی مدیرکل‌های صنعتی و معدنی وزارت صنایع آن زمان را دیده بودم، اما آشنائی چندانی نداشتم. در نتیجه

شصتمین کنفرانس امنیتی مونیخ؛ اولاف شولتز: «رژیم ایران از جنگ غزه سوء استفاده می‌کند»



سخنرانی اولاف شولتز صداعظم آلمان در کنفرانس مونیخ ۲۰۲۴

با جمهوری اسلامی برای تحت فشار گذاشتن یمنی‌ها در توقف حملات آنها علیه کشتی‌ها در دریای سرخ استفاده کند.

برگزارکنندگان کنفرانس مونیخ در گزارشی نوشتند «خطر تهدیدات رژیم ایران در شاخص ریسک بین کشورهای G7 افزایش چشمگیری داشته است.»

کنفرانس امنیتی مونیخ برای دومین سال پیاپی از دعوت مقامات و نمایندگان جمهوری اسلامی و روسیه خودداری کرده است. رژیم ایران علاوه بر سرکوب مردم در جنگ علیه اوکراین از روسیه پشتیبانی می‌کند.

امسال نیز شماری از فعالان سیاسی و مدنی ایرانی به همراه تعدادی از آسیب‌دیدگان اعتراضات سراسری در کشور در کنفرانس مونیخ شرکت کردند.

فوریه سال ۲۰۲۳ به دعوت برگزارکنندگان، شاهزاده رضا پهلوی در کنفرانس مونیخ حاضر شده بود. وی در جلسه مشترک با سناتور رابرت مندز رئیس کمیته روابط خارجی سنای آمریکا و هانا نیومن عضو پارلمان اروپا خواستار قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی اروپا شد و هشدار داده بود که مداخلات رژیم ایران تبعات جبران‌ناپذیری برای دولت‌های غربی خواهد داشت. کمتر از یک سال پس از این هشدار که همواره از سوی این سرشناس‌ترین شخصیت مخالف جمهوری اسلامی تکرار شده، امنیت خاورمیانه و جهان بیش از هر زمانی طی ده‌های اخیر در معرض تهدیدات جدی قرار گرفته بطوری که برخی تحلیلگران و سیاستمداران از احتمال وقوع جنگ جهانی سوم صحبت کرده‌اند.

با اینکه شایعه شده بود مقامات اسرائیل به این کنفرانس دعوت نشده‌اند اما اسحاق هرتزوغ رئیس جمهوری اسرائیل و یسرایل کاتز وزیر خارجه این کشور در کنفرانس مونیخ حضور دارند.

● کامالا هریس معاون رئیس جمهوری آمریکا که یکی از سخنرانان مراسم افتتاحیه کنفرانس مونیخ بود با اشاره به «افزایش بی‌ثباتی و درگیری در خاورمیانه، تجاوز روسیه به اوکراین، تلاش‌های چین برای تغییر شکل نظم بین‌المللی و بحران غزه» گفت، «همه اینها در حال است که ما همچنین برای مقابله با خصومت [رژیم] ایران و نیروهای نیابتی آن، جلوگیری از تشدید تنش در منطقه و ارتقای یکپارچگی منطقه‌ای تلاش می‌کنیم.»

● اولاف شولتز صدر اعظم آلمان در سخنرانی افتتاحیه کنفرانس امنیتی مونیخ هشدار داد که رژیم ایران از طریق جنگ غزه سعی دارد از فرصت استفاده کند تا نفوذ خود را در منطقه افزایش دهد.

● دیوید کامرون وزیر خارجه بریتانیا در دیدار با وزیر خارجه چین از وی خواست تا پکن از نفوذ خود بر تهران برای اعمال فشار به حوثی‌ها استفاده کند تا حملات به کشتی‌ها در دریای سرخ متوقف شود.

همزمان با ادامه درگیری‌ها در خاورمیانه و در آستانه سومین سالگرد حمله روسیه به اوکراین، شصتمین کنفرانس امنیتی مونیخ از روز جمعه ۱۶ فوریه (۲۷ بهمن‌ماه) به مدت سه روز با حضور مقامات و نمایندگان حدود ۱۸۰ کشور آغاز شد.

محور این کنفرانس و کارگروه‌های جانبی آن اغلب مربوط به مسائلی از جمله جنگ غزه و بحران خاورمیانه، به خطر افتادن امنیت تجارت آزاد در دریای سرخ، نحوه ادامه حمایت‌ها از اوکراین در مقابل تجاوز نظامی روسیه و تهدیدات احتمالی علیه اروپا بود. این در حالیست که همان نخستین روز این کنفرانس امنیتی تحت تأثیر مرگ مشکوک آلکسی ناولنی سرشناس‌ترین مخالف ولادیمیر پوتین قرار گرفت.

کامالا هریس معاون رئیس جمهوری آمریکا که یکی از سخنرانان مراسم افتتاحیه این کنفرانس بود با اشاره به «افزایش بی‌ثباتی و درگیری در خاورمیانه، تجاوز روسیه به اوکراین، تلاش‌های چین برای تغییر شکل نظم بین‌المللی و بحران غزه» گفت، «همه اینها در حال است که ما همچنین برای مقابله با خصومت [رژیم] ایران و نیروهای نیابتی آن، جلوگیری از تشدید تنش در منطقه و ارتقای یکپارچگی منطقه‌ای تلاش می‌کنیم.»

اولاف شولتز صدر اعظم آلمان نیز در سخنرانی افتتاحیه کنفرانس امنیتی مونیخ هشدار داد که رژیم ایران از طریق جنگ غزه سعی دارد از فرصت استفاده کند و نفوذ خود را در منطقه افزایش دهد.

وی همچنین به ادامه ارسال سلاح توسط جمهوری اسلامی به روسیه به عنوان تهدیدی مضاعف علیه اوکراین و اروپا هشدار داد.

یکی از سخنرانان مراسم افتتاحیه ولودیمیر زلینسکی رئیس جمهوری اوکراین بود که گفت: «اوکراین کاری کرد تا روسیه مجبور شود از ایران تا کره شمالی درخواست کمک کند.»

در همین حال دیوید کامرون وزیر خارجه انگلیس در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ با وانگ یی همتای چینی خود دیدار کرد. به گزارش «اکسپرس» در این دیدار کامرون از همتای خود خواست تا از نفوذ خود در ارتباط

➔ ذیحساب کل دستگاه، از دستگاه راندم، و با وزیر دارائی قرار گذاشتم که کسی که می‌آید باید دستوری را که می‌دهم انجام بدهد، البته طبق مقررات بودجه، ولی حوصله این را ندارم که چک و چانه بزنم. یکی از اقدامات اساسی هویدا به عنوان وزیر دارائی این بود که گفت ذیحساب کسی است که باید در اختیار وزیر باشد، نه اینکه خیال کند چون نماینده وزارت دارائی است و کیسه پول دستش هست، حق دارد که هر کاری دلش می‌خواهد بکند. به‌هرحال، با بهنیا زیاد حرفی نداشتم.

در بانک مرکزی دکتر پورهمایون رئیس بانک مرکزی بود که اصلاً نمی‌دانست چه خبر است. یعنی حتی نفهمید که تثبیت اقتصادی که بانک مرکزی عامل اصلیش بود چیست.

● بانک مرکزی تازه تأسیس شده بود؟

— بله، تازه تأسیس شده بود. مرحوم کاشانی که از صاحب منصبان قدیمی بانک ملی و مرد کارگشته‌ای بود در دوره‌ای آن را اداره کرده بود و مرحله اول کار بانک مرکزی را راه انداخته بود. ولی بعد پورهمایون آمد که اصلاً وارد نبود. اما، خوشبختانه، دکتر رضا مقدم را به عنوان قائم مقام خودش گذاشته بود و این مرد با نهایت کفایت آنجا کار می‌کرد. علم در آن زمان دنبال این می‌گشت که کسی را پیدا بکند که رئیس بانک مرکزی بشود و هم چنین کسی هم به عنوان قائم مقام بیاید، چون مقدم نمی‌خواست بماند، و خیلی زود هم رفت. در سازمان برنامه اصفیا بود. بعضی وقتها در زندگی پیش می‌آید که شما با یک نفر روبرو می‌شوید خیال می‌کنید هزار سال است که او را می‌شناسید، و در همان حال آدمهایی هستند که همیشه می‌شناختید، ولی هیچگاه برایتان مطرح نیستند. رابطه من با اصفیا یک چنین حالتی را پیدا کرده بود. او هم بعداً شنیدم، خیلی با تعجب که پشت سر من گفته بود که حرفها و نظریات مرا می‌پسندد. خلاصه خیلی زود با هم تفاهم پیدا کردیم. با کارشناسان سازمان برنامه هم...

● اصفیا هم تازه مدیر عامل سازمان برنامه شده بود؟

— یک سالی بود. بعد هم اینکه من ضیائی و کیانپور را، که هر دو از کارمندان درخشان و در حال بالا رفتن سازمان برنامه بودند، آوردم به وزارت اقتصاد، خیلی اثر روی بقیه گذاشته بود که چطور این دو نفر را انتخاب کردم. در نتیجه، یکی از گروههایی که در همان هفته‌ها و ماههای اول درخواست کردند که می‌خواهند با من ناهار بخورند و بعد هم برایشان صحبت بکنم کارشناسان سازمان برنامه بودند. بنابراین یک همکاری خیلی نزدیک با همه آنها پیدا کرده بودم. اصفیا هم در مدت خیلی کوتاه تبدیل شد نه فقط به یک همکار خیلی عزیز بلکه دوست خیلی عزیزی که فوق‌العاده مورد احترام من بود. این، دوستی خیلی مؤثر بود در تسهیل نظر و فکر و انجام کارها.

با دستگاههای دیگر زیاد گرفتاری نداشتم. اصولاً به شما بگویم، کسانی که ناله می‌کنند که ما می‌خواستیم چنین و چنان بکنیم ولی نگذاشتند، علتش این است که خودشان هم نمی‌دانستند که چه می‌خواهند. اگر انسان برای خودش روشن باشد که چه می‌خواهد و بتواند آن چیزی را که می‌خواهد به روشنی بیان بکند و به عبارت دیگر، صورت مسئله را درست بنویسد، خیلی آسان می‌تواند با دیگران راه بیاید. این را من همیشه در تجربه خود دیده‌ام. بنابراین، به حرف کسانی که می‌گویند من می‌خواستم چنین و چنان بکنم اما نشد زیاد اعتقاد ندارم. منظورم این نیست که شما هر کاری که دلتان بخواهد می‌توانید بکنید، ولی اصولاً مقدار زیادی کار می‌شود انجام داد. بشرط اینکه خوب روشن کرده باشید برای شخص خودتان که راجع به چه حرف می‌زنید. من همیشه گفته‌ام که نوشتن صورت مسئله سخت‌ترین قسمت برنامه است؛ حل مسئله کاری ندارد. (ادامه دارد)

نیویورک تایمز: انفجارها در خطوط لوله گاز ایران و «قلعه حسن خان» پیام هشدار اسرائیل به جمهوری اسلامی بود



عکس: خبرگزاری برنا

تصاویری از عملیات ترمیم این خط لوله منتشر شده است. بطور دقیق مشخص نیست عملیات خرابکاری در خطوط لوله فشار قوی با پمپاژ صورت گرفت یا از طریق مواد منفجره و مپ گذاری اما برخی منابع غیررسمی تلگرامی که اخبار و گزارش‌های مربوط به سپاه پاسداران را پوشش می‌دهند ادعا کردند انفجارها در خط لوله گاز با جاسازی مواد منفجره زیر لوله‌ها و فشار چاشنی از راه دور صورت گرفته است. یک روز پس از قطع جریان گاز در چندین استان ایران، انفجاری مهیب در جنوب غربی تهران در حوالی زاغه مهمات نظامی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به وقوع پیوست. در شرایطی که منابع امنیتی به نیویورک تایمز گفته‌اند این انفجار نیز کار اسرائیل بوده، فرماندار قلعه حسن خان (شهرقدس) مدعی شد این انفجار مربوط به «مسائل امنیتی» نبود و حادثه ناشی از وقوع حریق در مخازن شیمیایی یک شرکت خصوصی تولید مواد شیمیایی بوده است. معمولاً هربار بعد از اقدامات اسرائیل علیه عوامل سپاه پاسداران یا تأسیسات داخلی ایران، کارزار «انتقام سخت» راه می‌افتد و هواداران نظام و مسئولان درباره تلافی به رجزخوانی می‌پرداختند اما در مورد انفجارهای اخیر آنها فعلاً سکوت را ترجیح داده‌اند. روح‌الله ایزدخواه، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی با اشاره به انفجارها در خط لوله گاز، گفته بود که «زیرساخت‌های اقتصادی کشور به شدت قوی است و با انفجار یک خط انتقال گاز اتفاقی در کشور نخواهد افتاد.» وی ادعا کرد، «دشمنان نمی‌توانند با این ترقه بازی‌ها ضربه‌ای به کشور وارد کنند.»

تشدید یابد و آغازگر درگیری‌های جدیدی در منطقه باشد. دفتر بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل از اظهار نظر در اینباره خودداری کرده است. سعید عقلی مدیر دیسپچینگ شرکت گاز، ۲۶ بهمن‌ماه با اشاره به انفجار خطوط انتقال



گاز سراسری که بامداد چهارشنبه ۲۵ بهمن‌ماه رخ داد، گفته بود «این عملیات خرابکارانه تروریستی به قصد حذف ۴۰ درصد انتقال گاز کشور بود، در شرایطی که بیش از ۷۰ درصد مصرف گاز در بخش خانگی است.» این خرابکاری دست‌کم در دو نقطه در امتداد دو خط لوله اصلی گاز در استان‌های فارس و چهارمحال بختیاری سبب قطع جریان انتقال گاز جنوب به شمال و موجب اختلال در شبکه گاز شش استان شد. در رسانه‌های داخلی ایران

● روزنامه «نیویورک تایمز» در گزارشی که ۱۶ فوریه (۲۷ بهمن‌ماه) منتشر شد به نقل از مقامات امنیتی غربی و منابع وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ادعا کرد اسرائیل پشت انفجارها در خط لوله گاز در ایران بوده است. این منابع همچنین گفتند آتش‌سوزی در تأسیسات شیمیایی «قلعه حسن خان» نیز کار اسرائیل بود. ● به گفته این منابع، تدارک این عملیات خرابکارانه نیاز به اطلاعات گسترده‌ای درباره زیرساخت‌های ایران دارد. یکی از دو مقام غربی گفته این انفجارها قرار بود «حمله‌ای نمادین» (زنگ هشدار) توسط اسرائیل در ارتباط با شرایط آشفته منطقه باشد و تعمیر آن سخت نباشد و خسارات زیادی به شهروندان غیرنظامی تحمیل نکند اما این حملات می‌تواند تشدید یابد و آغازگر درگیری‌های جدیدی در منطقه باشد.

روزنامه «نیویورک تایمز» در گزارشی که ۱۶ فوریه (۲۷ بهمن‌ماه) منتشر شد به نقل از مقامات امنیتی غربی و منابع وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ادعا کرد اسرائیل پشت انفجارها در خط لوله گاز در ایران بوده است. این منابع همچنین گفتند آتش‌سوزی در تأسیسات شیمیایی «قلعه حسن خان» نیز کار اسرائیل بود.

در این گزارش که یکی از نویسندگان آن فرناز فصیحی است آمده عملیات اخیر تشدید «جنگ سایه» بین جمهوری اسلامی و اسرائیل است که در جبهه‌های مختلف از طریق حملات سایبری، زمینی، هوایی یا دریایی در آن درگیر هستند. تشدید موضوعی که این گزارش به نقل از مقامات و تحلیلگران به آن اشاره می‌کند، ضربه زدن به بخشی از زیرساخت‌های انرژی ایران است که «صنایع، کارخانه‌ها و میلیون‌ها غیرنظامی به آن متکی هستند.»

مدت‌هاست که اسرائیل سایت‌های نظامی و هسته‌ای در داخل ایران را هدف قرار می‌دهد و دانشمندان و فرماندهان اتمی و موشکی رژیم ایران را در داخل و خارج کشور ترور می‌کند. اسرائیل همچنین حملات سایبری را برای از کار انداختن سرورهای متعلق به وزارت نفت انجام داده است که باعث اختلال در فعالیت پمپ‌بنزین‌ها در سراسر ایران شد. وزیر نفت جمهوری اسلامی به رسانه‌های داخلی گفته بود هر کسی که حمله کرده بود قصد داشت جریان گاز به استان‌ها و شهرهای ایران را مختل کند، اما با صراحت از گروه یا کشوری به عنوان مقصر نام نبرد.

به گفته مقامات و تحلیلگران، انفجار بخشی از زیرساخت‌های انرژی کشور که صنایع، کارخانه‌ها و میلیون‌ها غیرنظامی به آن متکی هستند، تشدید جنگی پنهان را نشان می‌دهد که به نظر می‌رسد مرزهای جدیدی را باز می‌کند. به گفته این منابع، تدارک این عملیات خرابکارانه نیاز به اطلاعات گسترده‌ای درباره زیرساخت‌های ایران دارد. یکی از دو مقام غربی گفته این انفجارها قرار بود «حمله‌ای نمادین» (زنگ هشدار) توسط اسرائیل در ارتباط با شرایط آشفته منطقه باشد و تعمیر آن سخت نباشد و خسارات زیادی به شهروندان غیرنظامی تحمیل نکند اما این حملات می‌تواند

ادعای غیرواقعی رویترز: توقف حملات گروه‌های نیابتی به نیروهای آمریکایی به درخواست اسماعیل قآنی!



اسماعیل قآنی فرمانده نیروهای قدس سپاه پاسداران

جمهوری اسلامی را گستاختر کند. یکی دیگر از مقامات آمریکایی با اشاره به «نقش [رژیم] ایران در کاهش حملات» گفته «روشن نیست که آیا این آرامش ادامه خواهد داشت یا نه.»

یک مقام ارشد آمریکایی با اشاره به اینکه تنها چند نفر پس از حمله خمپاره‌ای در دسامبر به سفارت آمریکا در بغداد دستگیر شدند، گفت: «ما باید شاهد اقدامات بیشتری توسط عراق برای کنترل شبه‌نظامیان باشیم.»

این منبع ارشد امنیتی عراق گفت، با افزایش احتمال واکنش آمریکا نسبت به حمله پهبادی علیه نیروهای آمریکایی در اردن، قآنی «به دلایل امنیتی شدید و ترس از امنیت خودش» به سرعت به عراق سفر کرد و از فرودگاه بغداد نیز خارج نشد.

خبرگزار دولتی روسیه «اسپوتنیک» نیز همسو با رویترز ادعا کرد که «ایران از جنبش‌های خاورمیانه خواست به تحریک آمریکا دست نزنند!»

اما بررسی‌ها نشان می‌دهد ادعای رویترز و اسپوتنیک در مورد توقف حملات شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی به پایگاه‌های آمریکا در منطقه صحت ندارد. طی این مدت دست کم سه مرتبه به پایگاه‌های آمریکا در منطقه حمله شده است.

روز ۱۶ بهمن‌ماه هفت عضو گروه «نیروهای دموکراتیک سوریه» (قسد) در حمله‌ای پهبادی به پایگاه آمریکایی در دیرالزور سوریه کشته شدند. گروه «مقاومت اسلامی در عراق» مسئولیت این حمله را به عهده گرفت.

همچنین پایگاه آمریکایی‌ها در روستای «الخرضا» در نزدیکی میدان نفتی «العمر» در شرق دیرالزور ۲۷ بهمن‌ماه هدف حملات راکتی قرار گرفت. دو شب قبل از آن (۲۵ بهمن‌ماه) نیز پایگاه نظامیان آمریکایی در شرق سوریه هدف موشک قرار گرفته بود.

برای اظهار نظر درباره این ماجرا پاسخی ندادند. «اینکه رویترز قرار بوده از چه طریقی با آنها ارتباط بگیرد تا نظر رسمی قآنی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را دریافت کند مشخص نیست!

نویسندگان این گزارش همچنین نوشته‌اند «کتابت حزب‌الله و یک گروه دیگر برای اظهار نظر در دسترس نیستند و کاخ سفید و پنتاگون نیز فوراً پاسخی ندادند.»

رویترز مدعی شده برای نوشتن این گزارش با «سه مقام ایرانی، یک مقام ارشد امنیتی عراق، سه سیاستمدار شیعه عراقی، چهار منبع در گروه‌های مسلح عراقی مورد حمایت ایران و چهار دیپلمات متمرکز در عراق گفتگو کرده است.»

این خبرگزاری در بخش دیگری نوشته «موفقیت آشکار این دیدار، نفوذ [رژیم] ایران بر گروه‌های مسلح عراقی را برجسته می‌کند؛ گروه‌هایی که به تناوب بین ایجاد فشار و کاهش تنش‌ها برای پیشبرد هدف خود جهت بیرون راندن نیروهای آمریکایی از عراق تغییر می‌کنند.»

پنج منبع گفتند که دولت بغداد در تلاش است تا از تبدیل شدن مجدد این کشور به میدان جنگ برای قدرت‌های خارجی جلوگیری کند و از جمهوری اسلامی ایران خواسته است تا پس از حمله اردن به مهار گروه‌ها کمک کند.

فرهاد علاءالدین مشاور امور خارجه سودانی (نخست وزیر عراق) به رویترز گفت: «محمد شیعه سودانی با همه طرفین مرتبط در داخل و خارج از عراق کار کرده و به آنها هشدار داده است که تشدید تنش عراق و منطقه را بی‌ثبات می‌کند.»

ادعا شده چندین حزب و گروه مسلح همسو با جمهوری اسلامی در عراق به رویترز گفته‌اند «گفتگو را بجای حمله برای پایان دادن به حضور نیروهای آمریکایی ترجیح می‌دهند.» واشنگتن تمایلی به مذاکره در مورد تغییر موضع نظامی خود در زیر آتش نشان نداده زیرا نگران است که

● خبرگزاری «رویترز» در گزارشی به نقل از «منابع ایرانی و عراقی متعدد» ادعا کرده سفر اسماعیل قآنی فرمانده نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به بغداد منجر به توقف حملات پهبادی و راکتی به نیروهای آمریکایی توسط گروه‌های شبه‌نظامی شده است!

● این منابع گفته‌اند که به شبه‌نظامیان گفته شده باید برای جلوگیری از حملات آمریکا به فرماندهان ارشد این گروه‌ها، تخریب زیرساخت‌های استراتژیک یا حتا انتقامجویی مستقیم علیه [رژیم] ایران دست از حملات بردارند.

● یکی دیگر از مقامات آمریکایی با اشاره به «نقش [رژیم] ایران در کاهش حملات» گفته «روشن نیست که آیا این آرامش ادامه خواهد داشت یا نه.»

● خبرگزار دولتی روسیه «اسپوتنیک» نیز همسو با رویترز ادعا کرد که جمهوری اسلامی «ایران از جنبش‌های خاورمیانه خواست به تحریک آمریکا دست نزنند!»

● اما بررسی‌ها نشان می‌دهد ادعای رویترز و اسپوتنیک در مورد توقف حملات شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی به پایگاه‌های آمریکا در منطقه صحت ندارد. طی این مدت دست کم سه مرتبه به پایگاه‌های آمریکا در منطقه حمله شده است.

خبرگزاری «رویترز» در گزارشی که یکی از نویسندگان آن پریسا حافظی است به نقل از «منابع ایرانی و عراقی متعدد» ادعا کرده سفر اسماعیل قآنی فرمانده نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به بغداد منجر به توقف حملات پهبادی و راکتی به نیروهای آمریکایی توسط گروه‌های شبه‌نظامی شده است.

در این گزارش که ۱۸ فوریه (۲۹ بهمن‌ماه) منتشر شد، بر اساس همین ادعاها نتیجه گرفته شد که «تهران می‌خواهد از درگیری گسترده‌تر جلوگیری کند.»

منابع رویترز مدعی شدند ۴۸ ساعت پس از آنکه واشنگتن گروه‌های شبه‌نظامی مورد حمایت جمهوری اسلامی را مسئول کشتن سه سرباز آمریکایی در پایگاه «برج ۲۲» اردن دانست، اسماعیل قآنی روز ۲۸ ژانویه با نمایندگان چند گروه مسلح در فرودگاه بغداد دیدار کرد.

این منابع گفته‌اند که به شبه‌نظامیان گفته شده باید برای جلوگیری از حملات آمریکا به فرماندهان ارشد این گروه‌ها، تخریب زیرساخت‌های استراتژیک یا حتا انتقامجویی مستقیم علیه ایران دست از حملات بردارند.

در این گزارش آمده، در حالی که یکی از گروه‌ها در ابتدا با درخواست قآنی موافقت نکرد، اکثر گروه‌های دیگر با این درخواست موافقت کردند. یک روز بعد این گروه‌ها از جمله «کتابت حزب‌الله» اعلام کرد که حملات را تعلیق می‌کند.

بر اساس این گزارش «از چهارم فوریه (۱۵ بهمن‌ماه) تا کنون هیچ حمله‌ای به نیروهای آمریکایی در عراق و سوریه صورت نگرفته است، این در حالیست که دو هفته قبل از سفر قآنی به بغداد بیش از ۲۰ بار به آمریکایی‌ها در منطقه حمله شده بود.»

یکی از فرماندهان ارشد یکی از گروه‌های مسلح عراقی همسو با جمهوری اسلامی به رویترز گفت: «بدون مداخله مستقیم قآنی، متقاعد کردن کتابت حزب‌الله برای توقف عملیات نظامی خود برای کاهش تنش غیرممکن بود.»

رویترز تأکید کرده «قآنی و نیروی قدس، به درخواست‌ها

مرگ مشکوک آلکسی ناوالنی در زندان سیبری در آستانه‌ی پایان دوران محکومیت و انتخابات ریاست جمهوری روسیه؛ رهبران جهان پوتین را مسئول می‌دانند



یک مأمور شهرداری تصویر ناوالنی و شعار «قهرمان دوران نوین» را بر دیواری در سن پترزبورگ با رنگ پاک می‌کند / ۲۸ آوریل ۲۰۲۱ / رویترز

دو سال پیش با تجاوز نظامی جنگی را به کشورش تحمیل کرده که هنوز ادامه دارد گفت که پوتین باید در مورد قتل ناوالنی پاسخگو شود.

زلینسکی در یک کنفرانس خبری مشترک با اولاف شولتز صدراعظم آلمان در برلین گفت: «برای من واضح است که او کشته شده است. پوتین تا زمانی که در قدرت باشد، اهمیتی نمی‌دهد که چه کسی می‌میرد.»

ملانی جولی وزیر خارجه کانادا نیز گفت: «مرگ ناوالنی یک یادآوری دردناک از استمرار رژیم سرکوبگر پوتین است.» کی‌را پارمیش سخنگوی ناوالنی گفته شرایط زندان در سیبری «بسیار بدتر» از شرایطی بود که او در نزدیکی مسکو در جایی که قبلاً نگهداری می‌شد داشت. وی هشدار داده بود «جایی که ناوالنی زندانی است بسیار سرد است و فقط دو ساعت در روز آفتاب دارد... آنها [دولت روسیه] قطعاً سعی دارند ناوالنی را منزوی کنند.»

آلکسی آناتولیویچ ناوالنی حقوقدان و سیاستمدار منتقد سیاست‌های ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه از رهبران سرشناس اعتراضات سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ در این کشور بود. وی که در اوت ۲۰۲۰ به طرز مشکوکی دچار مسمومیت شده و برای درمان به آلمان سفر کرده بود، پس از به دست آوردن دوباره سلامتی خود با وجود توصیه به ماندن در این کشور، ۱۷ ژانویه ۲۰۲۱ به روسیه بازگشت ولی به اتهام اختلاس در فرودگاه دستگیر و به سه سال و نیم زندان محکوم شد. همان زمان دولت آلمان اعلام کرد که مسمومیت این شخصیت سرشناس مخالف پوتین بر اثر سم «نووچوک» بوده که با خوردن یا تنفس و یا تماس پوستی وارد بدن می‌شود. مرگ مشکوک آلکسی ناوالنی در زندان همزمان با پایان دوران محکومیت وی و در آستانه انتخابات ریاست جمهوری روسیه که قرار است ۱۷ مارس ۲۰۲۴ برگزار شود روی داده است.

است. او تأکید کرده «منی‌خواهم هیچ تسلیتی را بشنوم. ما پسرمان را در روز ۱۲ فوریه ملاقات کردیم.»

در کنار سرکوب‌های گسترده در روسیه توسط کرملین، ناوالنی تنها شخصیت محبوب و معروفی به شمار می‌رفت که هنوز می‌توانست روس‌ها را برای شرکت در اعتراضات سازمانیافته علیه حکومت پوتین بسیج کند.

یولیا ناوالنایا همسر آلکسی ناوالنی که برای حضور در کنفرانس امنیتی مونیخ به آلمان سفر کرده، در یک سخنرانی گفت: «احتمالاً همه شما خبر هولناک را شنیدید. فکر کردم اینجا باشم یا پرواز کنم و در کنار فرزندانم باشم! اما بعد از خود پرسیدم اگر آلکسی بجای من بود چه می‌کرد؟ مطمئنم اینجا می‌بود و حرف می‌زد... پوتین و اطرافیانش باید بدانند سزای کاری را که با خانواده ما و همسر کرده‌اند خواهند دید... می‌خواهم از مردم سراسر جهان بخواهم که متحد شوند و این رژیم شرور، این رژیم وحشتناک را در روسیه پاسخگو کنند. این رژیم و شخص پوتین باید مسئولیت تمام اقدامات وحشتناکی را که در سال‌های اخیر در حق کشور ما مرتکب شده‌اند، بپذیرند.»

دیمیتری پسکوف سخنگوی کرملین گفته است: «تا آنجا که ما می‌دانیم، در حال حاضر مطابق با تمام قوانین فعلی، اداره زندان‌های فدرال درگیر بازرسی‌ها و شفاف‌سازی‌ها و غیره است. یعنی دیگر هیچ دستورالعملی لازم نیست، زیرا مجموعه قوانین خاصی در این زمینه وجود دارد که بر اساس آنها عمل می‌شود.» تقریباً اغلب رسانه‌های بین‌المللی تأکید کرده‌اند که ناوالنی کشته شده است. به گزارش سی‌ان‌ان، پنس استولتنبرگ دبیرکل ناتو می‌گوید: «روسیه باید به سؤالات بطور جدی پاسخ دهد... ناوالنی سال‌ها صدایی قوی برای آزادی و دموکراسی بوده و متحدان ناتو برای مدت طولانی خواهان آزادی فوری او بوده‌اند.»

ولودیمیر زلینسکی رئیس جمهوری اوکراین نیز که روسیه

● مرگ مشکوک آلکسی ناوالنی در زندان همزمان با پایان دوران محکومیت وی و در آستانه انتخابات ریاست جمهوری روسیه که قرار است ۱۷ مارس ۲۰۲۴ برگزار شود روی داده است.

● اولاف شولتز صدراعظم آلمان مرگ آلکسی ناوالنی را در زندان محکوم و تأکید کرد که وی «با جان خود بهای شجاعت‌اش را پرداخت.»

● لئونید ولکوف رئیس دفتر سابق آلکسی ناوالنی می‌گوید، «دلیلی برای باور پروپاگاندای دولت نداریم اما در هر حال، فعل «درگذشت» درست نیست بلکه فقط باید گفت پوتین او را کشت.»

● ولودیمیر زلینسکی در برلین گفت: «برای من واضح است که او کشته شده است. پوتین تا زمانی که در قدرت باشد، اهمیتی نمی‌دهد که چه کسی می‌میرد.»

● یولیا ناوالنایا همسر آلکسی ناوالنی که برای حضور در کنفرانس امنیتی مونیخ به آلمان سفر کرده، در یک سخنرانی گفت: «احتمالاً همه شما خبر هولناک را شنیدید. فکر کردم اینجا باشم یا پرواز کنم و در کنار فرزندانم باشم! اما بعد از خود پرسیدم اگر آلکسی بجای من بود چه می‌کرد؟ مطمئنم اینجا می‌بود و حرف می‌زد... پوتین و اطرافیانش باید بدانند سزای کاری را که با خانواده ما و همسر کرده‌اند خواهند دید.»

روابط عمومی زندان فدرال روسیه روز جمعه ۱۶ فوریه (۲۷ بهمن ماه) اعلام کرد آلکسی ناوالنی از مخالفان سرشناس ولادیمیر پوتین در زندان درگذشت. این زندان با نام «IK-۳» در ناحیه «خارپ» در منطقه خودمختار «یامالو-نتس» در قطب شمال قرار دارد. پایگاه خبری «پولیتیکو» می‌نویسد مرگ این فعال سیاسی ۴۷ ساله یک ماه قبل از انتخابات ریاست جمهوری روسیه در حالی روی داده که پوتین قرار است بیش از ۲۰ سال حضور خود در قدرت را بار دیگر در این انتخابات تهدید کند.

● لئونید ولکوف رئیس دفتر سابق آلکسی ناوالنی می‌گوید، «دلیلی برای باور پروپاگاندای دولت نداریم اما در هر حال، فعل «درگذشت» درست نیست بلکه فقط باید گفت پوتین او را کشت.»

● اولاف شولتز صدراعظم آلمان مرگ آلکسی ناوالنی در زندان را محکوم کرد. وی تأکید کرد که ناوالنی «با جان خود بهای شجاعت‌اش را پرداخت.»

● آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ در اینباره گفت: «مرگ ناوالنی در زندان روسیه و ترس از او تنها نشان‌دهنده ضعف و پوسیدگی در قلب سیستمی است که پوتین ساخته است... روسیه مسئول آنست.» دولت‌های اروپایی پوتین را عامل مرگ ناوالنی معرفی کرده‌اند از جمله استفان سژورنه وزیر خارجه فرانسه در «ایکس» نوشت: «آلکسی ناوالنی با جان خود برای مقاومت در برابر سیستم ظلم و ستم هزینه داد.»

● مسئولان زندان ادعا کرده‌اند که ناوالنی پس از یک هواخوری در زندان احساس ناخوشی کرده و تقریباً بلافاصله بیهوش شده است. آنها همچنین گفته‌اند «تمام اقدامات لازم برای احیای ناوالنی انجام شد، تیم پزشکی به سرعت رسید اما بی‌فایده بود و در نهایت او درگذشت.»

● به گفته مادر ناوالنی، فرزندش در سلامت کامل بوده

دیدار مقامات امنیتی روسیه و جمهوری اسلامی در بیشکک اقدامات رژیم ایران برای دور زدن تحریم‌ها از طریق بلاکچین



دیدار مقام‌های عالی امنیتی جمهوری اسلامی و روسیه در بیشکک / فوریه ۱۴۰۲

دنبال آن است که از طریق سیستم ارز دیجیتال بانک مرکزی (CBDC) و زیرساخت‌های بلاکچین تحریم‌ها را دور بزند. یکی از اهداف آنها تجارت از طریق ارزهای دیجیتال با کشورهای عضو بریکس است و شرکت خدمات انفورماتیک از حدود دو سال قبل برای راه‌اندازی این شبکه کار خود را شروع کرد.» به گفته همین منبع «شبکه‌های موازی با زیرساخت‌های مشابه بین بانک‌های داخلی نیز در حال توسعه است اما تجهیزات و فناوری‌های آن توسط شبکه‌های قاچاق و دلالی از طریق ترکیه و امارات تأمین می‌شود.»

منبع دوم به کیهان لندن می‌گوید: «شرکت‌های به ظاهر خصوصی و پوششی وابسته به جمهوری اسلامی در پوشش تجارت کالاهای غیرتحریمی شامل دارو و مواد غذایی و خدمات اقدام به واردات کالاهای چندکاربردی و همچنین ممنوعه می‌کنند که اخیراً فعالیت بخشی از این شبکه‌ها توسط نهادهای نظارتی غربی با همکاری دست‌کم دو کشور منطقه لو رفته است. با محدود شدن واردات این تجهیزات غیرمجاز و همزمان تصمیم دولت بایدن برای نظارت بیشتر به تحریم‌های دلاری قیمت واردات این کالاها و تجهیزات به شدت افزایش پیدا کرد.»

پس از حمله روسیه به اوکراین و اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه شرکت‌ها و تجارت این کشور بانک‌های روسی برای دور زدن تحریم‌ها اقدام به ایجاد شبکه‌های مالی نوین بلاکچین کردند تا از طریق آنها بتوانند رمزارهایی مثل اتریوم و متامسک را جابجا و تبدیل به پول نقد کنند. همین اقدامات را بانک‌های ایرانی به شکلی محدودتر آغاز کرده‌اند. توسعه این شبکه‌ها با متخصصان است اما دستور کلی آن با نظارت نهادهای امنیتی صورت می‌گیرد. شرکت‌های خصوصی در ایران با پشتیبانی مستقیم و غیرمستقیم حکومت اقدام به واردات تجهیزات مورد نیاز اروپایی و آمریکایی برای تقویت این شبکه‌ها می‌کنند.

تأمین قطعات و تجهیزات مربوط به ساخت پهپاد می‌کردند در فهرست تحریم‌های خود قرار داد.

این تحریم از جهات مختلف به روسیه نیز مربوط است، از جمله اینکه روسیه از پهپادهای ساخت جمهوری اسلامی در حمله به اوکراین استفاده می‌کند. همچنین بر اساس گزارش وزارت خزانه‌داری آمریکا دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی روسیه به سپاه پاسداران در دور زدن تحریم‌ها برای فروش نفت و همچنین دریافت پول آن کمک می‌کند.

در شرایطی که جمهوری اسلامی تلاش می‌کند راه‌های جدید برای تبادلات مالی غیرقانونی خود پیدا کند چشم به همکاری با شبکه‌های مالی کشورهای عضو «بریکس» دوخته است. اعضای این گروه شامل قدرت‌های اقتصادی نوظهور از جمله برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی، عربستان سعودی، امارات و آرژانتین، هستند. این کشورها تلاش می‌کنند که از طریق یک ارز جدید و همچنین کانال‌های مالی مستقل از سوئیفت با یکدیگر تجارت کنند. وزارت خزانه‌داری آمریکا، چهارشنبه ۱۴ فوریه (۲۵ بهمن‌ماه) یک شبکه تأمین و پشتیبانی را که اقدام به صادرات غیرمجاز کالا و فناوری بیش از ۲۲ شرکت آمریکایی به مشتریانی در ایران، از جمله بانک مرکزی جمهوری اسلامی کرده بود در فهرست تحریم‌ها قرار داد. یکی از آنها شرکت «خدمات انفورماتیک» وابسته به بانک مرکزی ایران است. این شرکت با همکاری دو شرکت پوششی در ترکیه و امارات تجهیزات و فناوری لازم برای تقویت و توسعه شبکه الکترونیک بانکداری ایران، شبکه شتاب، شاپرک و شبکه پرداخت الکترونیک کارت عابریانک در ایران نظارت دارد و «پلتفرم ارز دیجیتال بانک مرکزی» را فراهم می‌کند.

دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی محور مذاکره با اعضای گروه بریکس است.

یک منبع مطلع به کیهان لندن می‌گوید: «حکومت به

● در دیدار دبیران شورای عالی امنیت روسیه و جمهوری اسلامی درباره همکاری‌های امنیتی مسکو و تهران از جمله در زمینه «امنیت اطلاعات» و «مشکلات تأمین امنیت اقتصادی روسیه و ایران» در شرایط فشار تحریم‌های کشورهای غربی و همچنین «مقابله با تلاش‌ها برای مداخله در امور داخلی کشورهای مستقل» گفتگو شده است.

● در شرایطی که جمهوری اسلامی تلاش می‌کند راه‌های جدید برای تبادلات مالی غیرقانونی خود پیدا کند چشم به همکاری با شبکه‌های مالی کشورهای عضو «بریکس» دوخته است. اعضای این گروه شامل قدرت‌های اقتصادی نوظهور از جمله برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی، عربستان سعودی، امارات و آرژانتین، هستند. این کشورها تلاش می‌کنند که از طریق یک ارز جدید و همچنین کانال‌های مالی مستقل از سوئیفت با یکدیگر تجارت کنند.

● یک منبع مطلع به کیهان لندن می‌گوید: «حکومت به دنبال آن است که از طریق سیستم ارز دیجیتال بانک مرکزی (CBDC) و زیرساخت‌های بلاکچین تحریم‌ها را دور بزند. یکی از اهداف آنها تجارت از طریق ارزهای دیجیتال با کشورهای عضو بریکس است و شرکت خدمات انفورماتیک از حدود دو سال قبل برای راه‌اندازی این شبکه کار خود را شروع کرد.»

● منبع دوم به کیهان لندن می‌گوید: «شرکت‌های به ظاهر خصوصی و پوششی وابسته به جمهوری اسلامی در پوشش تجارت کالاهای غیرتحریمی شامل دارو و مواد غذایی و خدمات اقدام به واردات کالاهای چندکاربردی و همچنین ممنوعه می‌کنند که اخیراً فعالیت بخشی از این شبکه‌ها توسط نهادهای نظارتی غربی با همکاری دست‌کم دو کشور منطقه لو رفته است. با محدود شدن واردات این تجهیزات غیرمجاز و همزمان تصمیم دولت بایدن برای نظارت بیشتر به تحریم‌های دلاری قیمت واردات این کالاها و تجهیزات به شدت افزایش پیدا کرد.»

نیکلای پاتروشف و علی‌اکبر احمدیان دبیران شورای امنیت ملی روسیه و جمهوری اسلامی پنجشنبه ۲۶ بهمن‌ماه در بیشکک پایتخت قرقیزستان دیدار کردند.

این دیدار در حاشیه نشست دبیران و مشاوران امنیت ملی کشورهای منطقه درباره افغانستان برگزار شد که مقامات قرقیزستان میزبان آن بودند.

در دیدار دبیران شورای عالی امنیت روسیه و جمهوری اسلامی درباره همکاری‌های امنیتی مسکو و تهران از جمله در زمینه «امنیت اطلاعات» و «مشکلات تأمین امنیت اقتصادی روسیه و ایران» در شرایط فشار تحریم‌های کشورهای غربی و همچنین «مقابله با تلاش‌ها برای مداخله در امور داخلی کشورهای مستقل» گفتگو شده است.

روسیه در بیانیه‌ای با اشاره به «لزوم بررسی توسعه یک توافقنامه جامع بلندمدت جدید دوجانبه» اعلام کرد در این دیدار «برنامه فعالیت کارگروه‌های شوراهای امنیت ملی دو کشور در مورد موضوعات مورد علاقه طرفین هم مورد توافق قرار گرفت.»

این دومین دیدار پاتروشف و احمدیان در یک ماه گذشته بود و در شرایطی انجام شد که وزارت خزانه‌داری آمریکا تعدادی از شرکت‌ها و عوامل وابسته به شبکه تأمین مالی «سپاه قدس» و همچنین چند شرکت و دلال را که اقدام به

رویترز: جمهوری اسلامی ایران صدها موشک بالستیک به روسیه فرستاد



نمایش موشک‌های بالستیک برای تحویل به نیروهای مسلح
/ تهران / ۲۲ اوت ۲۰۲۳ / رویترز

یک مقام آمریکایی به رویترز گفت که واشنگتن شواهدی از پیشروی مذاکرات دیده اما هنوز هیچ نشانه‌ای مبنی بر موفقیت این مذاکرات وجود ندارد. پنتاگون بلافاصله به درخواست رویترز برای اظهار نظر درباره تحویل موشک پاسخ نداد.

دادستان ارشد اوکراین روز جمعه گذشته گفته بود که موشک‌های بالستیک ارائه شده توسط کره شمالی به روسیه در میدان نبرد غیرقابل اعتماد بوده‌اند و تنها دو مورد از ۲۴ موشک به اهداف خود اصابت کرده‌اند. مسکو و پیونگ یانگ هر دو انکار کرده‌اند که کره شمالی مهمات مورد استفاده در اوکراین را به روسیه ارائه کرده است.

در مقابل، جفری لوئیس کارشناس مؤسسه مطالعات بین‌المللی «میدلبری» در آمریکا گفت که خانواده موشک‌های «فاتح-۱۱۰» و «ذوالفقار» سلاح‌هایی دقیق هستند.

لوئیس گفت: «از آنها برای هدف قرار دادن چیزهایی استفاده می‌شود که ارزش بالایی دارند و به آسیب دقیق نیاز دارند.» با این حال، وی خاطرنشان کرد که مپاران‌های روسیه از قبل «بسیار وحشیانه» بوده‌اند.

تأخیر کمک‌های ایالات متحده، دفاع اوکراین را تضعیف می‌کند

یک منبع نظامی اوکراینی به رویترز گفت که کی‌یف هیچ‌گونه استفاده از موشک‌های بالستیک ساخت ایران توسط نیروهای روسیه را ثبت نکرده است. وزارت دفاع

این خبرگزاری به نقل از «سه منبع ایرانی» گزارش داده حدود ۴۰۰ فروند موشک شامل موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد «فاتح-۱۱۰» از جمله موشک «ذوالفقار» برای روسیه ارسال شده است.

یک مقام ارشد جمهوری اسلامی می‌گوید: «برخی موشک‌ها با کشتی از طریق دریای خزر به روسیه ارسال شده و برخی دیگر با هواپیما منتقل شده‌اند.»

یک دیپلمات غربی: کشورهای غربی نگران‌اند که انتقال متقابل تسلیحات روسیه به ایران بتواند موقعیت این کشور را در هر گونه درگیری احتمالی با آمریکا و اسرائیل تقویت کند.

در میانه جنگ بین اسرائیل و حماس که از «هفت اکتبر» آغاز شد، خطرات برای حکومت ایران افزایش یافته است. رژیم ایران همچنین با افزایش نارضایتی در داخل کشور بر سر مشکلات اقتصادی و محدودیت‌های اجتماعی روبروست.

خبرگزاری رویترز به نقل از شش منبع گزارش داد که جمهوری اسلامی تعداد زیادی موشک بالستیک قدرتمند زمین به زمین به روسیه ارسال کرده که همکاری نظامی بین دو کشور تحت تحریم آمریکا را تعمیق می‌بخشد.

این خبرگزاری به نقل از «سه منبع ایرانی» گزارش داده حدود ۴۰۰ فروند موشک شامل موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد «فاتح-۱۱۰» از جمله موشک «ذوالفقار» برای روسیه ارسال شده است. کارشناسان می‌گویند این موشک با لانچر متحرک قادر است اهدافی را در فاصله بین ۳۰۰ تا ۷۰۰ کیلومتر مورد اصابت قرار دهد.

وزارت دفاع جمهوری اسلامی و نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از اظهار نظر در اینباره خودداری کرده‌اند. وزارت دفاع روسیه نیز به درخواست رویترز برای اظهار نظر پاسخ نداد.

یکی از منابع ایرانی به رویترز گفت، تحویل این محموله‌ها در اوایل ژانویه و پس از نهایی شدن توافق در نشست‌هایی که اواخر سال گذشته بین مقامات نظامی و امنیتی ایران و روسیه که در تهران و مسکو برگزار شد، آغاز شد.

یک مقام نظامی جمهوری اسلامی که نخواست نامش فاش شود گفت که دست‌کم چهار محموله موشک ارسال شده و در هفته‌های آینده تعداد بیشتری نیز ارسال خواهد شد. وی از ارائه جزئیات بیشتر خودداری کرد.

یکی دیگر از مقامات ارشد جمهوری اسلامی نیز می‌گوید: «برخی موشک‌ها با کشتی از طریق دریای خزر به روسیه ارسال شده و برخی دیگر با هواپیما منتقل شده‌اند.»

به گفته دومین مقام ایرانی «محموله‌های بیشتری ارسال خواهد شد... هیچ دلیلی هم برای پنهان کردن آن وجود ندارد. ما اجازه داریم به هر کشوری که بخواهیم سلاح صادر کنیم.»

محدودیت‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد برای صادرات برخی موشک‌ها، پهپادها و سایر فناوری‌های ایران در ماه اکتبر به پایان رسید اما ایالات متحده و اتحادیه اروپا تحریم‌ها علیه برنامه موشکی بالستیک جمهوری اسلامی را بر زمین‌های انواع نگرانی‌ها در مورد صادرات تسلیحات به نیروهای نیابتی این کشور در خاورمیانه و روسیه حفظ کردند.

منبع چهارم، بدون ارائه جزئیات بیشتر، تأیید کرد که روسیه اخیراً تعداد زیادی موشک از ایران دریافت کرده است.

جان کربی سخنگوی امنیت ملی کاخ سفید در اوایل ژانویه گفت که ایالات متحده نگران است که روسیه تسلیحات بالستیک کوتاه‌برد، علاوه بر موشک‌هایی که قبلاً از کره شمالی تهیه شده بود، از ایران دریافت کند.

اوکراین به درخواست رویترز برای اظهار نظر پاسخ نداد. آندری زاگورودنیوک وزیر دفاع اسبق اوکراین گفت که روسیه می‌خواهد زرادخانه موشکی خود را در زمانی تکمیل کند که تأخیر در تصویب بسته بزرگ کمک‌های نظامی آمریکا در کنگره باعث شود اوکراین با کمبود مهمات و تجهیزات دیگر مواجه شود.

زاگورودنیوک که ریاست مرکز استراتژی‌های دفاعی مستقر در کی‌یف را بر عهده دارد، گفت: «فقدان حمایت ایالات متحده به معنای کمبود پدافند هوایی زمینی در اوکراین است. بنابراین آنها می‌خواهند انبوهی از موشک‌ها را ذخیره کنند تا بتوانند از پدافند هوایی اوکراین عبور کنند.»

کی‌یف بارها از تهران خواسته است که ارسال پهپادهای «شاهد» را به روسیه متوقف کند، این پهپادها در کنار مجموعه‌ای از موشک‌ها به یکی از عناصر اصلی حملات دوربرد مسکو به شهرها و زیرساخت‌های اوکراین تبدیل شده‌اند.

نیروی هوایی اوکراین در ماه دسامبر ۲۰۲۳ اعلام کرد که روسیه از ۳۷۰۰ فروند پهپاد «شاهد» انتحاری در طول جنگ استفاده کرده است.

سرگئی شویگو وزیر دفاع روسیه در ماه سپتامبر با امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران در تهران دیدار و گفتگو کرد؛ همان زمان پهپادها، موشک‌ها و سیستم پدافند هوایی ایران برای او به نمایش گذاشته شد.

ماه گذشته، وزارت خارجه روسیه اعلام کرد که انتظار دارد ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه و ابراهیم رئیسی به زودی پس از مذاکرات مسکو در ماه دسامبر، یک توافق همکاری گسترده جدید را امضا کنند.

یک مقام نظامی جمهوری اسلامی گفت: «مشارکت نظامی با روسیه توان دفاعی ایران را به جهانیان نشان داد. این بدان معنا نیست که ما در مناقشه اوکراین در کنار روسیه هستیم.»

در میانه جنگ بین اسرائیل و حماس که از «هفت اکتبر» آغاز شد، خطرات برای حکومت ایران افزایش یافته است. رژیم ایران همچنین با افزایش نارضایتی در داخل کشور بر سر مشکلات اقتصادی و محدودیت‌های اجتماعی روبروست.

رویترز در بخش دیگری از این گزارش می‌نویسد، در حالی که تهران تلاش می‌کند از رویارویی مستقیم با اسرائیل که می‌تواند پای آمریکا را نیز به میان بکشد، اجتناب کند، متحدان آن در «محور مقاومت» از جمله حزب‌الله لبنان و حوثی‌ها در یمن، به اهداف مرتبط با اسرائیل و آمریکا حمله کرده‌اند.

یک دیپلمات غربی نیز در ارتباط با این موضوع بدون ارائه جزئیات بیشتر، تحویل موشک‌های بالستیک ایران به روسیه در هفته‌های اخیر را تأیید کرد.

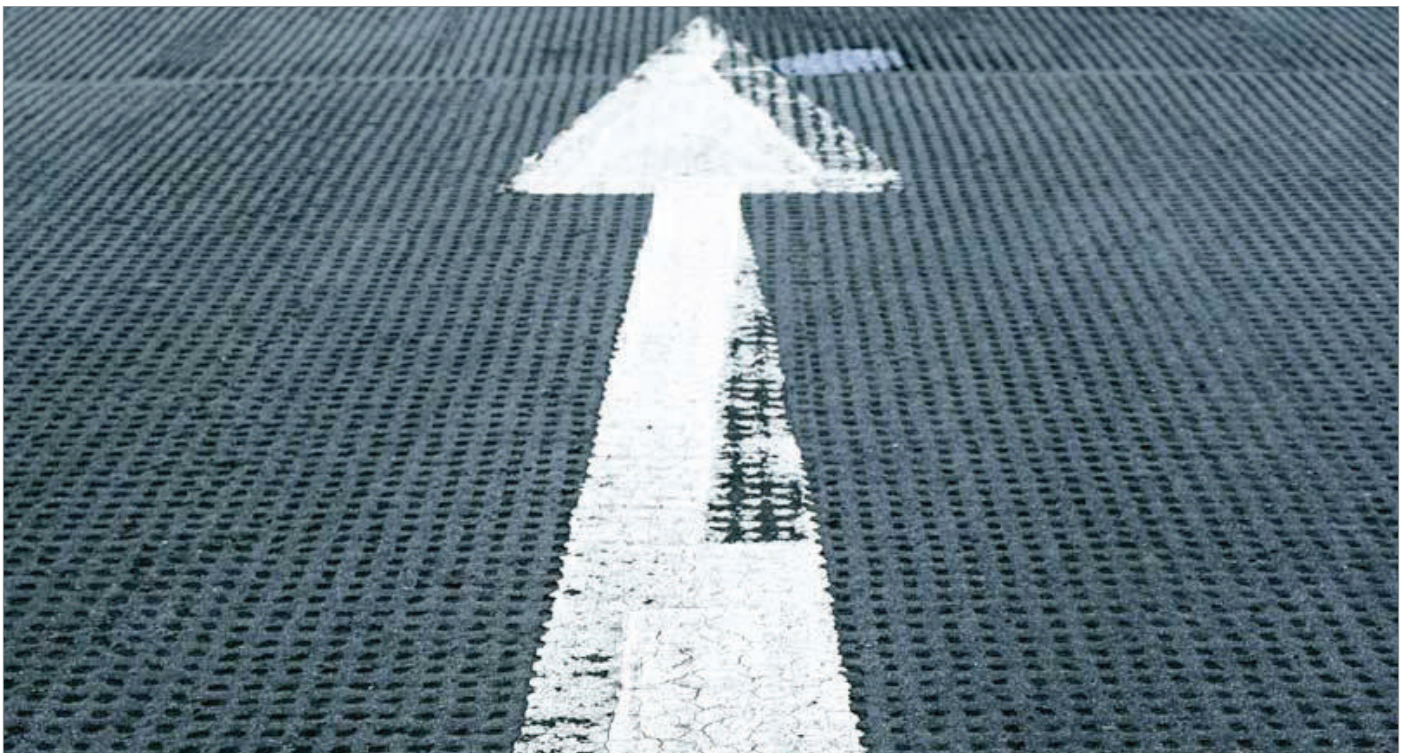
وی گفت، کشورهای غربی نگران‌اند که انتقال متقابل تسلیحات روسیه به ایران بتواند موقعیت این کشور را در هر گونه درگیری احتمالی با آمریکا و اسرائیل تقویت کند.

رژیم ایران در ماه نوامبر اعلام کرده بود که تدارکات لازم با روسیه را نهایی کرده تا جت‌های جنگنده سوخو-۳۵، هلی‌کوپتر تهاجمی میل-۲۸ و هواپیماهای آموزشی خلبان پاک-۱۳۰ در اختیار آن قرار گیرد.

گرگوری پرو تحلیلگر گروه اوراسیا در یک مؤسسه مشاوره ریسک سیاسی گفت که روسیه متحد راحتی برای ایران است.

او توضیح داد: «این یک رابطه معاملاتی است: [رژیم] ایران در ازای پهپادها، همکاری امنیتی و تسلیحات پیشرفته به ویژه هواپیماهای مدرن از روسیه انتظار دارد.»

خطوط آیینی چپگرایی جهان گستر (بخش ۲)



اما با وجود این واقعیات، این دروغ بزرگ سامان بخشیده شد که تنها در کشورهای جنوب جهان می‌توان مخالفت با نولیبرالیسم را بسیج کرده و به اقدام واداشت. دومین جنبه قابل توجه این است که اعتراضات به نتیجه رسید. آنها به برخی از هیأت‌های دلسوز در نشست سازمان تجارت جهانی این ایده را قبولانند که در برابر تصویب معاهده جدید مقاومت کنند. این یک شکست بزرگ برای جریان راست نولیبرالیسم بود. علاوه بر این، اعتراضات سیاتل منجر به کپی‌برداری گسترده از تکنیک‌های اعتراض در جلسات بین‌المللی از انواع مختلف آن شد، تا جایی که برگزارکنندگان چنین جلساتی شروع به برنامه‌ریزی برای نشست در مکان‌های دور از شهرها کردند.

این موضوع ما را به سومین پیشرفت بزرگ در موفقیت جنبش‌های ضد سیستم می‌رساند. پس از زاپاتیستا و سیاتل، پورتو آلگره و هم‌اندیشی جهانی اجتماعی [vi] در سال ۲۰۰۱، به وجود آمدند. فراخوان اولیه برای نشست سال ۲۰۰۱، تلاش مشترکی از هفت سازمان برزیلی بود (بسیاری متأثر از الهامات چپ کاتولیک و همچنین از جمله فدراسیون اصلی اتحادیه‌های کارگری) با جنبش مالیات بر معاملات مالی و اقدام شهروندی در فرانسه. [vii] به نظر آنها نام هم‌اندیشی جهانی اجتماعی بدیل قدرتمندی در مقابله با هم‌اندیشی جهانی اقتصادی [viii] بود که در داووس تشکیل جلسه داده و نخبگان جهان سرمایه‌داری در آن مشارکت دارند.

چپ جدید جهانی زیر عنوان هم‌اندیشی جهانی اجتماعی تصمیم گرفت همزمان با جلسات داووس جلسات خود را برگزار کند و برای این منظور، پورتو آلگره را به عنوان محل نشست سال ۲۰۰۱ برای تأکید بر اهمیت سیاسی جنوب جهان انتخاب کردند.

سازماندهندگان تصمیم مهمی گرفتند که جلسات آنها برای همه کسانی که مخالف امپریالیسم ←

به هیچ وجه منجر به گام دوم در دگرگونی جهان نشد. در نتیجه، انقلاب جهانی ۱۹۶۸ مخالفت با چپ قدیمی را به نمایش گذاشت.

در این شرایط سیستم به درستی با بحران مواجه شد و نمی‌توانست با روش سنتی به حیات خود ادامه دهد. چپگرایی هم معانی اولیه و سنتی خود را از دست داده بود. بنابراین می‌بایست بهترین گزینه ممکن را در نظر گرفت که آنهم با انکار داعیه‌های چپ سنتی همراه بود. در این شرایط نظریه نولیبرالیسم توانست خود را به عنوان بدیلی با توانایی غلبه بر بحران سیستم معرفی کند. سال ۱۹۷۹ نقطه شروعی برای ظهور نولیبرالیسم و سقوط سیاست‌های کینزی بود که آنهم به نوبه خود سقوط بلوک کمونیستی را باعث گردید. بنابراین، هرچند که چپ‌های جدید نظریه و کارکرد چپ سنتی را به چالش می‌کشیدند، اما سقوط اتحاد شوروی سابق ضربه شدیدی برای کل اندیشه چپگرایی بود.

با این حال، چپگرایی جهانی با تکیه بر روی ناکارآمدی نولیبرالیسم و به ویژه نظریه همگرایی واشنگتن، همچنان سعی می‌کرد مقام خود را در ایجاد تحولات حفظ کند. اصل اندیشه نیز همچنان همان داعیه پیشین بود. ایالات متحده آمریکا با سلطه نوین نولیبرالیستی خود حیات جهانی را تهدید می‌کند. از این رو چپ جهانی خود را در پیرامون مخالفت با آمریکای نولیبرال سازمان بخشید. شکل‌گیری سازمان تجارت جهانی در ۱۹۹۹ بهترین فرصت برای چپگرایی جهانی بود تا صدای خود را از طریق نهضت‌های اجتماعی راس‌تر سازد که مهمترین آنها در جریان سیاتل اتفاق افتاد.

تظاهرات سیاتل دو ویژگی مشخص داشت که توانست صفوف چپگرایی جهانی را مستحکم‌تر سازد. اول از همه، یک جنبش اعتراضی بزرگی بود که شامل نیروهای جنبش کارگری، طرفداران محیط زیست، و آنارشیست‌ها می‌شد. علاوه بر این، اعضای این گروه‌ها عمدتاً آمریکایی بودند.

● هرچند که چپ‌های جدید نظریه و کارکرد چپ سنتی را به چالش می‌کشیدند، اما سقوط اتحاد شوروی که اگرچه در آن پرولتاریا به قدرت رسیده بود اما تغییری در سیستم جهانی به وجود نیاورده بود، ضربه شدیدی برای کل اندیشه چپگرایی بود.

● اصل اندیشه چپ همچنان همان داعیه پیشین باقی ماند: ایالات متحده آمریکا حالا با سلطه نوین نولیبرالیستی خود حیات جهانی را تهدید می‌کند.

● چپگرایی جهان‌گستر یک شکست تاریخی بزرگ را تجربه کرده است. دلیل این ناکامی را نه در شرایط عینی انقلاب، بلکه بیشتر در ناتوانی چپ جهانی در شکل دادن به خود به عنوان یک بازیگر سیاسی و مداخله در شرایط موجود با وجود جو مساعد اقتصاد سیاسی باید جستجو کرد. با این سردرگمی‌ها، چپ نمی‌تواند آرمان مشخصی مگر ضدیت با آمریکا را با همان عنوان کهنه امپریالیسم دنبال کند. در مواردی چپ جهانی نیز دستان خود را در دست اسلامگرایی سیاسی قرار داده است تا با مدد آن بتواند امپریالیسم را به زانو درآورد.

بحران ساختاری سیستم جهان مدرن: معضل چپگرایی
در اینگونه تحولات، چپ جهانی از موقعیت بسیار ضعیفی که در انقلاب جهانی ۱۸۴۸ داشت به یک موقعیت به ظاهر بسیار قوی در سراسر جهان در دوره تقریباً ۱۹۴۵ تا آنچه انقلاب جهانی ۱۹۶۸ نامیده می‌شود، ارتقاء یافت. آنها این کار را با پیگیری به اصطلاح استراتژی دو مرحله‌ای دنبال کردند. طرح آنها این بود که جنبش‌ها در ابتدا باید به قدرت دولتی دست یابند و سپس در مرحله دوم جهان را متحول سازند. این استراتژی آنها را قادر می‌ساخت تا به قدرت دولتی در بیشتر سیستم جهانی دست یابند. با این حال، به دست گرفتن قدرت دولتی توسط جنبش‌های ضد سیستم

درگیر تاکتیک‌های ستیزه‌جو با ساختارهای ضعیف و خارج از پارلمان شود، بلافاصله این سؤال مطرح می‌شود که چه چیزی از آن کسب به دست می‌آورد؟ از یکسو، انتخابات برای تغییرات بلندمدت حیاتی نیست و بنابراین نمی‌تواند اولویت چه جهانی باشد. از سوی دیگر، انتخابات اهمیت دارد و نمی‌توان آن را به سادگی نادیده گرفت. چه باید بر این تردید غلبه کند.

سوم اینکه بی‌وقفه فرایندها را دموکراتیک کند. مهمترین خواسته اکثریت قریب به اتفاق مردم در همه جا آموزش بیشتر، سلامت بیشتر، و درآمد تضمین شده تا آخر عمر است. این خواسته‌ها باید با صدای بلند، مستمر و در تمامی مناطق نظام جهانی مطرح شود. البته گسترش همه این کارکردهای «دولت رفاه» همیشه سؤالات معقولی را در مورد کارآمدی هزینه‌ها، آفات فساد و ترس از ایجاد بوروکراسی‌های بیش از حد قدرتمند و بی‌پاسخ ایجاد می‌کند. اینها همه سؤالاتی هستند که چه جهانی باید برای بررسی و پاسخ مناسب به آنها آماده باشد. اما آنها هرگز نباید خواست اساسی «بیشتر، خیلی بیشتر» را به دلیل این مشکلات کنار بگذارند.

چهارمین نکته این است که از نظام لیبرال میانه خواسته شود به اولویت‌های نظری خود عمل کند. این مانند تحمیل سرعت در اقدام به لیبرالیسم شناخته می‌شود. لیبرال میانه به ندرت به آنچه می‌گوید یا آنچه موعظه می‌کند عمل می‌کند. پنجم، به ضدیت با نژادپرستی به عنوان معیار تعیین کننده دموکراسی باید دقت کرد. دموکراسی عبارت است از رفتار یکسان با همه مردم- از نظر قدرت، از نظر توزیع، از نظر فرصت برای تحقق اهداف شخصی. نژادپرستی روش اصلی تمایز بین کسانی است که حقوق (یا حقوق بیشتری) دارند و دیگرانی که اصلاً حق ندارند (یا حقوق کمتری دارند). نژادپرستی مشخص می‌کند که کدام گروه در کدام دسته قرار دارد و بطور همزمان یک توجیه خاص برای این عمل ارائه می‌دهد.

ششم، جهان را از کالایی شدن باید نجات داد. کالایی‌زدایی مشکل اساسی در سیستم سرمایه‌داری و مالکیت خصوصی نیست که صرفاً یک وسیله است، بلکه کالاسازی است که عنصر اساسی در انباشت سرمایه است. تاریخ نظام جهانی مدرن، همواره تاریخ کالایی‌سازی در حال گسترش بوده است. با این حال، حتی امروز، نظام جهانی سرمایه‌داری کاملاً کالایی نشده است، هرچند تلاش‌هایی برای این کار وجود دارد.

هفتم، همیشه باید به یاد داشت که ما در دوران گذار از سیستم جهانی موجود به سوی چیزی متفاوت زندگی می‌کنیم. بنابراین نباید درگیر در لفاظی‌های مربوط به جهانی شدن شویم. نه تنها آلت‌ناتیوها وجود دارند، بلکه تنها جایگزینی که وجود ندارد، ادامه ساختارهای کنونی ماست.

*دکتر محمود مسائلی استاد بازنشسته روابط و حقوق بین‌الملل، دانشگاه‌های آتاوا و کارلتون و دبیرکل اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل با مقام مشورتی دائم نزد ملل متحد

[vi] World Social Forum (WSF)

[vii] Association pour la Taxation des Transactions financières et pour l'Action Citoyenne (Association for the Taxation of financial Transactions and Citizen's Action)

[viii] World Economic Forum (WEF)

[ix] نگاه کنید به کانادا و چالش‌های جهانی شدن و توسعه بین‌الملل از این نویسنده. این کتاب که به عنوان دومین کتاب درسی برتر در علوم اجتماعی توسط ناشران آمریکای شمالی انتخاب شد، توسط انتشارات دانشگاه آتاوا به چاپ رسیده است.

آنها اجلاس پورتو آلگره است. اما بنا بر دلایلی که باید روشن شوند، نتوانستند از موقعیت پیش‌آمده بهره لازم را بگیرند. پس از سال ۱۹۶۸، چه جهانی از نوعی موضع ضد دولت‌گرایی حمایت کرده است. اما این موضع صرفاً در خدمت مشروعیت‌زدایی از تمام ساختارهای دولتی قرار گرفت، و نه اینکه ساختارهای رژیم‌های چپ‌گرا را نیز به چالش بکشد. بنابراین، بیشتر به بی‌ثباتی سیاسی نظام جهانی منجر شده و در نتیجه بحران سیستماتیک آن را حادث کرد. از این منظر، چپ‌گرایی جهان‌گستر یک شکست تاریخی بزرگ را تجربه کرده است. دلیل این ناکامی را نه در شرایط عینی انقلاب، بلکه بیشتر در ناتوانی چه جهانی در شکل دادن به خود به عنوان یک بازیگر سیاسی و مداخله در شرایط موجود با وجود جو مساعد اقتصاد سیاسی باید جستجو کرد.

اکثر نمایندگان چه جهانی به شدت در مورد امکان ایجاد یک نظم جهانی جدید از طریق انقلاب‌های جهانی، همانطور که در قرن‌های گذشته بود، تردید دارند. سردرگمی ایدئولوژیک و تحلیلی نیز چه جهانی را با موانعی مواجه ساخته که در درون خود آنها وجود دارد. این سردرگمی به یک واقعیت فراگیر تبدیل شده است.

به درستی چه جهانی به دنبال چیست؟ امروزه، با این سردرگمی‌ها، چه نمی‌تواند آرمان مشخصی مگر ضدیت با آمریکا را با همان عنوان کهنه امپریالیسم دنبال کند. در مواردی به نظر می‌رسد تلاش‌هایی با هدف ایجاد مجدد دولت‌های رفاه توسط چه جهانی در جریان باشد. با این نقطه نظر اما چپ‌گرایی از پایه‌های آرمان‌گرایی انترناسیونالیستی خود فاصله بسیار می‌گیرد. در حالی که بخشی از جریان چه کهنه و منسوخ نیز هنوز آرمان خود را در پایان نظم سیاسی جهانی جستجو می‌کند که جهان سرمایه‌داری آنرا رهبری می‌کند. در مواردی چه جهانی نیز دستان خود را در دست اسلام‌گرایی سیاسی قرار داده است تا با مدد آن بتواند امپریالیسم را به زانو درآورد. (این پاراگراف از سوی نگارنده این مقاله به بحث اصلی اضافه شده است).

بنابراین درست است که سیستم جهانی در آستانه نوعی هرج و مرج قرار گرفته اما این نه تنها باید به عنوان یک مشکل بلکه یک فرصت تلقی شود تا چه بتواند در جهت استقرار عدالت اجتماعی از آن بهره‌گیرد. تقریباً تمام دوره‌های مشابه از هرج و مرج سیستم در تاریخ جهان شرایطی برای یک نظم جدید جهانی را چه خوب و چه بد فراهم کرده‌اند. اینکه آیا ما در جهانی دموکراتیک، صلح‌آمیزتر و آزادتر زندگی خواهیم کرد یا نه، بستگی به چگونگی گسترش مبارزات جاری علیه انحصارگری در سال‌های آینده دارد.

در نهایت والرشتاین معتقد است، چه جهانی برای اینکه نقشی در این مبارزه قدرت دگرگون‌کننده داشته باشد و آینده‌ای دموکراتیک و آزادتر تولید کند، باید بر بحران خود غلبه کرده و به بازیگر اصلی بین‌المللی در این مبارزه تبدیل شود. برای این منظور چند پیشنهاد توسط والرشتاین مطرح شده است:

اول ارتقای روحیه پورتو آلگره. این روحیه چیست؟ منظور گرد هم آمدن به شیوه‌ای غیر سلسله مراتبی از خانواده جهانی جنبش‌های ضد سیستم و عدالت جهانی حول یک برنامه حداقلی مشترک است: (الف) شفافیت فکری بیشتر، (ب) اقدامات ستیزه‌جویانه مبتنی بر بسیج مردمی که بر زندگی آنها تأثیر مفید و مثبت بگذارد، (ج) اصرار همزمان بر پیگیری تغییرات اساسی‌تر و بلندمدت‌تر. دوم تاکتیک‌های دفاعی انتخاباتی موثر. اگر چه جهانی

→ نولبرالیسم بودند، باز باشد. آنها همچنین تصمیم بحث‌برانگیزتری برای کنار گذاشتن احزاب سیاسی و جنبش‌های شورشی در نظر گرفتند. در نهایت، در ابتکاری‌ترین اقدام خود، آنها تصمیم گرفتند که هم‌اندیشی اجتماعی جهانی نه سازمان مشخصی داشته باشد، نه انتخابات داخلی، و نه قطعنامه‌ای صادر کند. این استراتژی به این منظور بود که رویکردی «افقی» را برای سازماندهی نیروهای ضد سیستم جهان، در مقابل رویکرد «عمودی» و در نتیجه طرد جنبش‌های چه قدیمی، چارچوب‌بندی کنند. آنها شعار معروف «دنیای دیگری ممکن است» را به عنوان شعار جلسه انتخاب کردند.

پورتو آلگره بطور غیرمنتظره‌ای یک موفقیت بزرگ بود. شرکت‌کنندگان توانستند جمعیت بزرگی را جذب خود کنند. شرکت‌کنندگان اولیه عمدتاً از برزیل و کشورهای همسایه و از فرانسه و ایتالیا آمده بودند. اولین جلسه بلافاصله دو تصمیم مهم گرفت. آنها تصمیم گرفتند به جلسات پورتو آلگره ادامه دهند و به دنبال گسترش جغرافیایی، مشارکت را در دستور کار خود قرار دادند. آنها یک شورای بین‌المللی را نیز به صورت اشتراکی ایجاد کردند تا بر سازماندهی جلسات آینده نظارت کند. در سال‌های بعد، هم‌اندیشی جهانی اجتماعی در کشورهای جنوب جهان و با افزایش بسیار زیادی در تعداد شرکت‌کنندگان تشکیل جلسه دادند. از این نظر، این یک موفقیت مستمر بوده است. اما به تدریج، معضلاتی پیدا شد که آنها را می‌توان به بهترین نحو در چارچوب تکامل خود سیستم جهانی درک کرد.

دو عنصر اصلی در این جریان وجود داشت. اولین مورد، بحران در بازار مسکن ایالات متحده در سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۸ بود که مفسران سراسر جهان را بر آن داشت تا وجود نوعی «بحران» را در سیستم جهانی تشخیص دهند. دوم، ظهور اقتصادی و ژئوپلیتیک اقتصادهای «در حال ظهور» [ix] به ویژه، اما نه فقط به اصطلاح کشورهای بریکس (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) بود. این دو موضوع با هم منجر به یک بحث عمومی در مورد شکاف ثروت عظیم در میان دارا و ندار، و همچنین در مورد آینده تسلط ژئوپلیتیک جوامع شمال و عدم اطمینان در بین مفسران در مورد چگونگی ارزیابی این رویدادها شد. آیا باید آن را یک تغییر اساسی بدانیم یا به عنوان یک دست‌انداز گذرا در صحنه اقتصادی و ژئوپلیتیک جهانی در نظر بگیریم؟ جنبش‌های ضدسیستم و طرفداران آنها به همان اندازه در مورد چگونگی ارزیابی بحث درباره نابرابری و ظهور کشورهای «در حال ظهور» دوگانگی داشتند. همچنین بحث‌های حادی در درون هم‌اندیشی جهانی اجتماعی در مورد موفقیت‌ها و شکست‌های آن به وجود آمد. در این شرایط است که جنبش‌های ضد سیستم اکنون با چند معضل جدی روبرو هستند. اولین مورد این است که آیا با صراحت وجود یک بحران ساختاری سرمایه‌داری تاریخی را به رسمیت بشناسند یا نه. دوم اینکه اولویت‌های فعالیت‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت آنها چه باید باشد. قابل توجه ترین نکته در مورد جنبش‌های ضد سیستم در دهه دوم قرن بیست و یکم این است که چگونه می‌توان تغییراتی به وجود آورد.

بحران بین‌المللی‌گرایی جریان چپ؟

آنچه باید مورد دقت قرار گیرد، استراتژی‌های چه جهانی در طول سال‌های گذشته در رابطه با بحران ساختاری سیستم جهانی است. قبلاً توضیح داده شد که چه جهانی سه مرحله موفقیت‌آمیز در کارنامه خود دارد. اول ظهور زاپاتیستا در سال ۱۹۹۴، دوم موفقیت در سیاتل، و سومین

پایگاه خبری «هیل»: دولت بایدن می‌تواند ایرلاین‌های تروریستی جمهوری اسلامی را زمینگیر کند



ماهان ایر اصلی‌ترین شریک سپاه پاسداران در جنگ سوریه برای لجستیک نیرو و تسلیحات نظامی بود

برای انجام عملیات در اوکراین و حملات تروریستی استفاده می‌کند. با کمک این هواپیماها همچنین محموله‌های طلا از ونزوئلا به ایران برای پوشش معاملات تحریم شده استفاده می‌شود.

بر اساس گزارش‌ها، هواپیماهای شرکت کانویاسا مسافرانی را جابجا می‌کنند که اغلب مهاجران غیرقانونی به نیکاراگوئه هستند تا از آنجا به سمت مرزهای جنوبی ایالات متحده فرستاده شوند.

این نقل و انتقالات هواپیما اخیراً انجام شده است. در تابستان ۲۰۲۱، دو شرکت هواپیمایی قراردادی را امضا کردند که طبق آن ماهان چهار فروند هواپیما را به کانویاسا فروخت و به این شرکت هواپیمایی ونزوئلایی اجازه داد تا با هواپیماهای جدید دوربرد ایران، پروازهای تجاری خود را به تهران آغاز کند. این چهار هواپیما شامل یک فروند هواپیمای باربری بوئینگ ۷۴۷ بود که اکنون توسط مقامات آمریکایی توقیف شده و سه فروند هواپیمای مسافربری ایرباس A۳۴۰ که کانویاسا از طریق یک واسطه مستقر در دوبی از ماهان خریده بود.

در سال ۲۰۲۳ ماهان دو ایرباس ۳۴۰ دیگر را به کانویاسا اجاره داد، از جمله یکی که از طریق واسطه‌های غیرشفاف مستقر در آفریقا خریداری کرده بود.

کانویاسا اکنون هر پنج هواپیمای ایرباس-۳۴۰ را که ماهان در اصل برخلاف تحریم‌های ایالات متحده خریداری کرده، اداره می‌کند. کانویاسا فقط با اتکا به هواپیماهای ماهان می‌تواند فعالیت‌های غیرقانونی خود را انجام دهد و بدون آنها ناوگان کانویاسا هواپیمای دوربرد نخواهد داشت.

به لطف عرضه مداوم، هواپیماهای ایرباس A۳۴۰ ماهان ایر، ده‌ها پرواز به تهران انجام داده و مسیرهای کاراکاس-مسکو و کاراکاس-دمشق را به فعالیت خود اضافه کرده است.

هواپیمایی «ماهان ایر» بود که از فعالیت‌های تروریستی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پشتیبانی می‌کند. این شرکت قبلاً در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار گرفته بود.

ماهان این هواپیما را در سال ۲۰۲۱ به عنوان بخشی از یک معامله گسترده‌تر بین ایران و ونزوئلا به شرکت Emtrasur یکی از شرکت‌های تابعه «کانویاسا» (شرکت هواپیمایی دولتی ونزوئلا) که تحت تحریم‌های آمریکا قرار دارد فروخته بود.

رژیم‌های ایران و ونزوئلا از هواپیماهای شرکت Emtrasur برای دور زدن تحریم‌های آمریکا و انتقال محموله‌های غیرقانونی در سراسر جهان استفاده می‌کردند اما در ژوئن سال ۲۰۲۲ وقتی هواپیمای بوئینگ این شرکت در بوئنوس آیرس فرود آمد، تأمین‌کنندگان محلی سوخت به دلیل تحریم‌ها اجازه سوختگیری به آن را ندادند. این هواپیما در نهایت به دلیل مشکوک بودن خدمه آن از جمله به علت همکاری با سپاه پاسداران و اطلاعات نظامی ونزوئلا و همچنین به دلیل ماهیت مأموریتی که داشت اجازه پرواز نگرفت و در همانجا زمینگیر شد. سرانجام این هواپیما پس از ۱۸ ماه درگیری حقوقی، به آمریکا منتقل گشت.

پایگاه خبری «هیل» می‌نویسد این اقدام یک موفقیت برای سیاست تحریمی ایالات متحده است و مسیر روشنی را نشان می‌دهد. دولت بایدن اکنون باید به دنبال تکرار این موفقیت در برابر بقیه ناوگان حمل و نقل هوایی ایران و ونزوئلا باشد که همچنان فعال هستند.

بدون ترانسفر هواپیمای «ماهان ایر»، شرکت کانویاسا قادر به انجام پروازهای مسافت طولانی نخواهد بود. پروازهایی که این شرکت انجام می‌دهد، عملیات تجاری معمولی نیستند. اعتقاد بر این است که آنها اغلب تقریباً خالی از مسافر پرواز می‌کنند، اما محموله حمل می‌کنند، از جمله پهپادهای ساخت جمهوری اسلامی که روسیه از آنها

● «هیل» نوشته است که دولت بایدن فرصت بی‌نظیری برای تشدید مقابله با رژیم‌های ضدآمریکایی در ونزوئلا، ایران و نیکاراگوئه دارد.

● مقامات ایالات متحده یک هواپیمای باری توقیف شده بوئینگ ۷۴۷-۳۰۰ را از بوئنوس آیرس پایتخت آرژانتین به یک فرودگاه نظامی در فلوریدای جنوبی منتقل کردند. این هواپیما زمانی متعلق به شرکت هواپیمایی «ماهان ایر» بود که از فعالیت‌های تروریستی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پشتیبانی می‌کند.

● دولت بایدن می‌تواند از دیپلماسی آرام و اقدامات قانونی در کشورهای دوست برای توقیف هواپیماهایی استفاده کند که ونزوئلا برای تسهیل فرار از تحریم‌ها در خدمت تهران و کاراکاس به کار می‌گیرد.

پایگاه خبری هیل وابسته به کنگره آمریکا در مقاله‌ای که ۱۹ فوریه (۳۰ بهمن‌ماه) منتشر شد، با اشاره به توقیف (مصادره) یک فروند هواپیمای بوئینگ متعلق به ونزوئلا که از شرکت «ماهان ایر» خریداری کرده بود، می‌نویسد دولت بایدن اگر اراده‌ای برای اعمال جدی تحریم‌های جمهوری اسلامی و رژیم‌های ضدآمریکایی داشته باشد با اجرای قاطع تحریم‌ها فرصت فوق‌العاده‌ای برای مقابله با آنها دارد.

«هیل» نوشته است که دولت بایدن فرصت بی‌نظیری برای تشدید مقابله با رژیم‌های ضدآمریکایی در ونزوئلا، ایران و نیکاراگوئه دارد. اقدامات اخیر نشان می‌دهد که اعمال جدی تحریم‌های سخت می‌تواند کارساز باشد و بایدن به این موضوع باید توجه داشته باشد و بر اساس آن عمل کند. اوایل این هفته، مقامات ایالات متحده یک هواپیمای باری توقیف شده بوئینگ ۷۴۷-۳۰۰ را از بوئنوس آیرس پایتخت آرژانتین به یک فرودگاه نظامی در فلوریدای جنوبی منتقل کردند. این هواپیما زمانی متعلق به شرکت

حوثی‌ها کشتی آمریکایی حامل کمک‌های بشردوستانه به یمن را هدف قرار دادند



آرژانتین بود، ابتدا بخشی از محموله‌اش را در بندر عدن تخلیه کرد و سپس در مسیر بندر حدیده بود که هدف قرار گرفت.

رویترز به نقل از دو منبع گزارش داده که حوثی‌ها گفته‌اند حمله به این کشتی عمدی نبوده و اشتباه شده است. اما یحیی سریع سخنگوی نظامی حوثی‌ها درباره این ادعا که کشتی آمریکایی به اشتباه هدف قرار گرفته چیزی نگفت و اتفاقاً اعلام کرد در یک عملیات همزمان کشتی آمریکایی (Fortuna Navis) در خلیج عدن نیز هدف قرار گرفته است.

طبق گفته یحیی سریع، کشتی انگلیسی «روبیما» که پیش از این هدف قرار گرفته بود بطور کامل در دریا غرق شد. او همچنین اعلام کرد بندر ایلات در جنوب اسرائیل را نیز هدف قرار داده‌اند.

عملیاتی که حوثی‌ها اصرار دارند روی آن مانور دهند هدف قرار دادن پهپاد آمریکایی MQ۹ بر فراز آسمان حدیده است.

دستیابی حوثی‌ها به سیستم‌های پدافندی تهدید جدیدی برای پرواز هواپیماهای مسافربری است که مسیر آنها از فراز دریای سرخ و باب‌المندب می‌گذرد.

حوثی‌ها همچنین کشتی اسرائیلی (MSC SILVER) را در خلیج عدن هدف قرار دادند.

بعد از آنکه اعلام شد آمریکا به کشتی جاسوسی «بهباد» متعلق به نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی حمله سایبری کرده، حدود یک هفته شدت حملات حوثی‌ها به کشتی‌ها کمتر شد. این کشتی در همکاری مشترک با سپاه پاسداران، اطلاعات کشتی‌ها را به حوثی‌ها می‌رساند اما با آغاز عملیات آمریکا در منطقه پس از کشته شدن سه نظامی آمریکایی در اردن، به جیبوتی رفت و در یک بندرگاه نظامی متعلق به چین پهلو گرفت.

اکنون با شدت حملات و با وجود حمله و آسیب زدن به کشتی باری «قهرمان دریا» حامل کمک‌های بشردوستانه به خود یمن، به نظر می‌رسد دسترسی حوثی‌ها به اطلاعات کشتی‌ها بار دیگر برقرار شده است.

● این کشتی فله‌بر متعلق به آمریکا که با پرچم یونان به سمت بندر حدیده حرکت می‌کرد حامل کمک‌های بشردوستانه بود اما روز سه‌شنبه اول اسفند در انتهای مسیر با دو موشک هدف قرار گرفت.

● کشتی «قهرمان دریا» که حامل ۹ هزار و ۲۲۹ تن ذرت از مبدأ آرژانتین بود، ابتدا بخشی از محموله‌اش را در بندر عدن تخلیه کرد و سپس در مسیر بندر حدیده بود که حوثی‌ها به آن حمله کردند.

● طبق گفته یحیی سریع سخنگوی نظامی حوثی‌ها، کشتی انگلیسی «روبیما» که پیش از این هدف قرار گرفته بود بطور کامل در دریا غرق شد.

● عملیاتی که حوثی‌ها اصرار دارند روی آن مانور دهند هدف قرار دادن پهپاد آمریکایی MQ۹ بر فراز آسمان حدیده است. دستیابی حوثی‌ها به سیستم‌های پدافندی تهدید جدیدی برای پرواز هواپیماهای مسافربری است که مسیر آنها از فراز دریای سرخ و باب‌المندب می‌گذرد.

حوثی‌های یمن که اخیراً دولت بایدن دوباره آنها را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داده، طی ۴۸ ساعت بسیار پرکار چندین کشتی از جمله کشتی باری Sea Champion (قهرمان دریا) را که حامل غله و به سمت یمن در حرکت بود در دریای سرخ و خلیج عدن هدف قرار دادند.

به گزارش سنتکام، این کشتی فله‌بر متعلق به آمریکا که با پرچم یونان به سمت بندر حدیده حرکت می‌کرد حامل کمک‌های بشردوستانه بود اما روز سه‌شنبه اول اسفند در انتهای مسیر با دو موشک هدف قرار گرفت.

به گزارش رویترز یکی از موشک‌ها نزدیک کشتی منفجر شد و آسیب جزئی به بدنه آن وارد آورد اما کشتی به حرکت خود ادامه داد و به عدن رسید.

طبق اعلام سنتکام، این کشتی در پنج سال گذشته ۱۱ بار کمک‌های بشردوستانه به یمن رسانده است. حدود ۸۰ درصد مردم یمن به کمک‌های بشردوستانه نیاز دارند و تهاجم حوثی‌ها به کشتی در دریای سرخ ارسال محموله‌های بشردوستانه به یمن را کاهش داده است.

«قهرمان دریا» که حامل ۹ هزار و ۲۲۹ تن ذرت از مبدأ

شرکت کانویاسا همچنین تقریباً هر روز بین کوبا و پاراگوئه و نیکاراگوئه پرواز می‌کند و پشتیبان یک طرح بدخیم مشترک با سایر دیکتاتوری‌های متحد در منطقه برای تقویت کاروان مهاجران غیرقانونی است که برای ورود به ایالات متحده تلاش می‌کنند.

«هیل» می‌پرسد، دولت بایدن برای مهار بیشتر استفاده غیرقانونی کانویاسا از هواپیماهای تحریم شده چه کاری می‌تواند انجام دهد؟ و با اشاره به اینکه خوشبختانه توقیف هواپیمای باربری Emtrasur توسط ایالات متحده قبلاً فعالیت آن را تحت تأثیر قرار داده بود می‌نویسد، این شرکت هواپیمایی ونزوئلا قبلاً خدمات خود به شیلی، آرژانتین و بولیوی را لغو کرده و تنها مسیرهای مکزیک، نیکاراگوئه و کوبا را در کنار پروازهای ایران، روسیه و سوریه در منطقه حفظ کرده است. اما می‌توان کارهای بیشتری انجام داد:

اول، واشنگتن می‌تواند فشار وارد شده به آرژانتین در سال ۲۰۲۱ را تکرار کند. فشار بی‌سر و صدا بر تامین‌کنندگان سوخت هواپیما، ارائه‌دهندگان خدمات فرودگاهی و یک حکم احتمالی که برای توقیف به وزارت دادگستری کشورهایی که این هواپیماها ممکن است آنها را در یک کشور ثالث فرود بیاورند ارائه شده است. بدین ترتیب ایران و ونزوئلا از ابزاری حیاتی برای دور زدن تحریم‌ها و ایجاد شرارت محروم می‌شوند.

واشنگتن همچنین می‌تواند بی‌سر و صدا به متحدان خود فشار آورد تا حریم هوایی خود را به روی هواپیماهای عبوری کانویاسا ببندند. این کاری است که ایالات متحده قبلاً انجام داده است. حداقل در دو نوبت، یک هواپیمای ایرانی از حق فرود محروم شد یا حریم هوایی به روی هواپیما بسته شد بطوری که مجبور شد مسیر خود را تغییر دهد یا زمینگیر شود. در اکتبر ۲۰۲۲ کشور کیپ‌ورد حق فرود یک هواپیمای باری ایرانی را که توسط شرکت هواپیمایی «قشم فارس ایر» تحت تحریم ایالات متحده اداره می‌شد، لغو کرد، زیرا این هواپیما در حال نزدیک شدن به فرودگاه اصلی این کشور جزیره‌ای در آفریقا بود.

در ژوئن سال ۲۰۲۲ اروگوئه حریم هوایی خود را به روی هواپیمای باری شرکت Emtrasur در حالی که سعی داشت بوئنوس آیرس را ترک کند، بست. نتیجه هر دو اقدام پیامدهای قابل توجهی داشت: هواپیمای «قشم فارس ایر» دیگر به آمریکای لاتین پرواز نمی‌کند و هواپیمای «امتراسور» زمینگیر شد و اکنون توقیف شده است.

بقیه هواپیماهای دوربرد شرکت کانویاسا که همگی از «ماهان ایر» خریداری شده‌اند، همچنان مسیرهای خود را به مسکو و تهران ادامه می‌دهند و آنها را در برابر اقدامات مشابه کشورهایی که در مسیر رسیدن به مقصدشان پرواز دارند، آسیب‌پذیر می‌کنند. علاوه بر کوبا و نیکاراگوئه، کانویاسا به مکزیک نیز پرواز می‌کند، جایی که ایالات متحده می‌تواند اقداماتی برای توقیف و مصادره هواپیماهای آن انجام دهد.

دولت بایدن می‌تواند از دیپلماسی آرام و اقدامات قانونی در کشورهای دوست برای توقیف هواپیماهایی استفاده کند که ونزوئلا برای تسهیل فرار از تحریم‌ها در خدمت تهران و کاراکاس به کار می‌گیرد.

در پایان مقاله‌ی پایگاه خبری «هیل» آمده، «ماجرای توقیف هواپیمای ونزوئلا نشان می‌دهد در جایی که اراده سیاسی وجود دارد، تحریم‌ها جواب می‌دهد. با زمینگیر کردن هواپیماهای بیشتر، واشنگتن می‌تواند صدمات جدی مهمی به دولت ونزوئلا و متحدانش در نیکاراگوئه و ایران وارد کند. دولت بایدن منتظر چه چیز است؟»

ائتلاف و درگیری «نایب امام» با «اخوان المسلمین» شیعی



روح‌الله خمینی، موسوی اردبیلی، علی خامنه‌ای، میرحسین موسوی

می‌دانیم که غیبت به دو دوره تقسیم می‌شود: غیبت صغری با نیابت اربعه و غیبت کبری با نیابت عام که از حدود سال ۹۴۰ میلادی تا امروز ادامه دارد.

تئوری قدرت شیعه را آخوندهای همان زمان، امثال کلینی و شیخ مفید و شیخ طوسی و ابن بابویه ساختند و پرداختند (کتاب اربعه) که طی زمان، روز به روز و لایه به لایه، بر آن افزوده شده است.

نکته مهم دیگر آنکه از زمان غیبت، تئوری حکومتی شیعه همچون آب زیر کاه جریان داشته. فقها از ورای سلسله‌های حاکم در ایران، هرچند در کنار پادشاهان می‌نشستند، اما خود را وارث بحق امام زمان می‌دانستند که همین امام زمان، صاحب حقیقی قدرت و حکومت شمرده می‌شد. در دوران معاصر، این امر در قانون اساسی مشروطه و صد البته در قانون اساسی جمهوری اسلامی به وضوح آمده است. نکته جالب آنکه در متمم قانون اساسی مشروطه، از «شاهنشاه اسلام» یاد می‌کند و نه «شاهنشاه ایران». همین شاه فقط تا ظهور «امام عصر» در این مقام خواهد بود. حال، صرف نظر از جنبه دوگانگی قانونی شاه-امام، این دوگانگی در زمان محمدرضا شاه، در زندگی روزمره هم مشهود بود. تنها به چند مورد اشاره کنم:

در ایام عید نوروز، آیت‌الله‌ها بجای اسکناس مصور به تصویر شاه، سگه «صاحب‌الزمان» عیدی می‌دادند. در سینماها، پیش از شروع فیلم، سرود شاهنشاهی نواخته می‌شد که تماشاچیان به علامت احترام برمی‌خاستند. گاهی هم برخی برمی‌خاستند اما به صحنه پشت می‌کردند. در عوض، در مراسم مذهبی، آخوند سر منبر، وقتی با لحن و حالت خاصی می‌گفت: «الامام المنتظر... القائم...» همه بلند می‌شدند، می‌ایستادند و با صدای پرطنین، صلوات می‌فرستادند.

یا چراغانی‌های پر زرق و برق مردمی (بیشتر بازاری) ۱۵ شعبان در برابر ۴ آبان؛

یا زیارت نوروزی شاه مملکت از ضریح «السلطان علی ابن موسی الرضا»!

در آن زمان، این چیزها آنقدر عادی و طبیعی تلقی ←

«حکومت اسلامی» (سال ۱۳۴۸ در نجف) این مسئله را عنوان کرده است. البته خمینی، سال‌های سال، قبل از آن، در کتاب «کشف الاسرار» به تفصیل به مسئله ولایت فقیه پرداخته بود. به هر روی، نکته مهمی که کمتر مورد توجه قرار گرفته و همین کم‌توجهی و حتا بی‌توجهی موجب سردرگمی شده، آنست که «ولایت فقیه» فرع بر «نیابت امام» است و نه برعکس. و این «نیابت امام» است که سنگ زیرین کلیت تئوری قدرت در شیعه را تشکیل می‌دهد. دیگر آنکه، تئوری امامت، صرفاً به عنوان یک نظریه سیاسی- فارغ از دیدگاه ارزشی- از انسجام کافی برخوردار است. می‌توان با آن مخالف و حتا ضد آن بود، اما نمی‌توان انسجام تئوریک آن را انکار کرد!

در اینجا، برای یادآوری قدمت وجود مفاهیم پایه‌ای نظریه قدرت در شیعه دوازده امامی، ناگزیرم با استعانت از حوصله خواننده، برخی از آنها را فهرست وار ذکر کنم:

اصل امامت در مقام مکمل پیامبری
ضرورت امامت در مقام حاکم (ضرورت عقلی، ضرورت شرعی، ضرورت الهی)

اصل عصمت
اصل وراثت
قاعده افضلیت
نص قرآنی
نص نبوی
نص امام
قاعده «لطف» و نیز بحث مبسوط غیبت و ظهور امام غایب و اصل «رجعت».

به این مجموعه اضافه کنیم داستانسراشی‌های کربلا و خیمه‌شب‌بازی‌ها و شام غریبان و مسئله «شهادت» و دیگر شعبده‌بازی‌هایی که ما ایرانیان، نسل در نسل، با آنها خو کرده‌ایم. (۱)

از دیدگاه تاریخی، داستان با غیبت واقعی یا ساختگی امام دوازدهم آغاز می‌شود و نظریه نیابت امام و ولایت فقیه پا می‌گیرد. سرچشمه اختلاف بین فقیهان شیعه با شیعیانی که آنها را «اخوان ایرانی» نامیده‌ام، در همینجا نهفته است.

● نام اول نظام سیاسی جدید (پس از انقلاب ۵۷) بسان عنوان کتاب خمینی همان «حکومت اسلامی» بود. اما چون خمینی در کتاب «کشف الاسرار» وجود یک نظام اسلامی را با وجود پادشاه ممکن دانسته بود و نیز برای جلوگیری از بازگشت نظام پادشاهی، آن را به «جمهوری اسلامی» تغییر دادند.

● نظریه حکومتی شیعه ساخته و پرداخته خمینی نیست. یک پدیده و واقعیت تاریخی است. اگر در طول زمان، مراجع شیعه خواستار تحقق عملی آن نشده بودند، این به دلیل عدم امکان عملی آن بود؛ به تعبیر خودشان: «عدم بسط پد» و «مصلحت زمان». نقش بزرگ خمینی آن بود که با به قدرت رساندن «نایب امام» که بعد «امام» شد، به تئوری حکومتی چندین قرنی شیعه جامه عمل پوشاند.

● خوب است به یاد داشته باشیم که هرگونه حکومت مذهبی به استبداد منجر می‌شود و فراموش نکنیم که حتا با بدترین شرایط، دیکتاتوری با مذهب، بدتر است از دیکتاتوری لامذهب!

مهدی مظفّری- در انقلاب اسلامی سال ۵۷ دو ساختار سیاسی مشخص، دست به دست هم دادند، نظام موجود را واژگون کردند و رژیم جمهوری اسلامی را برپا ساختند. این دو نیرو قوای محرکه و تأسیسی انقلاب بودند. گروه‌های متفرق دیگر به ویژه گروه‌های چپ و گروه‌های به اصطلاح «روشنفکری»، به اعتراف خودشان، نه توان به حرکت درآوردن روند انقلاب را داشتند و نه بر تشکیل تأسیسات برآمده از انقلاب تأثیرگذار بودند. آن دو نیروی اصلی انقلاب اسلامی، یکی نیروی به اصطلاح «روحانیت شیعه» بود، یعنی «نایبان امام» و دیگری نیروهایی با اعتقادات اسلامی و شیعه دوازده امامی که اینان را به دلایلی که خواهم گفت، «اخوان المسلمین شیعی» یا به اختصار «اخوان ایرانی» می‌نامم.

بسیار گفته و نوشته‌اند که «ولایت فقیه»، ساخته و پرداخته روح‌الله خمینی است؛ که او در کتابش با عنوان

می‌شد که به چشم نمی‌آمد. آشفشانی بود خفته در اعماق!

همه این موارد نشان می‌دهد که نظریه حکومتی شیعه ساخته و پرداخته خمینی نیست. یک پدیده و واقعیت تاریخی است. اگر در طول زمان، مراجع شیعه خواستار تحقق عملی آن نشده بودند، این به دلیل عدم امکان عملی آن بود؛ به تعبیر خودشان: «عدم بسط پد» و «مصلحت زمان». نقش بزرگ خمینی آن بود که با به قدرت رساندن «نایب امام» که بعد «امام» شد، به تئوری حکومتی چندین قرنی شیعه جامه عمل پوشاند.

ائتلاف نایب امام با اخوان شیعی

ریشه این ائتلاف سیاسی به شورش ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ برمی‌گردد. پیش از آنهم گروه‌هایی که امروز خود را «ملی - مذهبی» می‌نامند با روحانیت در ارتباط بودند؛ اما نه به صورت ائتلاف عملی و آنهم تحت رهبری یک شخص مشخص. ۱۵ خرداد سپهر سیاسی ایران را دگرگون کرد. تا آن زمان، از نظر بخش‌هایی از مردم، «نهضت ملی ایران» مرجع تاریخی مخالف با رژیم شاه محسوب می‌شد و دکتر مصدق هم، رهبر آن نهضت. اما از آن پس، «۱۵ خرداد» شد مرجع تاریخی جدید و خمینی جای مصدق را گرفت. او از مراتب پائین در سلسله مراتب مراجع تقلید، به مقام «نیابت امام» عروج کرد. چند روز پس از پانزده خرداد همان سال، در اعلامیه «نهضت آزادی» چنین آمده است: «مردم مسلمان ایران، در طول تاریخ ایران نخستین بار است که به مقام منبع نیابت عظمای امام علیه‌السلام جسارت می‌شود». یک سال پیش از آن، در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۱، مهندس بازرگان، تأسیس حزب اسلامی «نهضت آزادی ایران» را اعلام کرده بود. در بند چهارم مرامنامه این حزب آمده که «ما مصدقی هستیم». پس از ۱۵ خرداد، خمینی شد رهبر اینان. که این خود، «برکت الهی» برای خمینی بود. بعدها، در جریان انقلاب، تقابل مصدق - خمینی آشکارتر شد. همگان شاپور بختیار را در کنار عکس مصدق دیدند و بازرگان را در کنار شخص امام خمینی.

نکته قابل توجه دیگر آنکه، خمینی، به فرض برخورداری از پشتیبانی تمامی روحانیون شیعه، باز هم قادر نبود که رژیم شاه را سرنگون و حکومت اسلامی را برپا کند. برای تحقق این هدف، به پشتیبانی عملی نیروهای خارج از حوزه روحانیت نیاز داشت. پس استراتژی خود را به دو مرحله تقسیم کرد:

۱- سرنگونی رژیم شاه و استقرار رژیم انقلابی

۲- ایجاد حکومت اسلامی و حکمرانی نایب امام.

در مرحله اول، او به آسانی موفق شد همه نیروهای مسلمان و غیرمسلمان را به کارگیرد. «کمونیست‌ها هم آزادند... جمهوری؟ مثل همین جمهوری فرانسه...» و بقیه داستان. کار «استقرار انقلاب» را به نیروهای خودی سپرد (کمیته‌ها و دادگاه‌های انقلاب) و کار اداره کشور را به اخوان‌المسلمین شیعی واگذار کرد (دولت موقت). در این مرحله، اینان، به رهبری مهدی بازرگان، بزرگترین و مهم‌ترین خدمت را به تحقق برنامه خمینی انجام دادند. چون دانشگاه رفته و غرب‌دیده بودند و در رژیم گذشته، سابقه و تجربه مدیریتی داشتند، توانستند این امر را به انجام برسانند. در کنار این خدمت، دو خدمت بزرگتر دیگر هم کردند: یکی جدا کردن ارتش از دولت شاپور بختیار که به بی‌طرفی ارتش انجامید (مذاکرات بازرگان با ارتش قهرباغی و سپهبد مقدم) و دیگری جلب اعتماد و حمایت دولت‌های غربی در سرنگونی بختیار و چرخش به سوی حمایت از انقلاب (مذاکرات بازرگان و پیشکارش ابراهیم یزدی با

آمریکایی‌ها). پس از انجام این دو مهم، مرحله بعدی، یعنی ایجاد حکومت اسلامی آغاز شد. در این مرحله، دخالت دادن نیروهای غیرمسلمان یا ضد اسلام، نه منطقی بود و نه شدنی. ماموریت نیروهای مسلمان و معتقد هم که خارج از حوزه روحانیت بودند به پایان رسیده بود. از نظر خمینی، اینان برای ساختن آن حکومت اسلامی که مور نظر او بود، صلاحیت نداشتند. حتا می‌توانستند مزاحمت ایجاد کنند. از این رو، می‌بایست کنار گذاشته شوند. که شدند.

اخوان‌المسلمین شیعی چیست و کیست؟

در سپهر عالم سیاست، به ویژه در جوامعی که در نبود فرهنگ دموکراسی لیبرال، دچار تشنگی و بهم‌ریختگی اجتماعی و سیاسی هستند، معنا دادن، یا به تعبیر دقیق‌تر، «مفهومی کردن» ساختارها و بازیگران سیاسی، کار آسانی نیست. در عین حال، پژوهنده ناگزیر است از ورای مشابهات و نقاط افتراق ساختارها و بازیگران دنیای سیاست به یک مفهوم کلی دست یابد که آن کلیت، ذات و جوهره اجزاء را قابل فهم بسازد. به عبارت ساده، هدف یک کاسه کردن است. این کار بطور کامل شدنی نیست، به ویژه در محدوده یک مقاله. اما وجه مثبت‌اش آنست که بجای گم شدن در اجزاء پراکنده، یک دید روشن‌تر و کلی‌تر از اجزاء واقعیت به ما می‌دهد.

بر این اساس، این گروه از دید کلی، به افراد و نیروهای اطلاق می‌شود که نه تنها مسلمان معتقد و شیعه دوازده امامی هستند، بلکه برای اسلام به عنوان یک ایدئولوژی، اصالت ذاتی قائلند. خواستار ایجاد حکومت اسلامی و اجرای احکام شرع هستند. حال، چرا واژه «اخوان‌المسلمین شیعی»؟ به دلیل شباهت‌های زیاد و نقاط مشترکی که با وجود «شیعه» بودنشان، با اخوان‌المسلمین سنی دارند. اخوان سنی در سال ۱۹۲۸ میلادی در مصر ایجاد شد؛ سپس به سراسر کشورهای سنی و نیز به ممالک اروپائی و آمریکائی گسترش پیدا کرد. مهم‌ترین نکته مشترک بین اخوان سنی و شیعی در آنست که هر دو خواهان ایجاد حکومت اسلامی‌اند؛ یکی «خلافت اسلامی»، دیگری «حکومت اسلامی». (۲) اما هر دو بدون حکمرانی فقیهان و امامان. از نظر اجتماعی، هر دو گروه، بطور عمده برآمده از طبقات متوسط و زیر متوسط شهری هستند و بیشتر کادراهی رهبری‌شان غالباً فارغ‌التحصیلان رشته‌های فنی، پزشکی و وکلای دادگستری. از لحاظ ریخت فیزیکی، نوع لباس، رفتار خانوادگی، رعایت حلال و حرام شرعی، انجام عبادات و تکالیف شرعی و جز اینها بسیار شبیه یکدیگرند. برای مراسم مذهبی (امثال بعثت، عید فطر و عید قربان) بیش از مراسم ملی مردم و کشورشان احترام قائلند. تاریخ و فرهنگ و اساطیر و شعر و موسیقی کشورشان برایشان اهمیت خاصی ندارد. در عوض، از جزئیات تاریخ، مرگ و میر شخصیت‌ها و صحابه پیامبر و امامان‌شان اطلاع دقیق دارند. آنها را عزیز و مقدس می‌دانند. می‌دانیم در حالی که غنای فرهنگی بی‌نظیر مصر و نیز درآمد توریستی امروز این کشور مدیون و نتیجه دوران فراعنه است و دوران اسلامی هیچ چیز بجز یکی دو تا مسجد به وجود نیاورده، اما چون فرعون در قرآن لعن شده، از نظر اخوان‌های مصری، فرعون ملعون است. در ایران نیز، اخوان شیعی، آمدن اسلام را به ایران گرامی می‌دارند، از دوران با شکوه ایران سخنی نمی‌گویند. بجای آن، از حکومت «عدل علی»، «فرمان علی به مالک اشتر»، «خطبه شمشقیه»، «قیام حسینی» و نظایر آن، سخن می‌رانند. بجای قهرمانان و اسطوره‌های ایرانی، تا بخواهید سخن از اباذر است و مالک اشتر، عمار یاسر و زینب و فاطمه که البته فاطمه، فاطمه است! جالب آنکه

مهندس بازرگان پس از پایان نخست وزیری، خمینی را متهم می‌کند که اسلام را بر ایران مقدم داشته و می‌نویسد: «اولین تمایز و توسعه خط مشی امام نسبت به حرکت اول [انقلاب] توجه خاص به اسلام و مسلمانان بود و کنار گذاشتن یا فرعی شناختن ایران و ایرانی». (ص ۱۱۱) این درست همان کاری است که خود او، آنهم نه در یک سخنرانی عادی، بلکه در مرامنامه «نهضت آزادی» کرده است: «۱- ما مسلمانیم، ۲ ما ایرانی هستیم». به عبارت دیگر، ایرانی بودن ما، فرع بر مسلمان بودن ماست. زیاد مهم نیست ما کجائی هستیم. آنچه مهم است، مسلمان بودن ماست. هر جای دیگر بودیم، باید مسلمان می‌بودیم. گوئی تاریخ ما ایرانیان و اصولاً تاریخ رهائی بشر با بعثت پیامبر اکرم آغاز شده! بنابراین، به بیراهه نرفته‌ایم اگر مهندس بازرگان را معادل شیعی حسن البنا بنیانگذار و مرشد اخوان‌المسلمین سنی بدانیم. با این تفاوت که آثار نوشتاری حسن البنا بسی مستدل‌تر و دقیق‌تر از آثار بازرگان است. علی شریعتی هم شباهت‌های زیادی با سید قطب دارد.

با توجه به نکات بالا، به نظر من، گروه‌های زیر، هسته اولی و اصلی اخوان شیعی هستند:

نهضت آزادی ایران

مجاهدین خلق

انجمن‌های اسلامی متعدد دانشجویان، مهندسیان،

پزشکان، بازاریان، معلمان

و نیز گروه‌های دیگری مثل «مسلمانان مبارز»، «جاما» و سایر گروه‌هایی از همین دست.

در جمع، این گروه‌ها و هواداران‌شان بخش مهمی از مردم شهرنشین، نه تنها در تهران بلکه در سراسر کشور را در برمی‌گرفت. در خارج کشور، انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا و نیز در آمریکا بسیار فعال بودند. با رفیق مصطفی چمران به لبنان (از من خواست بروم که نرفتم) و نیز تشکیل سازمان مجاهدین خلق در ایران، بخشی از اخوان شیعی به مبارزه مسلحانه و اعمال تروریستی روی آوردند. مشابه همین موارد در اخوان سنی هم وجود داشته. مثل ظهور توفانی سیدقطب در دهه پنجاه میلادی یا گروه خالد السلامبولی قاتل انورالسادات و نیز گروه تروریستی التکفیر و الهجرة. حماس هم شاخه‌ای از اخوان مصر است.

دامنه اخوان شیعی در دوران پس از انقلاب بطور چشمگیری افزایش یافته است. گروه‌های متعددی به وجود آمده‌اند و اسم خود را «حزب»، «جبهه» یا انجمن گذاشته‌اند، اما درواقع، اینان بیشتر به هیأت‌های سنتی و مذهبی شباهت دارند تا احزاب متعارف. این گروه‌ها که تعدادشان هم رو به افزایش است، به تدریج از آنچه خودشان «اسلام فقهاتی» می‌نامند، فاصله می‌گیرند و به گروه‌های اخوان‌المسلمین پیش از انقلاب (منهای مجاهدین خلق) نزدیک می‌شوند. نکته قابل توجه آنکه دست کم، بیش از سه دهه پس از انقلاب اسلامی، هیچیک از آنان (به استثنای مجاهدین خلق)، از بازرگان گرفته تا جانشینانش و نیز دیگر گروه‌های مشابه، نه تنها خواستار سرنگونی رژیم ولایت فقیه نبودند، بلکه با صدور بیانیه و ایراد سخنرانی، وفاداری خود را هم به نظام جمهوری اسلامی ابراز داشته‌اند. برخی از آنان، پس از شکست جنبش موسوم به «جنبش سبز»، شعارشان را از «اصلاح‌طلبی» به «تحول‌خواهی» تغییر داده‌اند. آن گروه‌های اخوانی هم که به خارج کشور هجرت کرده‌اند، دائم در حال تغییر عنوان هستند: «فعال ملی - مذهبی»، «دین‌پژوه»، «روزنامه‌نگار»، «تحلیلگر» و «فعال سیاسی» به این جمع، «روشنفکران [روشن‌دلان] دینی» را نیز بیفزایید، با گروهی از اخوان شیعی مواجه می‌شوید که در خارج کشور فعالند.





درگیری و تناقضات تئوریک اخوان شیعی

در بالا دیدیم که خواسته مشترک اخوان مصری و اخوان ایرانی یکی است: ایجاد حکومت اسلامی بدون حکمرانی فقیه و امام. این پروژه برای اهل سنت، امری عادی و طبیعی است. زیرا اهل سنت اصولاً قائل به وجود «امام زمان» و غیبت و ظهور چنین کسی نیستند که بر سر نیابت آن، که فقیه باشد یا نباشد، اختلاف و دعوا داشته باشند. در شیعه امامیه بر عکس، این مسائل اصولی و بنیادی اند. به عبارت دیگر، اگر ملی-مذهبی‌ها خود را مسلمان شیعه می‌دانند، مسئله امام زمان را نمی‌توانند نادیده بگیرند که در قانون اساسی‌شان هم به رسمیت شناخته شده که آن امام نایب دارد و همان نایب است که حاکم زمان است. اینجاست که تناقض‌ها رو می‌شوند. در برابر چنین امر بدیهی، مهندس بازرگان در کتاب «انقلاب ایران در دو حرکت» معتقد است که «نظارت عمومی و دخالت روحانیت از اواسط سال دوم [انقلاب] تعبیر جدیدی را وارد فرهنگ انقلاب و سیاست جمهوری اسلامی نموده اصطلاح «اسلام فقهانی» را به کار برد» (ص ۱۲۷). در همانجا به گفته‌ای از علی خامنه‌ای (رئیس جمهوری اسلامی وقت) استناد می‌کند که: «شورای انقلاب را می‌توانیم به دو جریان تقسیم کنیم. یکی جریان معتقد به خط فقهات و اسلام... و دیگری جریان بی‌اعتقاد به آن... دولت موقت گرچه متدین بود... ولی این تفکر را که اساس اداره جامعه باید احکام فقهی قرآن و سنتی باشد قبول نداشتند. به اسلام به عنوان یک مکتب که باید جامعه را اداره کند معتقد نبودند». بازرگان نظر خامنه‌ای را رد می‌کند و می‌نویسد: «چنین اظهار نظر که اکثریت دولت موقت به اسلام به عنوان یک مکتب که جامعه را اداره کند معتقد نبودند، صحیح نیست» (ص ۱۲۸) و طعنه می‌زند: «سال‌ها قبل از آنکه آقایان انقلابی شورای انقلاب، انقلاب کنند و متوجه بشوند که اسلام را می‌توان به عنوان یک ایدئولوژی اجتماعی سیاسی اختیار کرد و اساس حکومت و اداره جامعه را بر مبنای آن استخراج و تنظیم کرد، کسانی نهضت آزادی را با ایدئولوژی اسلامی تأسیس نموده و برای حکومت، اقتصاد، سیاست خارجی و مسائل دیگر مملکت تبلیغ و تعلیمات می‌نموده کتاب‌ها نوشته‌اند» (همان صفحه). گذشته از اینکه در اینجا بازرگان خود و یارانش را مسلمان‌تر و انقلابی‌تر از خمینی و یارانش می‌داند، اما فراموش می‌کند که فرمان نخست وزیری‌اش را از دست چه کسی و بر چه اساسی گرفته است! از دست همان کسی که گفت: «من توی دهن این دولت [بختیار] می‌زنم. من دولت تعیین می‌کنم...» آنهم بر اساس «حق شرعی و قانونی» که به خودش داده بود! بازرگان حتا این را هم فراموش می‌کند که حزب خودش در پانزده خرداد ۴۱، خمینی را به عنوان «نایب امام» به رسمیت شناخته بود که به آن اشاره شد. این تضادها و تناقضات که در اینجا فقط به چند مورد آن اشاره

شد ناشی از آنست که اینان شیعه را با سنتی اشتباه گرفته‌اند. همان اتهامی که آخوندها به علی شریعتی می‌زدند.

آینده

در این نوشته کوشیدم فقط به یکی از عوامل انقلاب اسلامی اشاره کنم. برای این کار، مفهوم تازه‌ای را ارائه دادم: اخوان‌المسلمین شیعی یا اخوان ایرانی. تصور می‌کنم با به کار گرفتن این مفهوم، می‌توان به فهم بهتر و کامل‌تری از سپهر سیاسی و مسائل کشورمان دست یافت. آینده ایران ناروشن است. جنگ در منطقه خاورمیانه



دکتر مهدی مظفری

ادامه دارد و جهان در بحران بسر می‌برد. هر چیزی می‌تواند در کشور ما اتفاق بیفتد. یکی از سناریوها هم نقشی است که همین اخوان شیعی (مذکر و مؤنث) و گروه‌های وابسته به آنها، می‌توانند بازی کنند. اینان خواهان براندازی جمهوری اسلامی نیستند. به گفته خودشان، خواهان «تحول» آن هستند. یعنی زیربنای اسلامی را حفظ کنند و بجای فقیه و آخوند، کت و شلوارهای اسلامی، حکومت کنند. اجرای چنین برنامه‌ای غیرممکن نیست. تعداد گروه‌ها و افراد سرشناسی که از سوی نظام حاکم طرد می‌شوند، یا خودشان از آن فاصله می‌گیرند، رو به افزایش است. به این جهت، نوعی همگرایی بین این افراد و گروه‌ها با هسته اخوان ایرانی دور از واقعیت به نظر نمی‌رسد. از سوی دیگر، دولت‌های غربی و کشورهای منطقه و سازمان‌های حقوق بشری هم که کم و بیش خواهان تغییر در ایران شده‌اند، نمی‌توانند از روی کار آمدن یک رژیم اسلامی فرا آخوندی، راضی نباشند.

در چنین شرایطی، خوب است به یاد داشته باشیم که هرگونه حکومت مذهبی به استبداد منجر می‌شود و فراموش نکنیم که حتا با بدترین شرایط، دیکتاتوری با مذهب، بدتر است از دیکتاتوری لامذهب!

*دکتر مهدی مظفری استاد علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در دانشگاه

(۱) شاید در رابطه با موضوع این مقاله بد نباشد بگویم که من پس از چندین سال کار و تحقیق در دانشگاه پاریس یکم، در فوریه سال ۱۹۷۱ از تز دکترای دولتی خودم دفاع کردم. رساله‌ام با درجه «بسیار خوب» پذیرفته شد. عنوان ترم بود: «مفهوم قدرت در شیعه». همین کار تحقیقی موجب شد که آزادفکر شوم. با وجود دوستی و همکاری چندین ساله با علی شریعتی از او و نیز از مهندس بازرگان و همکارانش به کلی جدا شدم. بهتان‌های فراوان به من زدند. از دانشگاه تهران هم اخراج کردند. و آواره از وطن. اما سر بلندم که آگاهانه در انقلاب شرکت نکردم. این رساله بالاخره در سال ۱۹۹۸ در پاریس چاپ و منتشر شد. (Paris, L'Harmattan: Théorie et Evolution: Pouvoir Shi'ite)

(۲) نام اول نظام سیاسی جدید (پس از انقلاب ۵۷) بسان عنوان کتاب خمینی همان «حکومت اسلامی» بود. اما چون خمینی در کتاب «کشف الاسرار» وجود یک نظام اسلامی را با وجود پادشاه ممکن دانسته بود و نیز برای جلوگیری از بازگشت نظام پادشاهی، آن را به «جمهوری اسلامی» تغییر دادند.

خامنه‌ای یا پوتین؟ کدامیک با سقوط فاصله‌ای کمتر دارد؟

● در سال‌های اخیر برخی از روزنامه‌نگاران معروف با ولادیمیر پوتین مصاحبه کرده‌اند. تاگر کارلسن هربر در مقابل منتقدان خود این جواب را می‌دهد: مصاحبه و با اطلاع شدن از افکار دوستان که بسیار راحت و سهل است! باید با دشمنان قسم خورده غرب مصاحبه کرد و از دیدگاه‌های آنها با اطلاع شد.

● هرچند مرگ آلکسی ناوالنی موجب توقف ماشین تبلیغاتی رژیم پوتین در کوتاه‌مدت نخواهد شد و مخالفین پوتین را از یک رهبر شناخته شده در سطح جهانی محروم کرد ولی در درازمدت اثرات خود را بر حکومت پوشالی دیکتاتور خواهد گذاشت.

بهرام فرخی - پس از تهاجم تبلیغاتی پوتین در مصاحبه با تاگر کارلسن در هفته‌های اخیر و موفقیت‌های تاکتیکی در جنگ اوکراین، اینبار این پوتین است که به گوشه رینگ رانده شده است. مصاحبه‌های جنجالی که سنگ‌بنای سخت آن به دوران ابرقدرتی اتحاد جماهیر شوروی و روسیه تزاری بازمی‌گردد و رویاها و آرزوهای آن به بازگشت نئوکان‌ها «شما بخوانید دونالد ترامپ» به کاخ سفید پس از اخبار چند هفته اخیر که از بی‌صبری دولت بایدن و قدرت‌های اروپایی برای شکست نهایی و یا لاقبل به زانو در آوردن پوتین در جنگ اوکراین پیش از پایان دولت بایدن و بازگشت ترامپ به قدرت خبر می‌داد.

خرهایی که از مانور نظامی بی سابقه ناتو در اروپا و اظهارات رهبران کشورهای اروپا و آمادگی کشورهای اسکاندیناوی و بالتیک برای دفاع از حملات روسیه پوتین مایه گرفته و با اظهارات جنجالی و نابخردانه ترامپ در مبارزات انتخابی مبنی بر عدم دفاع از اروپا در مقابل حملات روسیه «در صورت عدم مشارکت در مخارج ناتو» به اوج خود رسیده بود حال با کشته شدن و حذف فیزیکی تنها و شاید بزرگترین مخالف سیاسی پوتین در روسیه، به پایان خود نزدیک می‌شود. گزارش‌های غیررسمی از تجمع‌های اعتراضی در مسکو و سن پترزبورگ و دیگر شهرهای بزرگ روسیه خبر می‌دهند. هرچند همچنان صحبت از سه چهارم جمعیت روسیه می‌شود که از سیاست‌های پوتین حمایت می‌کنند.

مردم غرب افسوس زمانی را می‌خورند که کشورهای آزاد و دموکرات غرب به رهبری آمریکا یکپارچه و یک نظر در مقابل دیکتاتوری کمونیستی در اتحاد جماهیر شوروی ایستاده بودند و نه مثل این روزها که در رهبری آمریکا اختلاف نظرها به اوج خود رسیده و نئوکان‌ها به رهبری ترامپ نزدیک به دیکتاتور روسیه و از سوی دیگر لیبرال، سوسیالیست‌ها به رهبری بایدن که طرفدار دیکتاتوری از نوع چینی آن هستند.

در چشم‌انداز سیاسی آمریکا دیگر از جمهوریخواهان و دموکرات‌های میانه‌رو که روزنه امید در جهان سوم برای برتری سیستم آزادی، دموکراسی و حقوق بشر بوده‌اند، خبری نیست و با این سیاست فعلی برتری ایالات متحده را در میان‌مدت در جهان به چالش کشیده‌اند.





دیدار ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه با علی خامنه‌ای / عکس: ۲۸ تیرماه ۱۴۰۱

انجام تحقیق در مورد مرگ ناوالنی است و پوتین از این حادثه مطلع شده است.

در همین رابطه، دیمیتری پسکوف سخنگوی کرملین اعلام کرد که دلایل مرگ ناوالنی هنوز مشخص نیست و در هر صورت، تحقیقات را مسئولان زندان به عهده دارند.

با وجود سکوت کرملین، در سطح بین‌المللی بسیاری آشکارا انگشت خود را به سمت پوتین نشانه رفته‌اند. ناوالنی در واقع نه تنها سرسخت‌ترین و صریح‌ترین مخالف داخلی پوتین، بلکه شناخته شده‌ترین در خارج از مرزهای روسیه نیز بود.

ناوالنی به دلیل بازگشت داوطلبانه از آلمان به روسیه پس از درمان مسمومیت خود در آن کشور در سال ۲۰۲۱ تحسین جهانی را برانگیخت.

حالا به نظر می‌رسد این خبر، رویدادهای چند هفته آینده روسیه را تحت تاثیر قرار دهد. در ۲۴ فوریه، دو سال از حمله به اوکراین می‌گذرد، در حالی که تقریباً یک ماه پس از آن از ۱۵ تا ۱۷ مارس انتخابات ریاست جمهوری فدراتیو روسیه برگزار می‌شود. فراخوان به پای صندوق‌های رای مانند رژیم اسلامی از نظر پوتین امری حیاتی است و حذف رقبای سیاسی مانند آنچه در جمهوری اسلامی اتفاق می‌افتد موضوعی پیش پا افتاده است. به عنوان مثال هفته گذشته بوریس نادرین سیاستمدار روس به اتهام جمع‌آوری امضاهای دروغین در حمایت از نامزدی خود، از رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری حذف شد. او تنها چهره اپوزیسیون است که از حمایت هواداران ناوالنی نیز برخوردار می‌شود.

با شباهت به وضعیت ایران، ناوالنی توانسته بود ناامیدی را در جامعه مدنی روسیه کاهش دهد و آن را در موقعیت‌های مختلف برای تظاهرات در کشوری که بطور فزاینده‌ای اقتدارگرا می‌شود، سوق داد.

او نه تنها برای اصول دموکراسی مبارزه می‌کرد، بلکه از فساد و فقدان حاکمیت قانون صحبت می‌کرد، چیزهایی که مردم روسیه مانند ایرانیان هر روز بطور مستقیم تجربه می‌کنند. هرچند مرگ او موجب توقف ماشین تبلیغاتی رژیم پوتین در کوتاه‌مدت نخواهد شد و مخالفین پوتین را از یک رهبر شناخته شده در سطح جهانی محروم کرد ولی در درازمدت اثرات خود را بر حکومت پوشالی دیکتاتور خواهد گذاشت.

حالا باید دید واکنش غرب نسبت به کشتن ناوالنی توسط پوتین، فراتر از حرف و محکوم کردن، چگونه خواهد بود و آیا ایرانیان می‌توانند انتظارات خود را برای مقابله با اعدام‌ها و جنایات رژیم اسلامی بر اساس آن اندازه‌گیری کنند یا نه.

پاسخ داده، اما بیشتر در قالب سخنرانی و بیانیه در جلسات عمومی و رسمی و یا به صورت «استفتاء» درباره مسائل شرعی و مذهبی بوده است.

شاید دیکتاتور اسلامی هم مانند ارباب‌اش پوتین خودش را نیازمند یک تهاجم تبلیغاتی در عرصه بین‌المللی ببیند چرا که او هم عین پوتین پس از حملات حماس در هفت اکتبر در عرصه بین‌المللی بیش از پیش تنها مانده و تنها دلش را به مشت‌گری گروه تروریستی خوش کرده است. حتی چین کمونیست هم از حملات هم‌پیمانان حوثی او دل خوشی ندارد.

آخرین اظهارات تاکر کارلسن در حمایت از دیکتاتورها، نوید این را می‌دهد که شاید بتواند با علی خامنه‌ای و دیگر دشمنان آمریکا مصاحبه کند.

کشته شدن ناوالنی

صبح روز جمعه ۱۶ فوریه ۲۰۲۴ خبرگزاری‌ها از مرگ آلکسی ناوالنی فعال و مخالف اصلی ولادیمیر پوتین در زندانی در قطب شمال خبر دادند. مخالف مسکو در حال گذراندن حکم زندان خود بود که اوج یک اودیسه طولانی و پر درسر قضایی به شمار می‌رود. چندین ماه است که سازمان‌های بین‌المللی و حقوق بشری شرایط سخت و انتقال او را به یک کمپ بازداشتیان در منتها علیه قطب شمال محکوم کرده و آن را یادآور زندان‌های دوران استالین می‌دانستند.

این خبر بلافاصله واکنش‌ها و اظهارات ناظران مختلف بین‌المللی را برانگیخت که بسیاری از آنها از جمله اورزولا فون در لاین رئیس کمیسیون اروپا و ولودیمیر زلینسکی رییس جمهور اوکراین و اولاف شولتس صدراعظم آلمان و آنتونی بلینک وزیر خارجه آمریکا را در کنفرانس امنیتی مونیخ و سپس بایدن رییس جمهور دموکرات آمریکا آن را به شدت محکوم کرده و پوتین را مسئول آن دانستند.

بلینکن با پوشالی خواندن رژیم پوتین از سرنوشت ناوالنی یاد کرد که در آستانه‌ی انتخابات ریاست جمهوری روسیه حتی از یک زندانی وحشت و نگرانی دارد. البته کرملین تا الان هنوز هیچ اظهار نظر رسمی اعلام نکرده و مقامات روسیه تنها به این خبر بسنده کرده‌اند که این فعال ۴۷ ساله روسی پس از پیاده‌روی احساس بیماری کرده و کادر پزشکی این زندان-واقع در منطقه شمالی یامالو-نتتس روسیه- تلاش کردند او را احیا کنند، اما موفق نشدند. آخرین تماس‌های او با بیرون به چند روز پیش برمی‌گردد: در ۱۲ و ۱۴ فوریه، ناوالنی با مادر و وکیل مدافع خود لئونید سولوویف گفتگو کرده بود.

به گزارش خبرگزاری رسمی روسیه، کمیته تحقیقات در حال

نقش سازمان ملل هم با از دست دادن اعتبار در مناقشات جهانی به خاطر نفوذ عناصر مخالف دموکراسی در ارکان آن «نقش مستقیم بیش از ۱۲ نفر از اعضای این ارکان بین‌المللی در حملات هفت اکتبر و تبانی با گروه تروریستی حماس» و نقش مخرب کمیساریاهای حقوق بشر این سازمان در امور ایران و فلسطین و در نهایت اعتراف دبیرکل این سازمان به عدم آمادگی با چالش‌های جدید پیش رو مثل بحران آب و هوا، هوش مصنوعی یا سلاح‌های سایبری را نباید نادیده گرفت.

هدف بعدی تاکر کارلسن «خامنه‌ای»

Taker Carlson تاکر کارلسن که یک روزنامه‌نگار، تحلیلگر سیاسی و مجری سابق فاکس نیوز تلویزیون آمریکایی است که به‌خصوص به دلیل برنامه‌های جنجالی خود در شبکه فاکس نیوز شناخته می‌شود. او دارای دیدگاه‌های محافظه‌کارانه است و اغلب به موضوعات سیاسی و اجتماعی که مورد مناقشه در ایالات متحده آمریکا است، پرداخته است. مصاحبه جنجالی اخیر او با ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه، که در مورد موضوعاتی مثل تاریخ روسیه و گذشته اتحاد جماهیر شوروی و روابط بین‌الملل، اوضاع داخلی پس از جنگ اوکراین، حقوق بشر مورد نظر او، و توسعه اقتصادی و از همه مهمتر حمله به اوکراین انجام شده، بازتاب‌های منفی و مثبت بسیار داشته و با تأثیرات مختلفی بر جامعه بین‌المللی به ویژه ایالات متحده همراه بوده است.

از آنجا که پوتین یک شخصیت خرساز در صحنه جهانی است، هرگونه مصاحبه با او باعث جنجال و توجه گسترده در عرصه بین‌المللی می‌گردد.

در سال‌های اخیر برخی از روزنامه‌نگاران معروف با ولادیمیر پوتین مصاحبه کرده‌اند؛ از جمله لاری کینگ (Larry King) مجری تلویزیونی آمریکایی، تیمور زینوفیف (Timur Zainutdinov) روزنامه‌نگار روسی که مصاحبه‌های متعددی با پوتین انجام داده. مانگوس کارلسن (Magnus Carlsen) بازیکن شطرنج معروف نروژی که چندین بار با پوتین مصاحبه داشته. فردریک ویتینگسون (Fredrik Wikingsson) روزنامه‌نگار سوئدی که مصاحبه‌های جالبی با پوتین داشته و چارلی روز (Charlie Rose) روزنامه‌نگار و مجری برنامه‌های تلویزیونی در ایالات متحده و در پایان الیور استون که درباره شخصیت پوتین حتی فیلم مستندی ساخته است.

تاکر کارلسن هر بار در مقابل منتقدان خود این جواب را می‌دهد: مصاحبه و با اطلاع شدن از افکار دوستان که بسیار راحت و سهل است! باید با دشمنان قسم‌خورده غرب مصاحبه کرد و از دیدگاه‌های آنها با اطلاع شد.

به این ترتیب پس از چنین استدلالی می‌بایست به زودی شاهد مصاحبه با رهبران کمونیست جمهوری خلق چین و کره شمالی و همچنین رهبر رژیم اسلامی در ایران باشیم. باید دید آیا وی موفق به چنین مصاحبه‌ای با خامنه‌ای نیز می‌شود که پس از سی سال قدرت بلامنازه در رهبری رژیم اسلامی ایران هرگز مصاحبه‌ای با هیچ خبرنگار داخلی و خارجی نداشته و زندگی‌اش پر از ابهاماتی است که کسی تا به حال روشن‌گری در مورد آن انجام نداده است. البته خامنه‌ای تا قبل از رسانده شدن به مقام رهبری حکومت اسلامی بارها با روزنامه‌نگاران مصاحبه کرده بود. ولی از زمان مرگ روح‌الله خمینی که با نقش تعیین‌کننده‌ی علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی یک‌شبه «آیت‌الله» شد و به مقام «ولی فقیه» جمهوری اسلامی برکشیده شد، هرگز روزنامه‌نگاری پا به «بیت رهبری» در خیابان پاستور تهران نگذاشته است.

حال باید دید آیا تاکر کارلسن موفق به این کار می‌شود آنگاه در جایی که روزنامه‌نگارانی مثل کریستیان امانپور ایرانی‌تبار در آن موفقیتی نداشته‌اند. ولی فقیه مورد نفرت مردم ایران در گذشته به پرسش‌هایی



تلاش ناکام برای گرم کردن تنور «انتخابات»ی که انتخابات نیست؛ از منطق نخ‌مای اصلاح‌طلبان تا آویزان شدن شریعتمداری به «مشروطه‌ستیزی»

«آندسته از پاسخ‌دهندگان هم که می‌خواهند در انتخابات شرکت کنند، به دلیل مسائل اعتقادی و ایدئولوژیک است» و عامه مردم با انتخابات درگیر نیستند: «در پاسخ به سوال «چرا می‌آییم؟» دلایل خود را اینطور ذکر کرده‌اند: ۲۹ درصد امنیت، ۲۴ درصد برای حل مسائل و مشکلات، ۲۹ درصد شرعی و ۱۳ درصد حفظ ارزش‌ها و ۵ درصد سایر دلایل که این نشان می‌دهد بیشتر کسانی که تا کنون با موضوع انتخابات درگیر شده‌اند، نگاهی اعتقادی داشته‌اند.»

در چنین شرایطی جناحین و حامیان حکومت هفته‌هاست برای گرم کردن تنور «انتخابات» تلاش می‌کنند. تلاش این جریان‌ها اما ناکام مانده و حتی موج‌سازی خبری درباره رد صلاحیت‌های گسترده چهره‌های حکومتی برای هر دو رأی‌گیری مجلس شورای اسلامی و خیرگان رهبری هم نتوانسته نظر افکار عمومی را جلب کند.

اکنون کمتر از ۱۰ روز مانده به برگزاری «انتخابات»، جمهوری اسلامی برای شرکت مردم در انتخابات به التماس افتاده است.

در روزهای گذشته تصاویری از بنزهای نصب شده در بزرگراه‌ها منتشر شده که روی آنها جملاتی مانند «حتی آنها که نظام را قبول ندارند در انتخابات شرکت کنند» نوشته شده است.

برخی بنزها نیز ناخواسته اعتراف به نکبت و فلاکت «وضع موجود» می‌کنند تا مردم را به پای صندوق‌ها بکشانند. مانند بنزی که در کرمان نصب شد و رأی ندادن را مساوی با رأی دادن به وضع موجود دانسته است!

روزنامه «کیهان» چاپ تهران نیز در تلاش برای افزایش مشارکت انتخاباتی به «مشروطه‌ستیزی» آویزان شده و در مطلبی نوشته «شرکت در انتخابات، تأیید حکومت «رای مردم» بجای خودکامگی سلطنتی است.»

در این مطلب آمده که «اغلب کشورهای پیشرفته

۳۲ درصد و مشارکت در تهران در نهایت به ۱۶ درصد خواهد رسید.

صداوسیما جمهوری اسلامی نیز در ارائه نتایج یک نظرسنجی در رابطه با «انتخابات» اعلام کرده است که ۵۲ درصد مردم نسبت به زمان برگزاری انتخابات آگاه نیستند! ویسایت «اعتماد آنلاین» روز سه‌شنبه اول اسفندماه در مطلبی درباره مشارکت مردم در رأی‌گیری نوشت: «با توجه به وجود نارضایتی‌های اقتصادی و اجتماعی در سطح کشور و همچنین نحوه بررسی صلاحیت‌ها و اعمال نظارت استصوابی به نظر می‌رسد حتی برخی طیف‌های اصولگرایی هم آمیدی به مشارکت چشمگیر در انتخابات پیش رو ندارند.»

این مطلب با اشاره به اینکه «جدیدترین نظرسنجی‌هایی که شنیده می‌شود برخی نهادها و سازمان‌های رسمی انجام داده‌اند نیز این نظریه تأیید می‌کند» افزوده که «بر اساس شنیده‌ها، در جدیدترین نظرسنجی صداوسیما، مشارکت قطعی در کل کشور ۳۵ درصد تخمین زده می‌شود.» بر اساس این گزارش، «طیفی که احتمال دارد در روز پایانی تصمیم به شرکت در انتخابات بگیرند ۱۱ درصد هستند و مشارکت در تهران را ۱۸ درصد برآورد کرده‌اند.»

روزنامه اینترنتی «فراز» هم در مطلبی به بی‌اعتنایی شهروندان به دو «انتخابات» پیش رو اشاره کرده و با یادآوری اینکه در رأی‌گیری پیشین مجلس شورای اسلامی در سال ۹۸ مردم با اخبار مهمی چون سقوط هواپیمای اوکراینی، اعتراضات ضدحکومتی ۹۸ و ترور قاسم سلیمانی سر و کار داشتند نوشته «اینکه در حال حاضر ما در یک فضای غیرمطلوب خبری بسر می‌بریم، خود فرصت بسیار مناسبی است که انتخابات برای مردم مسئله شود؛ موضوع مهمی که تا کنون نسبت به آن غفلت شده است.»

این گزارش با اشاره به نظرسنجی صداوسیما دولتی نوشته

● روزنامه «کیهان» چاپ تهران به «مشروطه‌ستیزی» آویزان شده و در مطلبی نوشته «شرکت در انتخابات، تأیید حکومت «رای مردم» بجای خودکامگی سلطنتی است.»

● ۱۱۰ فعال اصلاح‌طلب با صدور بیانیه‌ای در «رد تحریم انتخابات» بر مشارکت در «انتخابات» تأکید کردند. ● ابراز «امیدواری» مقامات برای شرکت مردم در «انتخابات»ی که انتخابات نیست، نشان می‌دهد نهادهای امنیتی و دولتی نیز مانند نظرسنجی‌ها، برآوردی از مشارکت ناچیز مردم در «انتخابات» دارند.

● استانداران، فرمانداران، فرماندهان سپاه، رؤسای دانشگاه‌ها و دیگر مقامات در اظهاراتی مشابه مشارکت مردم در «انتخابات» را با عباراتی چون «اقتدار ملی»، «امنیت ملی» و «رشد اقتصادی» پیوند زده‌اند. این در حالیست که این نوع تبلیغات معمولاً نتیجه‌ی عکس دارد و هرچه حکومت و مقاماتش بیشتر بر کاری اصرار کنند، مخاطبان بیشتر از آن فاصله می‌گیرند!

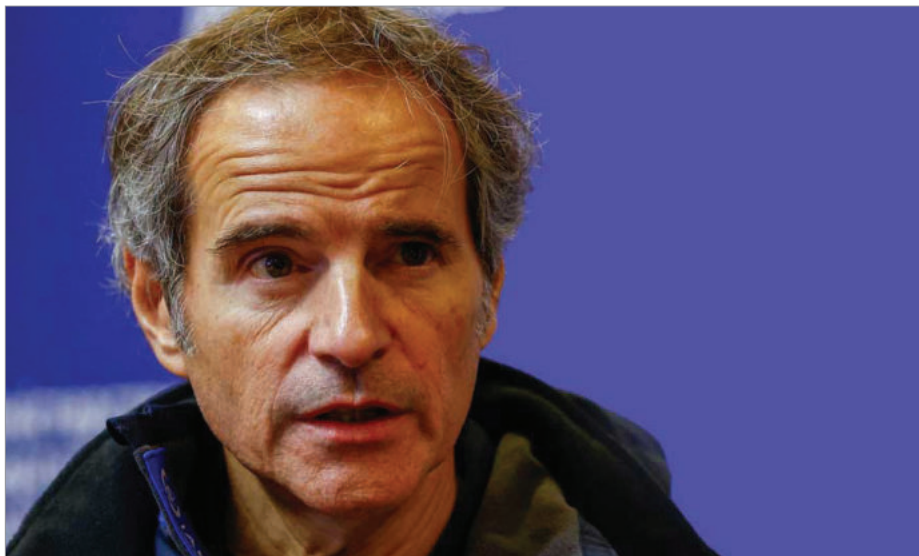
در شرایطی که حتی نظرسنجی‌های داخلی از بی‌تفاوتی و مشارکت بسیار پایین مردم به دو رأی‌گیری مجلس شورای اسلامی و خیرگان رهبری حکایت دارد، جمهوری اسلامی به «التماس» برای حضور مردم پای صندوق‌های رأی افتاده است.

حدود یک هفته مانده به دو «انتخابات» مجلس شورای اسلامی و خیرگان رهبری، مردم همچنان به هر دو بی‌تفاوت هستند و تلاش جناحین جمهوری اسلامی برای گرم کردن این تنور بی‌نتیجه بوده است.

مرکز افکارسنجی «ایسپا» وابسته به جهاد دانشگاهی اعلام کرده است تنها ۳۶ درصد مردم از زمان برگزاری «انتخابات» در اسفندماه اطلاع داشتند و دو سوم مردم حتی نمی‌دانند قرار است کی برگزار شود.

این نتایج همچنین نشان می‌دهد مشارکت در کل کشور

هشدار رافائل گروسی نسبت به ادامه غنی‌سازی غیرمجاز اورانیوم در ایران



به جایی نرسیده است.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پیش از این گزارش داده بود که ایران در ماه ژوئن و نوامبر ۲۰۲۳ ماهانه حدود سه کیلوگرم از تولید اورانیوم غیرمجاز کم کرده اما همزمان اعلام شد که اورانیوم غنی‌شده کافی برای ساخت سه بمب اتم را در اختیار دارد.

رافائل گروسی که به نظر می‌رسد در هفته‌های آتی قصد سفر به ایران را دارد همچنین گفته «کم و زیاد کردن سرعت غنی‌سازی مانند چرخه‌ای است که از نگاه من تغییری در اصل معادله ایجاد نمی‌کند زیرا همچنان ذخایر اورانیوم ایران در حال افزایش است.» وی همچنین هشدار داده، «سخن‌پراکنی‌های نگران‌کننده‌ای وجود دارد که شاید شما نیز شنیده باشید که مقامات تهران گفته‌اند تمام عناصر لازم برای ساخت سلاح اتمی را در اختیار دارند.»

مدیرکل آژانس تاکید کرد با توجه به بحران خاورمیانه و بطور مشخص جنگ غزه، این وضعیت نگران‌کننده‌تر شده است. علی‌اکبر صالحی رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی ۲۲ بهمن‌ماه در مصاحبه تلویزیونی با برنامه «برمودا» در پاسخ به مجری برنامه گفت، «ما توانایی ساخت بمب اتم را داریم.»

گروسی بارها به دولت‌های غربی و اعضای شورای حکام اعلام کرده که برجام به یک پوسته‌ی خالی تبدیل شده است. آخرین باری که وی این حرف را مجدد تکرار کرد بعد از حمله مرگبار «هفت اکتبر» گروه تروریستی حماس به اسرائیل بود. وی تاکید کرد دنیا نباید به دلیل معطوف شدن روی مسئله غزه، خطرات انگیزه‌های اتمی جمهوری اسلامی را نادیده بگیرد. مقامات جمهوری اسلامی با استناد به فتوای علی‌خامنه‌ای مبنی بر حرام بودن سلاح اتمی ادعا می‌کنند که در پی ساختن بمب نیستند، اما گروسی می‌گوید که فتوا کافی نیست و تهران باید اثبات کند که به دنبال تولید سلاح اتمی نیست. آنچه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را بیشتر نگران می‌کند، اخراج متخصصان باتجربه این نهاد با تخصص ویژه روی غنی‌سازی اورانیوم از ایران است. اقدامی که از نظارت‌های آژانس بر برنامه‌های اتمی رژیم ایران کاسته است.

● مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دوشنبه ۳۰ بهمن‌ماه در مصاحبه با خبرنگاری رویترز عنوان کرد که ایران اگرچه سرعت غنی‌سازی اورانیوم را نسبت به اواخر سال ۲۰۲۳ اندکی کاهش داده، اما ماهانه حدود هفت کیلوگرم اورانیوم با غلظت ۶۰ درصد تولید می‌کند.

● رافائل گروسی همچنین گفت، «کم و زیاد کردن سرعت غنی‌سازی مانند چرخه‌ای است که از نگاه من تغییری در اصل معادله ایجاد نمی‌کند زیرا همچنان ذخایر اورانیوم ایران در حال افزایش است.»

● مدیرکل آژانس تاکید کرد با توجه به بحران خاورمیانه و بطور مشخص جنگ غزه، این وضعیت نگران‌کننده‌تر شده است.

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌گوید جمهوری اسلامی همچنان به غنی‌سازی اورانیوم در سطوحی نزدیک به درجه لازم برای تولید سلاح اتمی ادامه می‌دهد.

رافائل گروسی دوشنبه ۳۰ بهمن‌ماه در مصاحبه با خبرنگاری رویترز عنوان کرد که ایران اگرچه سرعت غنی‌سازی اورانیوم را نسبت به اواخر سال ۲۰۲۳ اندکی کاهش داده، اما ماهانه حدود هفت کیلوگرم اورانیوم با غلظت ۶۰ درصد تولید می‌کند. اگرچه مقامات جمهوری اسلامی ادعا می‌کنند در پی تولید سلاح اتمی نیستند اما به گفته گروسی این میزان غنی‌سازی هیچ کاربرد غیرنظامی ندارد.

طبق برجام، جمهوری اسلامی فقط می‌تواند اورانیوم را تا ۶۷/۳ درصد غنی‌سازی کند ولی با اینهمه بطور مخفیانه اقدام به راه‌اندازی سانتریفیوژهای پیشرفته در تاسیسات نطنز و فردو کرد و همزمان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز به اسم پرتاب ماهواره‌های علمی اقدام به تست موشک‌های بالستیک با قابلیت حمل کلاهک اتمی نمود، تا اینکه سرانجام دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری سابق آمریکا در سال ۲۰۱۷ اعلام کرد که رژیم ایران روح برجام را نقض می‌کند و به همین علت ایالات متحده در هشتم ماه مه ۲۰۱۸ از برجام خارج شد. از آن زمان مذاکرات اروپا و بعد هم دولت بایدن و همچنین تلاش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای توقف گسترش برنامه اتمی جمهوری اسلامی

و ثروتمند، با حکومت «جمهوری» و بر اساس اعتقاد و نگرش مردم خود به موقعیت و جایگاه فعلی رسیده‌اند. بنابراین تجربه جهانی، راه پیشرفت ما مردم ایران که معتقد به اسلام هستیم و رسیدنمان به ثروت و قدرت عمومی و شخصی؛ «جمهوری اسلامی» است.»

تلاش برای توجیه مردم جهت شرکت در «انتخابات»ی که انتخابات نیست، همچنان از سوی دو جریان اصلی حکومتی، اصلاح‌طلبان و اصولگرایان، در جریان است.

هفته گذشته ۱۱۰ فعال اصلاح‌طلب با صدور بیانیه‌ای در «رد تحریم انتخابات» بر مشارکت در آن تاکید کردند.

این بیانیه همچنان بر منطق نخبه‌های اصلاح‌طلبان تاکید کرده و نوشته «ده‌ها سال تجربه انتخاباتی در ایران و جوامع دیگر شاهد است که تحریم و عدم شرکت در انتخابات ابزار کارآمدی برای نیل به انتخابات آزاد نیست و در اغلب موارد به بسته‌تر شدن قوانین و رویه‌های انتخاباتی می‌انجامد.»

علی مطهری نتیجه مشارکت در این «انتخابات» را برای آینده کشور «بسیار اثرگذار» خوانده و گفته که «مردم باید فکر کنند که شرکت نکردنشان منجر به انتخاب شدن افراد ناصالح و در نتیجه موجب افزایش نارضایتی‌شان خواهد شد، بنابراین مشارکت به نفع خودشان است!»

عبدالله معتمدی رئیس دانشگاه «علامه» نیز دیروز، سه‌شنبه اول اسفندماه ۱۴۰۲، در نشست با خبرنگاران بر «اهمیت مشارکت آحاد مردم در انتخابات» تاکید کرده و گفته که «مشارکت بالای مردم در انتخابات نشان‌دهنده اقتدار ملی است.»

رئیس دانشگاه «علامه» افزوده «اینکه مردم پای صندوق رای بیایند، بسیار مهم است» و تاکید کرده که «دانشگاهیان جزو گروه‌های مرجع در جامعه هستند، قصد داریم تا این حساسیت را ابتدا در فضای دانشگاه و بعد در بدنه اجتماع گسترش دهیم.»

نگاهی به خبرهای استانی در ایران نشان می‌دهد استانداران، فرمانداران، فرماندهان سپاه، رؤسای دانشگاه‌ها و دیگر مقامات استانی بطور هماهنگ در روزهای گذشته در اظهاراتی مشابه مشارکت مردم در «انتخابات» را با عباراتی چون «اقتدار ملی»، «امنیت ملی» و «رشد اقتصادی» پیوند زده و تلاش دارند شهروندان را به حضور در پای صندوق رأی قانع کنند. این در حالیست که این نوع تبلیغات معمولاً نتیجه‌ی عکس دارد و هرچه حکومت و مقاماتش بیشتر بر کاری اصرار کنند، مخاطبان بیشتر از آن فاصله می‌گیرند!

در عین حال همه این تبلیغات در کنار ابراز «امیدواری» مقامات برای شرکت مردم در «انتخابات» نشان می‌دهد که نهادهای امنیتی و دولتی نیز مانند نظرسنجی‌ها، برآوردی از مشارکت ناچیز مردم در «انتخابات» دارند.

در همین رابطه محمد حسینی معاون پارلمانی ابراهیم رئیسی درباره انتخابات پیش روی مجلس شورای اسلامی ابراز «امیدواری» کرده که «مشارکت از سال ۱۳۹۸ که حدود ۴۲ درصد بود و حتی نسبت به انتخابات ریاست جمهوری افزایش پیدا کند.»

تقی آزادارمکی جامعه‌شناس نیز روز گذشته در گفتگو با روزنامه «هم‌میهن» اشاره کرد: «با اینکه پیش‌بینی می‌شود مشارکت پایین باشد، اما روش‌ها برای جذب و جلب مشارکت مردم اصلاح نشد!» وی افزود: «جامعه نزدیک به یک دهه است که به این نتیجه رسیده، مشارکت در انتخابات در دفاع از اصلاح‌طلب یا اصولگرا منجر به تغییر و بهبود نمی‌شود.»

او تاکید کرده «جامعه‌ای که به چنین نتیجه‌ای رسیده، تصمیم می‌گیرد به مسائل مرتبط با انتخابات گوش نکند.»

فعالیت پلتفرم‌های پرکاربرد خارجی با «یک لایه پوسته جدید»! رفع هفت خوان فیلترینگ یا ایجاد خندق امنیتی؟!



کرده است؛ مافیایی که سرخ آن به افراد بانفوذ جناحین حکومت می‌رسد.

جواد نیک بین عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در برنامه‌ای در صداوسیما دولتی در اینبار گفته که «صریحا می‌گویم نویسندگان برنامه فیلترینگ همان‌هایی هستند که نویسندگان وی‌پی‌ان هم هستند. یعنی کسی که برنامه فیلترینگ را می‌نویسد یا خودش مستقیما یا به واسطه چند نفر وی پی ان را می‌فروشد. گردش مالی VPNها دست کسانی است که فیلتر می‌کنند.»

فیلترینگ اگرچه برای برخی «خودی»های جمهوری اسلامی کاسی جدیدیست و سود سرشار در بر دارد اما زبان گسترده‌ای به اقتصاد ایران وارد کرده و دست‌کم یک میلیون شغل را نابود کرده است.

جلال محمودزاده نماینده مجلس شورای اسلامی پیشتر درباره خسارت‌های ناشی از فیلترینگ گفته بود که «با محدودیت اینترنت و اجرای طرح صیانت، قبل از ابلاغ مجلس و اجرای غیرقانونی آن، ۱۰ میلیون شغل در سطح کشور از دست رفت، یعنی در طول یک سال و نیم دولت آقای رئیسی بجای اینکه یک میلیون و نیم شغل ایجاد کنیم، هشت میلیون و نیم شغل را از دست دادیم. بر اساس آمارهای موجود، دولت از شروع کار فقط ۳۰۰ هزار مسکن ساخته است، یعنی شعارهای دولت کاملاً غیرعملی و برعکس بوده است.»

حال باید دید سود این «پوسته جدید» در ارتباط با پلتفرم‌های بین‌المللی، علاوه بر اهداف امنیتی آنهم در شرایطی که جامعه به شدت در التهاب است، قرار است به جیب چه کسانی سرزیر شود.

ضمن اینکه فیلترینگ پلتفرم‌های بین‌المللی در هر کشوری به دستگاه‌های دولتی همان کشور بر می‌گردد و اگر اهداف امنیتی از «لایه پوسته جدید» در میان نیست، عین جوامع عادی می‌توان خیلی راحت از این پلتفرم‌ها رفع فیلتر کرد و آنها را آزادانه در اختیار شهروندان قرار داد!

وجود داشت» اشاره شده و اعلام شده که «با فعالیت پوسته‌های جدید این خلاء برطرف خواهد شد.»

اینهمه توضیح و استدلال برای قانع کردن مخاطبان در حالیست که کارشناسان این حوزه نسبت به کاربرد «پوسته جدید» برای استفاده از پلتفرم‌های خارجی هشدار می‌دهند چرا که با چنین «ساز و کار»ی که کاربران به استفاده از آن تشویق و یا برای عدم استفاده از فیلترشکن‌ها مجبور به استفاده از آن می‌شوند، اطلاعات شخصی خود را در اختیار نهادهای حکومتی قرار می‌دهند.

از سوی دیگر، از آنجا که این مصوبه هیچ اشاره‌ای به نحوه چگونگی ورود کاربران ایرانی به پیام‌رسان‌های پرمخاطبی چون ایکس، اینستاگرام، واتساپ و تلگرام نشده است چراکه کاربران ایرانی در داخل کشور، همواره باید از هفت خوان فیلترینگ و استفاده از فیلترشکن‌های متعدد عبور کنند تا بتوانند به این پیام‌رسان‌ها دسترسی داشته باشند، می‌بایست هشدار کارشناسان را جدی گرفت زیرا با این کار، اگرچه ممکن است هفت خوان فیلترینگ از سر راه برداشته شود، اما کاربران با استفاده از «یک لایه پوسته جدید» که در این مصوبه بر آن تأکید شده، در «خندق» امنیتی نظام می‌افتند! دولت ابراهیم رئیسی مانند دیگر دولت‌های جمهوری اسلامی تداوم سانسور و محدودیت اینترنت را در دستور کار داشته و سال گذشته همزمان با آغاز اعتراضات جنبش ملی فیلترینگ گسترده‌ای در حوزه اینترنت کشور برقرار کرد که همچنان ادامه دارد.

در همین مدت، افرادی «خاص» اقدام به فروش و ارائه خدمات فیلترشکن کردند که با سوء استفاده از وضعیت سودی سرشار به جیب زدند. فیلترشکن‌های شرکت‌هایی که به صورت انحصاری و مافیایی مشغول فعالیت هستند، بعد از چند روز از کار می‌افتند و کاربر باید فیلترشکن دیگری خریداری کند!

اکنون مافیایی قدرتمند و انحصاری بازار فیلترشکن را در ایران در دست دارد و گردش مالی نجومی برای خود ایجاد

● دبیر شورای عالی و رئیس مرکز ملی فضای مجازی، سه مصوبه از جلسه نود و ششم شورای عالی فضای مجازی را ابلاغ کرد که یکی از این مصوبات بر ایجاد شرایط فعالیت پلتفرم‌ها و خدمات پرکاربرد خارجی برای تنوع در سید مصرف کاربران با «ساز و کارهای حکمرانی‌پذیر» تأکید دارد.

● با این کار، اگرچه ممکن است هفت خوان فیلترینگ از سر راه برداشته شود، اما کاربران با استفاده از «یک لایه پوسته جدید» که در این مصوبه بر آن تأکید شده، در «خندق» امنیتی نظام می‌افتند!

● فیلترینگ پلتفرم‌های بین‌المللی در هر کشوری به دستگاه‌های دولتی همان کشور بر می‌گردد و اگر اهداف امنیتی از «لایه پوسته جدید» در میان نیست، عین جوامع عادی می‌توان خیلی راحت از این پلتفرم‌ها رفع فیلتر کرد و آنها را آزادانه در اختیار شهروندان قرار داد!

● حال باید دید سود این «پوسته جدید» در ارتباط با پلتفرم‌های بین‌المللی، علاوه بر اهداف امنیتی آنهم در شرایطی که جامعه به شدت در التهاب است، قرار است به جیب چه کسانی سرزیر شود.

در حالی که نزدیک به ۱۰ روز تا رأی‌گیری برای دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری باقی مانده است، تمامی دستگاه‌ها و نهادهای دولتی از هر تلاشی برای جلب مشارکت عمومی برای شرکت در انتخابات غمناکی فروگذار نمی‌کنند.

روز گذشته یکشنبه ۲۹ بهمن ۱۴۰۲ دبیر شورای عالی و رئیس مرکز ملی فضای مجازی، سه مصوبه از جلسه نود و ششم شورای عالی فضای مجازی را ابلاغ کرد که یکی از این مصوبات بر ایجاد شرایط فعالیت پلتفرم‌ها و خدمات پرکاربرد خارجی برای تنوع در سید مصرف کاربران با «ساز و کارهای حکمرانی‌پذیر» تأکید دارد.

در این مصوبه اعلام شده که «این فرصت برای سکوها و خدمات پرکاربرد خارجی فراهم شده است تا با ایجاد یک لایه پوسته جدید اما با امکان دسترسی به نسخه اصلی با حفظ تمام قابلیت‌های خدمات خود، مطابق با شرایط حکمرانی در ایران، فعالیت کنند. این پوسته‌ها در واقع همان سکوی اصلی با ظاهری جدید هستند تا بتوانند در سایر کشورها با چارچوب‌های قانونی متفاوت فعالیت کنند.»

در ادامه آمده است: «این اقدام شرایطی را فراهم می‌کند تا کاربران این امکان را داشته باشند تا بدون دغدغه‌های ارتباطی همچون امنیت داده‌ها و حفظ حریم خصوصی‌شان از این خدمات استفاده کنند. اقدامی که پیشتر در قالب‌های مختلف همچون تلگرام طلایی و هات‌گرام تجربه شده و با استقبال خوب مخاطبان همراه شده بود اما به دلیل نقص‌های امنیتی فعالیت آنها متوقف شد.»

در بخش دیگری از این مصوبه آمده است: «این مصوبه بدان معناست که شرکت‌های بخش خصوصی حوزه فناوری می‌توانند حتی پوسته‌های قانونی از شبکه‌های اجتماعی و حتی سکوها خدماتی ارائه کرده و مردم نیز از این بسترها استفاده کنند.»

در این مصوبه به «چالشی که پیشتر در قالب کلاهبرداری‌های آنلاین در شبکه‌های اجتماعی خارجی به دلیل عدم ارتباط دو سویه با دفاتر این سکوها برای کاربران

رسوایی‌های سردار پاسدار قالیباف و آقازاده‌هایش



اسحاق قالیباف



درخواست ایشان از شورای نگهبان برای اعلام دلایل، این نامه محرمانه به ایشان ارسال شد، بند چهارم و پنجم این نامه اشاره کرده که یکی از دلایل رد صلاحیت، اقامت و ادامه تحصیل برخی منسوبین درجه یک در کشور معاند انگلیس و سفرهای متعدد اعضای خانواده به اروپا و آمریکا و اقامت دختر لاریجانی در آمریکا است.»

در این میان، پرسشی که مطرح می‌شود این است که چطور رفت و آمد اسحاق قالیباف به ملبورن برای تحصیل و همچنین درخواست PR (اقامت دائم) به کانادا در سال ۲۰۱۸ باعث رد صلاحیت قالیباف نشد؟

محمدباقر قالیباف که در دوره مدیریتش در مجلس شورای اسلامی طرح‌های بدنامی مانند طرح صیانت از فضای مجازی، لایحه حجاب و عفاف، اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها تصویب شد، پس از ماجرای «سیسمونی گیت» خانوادش حالا این روزها با یک بی‌آبرویی دیگر و افشای تلاش‌های اسحاق پسر دومش برای مهاجرت به کانادا روبروست. پس از گذشت دو روز از خبرهای سفر پُر حاشیه خانواده قالیباف به ترکیه و تلاش سرسختانه رسانه‌های همسو برای تطهیر سیسمونی گیت، در اردیبهشت ۱۴۰۱ خبر خرید ۲ واحد آپارتمان ۴۰ میلیارد تومانی در یک مجتمع لوکس در استانبول، بار دیگر توجه مردم را جلب کرد.

امیرحسین اسماعیلی از خبرنگاران منتقد نظام و ساکن استانبول، یکم اردیبهشت در شبکه اجتماعی ایکس هدف اصلی سفر خانواده محمدباقر قالیباف به ترکیه را خریداری ۲ واحد آپارتمان در این کشور اعلام کرده بود.

او نوشته بود: «اطلاع دقیق پیدا کردم که همسر، فرزند و داماد محمدباقر قالیباف در سفر به استانبول ۲ واحد آپارتمان به مبلغ ۴۰ میلیارد تومان در مجتمع لوکس «اسکای‌لند» در محله ماسلاک خریدند. اسکای‌لند که روبروی جنگل‌های بلگراد و کنار ورزشگاه گالاتاسرایه، جزو گران‌ترین مجتمع‌های استانبول است.»

همان زمان شناسایی همسر، دختر و داماد محمدباقر قالیباف رئیس مجلس «انقلابی» در هوایمپایی از استانبول به مقصد ایران در فضای مجازی دست به دست شد. سفر این خانواده زمانی اهمیت پیدا کرد که به گفته شاهدان، آنها هنگام تحویل وسایلی که ظاهراً برای سیسمونی نوه رئیس مجلس اسلامی خریداری شده بود، با مشکل اضافه بار روبرو شدند که اندکی بعد با پارتی‌بازی حل شد.

خطاب به ملت ایران به دروغ ادعا کرده بود: «مردم شریف ایران... اسحاق (تنها فرزند تحت تکفل من) یک نیشان پاترول مدل ۷۱ دارد، یک موتورسیکلت و جمعاً حدود یک میلیون تومان هم پس‌انداز و دارایی نقدی در بانک‌های اقتصاد نوین، سپه، ملی و صادرات.»

از سوی دیگر مدارک تحصیلی اسحاق قالیباف که به پرونده مهاجرتی‌اش ضمیمه شده نشان می‌دهد وضعیت کارنامه تحصیلی او در رشته مهندسی صنایع برنامه‌ریزی و تحلیل سیستم‌ها از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال نیز چندان درخشان نبوده است: در ۵ درس نمره ۱۰، در یک درس نمره زیر ۱۰ و تجدید و در ۱۴ درس هم نمره زیر ۱۴ (بین ۱۰ و ۱۳.۵) داشته است. لیست سفرهای اسحاق قالیباف هم که به اداره مهاجرت کانادا تحویل داده شده نشان می‌دهد که وی طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۱ به ۱۴ شهر و کشور سفر داشته است. در همین ارتباط پایگاه خبری «رویداد ۲۴» در گزارشی که ۲۵ بهمن منتشر کرد نوشت به اسنادی دست پیدا کرده که نشان می‌دهد فرزند رئیس مجلس شورای اسلامی همزمان با اعتراضات پاییز ۱۴۰۱، تلاش برای مهاجرت را تشدید کرده است. «رویداد ۲۴» در گزارشی احکام دادگاه اسحاق قالیباف در تاریخ ۲۴ اکتبر ۲۰۲۳ را منتشر کرده است. این اسناد نشان می‌دهد که قالیباف از دسامبر ۲۰۱۸ برای دریافت «اقامت دائم کانادا» از طریق برنامه «اکسپرس اینتری» این کشور اقدام کرده، اما بیش از چهار سال و نیم است که درخواست او به دلیل «نیاز به غربالگری امنیتی»، در حال بررسی است و به نتیجه نرسیده است.

«اکسپرس اینتری» یکی از راه‌های مهاجرت به کانادا است و مخصوص افرادی است که قصد دارند از طریق کار، اقامت کانادا را دریافت کنند. روش «اکسپرس اینتری» امتیازبندی دارد؛ کسانی که بتوانند در این سیستم امتیازبندی امتیاز کافی کسب کنند، می‌توانند برای دریافت اقامت دائم این کشور اقدام کنند. در این نوع ویزا، فرد متقاضی پس از ورود به خاک کانادا کارت اقامت دائم می‌گیرد.

البته پسر قالیباف تنها فردی از زمامداران و مقامات ارشد جمهوری اسلامی نیست که برای خروج از ایران و اقامت در کشور دیگر به آب و آتش زده است. در همین ارتباط خبرگزاری ایلنا در گزارشی که ۲۵ بهمن در مورد دلایل رد صلاحیت لاریجانی در انتخابات ۱۴۰۰ منتشر کرد نوشت: «بعد از رد صلاحیت لاریجانی در انتخابات سال ۱۴۰۰ و

اسحاق قالیباف فرزند محمدباقر قالیباف که با استخدام یک وکیل شناخته شده، وزیر مهاجرت کانادا را به دادگاه فدرال کشاند، در پنج سال گذشته تلاش پرهزینه‌ای برای گرفتن ویزای مهاجرتی کانادا انجام داده بود تا ثروت به غارت برده پدرش از مردم را به کانادا برساند.

حالا وزیر مهاجرت کانادا اعلام کرده است که در ۱۵ ماه فوریه درخواست اقامت دائم اسحاق قالیباف، پسر محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی رد شد.

وزیر مهاجرت کانادا در شبکه «ایکس» نوشته است: «رژیم ایران دست به اقدامات تروریستی و نقض سیستماتیک حقوق بشر زده است. ما در کنار مردم ایران هستیم.»

وزیر مهاجرت کانادا در حساب کاربری رسمی خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «۱۵ ماه فوریه، درخواست اقامت دائم اسحاق قالیباف، پسر محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس ایران، رد شد. رژیم ایران دست به اقدامات تروریستی و نقض سیستماتیک حقوق بشر زده است. ما در کنار مردم ایران هستیم.»

اسحاق قالیباف فرزند محمدباقر قالیباف که با استخدام یک وکیل شناخته شده، وزیر مهاجرت کانادا را به دادگاه فدرال کشاند، در پنج سال گذشته تلاش پرهزینه‌ای برای گرفتن ویزای مهاجرتی کانادا انجام داده بود تا ثروت به غارت برده پدرش از مردم را به کانادا برساند.

در همین ارتباط یاشار سلطانی روزنامه‌نگار ۲۴ بهمن در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس، با اشاره به اینکه اسحاق قالیباف فرزند رئیس مجلس برای دریافت ویزای مهاجرتی از دولت کانادا شکایت کرده است نوشته بود: «چون بررسی پرونده مهاجرتی اسحاق قالیباف که از سال ۲۰۱۹ در جریان است، به دلیل مسائل امنیتی بالا طولانی شد، اسحاق از دولت کانادا شکایت کرد و دادگاه هم به نفع او رای داد»

در این میان، در حالی که محمدباقر قالیباف ادعا کرده بود کل موجودی حساب بانکی پسرش یک میلیون تومان بوده است حالا مشخص شده بجز بقیه حساب‌های بانکی‌ش فقط در یکی از حساب‌های مشترکش در بانک پاسارگاد ۲۹۵ هزار دلار معادل ۱ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان موجودی بوده است. اینهمه در حالیکه سردار پاسدار قالیباف آن زمان که شهردار تهران بود در جریان مناظره‌های انتخاباتی ریاست جمهوری در ۲۲ اردیبهشت سال ۱۳۹۶ در کانال تلگرام خود

حمله سایبری آمریکا به کشتی جاسوسی جمهوری اسلامی در دریای سرخ



نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران با تغییر کاربری کشتی‌های تجاری از آنها به عنوان ناوهای پشتیبان بهره‌برداری می‌کنند

● به گفته سه مقام آمریکایی، ایالات متحده اخیراً یک حمله سایبری علیه یک کشتی نظامی ایرانی انجام داده است که اطلاعات کشتی‌های باری در دریای سرخ و خلیج عدن را جمع‌آوری می‌کرد.

● به گفته مقامات، این عملیات با هدف جلوگیری از توانایی کشتی جمهوری اسلامی برای به اشتراک گذاشتن اطلاعات با حوثی‌ها انجام شد که با استفاده از همین اطلاعات موشک‌ها و پهپادها را به سمت کشتی‌های باری در دریای سرخ شلیک می‌کردند.

● گفته شده این کشتی اطلاعات مربوط به هدف‌گیری کشتی‌ها را به حوثی‌ها می‌داد تا حملات مؤثرتر باشد. در واقع این کشتی به حوثی‌ها «گرا» می‌داده است. یکی از مقامات آمریکایی گفته این کشتی همان «بهشاد» است. کشتی جاسوسی «بهشاد» متعلق به نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی است که با سپاه پاسداران در همکاری دائم قرار دارد.

● برخی منابع می‌گویند از وقتی «بهشاد» در بندر جیبوتی پهلو گرفته از شدت حملات حوثی‌ها به کشتی‌ها کاسته شده اما پنجشنبه شب حوثی‌ها اعلام کردند کشتی انگلیسی «LYCAVITOS» را هدف قرار دادند.

به گفته سه مقام آمریکایی، ایالات متحده اخیراً یک حمله سایبری علیه یک کشتی نظامی ایرانی انجام داده است که اطلاعات کشتی‌های باری در دریای سرخ و خلیج عدن را جمع‌آوری می‌کرد.

حمله حوثی‌ها به کشتی انگلیسی «روبیما» کشتی در حال غرق شدن است، خدمه آن را رها کردند!



کشتی باری «روبیما» که در گذشته نام آن Ikaria Island بود

پس از آنکه کشتی روبیما مورد اصابت قرار گرفت، سرعت آن کم شد و از مسیر خود منحرف گردید. خدمه کشتی برای کمک با نیروی دریایی جیبوتی تماس گرفتند. آژانس عملیات تجارت دریایی در بریتانیا (UKMTO) نیز در همین ارتباط گزارش داده کشتی باری «Master» شبانه هدف حمله قرار گرفته است.

حوثی‌ها با پشتیبانی جمهوری اسلامی از ۱۲۰ روز پیش با چراغ سبز علی‌خامنه‌ای عملیات اختلال در ترانزیت کالا در دریای سرخ و باب‌المندب را تحت عنوان حمایت از مردم فلسطین در مقابل اسرائیل آغاز کردند. رهبر جمهوری اسلامی از دولت‌های عربی منطقه چند بار خواست که شریان‌های حیاتی اقتصاد اسرائیل را قطع کنند. ولی با بی‌اعتنایی آنها روبرو شد.

حملات حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری در حالی ادامه پیدا کرده که علاوه بر ائتلاف دریایی به رهبری آمریکا و همکاری بریتانیا، دولت‌های اروپایی نیز مأموریت «آسپیدز» را برای افزایش امنیت کشتی‌ها در دریای سرخ آغاز کرده‌اند اما تا کنون هیچکدام از این تاکتیک‌ها نتوانسته حملات حوثی‌ها را متوقف کند.

تخمین زده می‌شود تا کنون بیش از ۶۰ کشتی به اشکال مختلف مورد حمله و تهدید حوثی‌ها قرار گرفته‌اند. این در حالیست که دو روز پیش از این دولت بایدن که در نخستین اقدامات خود پس از روی کار آمدن در ژانویه ۲۰۲۱ حوثی‌ها را از لیست تروریستی خارج کرده بود، بار دیگر آن را در فهرست سازمان‌های تروریستی آمریکا قرار داد. حوثی‌ها در دی‌ماه ۱۳۹۹ توسط دولت ترامپ در لیست تروریستی قرار گرفته بودند.

طی هفته‌های گذشته آمریکا و همچنین بریتانیا بارها از دولت کمونیستی جمهوری خلق چین خواستند تا از نفوذ خود بر جمهوری اسلامی برای توقف حمله به کشتی‌ها استفاده کند ولی این مسیر هم نتیجه‌ای نداشته است.

همزمان با این تحولات، یحیی سریع اعلام کرد که حوثی‌ها یک پهپاد آمریکایی را بر فراز آب‌های یمن هدف قرار داده‌اند. ویدیوهایی که در ارتباط با این ادعا در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده قابل تأیید یا رد نیست اما اگر صحت داشته باشد نشان می‌دهد حوثی‌ها مجهز به پدافند هوایی شده‌اند.

● یحیی سریع سخنگوی نظامی حوثی‌ها در بیانیه‌ای اعلام کرد خدمه این کشتی در سلامت هستند. وی همچنین گفت: «کشتی بطور جدی مورد اصابت قرار گرفت که باعث توقف کامل آن شده و در نتیجه‌ی آسیب‌های زیادی که به کشتی وارد آمده اکنون در خطر غرق شدن در خلیج عدن است».

● آژانس عملیات تجارت دریایی در بریتانیا (UKMTO) در همین ارتباط گزارش داده است کشتی باری «Master» شبانه مورد حمله قرار گرفته است.

● حملات حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری در حالی ادامه پیدا کرده که علاوه بر ائتلاف دریایی به رهبری آمریکا و همکاری بریتانیا، دولت‌های اروپایی نیز مأموریت «آسپیدز» را برای افزایش امنیت کشتی‌ها در دریای سرخ آغاز کرده‌اند اما تا کنون هیچکدام از این تاکتیک‌ها نتوانسته حملات حوثی‌ها را متوقف کند.

● همزمان با این تحولات، سخنگوی حوثی‌ها اعلام کرد که این گروه یک پهپاد آمریکایی را بر فراز آب‌های یمن هدف قرار داده است. ویدیوهایی که در ارتباط با این ادعا در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده قابل تأیید یا رد نیست اما اگر صحت داشته باشد نشان می‌دهد حوثی‌ها مجهز به پدافند هوایی شده‌اند.

شبه‌نظامیان حوثی یمن دوشنبه ۱۹ فوریه (۳۰ بهمن‌ماه) اعلام کردند کشتی باری انگلیسی «روبیما» را در خلیج عدن هدف قرار دادند و کشتی با خطر غرق شدن مواجه است. یحیی سریع سخنگوی نظامی حوثی‌ها در بیانیه‌ای اعلام کرد خدمه این کشتی در سلامت هستند. وی همچنین گفت: «کشتی بطور جدی مورد اصابت قرار گرفته که باعث توقف کامل آن شده و در نتیجه‌ی آسیب‌های زیادی که به آن وارد آمده، اکنون در خطر غرق شدن در خلیج عدن است».

شرکت امنیتی بریتانیایی «امبری» اعلام کرد که این کشتی با پرچم بلژن، ثبت بریتانیا و تحت کنترل لبنان روز یکشنبه در تنگه باب‌المندب در نزدیکی یمن مورد حمله قرار گرفت. گزارش شد که خدمه کشتی پس از انفجار مجبور به رها کردن کشتی شده‌اند تا خودشان را نجات دهند.

این کشتی از «خور فکان» در امارات متحده عربی به وارنا در بلغارستان در حال حرکت بود.



نمایش پهپادهای «شاهد۱۳۶» که در جنگ اوکراین استفاده شده‌اند

آمریکا هشتم بهمن‌ماه اعلام کرد گارد ساحلی ایالات متحده از یک شناور در خلیج عدن بیش از ۲۰۰ بسته تسلیحاتی با مبدا ایران و مقصد یمن را مصادره کرده است. ستاد فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام) که مسئول عملیات نظامی در خاورمیانه است گفت این محموله شامل قطعات موشک و شناورهای بدون سرنشین هدایت‌پذیر زیر آبی و سطحی است.

آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا در تحقیقات خود که اعلام کرد که مدل‌هایی از همان نوع پهپادهایی که سربازان آمریکایی را در اردن هدف قرار دادند، در بسیاری از جبهه‌ها، از جمله توسط حوثی‌های یمن، شبه‌نظامیان عراقی که اسرائیل را هدف قرار می‌دهند و توسط روسیه در جنگ علیه اوکراین استفاده شده است.

مقامات آمریکایی پیش از این گفته بودند روسیه در حال برنامه‌ریزی برای خرید موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد از جمهوری اسلامی است و حکومت ایران نیز به روسیه مهمات ارسال کرده است.

مهدی فرحی معاون وزیر دفاع جمهوری اسلامی، گفته بود که ایران در سال ۱۴۰۱ حدود یک میلیارد دلار سلاح فروخته که این رقم سه برابر سال قبل از آن است. بر اساس گزارش موسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم، محاسبه‌ای که آمار تسلیحات قاچاق در آن لحاظ نشده نشان می‌دهد ایران در سال ۲۰۲۲ با ۱۲۳ میلیون دلار صادرات به شانزدهمین فروشنده بزرگ تسلیحات در جهان تبدیل شد. این رقم در مقایسه با سال ۲۰۱۷، زمانی که ایران با ۲۰ میلیون دلار سی و سومین صادرکننده بزرگ تسلیحات جهان بود، جهشی بزرگ محسوب می‌شد.

ایالات متحده با صادرات نزدیک به ۸۱ میلیارد دلار تسلیحات در سال مالی ۲۰۲۳، بزرگترین تامین‌کننده تسلیحات در جهان است.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای حمایت از فعالیت‌های نیروهای نیابتی خود در خاورمیانه، از جمله حماس و حزب الله لبنان، سلاح‌های رایگان در اختیار آنها قرار می‌دهد. امیرسعید ایروانی سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل در مصاحبه با تلویزیون «ان‌بی‌سی» که بخش‌هایی از آن سه‌شنبه ششم فوریه (۱۷ بهمن‌ماه) منتشر شد گفت جمهوری اسلامی با گروه‌های فلسطینی «پیمان دفاعی» دارد و با ارسال سلاح و آموزش این گروه‌ها را تقویت می‌کند اما در اقدامات آنها نقشی ندارد.

وال استریت ژورنال:

جمهوری اسلامی به یکی از بزرگترین صادرکنندگان تسلیحات ارزان تبدیل شده

● به دنبال توقف یک شناور حامل تسلیحات ساخت جمهوری اسلامی در خلیج عدن توسط نیروهای سنتکام، روزنامه «وال استریت ژورنال» در گزارشی نوشت، گروه‌های مورد حمایت رژیم ایران پلی زمینی در سراسر خاورمیانه تشکیل داده و در اتحادی که تهران آن را «محور مقاومت» می‌نامد بهم متصل می‌شوند.

● صنایع تسلیحاتی ایران به سرعت در حال رشد است و این کشور به یک صادرکننده بزرگ سلاح‌های ارزان با فناوری پیشرفته تبدیل شده که مشتریان آن در خاورمیانه، اوکراین و فراتر از آن آمریکا را تهدید می‌کنند.

● بر اساس گزارش موسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم، محاسبه‌ای که آمار تسلیحات قاچاق در آن لحاظ نشده نشان می‌دهد ایران در سال ۲۰۲۲ با ۱۲۳ میلیون دلار صادرات به شانزدهمین فروشنده بزرگ تسلیحات در جهان تبدیل شد.

روزنامه «وال استریت ژورنال» جمعه ۱۶ فوریه (۲۷ بهمن‌ماه) با اشاره به ارسال مخفیانه انواع سلاح توسط جمهوری اسلامی به گروه‌های شبه‌نظامی منطقه نوشت رژیم ایران به یکی از بزرگترین تأمین‌کنندگان تسلیحاتی برای شبه‌نظامیان در خاورمیانه، اوکراین و فراتر از آن تبدیل شده است.

به دنبال توقف یک شناور حامل تسلیحات ساخت جمهوری اسلامی در خلیج عدن توسط نیروهای سنتکام، روزنامه «وال استریت ژورنال» در گزارشی نوشت، گروه‌های مورد حمایت رژیم ایران پلی زمینی در سراسر خاورمیانه تشکیل داده و در اتحادی که تهران آن را «محور مقاومت» می‌نامد بهم متصل می‌شوند.

صنایع تسلیحاتی ایران به سرعت در حال رشد است و این کشور به یک صادرکننده بزرگ سلاح‌های ارزان با فناوری پیشرفته تبدیل شده که مشتریان آن در خاورمیانه، اوکراین و فراتر از آن آمریکا را تهدید می‌کنند.

دگرگونی صنعت نظامی جمهوری اسلامی، که با خرید هزاران پهپاد توسط روسیه در سال ۲۰۲۲ شتاب گرفت و میدان نبرد در اوکراین را تغییر داد، به تهران کمک کرد تا حمایت خود از متحدان شبه‌نظامی را در درگیری‌های خاورمیانه که در کنار جنگ اسرائیل با حماس در غزه تشدید شده‌اند، افزایش دهد.

مقامات آمریکایی می‌گویند یکی از مهمترین صادرات تسلیحات جمهوری اسلامی، پهپاد انتحاری «شاهد» است.

ان‌بی‌سی نیوز روز پنجشنبه ۱۵ فوریه (۲۶ بهمن‌ماه) به نقل از مقامات آمریکایی گزارش داد، این حمله سایبری که بیش از یک هفته پیش انجام شد، بخشی از پاسخ دولت بایدن به حمله پهپادی شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی در عراق بود که باعث کشته شدن سه نظامی آمریکا در اردن شد.

به گفته مقامات، این عملیات با هدف جلوگیری از توانایی کشتی جمهوری اسلامی برای به اشتراک گذاشتن اطلاعات با حوثی‌ها انجام شد که با استفاده از همین اطلاعات موشک‌ها و پهپادها را به سمت کشتی‌های باری در دریای سرخ شلیک می‌کردند.

گفته شده این کشتی اطلاعات مربوط به هدف‌گیری کشتی‌ها را به حوثی‌ها می‌داد تا حملات مؤثرتر باشد. درواقع این کشتی به حوثی‌ها «گرا» می‌داده است. یکی از مقامات آمریکایی گفته این کشتی همان «پهشاد» است. کشتی جاسوسی پهشاد متعلق به نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی است که با سپاه پاسداران در همکاری دائم قرار دارد.

مقامات آمریکایی حاضر به پاسخ در مورد جزئیات بیشتر در مورد این اقدام نشدند.

برخی منابع می‌گویند از وقتی «پهشاد» در بندر جیبوتی پهلو گرفته از شدت حملات حوثی‌ها به کشتی‌ها کاسته شده اما پنجشنبه شب حوثی‌ها اعلام کردند کشتی انگلیسی «LYCAVITOS» را هدف قرار دادند.

ان‌بی‌سی نیوز می‌نویسد مقامات ایالات متحده معمولاً عملیات‌های مخفی از جمله حملات سایبری را فاش نمی‌کنند. امیرسعید ایروانی سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل، هفته گذشته گفت که کشتی «پهشاد» برای «مقابله با دزدان دریایی» در دریای سرخ است و اطلاعاتی در اختیار نیروهای حوثی قرار نمی‌دهد.

بر اساس داده‌های ردیابی کشتی‌ها، کشتی «پهشاد» از ابتدای ژانویه در حوالی بندر جیبوتی، نزدیک یک پایگاه نظامی چین لنگر انداخته است. تحلیلگران نظامی می‌گویند این احتمال وجود دارد که جمهوری اسلامی ایران این کشتی را به نزدیکی پایگاه چینی منتقل کند تا نیروهای دریایی آمریکا را از تلاش برای حمله یا سوار شدن به کشتی جاسوسی مظنون منصرف کند.

به احتمال زیاد کشتی مورد اشاره که آمریکا به آن حمله سایبری کرده «پهشاد» است اما همزمان برخی منابع گزارش دادند که کشتی «سائیز» نیز با مأموریتی مشابه در همان مناطق فعال بوده است.

تقریباً ۱۲ درصد از حمل و نقل جهانی از دریای سرخ عبور می‌کند. در پی حملات پی در پی حوثی‌ها از ماه نوامبر، غول‌های کشتیرانی مانند مرسک عملیات خود را در دریای سرخ و خلیج عدن متوقف کردند.

منابع نظامی جمهوری اسلامی دو هفته قبل با انتشار ویدئویی هشدار دادند که آمریکا کشتی «پهشاد» را هدف قرار ندهد. سرلشکر پاتریک رایدر سخنگوی پنتاگون هفته گذشته در پاسخ به پرسشی درباره این کشتی گفت که از احتمال هدف قرار دادن این کشتی توسط ایالات متحده اطلاعی ندارد اما افزود: «ما به خوبی از فعالیت این کشتی مطلع هستیم.»

به نظر می‌رسد پیام‌های واشنگتن در مورد فعالیت این کشتی دو هفته قبل به تهران رسیده بود زیرا رسانه‌های حکومتی از جمله روزنامه «همشهری» در گزارشی نوشتند که مقامات جمهوری اسلامی درباره هدف قرار دادن «دو کشتی باری» در خاورمیانه که مدت‌ها مظنون به خدمت به عنوان پایگاه عملیاتی کماندوهای ایرانی بودند، هشدار داده‌اند.

راهکار جمهوری اسلامی برای جلوگیری از مهاجرت گسترده نخبگان: برخورد «امنیتی- پلیسی»!



مردم برسانیم.»
قائم مقام بنیاد ملی نخبگان توضیح نداده که اگر آمارهای ارائه شده از سوی کارشناسان و یا مراکزی چون «رصد مهاجرت ایرانیان» نادرست است، چرا باید بنیاد ملی نخبگان در اقدامی «امنیتی- پلیسی» به دنبال رصد و جلوگیری از مهاجرت نخبگان از کشور باشد؟!
روزنامه «هم‌میهن» نیز از این اقدام به عنوان «راهکار پلیسی برای مقابله با مهاجرت نخبگان» نام برده و نوشته که «این نحوه برخورد پلیسی و سخت‌افزاری با مسائل جامعه نه تنها هیچ مسئله‌ای را حل نمی‌کند که تشدید می‌نماید.»
این روزنامه اضافه کرد: «بست و سخت کردن راه مهاجرت، راه‌حل این مسئله نیست، بلکه نادیده گرفتن و پنهان کردن آن است» و خواستار آن شد تا «دولت به‌جای رویکردهای سلبی و نفی و قهرآمیز، از رویکرد اجابایی و سازنده و مبتنی بر اراده افراد و رضایت آنان استفاده کند.»
همچنین محمد فاضلی جامعه‌شناس نزدیک به اصلاح‌طلبان نیز در واکنش به اقدام امنیتی بنیاد ملی نخبگان در شبکه «ایکس» نوشته که «آیا معنی این خبر آن است که قوه عاقله حکمرانی به حدی نزول کرده که جز راهکار پلیسی در برابر پدیده اجتماعی در ذهن ندارد؟»
این جامعه‌شناس افزوده که «ظاهراً درک پدیده اجتماعی، سخت‌ترین کاری است که از این جماعت می‌توان طلب کرد. فرقی نمی‌کند مهاجرت، سبک زندگی یا پوشش اختیاری باشد. امر اجتماعی را درک نمی‌کنند.»

آمارهای تکانه‌دهنده مهاجرت از کشور دارای چنان ابعاد گسترده‌ای است که حتی با وجود تلاش مقامات حکومتی، قابل انکار یا تکذیب نیست.
مشکلات اقتصادی در کنار شیوه حکمرانی امنیتی و نگرانی بابت آینده از جمله عوامل مهاجرتی به شمار می‌رود که برخی کارشناسان آن را «فرار» ارزیابی می‌کنند.
نداشتن درآمد یا اشتغال با درآمدهای ناچیز از جمله مهمترین عامل مهاجرت نیروی دانش‌آموخته ایرانی در رشته‌های مختلف از جمله پزشکی است. آمارهای

او گفته بر اساس این تفاهم، «قرار شده پلیس گذرنامه و مهاجرت یک نمایندگی و دفتر در بنیاد ملی نخبگان داشته باشد تا اطلاعات مربوط به ورود و خروج نخبگان و افراد مدنظر ما را به صورت آنلاین و کمتر از یکساعت در اختیار ما قرار بدهند.»

در شرایطی که دفاتر مهاجرتی شهروندی را مجبور به مهاجرت نمی‌کنند و فقط به «متقاضیان» خدمات ارائه می‌کنند اما قائم مقام بنیاد ملی نخبگان گفته که «برخی مجموعه بیزینس یا کسب و کاری در حوزه مهاجرت راه انداخته‌اند و بطور مثال اگر مهاجرت به یک کشور برای یک فرد ۱۰ هزار دلار هزینه دارد، این مجموعه‌ها با هزار یا دو هزار دلار این کار را انجام می‌دهند که یقیناً این دفاتر از یک سیستمی تأمین مالی می‌شوند.»

سلمان سیدافقهی همچنین گفته اکثر دانش‌آموختگانی که برای تحصیلات تکمیلی به خارج از کشور رفته‌اند در نهایت به ایران بازگشته‌اند: «در همکاری با مجموعه‌های مختلف کشور در حوزه ورود و خروج نخبگان، اطلاعاتی داریم که نشان می‌دهد هرساله حدود ۲ هزار نفر که در خارج از کشور تحصیل کرده‌اند، به کشور باز می‌گردند.»

قائم مقام بنیاد ملی نخبگان با اعلام اینکه از سال ۹۷ حدود ۱۰ هزار نفر از فارغ‌التحصیلان مقطع ارشد و دکتری که به خارج از ایران رفته‌اند، به کشور بازگشتند، افزود: «این آمار را بر اساس ترجمه مدارک که به زبان فارسی انجام شده، اعلام می‌کنم و کاملاً مستند است.»

او مدعی شده که آمارهایی که در بحث مهاجرت وجود دارد، خلاف فضایی است که در حال حاضر در کشور ایجاد شده و گفته است «به تازگی ۲ نفر از وزرای دولت قبل، جو‌سازی بدی در حوزه مهاجرت انجام دادند و یکی از آنها عنوان کرده بود که از هر ۵ دانشجو که با او در ارتباط است، ۲ نفر قصد مهاجرت دارد این در حالی است که فضای واقعی این نیست و جهت‌دهی رسانه‌ای در اینباره آب ریختن به آسیاب دشمن است. این حق را برای خودمان قائل هستیم که واقعیت را در خصوص مهاجرت به گوش

● قائم مقام بنیاد ملی نخبگان از یکسو آمارها درباره مهاجرت نخبگان را رد کرده و از سوی دیگر از راه‌اندازی دفتر پلیس گذرنامه و مهاجرت در این بنیاد به منظور «جلوگیری از مهاجرت سازمانیافته نخبگان» خبر داده است!
● سردار علی فدوی جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پیشتر مهاجرت از کشور را به «نبرد میان حق و باطل» ارتباط داده و به برنامه‌ریزی عده‌ای در خارج از کشور مربوط دانسته بود.
● دانشیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه «علامه»: جنس مهاجرت ایرانی جنس انتخاب نیست، بلکه از جنس فرار است. یک شانس از جنس گریختن است.

موج مهاجرت از کشور از جمله نخبگان و دانشجویان ممتاز در حالی ادامه دارد که جمهوری اسلامی در این مورد هم برخورد «امنیتی-پلیسی» را راهکار ارزیابی کرده و به دنبال جلوگیری از مهاجرت نخبگان است.

قائم‌مقام بنیاد ملی نخبگان آمارهای موجود درباره مهاجرت نخبگان و دانشجویان ممتاز را رد کرده اما از راه‌اندازی دفتر پلیس گذرنامه و مهاجرت در این بنیاد به منظور «جلوگیری از مهاجرت سازمانیافته نخبگان» خبر داده است.
مدت‌هاست کارشناسان نسبت به مهاجرت منابع انسانی از ایران هشدار می‌دهند. موجی که از پزشک و پرستار تا کارآفرین و کارگر ماهر را در بر گرفته است. در این میان مهاجرت نخبگان و دانش‌آموختگان نگرانی‌ها و هشدارهایی را درباره خلاء ناگزیر و ناشی از این مهاجرت در پی داشته است.

در حالی که حکومت از یکسو از ارائه آمارهای رسمی و شفاف درباره مهاجرت منابع انسانی خودداری می‌کند اما از سوی دیگر موج گسترده مهاجرت را ناشی از «سازماندهی دشمنان» ارزیابی می‌کند.

سلمان سیدافقهی قائم‌مقام بنیاد ملی نخبگان نیز از تفاهم این بنیاد با پلیس برای برخورد با دفاتر مهاجرتی و جلوگیری از مهاجرت سازمانیافته نخبگان خبر داده است.

➔ مرکز آمار ایران نیز نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۱ تقریباً ۵۰۰۰ فارغ‌التحصیل دکترا در کشور جویای کار بوده که موفق به پیدا کردن شغل نشدند.

بهرام صلواتی تحلیلگر حوزه مهاجرت اعلام کرده که «پدیده عجیبی در حوزه مهاجرت اتفاق افتاده که در صد سال اخیر در ایران سابقه نداشته است».

او گفته «در چند دهه گذشته پیک‌های مهاجرتی مختلفی را داشتیم، اما پیک‌ی از اواخر سال ۱۳۹۹ شروع شد که کرونا آن را بطور مقطعی متوقف کرد. این پیک اکنون دوباره به جریان افتاده است و ما نمی‌دانیم تا کجا ادامه پیدا خواهد کرد. در سالنامه مهاجرت سال گذشته پیش‌بینی این بود که این موج طولانی‌تر خواهد بود. جای خوشبختی هم ندارد، چون ما برای آن برنامه‌ای نداشتیم و نداریم».

بهرام صلواتی افزود که «عراق با ۷۴ هزار مهاجر جدید در رتبه نخست و ایران با ۶۷ هزار مهاجر جدید در رتبه دوم و ازبکستان با ۴۰ هزار مهاجر جدید در رتبه سوم در ترکیه قرار دارد. نکته قابل توجه این است که ۵۰ درصد از مهاجران جدید ایرانی در کشور ترکیه را زنان تشکیل می‌دهند».

بهرام صلواتی همچنین گفت که گزارش جدید سازمان بین‌المللی «اواسی‌دی» (OECD) منتشر شده که داده‌هایی درباره وضعیت مهاجرت کشورها دارد. این گزارش نشان می‌دهد که ایران بالاترین رشد مهاجرفرستی در منطقه OECD را دارد. منطقه OECD به عنوان قطب اصلی جذب مهاجران در جهان، سالانه تعداد زیادی از مهاجران جدید را جذب می‌کند».

به گفته بهرام صلواتی «در سال ۲۰۲۰ تعداد مهاجران جدید ورودی ایرانی به کشورهای این منطقه ۴۸ هزار نفر بود که طبق آخرین آمار سالنامه مهاجرت در سال ۲۰۲۱ با ۱۴۱ درصد افزایش به ۱۱۵ هزار ورودی جدید در سال رسیده است. بر این اساس رتبه اول مهاجرفرستی بر اساس نرخ رشد مهاجر جدید را ایران ثبت کرده است».

اوتاکید کرد که دولت برای هر کدام از این مهاجران هزینه‌ای کرده و کشورهای مقصد بدون آنکه هزینه‌ای کرده باشند، نیروی انسانی متخصص را جذب می‌کنند.

این آمارها در حالی اعلام می‌شود که مقامات دولت همچنان در موضع انکار و تکذیب هستند. عباس عبادی معاون پرستاری وزارت علوم نیز آمارهای مهاجرت پرستاران را رد کرده و گفته «آماري که در خصوص آمار مهاجرت پرستاران در فضای مجازی به آن اشاره می‌شود، درست نیست». او البته آماری نیز درباره مهاجرت پرستاران ارائه نداده است! روح‌الله دهقانی فیروزآبادی معاون علمی ابراهیم رئیسی هم درباره آمار مهاجرت از کشور گفته که «آمار مجموعه‌ها، افراد و شرکت‌های مهاجرت‌کننده در حال حاضر اصلاً خطرناک نیست».

سردار علی فدوی جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هم بدون اشاره به سبلی از مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که سبب مهاجرت گروه گروه ایرانیان از کشور می‌شود، مهاجرت از کشور را به «نبرد میان حق و باطل» ارتباط داده و به برنامه‌ریزی عده‌ای در خارج از کشور مربوط دانسته است.

جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفته است: «از تک تک نفراتی که به خارج می‌روند چه پزشک و چه پرستار مطلع هستیم حتی می‌دانیم چه بیمارستانی می‌روند و چقدر حقوق می‌گیرند. چون بیشتر از همه مطلع هستیم خیلی بیشتر از همه غصه می‌خوریم».

در آنسو اما کارشناسان نظراتی متفاوت دارند. علی خرسندی دانشیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه «علامه» اعلام کرد که «برای وضعیت دشواری که

در حوزه مهاجرت داریم، دیگر واژه مهاجرت، واژه کاملی نیست».

این استاد دانشگاه گفته «جنس مهاجرت ایرانی جنس انتخاب نیست، بلکه از جنس فرار است. یک شانس از جنس گریختن است».

«بی‌آیندگی شغلی و حرفه‌ای»، «نبود فرصت‌های اقتصادی»، «امنیتی شدن زیست اجتماعی در ایران» و «بی‌اعتبار شدن یا کم‌اعتبار شدن نظام دانشگاهی» از جمله عوامل مهمی است که از دید علی خرسندی بر افزایش آمار مهاجرت در ایران موثر بوده است.

این استاد دانشگاه توضیح داده که «در کنار عوامل گریزاننده از مبدأ، عواملی که موجب انگیزه مهاجران می‌شود در مقصد بیشتر است. رشد فردی و حرفه‌ای یکی از عوامل جذب در مقصد است. فرد مهاجر می‌گوید می‌خواهم رشد کنم، در ایران سقف رشد من کوتاه است». امیرحسین جلالی ندوشن روان‌درمانگر و سخنگوی انجمن علمی روان‌پزشکان ایران معتقد است: «وقتی جامعه‌ای به وضعیت آینده‌زودگی می‌رسد، در آن جامعه دیگر نمی‌توان کار مولد انجام داد. مهاجرت حتی در شکل انجام‌نشده آن، روح جامعه را می‌خورد. می‌بینم اساتیدی را که برای قبول کردن یک پروژه در سال آینده، می‌گویند ۶ ماه دیگر جواب می‌دهم. چون منتظر ایمیلی از کشورهای مختلف مانند آمریکا، کانادا و حتی عمان هستند که تکلیف مهاجرت آنها را مشخص کند».

تقی آزاد ارمکی جامعه‌شناس و استاد دانشگاه با اشاره به «مهاجرت یک‌طرفه» ایرانی‌ها گفته که «طبیعتاً مهاجرت افراد از کشور خود به کشوری دیگر تنها معطوف به ایران نبوده و نیست، چرا که انتخاب محل زندگی و شغل در هر نقطه از دنیا یک حق انسانی است. مردم در اروپا هم جابه‌جا می‌شوند، اما اصطلاحاً نمی‌روند تا برای همیشه بمانند، آنها می‌روند که موثر واقع بشوند و در عین حال برگردند تا در جامعه خودشان اثرگذار شوند. با ایتالیایی‌هایی در آمریکا و کانادا مواجه شدم که مهاجرت کرده بودند، نه برای اینکه همیشه در آمریکا باشند بلکه آمده بودند یک موقعیت خوب شغلی و فرهنگی پیدا کنند، نه برای اینکه علیه سرزمین خودشان باشند بلکه احتمالاً مجدد به سرزمین خودشان برگردند. این در حالی است که بر اساس آمارها مسیر مهاجرت ایرانی‌ها یک‌طرفه است».

به گفته این جامعه‌شناس «ایرانی‌ها عموماً می‌روند تا در کشور دیگری بمانند، به همین دلیل است که ایرانیان مهاجرت‌کرده نقش عمده‌ای در ساختن جهان دیگر پیدا می‌کنند، مثل این نیست که یک دوره‌ای قبل از انقلاب کارگران ایرانی به ژاپن و کویت می‌رفتند سرمایه کسب می‌کردند و برمی‌گشتند، این مساله حکایت از بحران ایران با جهان پیرامونی دارد و نقش اساسی آن به دولت و گروه‌های ذی‌نفع، تجار، روشنفکران و سیاستمداران برمی‌گردد».

این جامعه‌شناس افزایش ۳۵ درصدی نرخ مهاجرت در ایران را «نگران‌کننده» خوانده و گفته که «این مساله، نشانگر آن است که جامعه ناآرام بوده و در حالت عدم وجود اطمینان اجتماعی، فروریخته است. وقتی در محلی بلایای طبیعی مثل زلزله یا سیل بیاید یا درگیر جنگ شود، افراد از آن خارج می‌شوند. این موضوع نشان‌دهنده آن است که در جامعه انفجاری و همه‌را از جای خود کنده است. امر تلخی که افراد، راه‌حل برون‌رفت از شرایط را مهاجرت از کشور می‌دانند. این یک رویکرد بدی است که در ایران جاری و ساری شده است».

تقی آزاد ارمکی افزوده که «اثرات این ناامنی و بی‌اعتمادی یک یا دو روزه حل نمی‌شود. بلکه این بی‌اعتمادی در جامعه،

نسلی را آواره و ویران می‌کند. ضمن اینکه، سرمایه‌بزرگی که در کشور به سختی به دست آمده به آسانی خارج می‌شود و مورد استفاده کشورها و جوامع دیگر قرار می‌گیرد. بر خلاف تصور رایج، نیرویی که از کشور مهاجرت می‌کند تا حدی دچار ویرانی می‌شود، چرا که او نیز عادت کرده در اینجا رشد و تمام علائق و انگیزه خود را در مملکت خود بارور کند. از همه مهم‌تر اینکه، جامعه از گوناگونی نیرو و نیروهای متخصص متعدد خارج شده و دچار آسیب‌های جدی می‌شود».

علیرضا شریفی‌یزدی آسیب‌شناس اجتماعی نیز مهاجرت نخبگان را برای آینده ایران با تبعات سنگین ارزیابی کرده و گفته که «با مهاجرت نخبگان این را هم باید در نظر گرفت که نسل‌های آینده آنها را هم از دست می‌دهیم. بنابراین بانک هوشی ایران روزه‌روز لاغرتر شده است. در نتیجه براساس مطالعات متوسط هوش ایرانی‌ها طی ۴۰ سال گذشته شیب نزولی داشته است».

این آسیب‌شناس اجتماعی توضیح داده که «وقتی افراد تحصیلکرده و فوق‌تخصص مهاجرت کنند طبیعتاً مشکلات کشور افزایشی و از طرفی حل این معضلات بدون آنها غیرممکن می‌شود. اگر افراد دارای تخصص در ایران بمانند و برای آبادی کشور تلاش کنند، قطعاً گره‌ای از مشکلات باز می‌شود و این در صورتی است که دولت امکانات لازم را برای آنها مهیا کند وگرنه به دلیل فشارهای اقتصادی و اجتماعی موجود آنها برای زندگی بهتر به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کنند».

او با اشاره به اینکه تصاحب جای انسان‌های توسط انسان‌های متوسط به دلیل مهاجرت نخبگان را یکی از مشکلات اخیر کشور خوانده و تأکید کرده که «چه بسا به زودی دانشگاه‌های ما هم همین وضعیت را پیدا می‌کنند. می‌توانیم اساتید بسیار خوبی در دانشگاه‌ها داشته باشیم ولی به دلایل مختلف و با این شیوه‌گزینش، استادان خیره و توانمندی را در آینده نخواهیم داشت. چه بسا چنین امری در حوزه پزشکی، علوم رفتاری، علوم انسانی و علوم پایه نیز صادق است. بطور کلی مهاجرت‌ها برای آینده کشور خطرناک است، چراکه اصولاً حل معضلات کشور باید به دست نخبگان حل شود، اما وقتی آنها خارج می‌شوند، دیگر بر نمی‌گردند».

این آسیب‌شناس افزوده که «طبیعتاً وقتی در کشوری فرار مغزها و مهاجرت نخبگان اتفاق می‌افتد، به لحاظ علمی پیشرفت چندانی در آینده نخواهیم داشت. چه بسا روزه‌روز پسرقت هم می‌کنیم. بنابراین در این مقوله دولت باید شرایطی را برای نخبگان مهیا کند تا آنها اگر برای ادامه تحصیل خارج می‌شوند حداقل برای خدمت بازگردند».

سعید معیدفر جامعه‌شناس نیز آذرماه امسال در گفتگو با روزنامه «هم‌میهن» دلیل مهاجرت گسترده ایرانیان را «تنگناهای امنیتی، مشکلات اقتصادی، تنفر و انزجار نسبت به مبدأ، احساس پوچی در کشور خود» دانسته است.

این جامعه‌شناس گفته که «در هفته تعداد زیادی از مهاجران در دریای مدیترانه جان خود را از دست می‌دهند. اکثر این افراد از ایران، افغانستان، نیجریه و سایر کشورهای بی‌امان هستند که از نظر ساختار توسعه و جایگاه اجتماعی با مشکلات جدی مواجهند. در واقع این افراد مبدأ و مقصد را مقایسه نمی‌کنند و تنها قصد رفتن دارند که می‌توان از آن به‌عنوان فرار یاد کرد و نه مهاجرت. امروز عده زیادی از کشور فرار می‌کنند نه مهاجرت».

او در ادامه گفته که «بسیاری از مهاجران احساس می‌کنند در کشور خود به‌عنوان انسان و فردی که دارای جایگاه و منابع و منافع است، شناخته نمی‌شوند».

تداوم فشار بر وکلای دادگستری؛ شکایت خسرو علی کردی از سه مقام قوه قضاییه

و ابوذ نصراللهی، سه وکیل پایه یک دادگستری، نیز با اتهاماتی مانند «تبلیغ علیه نظام» در شعبه ۲۹ دادگاه انقلاب اسلامی تهران محاکمه شدند. امیرسالار داودی وکیل پایه یک زندانی در ایران نیز هفته گذشته از سه مقام امنیتی کنونی و پیشین قوه قضاییه جمهوری اسلامی به دلیل «ارتکاب جرائم و تخلفات محرز انتظامی» شکایت کرد.

طناز کلاهچیان همسر امیرسالار داودی با انتشار مطلبی در شبکه «ایکس» از شکایت این وکیل دادگستری از سه مقام کنونی و پیشین قوه قضاییه خبر داده است.

او نوشته که «شکایت امیرسالار داودی وکیل و فعال حقوق بشر زندانی از سه مقام فعلی و سابق دستگاه قضایی جمهوری اسلامی بابت «ارتکاب جرائم و تخلفات محرز انتظامی در ایام رسیدگی پرونده و ارجاع تحقیقات مقدماتی و بازجویی‌ها به ضابط غیرمرتبط» به بازپرسی شعبه سوم دادسرای کارکنان دولت تهران ارجاع شده است.

محمد نصیری پور معاون کنونی دادستان امور امنیتی، علی قناعت کار سرپرست فعلی دادسرای امنیت و حسین امین ناصری سرپرست سابق دادسرای امنیت سه مقام قوه قضاییه هستند که امیرسالار داودی از آنها شکایت کرده است.

این شکایت در شعبه سوم دادسرای کارکنان دولت تهران ثبت شده و در صورت پیروزی او در این پرونده، سه مقام یادشده به موجب قانون «نظارت بر رفتار قضات» مشمول مجازات کیفری و از خدمت برکنار می‌شوند. امیرسالار داودی که سابقه وکالت شماری از پرونده‌های زندانیان سیاسی از جمله سهیل عربی، زینب جلالیان و سعید شیرزاد را بر عهده داشته، به ۳۰ سال زندان محکوم شده و از جمله وکلای زندانی محبوس در زندان اوین است. وکلای دادگستری پس از آغاز اعتراضات جنبش ملی در پی قتل حکومتی مهسا امینی در شهریور ۱۴۰۱، حمایت گسترده‌ای از اعتراضات مردم انجام دادند. پذیرفتن پرونده بازداشت‌شدگان و صدور بیانیه علیه جمهوری اسلامی از جمله این اقدامات بود و سبب تشدید فشار حکومت بر این قشر شد.

ده‌ها وکیل دادگستری آبان‌ماه گذشته با امضای بیانیه‌ای مشترک تأکید کردند که اکثریت مردم ایران دیگر نظام جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند و «خیزش شهروندان ایران، خیزشی برای حقوق و بازگشت به حکومت قانون است.»

در این بیانیه آمده بود که «ده‌ها بعد از نهضت مشروطه که نیاکامان در برابر استبداد ایستادند و تحولی بنیادین در نظام سیاسی و حقوقی کشور بوجود آوردند، اینک شهروندان ایران در مقابل نظامی قرار گرفته‌اند که تصور می‌کرد می‌تواند «ملت» را به کمک ولایت مطلقه‌ی یک نفر فقیه، به «امت» تبدیل کرده و به تبع آن، حقوق سیاسی ملت را از بین ببرد.»

بخشی از بیانیه وکلا تأکید کرده بود که «از حقوق اساسی مردم این است که مشروعیت هر قانون به رضایت و اراده‌ی عمومی است و هیچ اراده دیگری این اجازه را ندارد تا بجای ایشان تصمیم بگیرد و اگر چنین اتفاقی بیفتد مردم حق دارند که با چنین اراده‌ی نامشروع و تصمیمات و قوانین آن مبارزه و مقابله کنند.»

وکلای امضاکننده این بیانیه در پایان نوشته بودند که «در دوران نو که اراده اکثریت، ملاک تضمین حق تعیین سرنوشت است، وظیفه‌ی ما وکلا بعنوان شهروند، دفاع از حقوق بنیادین ملت در برابر تعدی و تجاوز حکومت است.»



را در شبکه «ایکس» اعلام کرد و همراه با بیتی از حافظ نوشت: «ما آبروی فقر و قناعت نمی‌بریم، با پادشاه بگوی که روزی مقدر است.»

این وکیل دادگستری در ادامه نوشته: «طبق رأی شعبه ۴ دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری خراسان، به جرم! انتشار اخبار دادرسی موکلینم؛ فاطمه سپهری و خانواده ابوالفضل آدینه‌زاده و دیگر زندانیان سیاسی، به دو سال ممنوعیت از شغل وکالت محکوم شدم.»

فشار بر وکلای دادگستری در حالی با آغاز اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ افزایش یافت که منابع صنفی گزارش می‌دهند در روزهای گذشته نیز بار دیگر موجی از فشار قضایی و امنیتی علیه وکلای دادگستری آغاز شده است.

ظاهر نقوی وکیل پایه یک دادگستری روز سه‌شنبه ۱۷ بهمن توسط مأموران امنیتی بازداشت شد. به گزارش «دادبان» که به بازداشت‌شدگان اعتراضات مشاوره حقوقی می‌دهد تا کنون درباره علت بازداشت، اتهامات و محل نگهداری این وکیل دادگستری اطلاعاتی در دست نیست.

سازمان حقوق بشری «هنگاو» هم گزارش داده که این وکیل دادگستری در منزل یکی از دوستانش در کرج بازداشت شده و نیروهای حکومتی برخی وسایل شخصی از جمله تلفن همراه او را نیز ضبط کرده‌اند. محمدرضا کارگر پیشه مقدم دیگر وکیل دادگستری دیگری است که چهارشنبه ۲۵ بهمن‌ماه توسط نیروهای امنیتی در کرج بازداشت شد.

خبرگزاری «هرانا» با انتشار خبر بازداشت این وکیل دادگستری به نقل از یک منبع مطلع نوشته که «آقای کارگر پیشه مقدم ظهر روز چهارشنبه بیست و پنجم بهمن‌ماه، در یکی از خیابان‌های کرج در مسیر مراجعه به محل کار خود توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به یکی از بازداشتگاه‌های امنیتی در این شهر منتقل شده است.»

به گفته این منبع مطلع، «علیرغم پیگیری‌های خانواده این وکیل دادگستری از دادسرای انقلاب البرز، تا کنون مسئولین مربوطه از ارائه پاسخی شفاف در خصوص علت بازداشت او خودداری می‌کنند.»

همچنین مهدی کریمی فارسی، صادق مصطفوی کاشانی،

● در روزهای گذشته فشار بر وکلای دادگستری بار دیگر افزایش یافته است؛ احضار، بازداشت، تشکیل پرونده، محاکمه و اجرای احکام زندان از جمله اقدامات قوه قضاییه علیه وکلایی است که پرونده خانواده‌های دادخواه یا زندانیان سیاسی را بر عهده داشته‌اند.

● خسرو علی کردی: «فردا برای اجرای مجازات یک سال زندان، موضوع حکم قاضی هادی منصوری رئیس شعبه اول دادگاه انقلاب مشهد، در شعبه ۲۱ اجرای احکام حاضر خواهم شد جهت معرفی به زندان وکیل آباد مشهد.»

● ده‌ها وکیل دادگستری آبان‌ماه گذشته با امضای بیانیه‌ای مشترک تأکید کردند که اکثریت مردم ایران دیگر نظام جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند و «خیزش شهروندان ایران، خیزشی برای حقوق و بازگشت به حکومت قانون است.»

در روزهای گذشته فشار امنیتی و قضایی بر وکلای دادگستری با بازداشت و محاکمه و اجرای حکم زندان افزایش یافته است. خسرو علی کردی وکیل دادگستری که به دلیل دفاع از خانواده‌های جانب‌ناخنگان اعتراضات و فعالان سیاسی به زندان محکوم شده، از سه مقام قضایی جمهوری اسلامی شکایت کرده است.

در روزهای گذشته فشار بر وکلای دادگستری بار دیگر افزایش یافته است؛ احضار، بازداشت، تشکیل پرونده، محاکمه و اجرای احکام زندان از جمله اقدامات قوه قضاییه علیه وکلایی است که پرونده خانواده‌های دادخواه یا زندانیان سیاسی را بر عهده داشته‌اند.

خسرو علی کردی وکیل دادگستری که پیش از این به دلیل دفاع از خانواده‌های دادخواه و فعالان سیاسی، محاکمه و به زندان محکوم شده بود ساعتی پیش در شبکه «ایکس» اعلام کرد که فردا، شنبه ۲۸ بهمن ۱۴۰۲، برای گذراندن یک سال حکم حبس خود را به زندان معرفی خواهد کرد.

خسرو علی کردی نوشته که «فردا برای اجرای مجازات یک سال زندان، موضوع حکم قاضی هادی منصوری رئیس شعبه اول دادگاه انقلاب مشهد، در شعبه ۲۱ اجرای احکام حاضر خواهم شد جهت معرفی به زندان وکیل آباد مشهد.»

این وکیل دادگستری در ادامه نوشته که «شکوه، عزت، شادکامی برای هموطنان شریفم و سربلندی، آزادی و آبادی برای وطن را به جان آرزومندم.»

او روز گذشته نیز در مطلب دیگری در شبکه «ایکس» اعلام کرده بود از سه مقام قوه قضاییه به دلیل «تخلفات انتظامی قضات» شکایت کرده است.

این وکیل دادگستری خطاب به رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی نوشته «آقای محسنی اژه‌ای، سه شکایت خسرو علی کردی در خصوص تخلفات انتظامی قضات؛ هادی منصوری، حسین ایزدخواه، رؤسای شعب اول و پنجم دادگاه انقلاب مشهد به دلیل «ممانعت از دفاع وکیل انتخابی متهم سیاسی در جلسات دادگاه» و بازپرس محسن گلمحدی تولایی به دلیل «غرض‌ورزی نسبت به وکیل» در دادسرای انتظامی قضات ثبت شد. خسرو علی کردی ساکن مشهد است که طی یک سال و نیم گذشته وکالت خانواده ابوالفضل آدینه‌زاده و عرفان رضایی نوایی از جانب‌ناخنگان اعتراضات جنبش ملی را بر عهده داشته است. او همچنین وکالت فاطمه سپهری فعال مشروطه‌خواه و برادرانش محمدحسین و حسین سپهری را نیز پذیرفته است.

وی شامگاه سه‌شنبه ۲۶ دی‌ماه ۱۴۰۲ خبر محکومیت خود

خشک شدن ۱/۵ میلیون مترمربع از سواحل غرب مازندران

حال افزایش است، با توجه به اینکه آب‌های بخش روسیه و ترکمنستان خزر، کم‌عمق است، با افت ۹ متری آب حدود ۲۴ درصد از مساحت سطح خزر کوچک خواهد شد و اگر ۱۸ متر آب افت کند، ۳۴ درصد از سطح این دریاچه خشک خواهد شد. ورودی‌های دریای خزر از سوی کشورهای همسایه بسته شده است مخصوصاً ورودی رود ولگا. از طرفی میزان بارش در کل حوضه آبریز دریای خزر کاهش یافته است. در برخی آمار و اطلاعات اعلام شده که قریب به یک متر در ۵-۴ سال اخیر دریا عقب‌نشینی داشته است.» همچنین مطالعات نشان می‌دهد که از سال ۲۰۱۷ بحث پس‌روی آب دریای خزر آغاز شده و این رویداد تا سال ۲۰۵۰ نیز ادامه پیدا می‌کند. اسماعیلی، عضو هیأت علمی منابع آب دانشگاه گیلان، در این زمینه به شهروند گفته است که «این پس‌روی تنها در محدوده مرزهای آبی ایران نیست و این اتفاق در روسیه نیز در حال رخ دادن است زیرا سرعت تبخیر به دلیل گرم شدن زیاد افزایش داشته و در صورت ادامه پیدا کردن این روند ۲۰ تا ۲۵ درصد مساحت خزر در بخش شمالی که سواحل روسیه را شامل می‌شود، کاهش پیدا خواهد کرد.»

وضعیت بحرانی دریای مازندران در حال است که دیگر کشورهای دارای مرز ساحلی با این دریا به دنبال راهکارهایی برای مبارزه با این شرایط هستند. برای نمونه چندی پیش شهردار شهر بندری آکتائو در کشور قرقیزستان به دلیل پایین رفتن سطح آب دریای مازندران و خطرات جدی آن برای صنعت دریایی، در این استان وضعیت فوق العاده اعلام کرد. در ایران اما این بحران زیست‌محیطی مانند بسیاری دیگر از بحران‌ها تنها با اظهارات محدود مقامات و مصوباتی روی کاغذ روبرو شده و اقدامات جدی در اینباره صورت نگرفته است.

بی‌تفاوتی مسئولان جمهوری اسلامی به محیط زیست ایران به ویژه مدیریت آب سبب بروز مشکلات متعددی در کشور شده و هشدارهایی درباره خطر جدی خشکسالی و کم‌آبی در تابستان را نیز به همراه داشته است.

در همین رابطه محمدرضا کاویان‌پور رئیس موسسه تحقیقات آب کشور امروز چهارشنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۲ با بیان اینکه طی ارزیابی‌های اخیر سطح پوشش برفی در کشور روند منفی و نزولی دارد، گفته که «برف منبع تامین آب کشور در تابستان است و مساله خشکسالی برفی موضوع بسیار جدی است که با آن روبرو هستیم.»

او با اشاره به اینکه «رژیم بارشی کشور دچار نوسان شده» گفته که «در فصول پاییز و بهار هر کدام ۲۵ درصد آب مورد نیاز کل سال کشور باید تامین شود اما در دو سال اخیر این فرمول تغییر کرده است؛ در شرایطی که در فصل تابستان ۵ درصد منابع آبی کشور تامین می‌شود، تابستان ۱۴۰۰ پربارش‌ترین فصل سال بود. در این شرایط تصمیم‌گیری بسیار دشوارتر و متناسب با این امر فعالیت در بخش‌های مختلف از جمله کشاورزی پیچیده‌تر شده است.»

محمدرضا کاویان‌پور افزود که «در کنار تغییر رژیم بارشی کشور، میزان بارندگی‌ها کاهش یافته است. این در حالی است که امروز با کاهش ۴۳ درصدی بارندگی‌ها نسبت به شرایط نرمال روبرو هستیم و در این شرایط لازم است نسبت به ذخیره‌سازی و حفظ منابع آبی برای سال آبی پیش‌رو، توجه بیشتری صورت گیرد.»



از سال ۱۹۰۰ روند رشد آن بیشتر شده است، گفت: «تغییر اقلیم در ایران از سال ۱۳۸۰ بطور جدی آغاز شده است.» کاویان‌پور با اشاره به اینکه «سال گذشته ۱/۳ درجه افزایش دما داشتیم و امسال نیز در نقاط مختلف بین یک تا ۴ درجه افزایش دما داریم» تاکید کرد: «این افزایش دما اثر مستقیم روی منابع آبی دارد و سبب کاهش این منابع می‌شود.»

علی سلاجقه رئیس سازمان محیط زیست جمهوری اسلامی هم امداد امسال اعلام کرده بود که «تراز آب دریای خزر در حال پایین رفتن است چرا که کشورهای همسایه ورودی رودهای خود به دریا را بسته‌اند.»

او پیشتر نیز تاکید کرده بود که «بر اساس برخی آمار و اطلاعات، دریای مازندران در ۵ سال گذشته، حدود یک متر عقب‌نشینی داشته و در صورت تداوم این شرایط، دریای شمالی ایران، بطور میانگین سالانه ۲۰ سانتی‌متر عقب‌نشینی خواهد کرد.»

بنابر گزارش‌ها اصلی‌ترین منبع تغذیه دریای خزر، «رودخانه ولگا» است و روسیه برای توسعه محصولات کشاورزی از این منابع آبی این رودخانه استفاده می‌کند.

خرپرگزار تسنیم نیز ۲۰ امداد امسال از رسیدن تراز آب این دریا به پایین‌ترین میزان در ۳۰ سال اخیر خبر داده و نوشته بود: «تراز اکولوژیک دریای خزر در طول عمر این دریا بطور طبیعی نوسانات سینوسی داشته و همواره طی چندین سال تراز آب خزر افزایش و در ادامه طی چندین سال روند کاهشی را طی کرده است اما طی دو دهه اخیر روند کاهش تراز آب خزر طولانی‌تر شده و شدت کاهش تراز آب به ویژه در سال‌های اخیر شدت یافته بطوری که تنها در سال ۱۴۰۱، تراز آب ۲۶ سانتی‌متر کاهش یافت! در مجموع از سال ۱۳۷۵ تا ۱۴۰۱ که روند کاهش تراز آب شروع شده، حدود ۲ متر از سطح آب کاهش یافته و به کمترین میزان در ۳۰ سال اخیر رسیده است.»

در این گزارش همچنین آمده بود: «سطح دریای خزر به صورت فزاینده‌ای پایین‌تر می‌آید و شتاب کاهش آب در

مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری مازندران- نوشهر با ارائه آمار تکانهندهای از وضعیت پس‌روی آب دریای مازندران گفته تا کنون در مجموع ۵۵ هکتار از محدوده ساحلی در نوشهر خشک شده است.

اوایل بهمن‌ماه جاری هم رئیس موسسه تحقیقات آب گفته بود ۱۹۰ میلیارد مترمکعب آب دریای خزر در اثر کاهش سطح تراز از بین رفته است.

این بحران زیست‌محیطی مانند بسیاری دیگر از بحران‌ها تنها با اظهارات محدود مقامات و مصوباتی روی کاغذ روبرو شده و اقدامات جدی در اینباره صورت نگرفته است.

مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری مازندران- نوشهر با تاکید بر تداوم روند پس‌روی آب دریای مازندران از خشک شدن حدود ۱/۵ میلیون مترمربع محدوده شهرستان‌های ساحلی غرب استان مازندران خبر داده است.

پس‌روی آب دریای مازندران از بحران‌های محیط‌زیستی در ایران است که سبب خشک شدن سواحل و ایجاد فرونشست در دو استان پرآب شمالی کشور، گیلان و مازندران، شده است.

مهرداد خزایی مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری مازندران- نوشهر با ارائه آمار تکانهندهای از وضعیت پس‌روی آب دریای مازندران گفته حدود ۱/۵ میلیون مترمربع محدوده شهرستان‌های ساحلی غرب مازندران خشک شده است.

بر اساس آمارهای ارائه شده از سوی مهرداد خزایی، تا کنون در مجموع ۵۵ هکتار از محدوده ساحلی در نوشهر خشک شده است.

مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری مازندران- نوشهر توضیح داده محدوده حریم ساحلی غرب مازندران حدود هشت هزار و ۵۲۰ هکتار است. نور، نوشهر، تنکابن، عباس‌آباد، چالوس و رامسر جزو شهرستان‌های ساحلی خطه غربی مازندران محسوب می‌شوند.

پیش از این نیز گزارش‌هایی درباره خشک شدن دریاچه مازندران منتشر شده بود و اوایل بهمن‌ماه جاری هم رئیس موسسه تحقیقات آب گفته بود ۱۹۰ میلیارد مترمکعب آب دریای خزر در اثر کاهش سطح تراز از بین رفته است.

محمدرضا کاویان‌پور رئیس موسسه تحقیقات آب هفته نخست بهمن‌ماه امسال در نشست خبری نوزدهمین نمایشگاه بین‌المللی آب و فاضلاب گفت: «از ابتدای امسال تا کنون سطح تراز آب دریای خزر ۲۵ سانتی‌متر کاهش یافته که این میزان کاهش بیشتر ناشی از روند گرمایش زمین است که کشورمان را هم درگیر کرده است.»

وی با بیان اینکه سطح تراز آب دریای مازندران در چند سال اخیر در مجموع حدود نیم متر کاهش داشته است، افزود: «۱۹۰ میلیارد مترمکعب آب دریای خزر در اثر کاهش سطح تراز از بین رفته است.»

رئیس موسسه تحقیقات آب با بیان اینکه با توجه به روند افزایش دما کاهش سطح تراز آب دریای خزر تداوم خواهد داشت، اضافه کرد: «سال‌های آینده مشکلات این کاهش سطح تراز بیشتر نمایان می‌شود و کاهش بر روی فعالیت‌های دریایی، آبیان دریای خزر و زندگی مردم اثرگذار است.»

وی با بیان اینکه تغییر اقلیم از سال ۱۸۵۰ میلادی آغاز و

پدیده «بزرگسالان سرراهی» و «ول کردن سالمندان» توسط خانواده چهره تکاندهنده‌ای از فقر در ایران



سالمندان و پژوهشگری حوزه سالمندی معتقد است: «مسکن و معیشت دو عامل مهم رهاشدگی سالمندان به شمار می‌روند، بنابراین طبق الگوهای شکل‌گیری سالمندان رهاشده، احتمالاً این فرآیند افزایشی است.»

حسام‌الدین علامه به «هم‌میهن» گفته که «سالمند رهاشده به معنی سالمند مجهول‌الهویه‌ای است که سرپرست ندارد و بر اساس بخشنامه‌های قانونی با نظارت قوه قضائیه توسط نیروی انتظامی یا شهرداری جمع‌آوری و برای نگهداری به سازمان بهزیستی سپرده می‌شوند. بخشی از این سالمندان معمولاً به دلیل ابتلا به آلزایمر در خیابان‌ها گم می‌شوند و خانواده آنها را نمی‌یابند. اما گروه مهمتری هستند که خانواده‌هایشان به دلیل فقر مالی، مشکلات معیشتی، نبود مسکن مناسب یا ابتلای سالمند به بیماری زمینهای و نیاز به مراقبت‌های خاص، توانایی نگهداری از آنها را ندارند.»

به گفته او، از طرف دیگر سرپرستان سالمند اگر قصد بستری کردن او را در مراکز نگهداری از سالمندان داشته باشند، باید هزینه نگهداری از سالمند خود را بپردازند، خانواده‌هایی که توانایی پرداخت این هزینه را ندارند با تهدید سالمند یا تباخی با وی، فرد سالمند را در نقطه‌ای رها می‌کنند تا هزینه ماهانه نگهداری از او را پرداخت نکنند و سالمند نیز به بهانه ابتلا به فراموشی، مشخصات خود و خانواده‌اش را بیان نمی‌کند. اگر سالمند آلزایمر داشته باشد، خانواده بدون نیاز به تهدید و تباخی او را رها می‌کند. رئیس سابق دبیرخانه شورای ملی سالمندان ادامه می‌دهد: «ظرفیت ما در مراکز اقامتی سالمندان اعم از مراکز هیئت امنایی و خصوصی، ۱۵ هزار نفر است که ۲۵ تا ۳۳ درصد از این تعداد مربوط به سالمندان رهاشده و مجهول‌الهویه است.» این پژوهشگری حوزه سالمندی افزوده که «شهردار تهران، تعداد مستأجران در تهران به ۶۰ درصد رسیده و هزینه اجاره‌ها نیز به شدت افزایش یافته است. در چنین شرایطی خانواده‌ها به واحدهای مسکونی کوچک‌تر رو می‌آورند، بنابراین انتظار طبیعی این است که خانواده‌های بیشتری در نگهداری از سالمند خود دچار مشکل شوند. از طرف دیگر وقتی آمار تورم و میزان حقوق دریافتی یک خانواده دارای سالمند یا یکدیگر تناسبی نداشته باشد، نهایتاً هزینه نگهداری و مراقبت از سلامت سالمند افزایش می‌یابد.»

و در مسیر بازگشت، شبانه او را در پارک رها کرده بودند. به گفته این فعال اجتماعی، فرزندان به مادر سالخورده‌شان گفته بودند، همانجا در پارک منتظرشان بماند. پیرزن هم ساعت‌ها در همان نقطه در انتظار بازگشت فرزندان می‌نشید تا اینکه در نهایت در مرکز کاهش آسیب ماندگار می‌شود. به گفته سپیده علیزاده، زن سالمند ماه‌ها چشمانش به در خشکید، به امید اینکه فرزندان بیابند و او را به خانه بازگردانند: «چند وقت بعد، زن جوانی به مرکز مراجعه کرد و سراغ زن سالمند را گرفت. مشخص شد که زن، عروس خانواده است و قصد دارد از شرایط مادر همسرش باخبر شود. زن گریه می‌کرد و قسم می‌خورد که دیگر توان نگهداری مادر سالخورده خانواده را نداشته‌اند.»

سپیده علیزاده به «هم‌میهن» گفته که «تا پیش از شیوع کرونا، به این اندازه با پدیده رهاکردن سالمندان مواجه نبودیم. در دوره مدیریت مرکز کاهش آسیب پارک شوش، با سالمندانی مواجه شدم که به دلایل مختلف رها شده و بی‌سرنه بودند. این افراد به‌تنهایی قادر به زندگی نبودند و نیاز به مراقبت داشتند. این در حالی بود که مرکز ما برای نگهداری از سالمندان مناسب‌سازی نشده بود. این گروه از سالمندان معمولاً تجربه‌ای از کارتن‌خوابی نداشتند و به دلیل شرایط خاص، در خیابان رها شده بودند.»

او می‌گوید که زندگی در پاتوق معتادان یا گرمخانه‌ها با آلودگی و شرایط مناسبی همراه است که سالمندان قادر به تحمل آن نیستند. چنین شرایطی به‌سرعت سالمندان را از پای در می‌آورد: «این افراد به‌جای عزت و احترامی که باید در دوران سالمندی از آن برخوردار باشند، با شرایط ناگواری مواجه می‌شوند و مسیر نابودی را به‌سرعت طی می‌کنند. مهمترین مسئله در این مسیر، خلأ مددکاری است. ما در کشورمان سیستم مددکاری و حمایتی قوی نداریم. در حالیکه جامعه ما رو به سالمندی می‌رود، اما هنوز در رشته‌های مددکاری و روانشناسی، آموزش‌های لازم در حوزه سالمندی داده نمی‌شود و حوزه‌های مغفول مانده است. از طرف دیگر سیستم روانشناسی و مددکاری در کشور ما رایگان نیست و این مسئله مشکل‌آفرین است.»

حسام‌الدین علامه، رئیس سابق دبیرخانه شورای ملی

● رئیس اداره ساماندهی آسیب‌های اجتماعی شهرداری تهران گفته «از ابتدای سال تا کنون حدود ۲۵ سالمند رهاشده در تهران شناسایی شدند.» آماری از سالمندان ول شده و بزرگسالان سرراهی که معمولاً از بیماری‌های روانی رنج می‌برند در کل کشور در دست نیست.

● مدیرکل دفتر امور مراکز توانبخشی و مراقبتی سازمان بهزیستی کشور ماه گذشته از اقامت سه هزار و ۸۶۲ سالمند مجهول‌الهویه با دستور قضایی در مراکز شبانه‌روزی سالمندان خبر داده بود.

● رئیس سابق دبیرخانه شورای ملی سالمندان: «مسکن و معیشت دو عامل مهم رهاشدگی سالمندان به شمار می‌روند، بنابراین طبق الگوهای شکل‌گیری سالمندان رهاشده، احتمالاً این فرآیند افزایشی است.»

بر اساس گزارش‌ها ول کردن سالمندان در پارک‌ها، پاتوق‌های مواد مخدر و مراکز بهزیستی به دلیل اینکه خانواده‌ها درگیر فقر و فلاکت است و دیگر توان مالی نگهداری آنها را ندارند رو به افزایش است. اداره ساماندهی آسیب‌های اجتماعی شهرداری تهران از شناسایی دست‌کم ۲۵ سالمند رها شده در تهران طی ماه‌های گذشته خبر داده است. ول کردن سالمندان در خیابان‌ها توسط اعضای خانواده به عنوان پدیده‌ای ناشی از افزایش فقر و نابرابری‌های اجتماعی، حالا نه تنها نوزادان و کودکان بلکه «سالمندان سرراهی» را نیز وارد ادبیات اجتماعی ایران کرده است. همچنین گزارش‌ها از ول کردن مشابه درباره افرادی که دارای اختلالات روانی هستند خبر می‌دهند. موضوع ول کردن سالمندان در شماره روز شنبه ۲۸ بهمن‌ماه ۱۴۰۲ روزنامه «هم‌میهن» مورد توجه قرار گرفته است.

محمد اسماعیلی محبوب رئیس اداره ساماندهی آسیب‌های اجتماعی شهرداری تهران به روزنامه «هم‌میهن» گفته «از ابتدای سال تا کنون واحدهای این سازمان با حدود ۲۵ سالمند رهاشده مواجه شده‌اند.» میزانی که به نوشته «هم‌میهن» تنها مربوط به پایتخت است و سایر شهرهای این استان و سایر مناطق کشور را در بر نمی‌گیرد.

فاطمه عباسی معاون امور توانبخشی سازمان بهزیستی کشور هم با تأیید افزایش آمار بزرگسالان سرراهی گفته که «آمار افراد مجهول‌الهویه افزایش داشته است. بیشتر افراد مجهول‌الهویه یا رهاشده، سالمند یا بیمار روان هستند که در خیابان رها می‌شوند. برخی از خانواده‌ها که دیگر توان نگهداری این افراد را ندارند، آنها را در خیابان رها می‌کنند.» فریده باغ‌علیشاهی مدیر کل دفتر امور مراکز توانبخشی و مراقبتی سازمان بهزیستی کشور هم نیمه دی‌ماه امسال از اقامت سه هزار و ۸۶۲ سالمند مجهول‌الهویه با دستور قضایی در مراکز شبانه‌روزی سالمندان خبر داده بود.

سپیده علیزاده روانشناس و مدیر یک مرکز کاهش آسیب‌های اجتماعی نیز در گفتگو با روزنامه «هم‌میهن» ماجرای پیرزنی را روایت کرده که دو سه سال پیش توسط خانواده‌اش در پارک شوش رها شده و توسط سایر زنان کارتن‌خواب مستقر در پارک به مرکز کاهش آسیبی که او مدیریت‌اش را بر عهده داشت منتقل شده بود.

سپیده علیزاده گفته که «پیرزن به شدت کم‌توان بود. بدون عصا قادر به حرکت نبود و به دلیل شدت کهولت سن، بدنش می‌لرزید. این زن سالمند را فرزندانش به عروسی برده

تداوم بی‌خبری از وضعیت دو دختر دانش‌آموز ربوده شده و بازداشتی‌های سیاسی بلاتکلیف در زندان؛ نهادهای مربوطه رفع مسئولیت می‌کنند!



آیدا مرادبهروزی و هستی محمدحسینی

● آیدا مرادبهروزی و هستی محمدحسینی در ساعت ۱۲ ظهر ۱۱ بهمن‌ماه برای رفتن به مدرسه از منزل خارج شده و از آن زمان تا کنون هیچ خبری از وضعیت آنها در دست نیست. آیدا مرادبهروزی فرزند سوری بابایی چگینی زندانی سیاسی و رضا مرادبهروزی زندانی سیاسی سابق است.

● به گفته‌ی یک منبع مطلع، «نیروی انتظامی به محمدرضا مرادبهروزی و خانواده هستی محمدحسینی گفته است ما نمی‌توانیم فرزندان شما را پیدا کنیم!»

بر اساس گزارش‌های منتشر شده آیدا مرادبهروزی و هستی محمدحسینی در ساعت ۱۲ ظهر ۱۱ بهمن‌ماه برای رفتن به مدرسه از منزل خارج شده و از آن زمان تا کنون هیچ خبری از وضعیت آنها در دست نیست. آیدا مرادبهروزی فرزند سوری بابایی چگینی زندانی سیاسی و رضا مرادبهروزی زندانی سیاسی سابق است. باوجود مراجعه خانواده به کلانتری، آگاهی، اطلاعات و دادگستری، تا کنون اقدام مؤثری برای پیدا کردن این دو دختر نوجوان انجام نشده است.

در همین ارتباط حساب کاربری «انقلاب زنانه» نوشته است: «دادستان و رئیس دادگستری محمدیه استان قزوین به نام فتح‌الله علی محمدی به سوری بابایی چگینی فعال حقوق زنان و کارزار حجاب بی‌حجاب که به اتهام سیاسی در زندان است گفته‌اند، به خاطر گم‌شدن دخترت اگر روسری بر سر کنی و حجاب داشته باشی و ابراز بخشش و ندامت کنی اجازه می‌دهیم با سند و پابند آزاد شوی و دخترت را پیدا کنی!»

حساب کاربری «انقلاب زنانه» ضمن محکوم کردن برخوردهای انتقامجویانه با سوری بابایی چگینی و بی‌تفاوتی نهادهای مسئول تاکید کرده است که تمامی نهادهای دولتی و حکومتی مسئول سلامت جسمی و روانی این دو نوجوان هستند.

پس از گذشت ۱۳ روز از ناپدید شدن آیدا مراد بهروز، فرزند نوجوان سوری بابایی چگینی، یک منبع مطلع به صدای آمریکا گفت که مقامات قضایی قزوین با مرخصی این زندانی سیاسی به مدت ۱۰ روز با گذاشتن سند به عنوان وثیقه موافقت کرده‌اند. این منبع آگاه روز سه‌شنبه ۲۴ بهمن به بخش فارسی صدای آمریکا خبر داد که مقامات قضایی استان قزوین سوری بابایی چگینی را «مجبور کردند که برخلاف میل باطنی‌اش در زندان روسری ببوشد و از او تعهد گرفتند که هیچ‌گونه اعتراضی نداشته باشد و به زندگی عادی بپردازد.»

در قبال این تعهد و همچنین با سپردن سند، دادگستری محمدیه قزوین به سوری بابایی چگینی که نزدیک به دو هفته است دختر ۱۳ ساله‌اش ناپدید شده، ۱۰ روز مرخصی داد. به گفته این منبع آگاه، با گذشت نزدیک به دو هفته از ناپدید شدن آیدا مرادبهروزی و هستی محمدحسینی، خانواده‌های آنها همچنان از این دو نوجوان دانش‌آموز بی‌خبر هستند. به گفته منبع نزدیک به این زندانی سیاسی، سوری بابایی چگینی «زمانی که به نشانه نابرابری حقوق زنان روسری از سر برداشت، تا کنون در زندان و تمام دادگاه‌هایی که برایش برگزار شده، حاضر به پوشیدن روسری نشده‌بود»، اما در پی ناپدید شدن فرزند نوجوانش، مقامات قضایی او را به این کار مجبور کردند. این منبع آگاه اضافه کرد که این فعال مدنی زندانی «اعتقاد داشت که اعتراض جرم محسوب نمی‌شود» و تا کنون «هیچ‌گونه تعهدی نداده بود» و به همین دلیل، «با وجود اینکه اشد مجازات‌هایش یک سال بود» مقامات قضایی «با تجمیع پرونده‌هایش مخالفت کرده بودند و دوباره برایش پرونده‌سازی

کردند» و آزادی او را تا سال ۱۴۰۴ به تعویق انداختند. بنا بر اظهارات منبع نزدیک به سوری بابایی چگینی، این زندانی سیاسی در زندان چوبین در قزوین «چهار بار دیگر به خاطر اتهامات مختلف دادگاهی شد و یکی از دادگاه‌هایش بدون ابلاغ به او صورت گرفت که در بین راه زندان تا دادگاه نیز توسط سه مأمور مورد ضرب و شتم قرار گرفت.»

بر اساس اعلام این منبع، «قاضی پرونده، قدرت بیگدلی، سوری را به تجاوز تهدید کرد و به زور خواستند چادر بر سر بپوشد که او اجازه نداد» و در محل برگزاری دادگاه در دادرسی «محمدیه» نیز شعار داد که موجب شد او را «بابت شعار و نپوشیدن روسری در دادرسی» به اتهام «تمرد و اخلاق در نظم عمومی» چهار ماه حبس و با اتهام ارتباط با رسانه‌های آزاد تحت عنوان «شبکه‌های معاند» به هفت ماه حبس دیگر به میزان مجازات این زندانی سیاسی افزودند.

این منبع آگاه همچنین گفت که پیش از آن نیز سوری بابایی به همراه همسرش محمدرضا مراد بهروز «چندین مرتبه در داخل زندان از سوی مأموران وزارت اطلاعات ضرب و شتم» شد و با شکایت این دو زندانی سیاسی «جراحات آنان مورد تأیید پزشکی قانونی نیز قرار گرفت» اما «حق آنها را ناحق و پرونده را مختومه کردند.»

یک منبع نزدیک به این خانواده در گفتگو با «ایران‌وایر» گفته است که محمدرضا مرادبهروزی بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۲ بهمن ۱۴۰۲ ناپدید شدن فرزند خود آیدارا اطلاع‌رسانی کرد. به گفته این منبع مطلع، این دو دختر دانش‌آموز آخرین بار در تصاویر ضبط شده توسط دوربین‌های ترمینال غرب مشاهده شده‌اند. این فرد نزدیک به خانواده از قول مرادبهروزی می‌گوید: «گویا فردی ناشناس در پیام‌رسان روبیکا این دو دانش‌آموز را اغفال کرده که در نهایت این موضوع منجر به فرار آنها از منزل شده است. فرد ناشناس در پیام‌هایی که برای این دو دختر دانش‌آموز فرستاده، آنها را به فرار از منزل تشویق کرده و از آنها خواسته است کارت بانکی، شناسنامه، گوشی تلفن همراه و هرگونه مدارک شناسایی و هویتی همراه خود نداشته باشند.»

«روبیکا» یک پیام‌رسان ایرانی است که توسط شرکت «توسکا»، از زیرمجموعه‌های «ستاد اجرایی فرمان امام»

طراحی و اجرا شده است. فرد نزدیک به خانواده مرادبهروزی می‌گوید: «نیروی انتظامی به محمدرضا مرادبهروزی و خانواده هستی محمدحسینی گفته است ما نمی‌توانیم فرزندان شما را پیدا کنیم. خانواده از مقام‌های قضایی و پلیس فتا درخواست کرده‌اند پیام‌های دو دختر نوجوان در پیام‌رسان روبیکا را مورد بررسی قرار دهند تا شاید به پیدا شدن این دختران کمک کند. آنها حتی از پیام‌رسان روبیکا شکایت کرده‌اند ولی پلیس فتا به صراحت اعلام کرده است به پیام‌رسان‌های داخلی دسترسی ندارند.»

مادر آیدا مراد بهروز، سوری بابایی چگینی شامگاه چهارشنبه ۲۲ تیر ۱۴۰۱ از سوی مأموران پلیس امنیت استان البرز بازداشت شد. بازداشت او به دلیل انتشار ویدئوی اعتراض به حجاب اجباری بود که روز سه‌شنبه ۲۱ تیر در حساب شخصی خود در اینستاگرام منتشر کرد.

اینهمه در حالیست که شهروندان زیادی نیز مدت‌هاست به دلایل امنیتی و سیاسی بازداشت شده و در زندان‌های شهرهای مختلف بلاتکلیف هستند. از جمله صمد پورشه شهروند ساکن یاسوج که باوجود گذشت ۱۹ روز از زمان دستگیری، کماکان به صورت بلاتکلیف در زندان این شهر بسر می‌برد.

یک منبع مطلع نزدیک به خانواده این شهروند به خبرنگاری هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر گفته است که وی «علیرغم گذشت ده روز از زمان دستگیری، کماکان به صورت بلاتکلیف در زندان یاسوج بسر می‌برد و تا کنون آزادی موقت وی میسر نشده است.»

صمد پورشه در تاریخ ۲۵ همزمان با اولین سالگرد جان باختن مهسا امینی از سوی نیروهای امنیتی در یاسوج بازداشت و به زندان این شهر منتقل شد.

همچنین پروین میرآسان متهم سیاسی ۶۶ ساله و یکی از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱، با وجود گذشت بیش از ۱۵ ماه از زمان دستگیری، کماکان به صورت بلاتکلیف در زندان اوین بسر می‌برد.

ابوالحسن منتظر متهم سیاسی ۶۴ ساله نیز باوجود گذشت نزدیک به دو ماه از زمان دستگیری، کماکان در بازداشت و بلاتکلیف است. بی‌خبری از وضعیت این زندانی نیز به افزایش نگرانی‌های خانواده وی منجر شده است.

جهان عرب را از دست چپگراها نجات دهید

ائتلاف چپگرایی و اسلام سیاسی در جهان عرب



معیارهای آکادمیک نداشته و در پاسخ به دعوت از آنها برای بیدار شدن و تلاش برای حقیقت‌جویی، فقط در پشت دیوارهای لرزان و شکسته تعصبات ایدئولوژیک کور خود پنهان شده و مواضع خود را در لفاظی‌های بی‌محتوا و بی‌شمارانه‌ترین ناسزاها آشکار ساختند. خوشبختانه، گروه بی‌شماری از مخاطبان با اشتیاق خواهان ادامه این روشنگری‌ها هستند. بنابراین، ضرورت برای توضیحات عمیق‌تری در خصوص چرایی شکل‌گیری ائتلاف چپگرایی و اسلام سیاسی بیشتر احساس شده است. برای این منظور، نوشتار حاضر را از بخش‌هایی از مقاله‌ای که یکی از متفکران جهان عرب به رشته تحریر درآورده، استخراج کرده و با شرح و اضافاتی تقدیم می‌کنم. [i] نوشتار مقداری طولانی است. اما به دلیل اهمیت شرایط حساس منطقه و خطراتی که این ائتلاف برای نه فقط ایران، بلکه علیه سراسر منطقه به وجود آورده، امری ضروریست.

چپگرایی و ناسیونالیسم عربی

از اوایل قرن بیستم، در جهان عرب سیاست به عنوان یک پدیده توده‌ای مدرن که از آن برای بسیج سیاسی توده‌ای استفاده می‌شود، مورد استفاده قرار گرفت. روشنفکران، روزنامه‌نگاران، شاعران و ادیبان با دگرگون ساختن منابع دانش و تربیت اخلاقی برای عموم مردم، جای قشرهای قدیمی علمای دین را گرفتند. روند جدید الهام بخشیدن به باورهای مردم در صحنه اجتماعی و سیاسی، به سمت حساسیت‌های هنری و نمادهای سیاسی توده‌ای، کشیده شد تا بتواند با برانگیختن تقاضاهای آنها، نمادهای شاخصی را به وجود آورد که توانایی تبدیل شدن به قدرت سیاسی را داشته باشند. اندیشه‌های سیاسی و کارکردهای این روند در کشورهای مطرح منطقه به ویژه مصر مورد توجه قرار

وجود آورده و با استفاده از احساسات گروه‌هایی از مردم ساده‌دل که آگاهی‌های لازم نسبت به شرایط منطقه و ساختارها و قوانین بین‌المللی ندارند، هر روز در خیابان‌های کشورهای غربی سروصداهایی بپا می‌کنند که به نظر می‌رسد همزیستی این جوامع را به مراحل ترسناکی سوق می‌دهد. شوربختانه، علاوه بر تبلیغات حکومت‌های به اصطلاح اسلامی، بخشی از جامعه دانشگاهی و روشنفکرها در بخش‌هایی از جهان، شامل کشور خودمان، هم با این ائتلاف نافرخنده همراه شده است. [۱] در این شرایط، برای هر فرد کنجکاوی که می‌کوشد به دور از فضای گمراه‌کننده برخی رسانه‌ها و فضای مجازی به درکی صحیح از چرایی این موضوعات دست یابد، این پرسش مطرح می‌شود که چه شرایطی زمینه ائتلاف و پیوند نامبارک چپگرایی و اسلامگرایی را فراهم آورده است؟

نگارنده در یک سلسله نوشتارها و گفتارهای تلویزیونی سعی کرده این پرسش را مورد تحلیل قرار داده و با رعایت معیارهای علمی آکادمیک و موضع بی‌طرفانه علمی چرایی آن را جستجو کند. تا کنون چند نوشتار با همان رعایت بی‌طرفی علمی تحریر شده و در کیهان لندن انتشار یافته است. توضیح علمی و آموزشی محتوای این نوشتارها نیز در ۱۲ برنامه زنده تلویزیونی شامل حدود ۱۵ ساعت گفتار آموزشی توسط رسانه «میهن» پخش شده. در خلال این اقدامات که با هدف آگاهی‌رسانی انجام گرفته، همواره درخواست شده که موافقان و یا مخالفان نیز به این تلاش‌ها بیوبندند تا چهره روشن‌تری از شرایط برای مردم ترسیم شود. پاسخ به این درخواست‌ها، فقط تعداد اندکی از سوی گروه‌های کمونیستی بود که با خشمی غیرقابل توصیف، نویسندگان را مورد هتک حرمت قرار دادند. اما هیچ‌کدام از این به اصطلاح چپ‌های کمونیست یاری استدلال با

بسیاری از عبارات یهودستیزانه و تئوری‌های توطئه را که هنوز در فرهنگ عربی امروز یافت می‌شوند، می‌توان در تحولات سیاسی قرن نوزدهم جستجو کرد. نقش روشنفکران یهودستیز در توسعه و گسترش این گرایش‌ها و تحولات را نمی‌توان نادیده گرفت.

● در پایان جنگ جهانی دوم و با شروع جنگ سرد، فضای مبارزه در اذهان مدرن‌ترین جوامع عربی نفوذ کرده بود و آنها را برای آغاز انقلاب خود برای استقلال آماده می‌ساخت. اولین مراحل این انقلاب با جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۴۸ و اخراج دستجمعی یهودیان از سرزمین‌های عرب همراه بود. کودتای ۱۹۴۹ در سوریه و کودتای مصر در سال ۱۹۵۲ در میانه همین موج انقلابی قرار می‌گیرند.

● در این ایام، انقلاب‌های آزادیبخش ناسیونالیستی منجر به تأسیس دولت‌های توده‌ای تک‌حزبی شد که مصر بزرگترین و مهم‌ترین آنها بود. آن زمان، دوران احساس سرخوشی از مفاهیم توده‌ای بود که بر اساس وحدت مطلق بین مردم، دولت، رهبر قهرمان و روشنفکران بنا شده بود و از آن به عنوان دموکراسی توده‌ای واقعی یاد می‌شد.

محمود مسائلی - شرایط زندگی نه تنها در منطقه بلکه در جوامع غربی هم هشداردهنده شده است. اسلام سیاسی در ایران، افغانستان، پاکستان و هند، تقریباً همه کشورهای عربی، و جوامع اروپایی و آمریکای شمالی در حال بسط و توسعه است. از همه نگران‌کننده‌تر پیوندهای میان چپگرایی جهانی و اسلام سیاسی جوامع امروزی را به مرزهای تهدید کشانده است.

به دنبال حمله مرگبار و فجیع حماس به اسرائیل در ۷ اکتبر، و دفاع مشروع ایجاد حائل اسرائیل در قبال آن، چپ جهانی با تمام توان خود ائتلافی را با اسلامگرایان به

گرفت. در این روند، دو آیین سیاسی انقلابی دگرگون کننده‌ای که فلسفه آلمان تولید کرده بود نقش اساسی ایفا می‌کرد:

۱) ناسیونالیسم رمانتیک با تکیه بر اندیشه‌های ملی‌گرایی یوهان هررد

۲) نظریه دولت هگل، از یکسو، مارکسیسم از دیگرسو هدف نهایی این دو آیین سیاسی نیز در مبارزه علیه دشمن (فرضی) مشترکی به نام امپریالیسم غربی خلاصه می‌شد. در مرکز امپریالیسم نیز یهودیت به عنوان عامل اصلی ساختارهای سلطه انحصاری و معضلات منطقه و سراسر غرب تصور می‌شد.

در آغاز اندیشه‌های چپ در منطقه جایی نداشت، بلکه همان ناسیونالیسم رمانتیک موتور اصلی همه گرایش‌ها و جنب و جوش‌ها را تشکیل می‌داد. در ابتدا ناسیونالیسم به عنوان یک پدیده ادبی و هنری رمانتیک در ادبیات و هنر غربی از اواخر قرن نوزدهم مشاهده شد. با این حال، تا سال‌های بین دو جنگ جهانی، ملی‌گرایی به عنوان یک انگیزه انقلابی بسیج‌کننده که جنبش‌های سیاسی می‌توانستند حول آن شکل بگیرند، به عنوان یک سبک ادبی اهمیت شایانی پیدا نکرده بود. اما به تدریج تخیل عاشقانه‌ای برای انقلاب رهایی‌بخش شروع به جوشیدن کرد و یک شور عمومی ضدامپریالیستی، اما بدون محتوای ایدئولوژیک یا جهت‌گیری روشن همه منطقه را فرا گرفت. این شرایط را می‌توان مانند دریاچه‌ای تصور کرد که زائده‌هایی از جریان‌های فکری و سیاسی در اروپا، مانند مارکسیسم-لنینیسم، فاشیسم، نازیسم، و یهودستیزی به آن سرازیر می‌شد. جنبش‌های سیاسی که فضای امروزین منطقه را شکل داده‌اند، از این مخزن عقاید به اصطلاح رادیکال سرچشمه می‌گیرند.

«ناسیونالیسم غربی» اولین آرمانی بود که آیین سیاسی منسجمی را برای منطقه از طریق آثار پدر فکری آن، مانند ساطی الحصری [۲] (۱۸۸۰ تا ۱۹۶۸) به نمایش گذاشت. الحصری که افسر سابق ارتش عثمانی بود، به یکی از اولین مربیان مدرن عرب تبدیل شد که آموزش برای درک و فهم مفهوم ملیت را بر عهده گرفت. برای او آموزش به معنای مأموریت آماده‌سازی جوانان ناسیونالیست عرب و برانگیختن حس ستیزه‌جویانه برای مأموریتی تاریخی در آنان بود. این آرمان هگلی که جامعه سیاسی را به عنوان یک قهرمان تاریخی در نظر می‌گرفت که اعضای آن وحدتی اندام‌وار با یک رسالت نجات‌بخش متعالی در تاریخ تشکیل داده‌اند، و تنها در شکل‌گیری یک دولت مقتدر این نجات‌بخشی می‌تواند تحقق پیدا کند. در مرکز این نگرش تاریخی، مشروعیت‌زدایی از واقعیت کنونی به نفع آینده‌ای به ظاهر غیرقابل اجتناب تاریخی که نه تنها واقعیت مشروع می‌تواند باشد بلکه پیش‌نیاز کنش انقلابی ناسیونالیسم رمانتیک بود. در این ارتباط همه کسانی که از شرایط و ساختارهای آن زمان دفاع می‌کردند، بطور طبیعی به دشمن تاریخ رهایی‌بخشی و مانع اصلی بر سر راه تحقق آن تبدیل می‌شوند. برای از میان برداشتن این موانع، ضدیت با بریتانیا و اشتیاقی جهت نابودی یهودیت امری اجتناب‌ناپذیر بود. یهودستیزی با موضوعات مذهبی آمیخته است، و بنابراین عامل مهم‌تری در گرایش‌های سیاسی و احساسات همراه با آن و تحولات منطقه به شمار می‌رفت.

بسیاری از عبارات یهودستیزانه و تئوری‌های توطئه را که هنوز در فرهنگ غربی امروز یافت می‌شوند، می‌توان در تحولات سیاسی قرن نوزدهم جستجو کرد. نقش روشنفکران یهودستیز در توسعه و گسترش این گرایش‌ها و تحولات را نمی‌توان نادیده گرفت. یکی از شناخته شدن این روشنفکران،

موسس و مجری رادیو صدای برلن و مجری عراقی آن، یونس صالح البحری [۳] است. یونس در مونیخ تحصیل کرد. در آنجا با مقامات آلمانی از جمله یوزف گوبلز ملاقات‌هایی داشت. گرایش‌های ضد یهودی او زمینه همکاری با رژیم آلمان نازی را فراهم آورد به گونه‌ای که به یکی از مهم‌ترین بلندگوهای تبلیغاتی نازی علیه یهودیان تبدیل شد. این شانس بزرگ برای نازی‌ها بود تا از طریق آن بتوانند احساسات یهودستیزی را از زبان یک مسلمان در سراسر مناطق عربی توسعه بخشند. یونس استعداد قابل توجهی در تبلیغات به نفع رژیم نازی داشت و با اشتیاق فراوان آنها را دنبال می‌کرد. رادیو برلن به هیچ وجه مقید به رعایت موازین اخلاق رسانه‌ای نبود، و هیچ اهمیتی هم به صحت رخدادها و واقعیات نمی‌داد. بنابراین، یونس و رادیوی او از هر وسیله ممکن برای برانگیختن خشم اعراب علیه بریتانیا به خاطر طرفداری از صهیونیسم استفاده می‌کرد. عجیب اینکه بعد از جنگ باز هم به فعالیت‌های خود به شکل دیگری ادامه داده و به عنوان صدای عرب به یکی از حامیان جمال عبدالناصر تبدیل شد.

همراه با نقش یونس البحری در پیشبرد تبلیغات نازی علیه یهودیان، می‌بایست نقش الحاج امین الحسینی را نیز در توسعه نفرت‌پراکنی علیه یهودیان یادآوری کرد. الحسینی علاوه بر نفرت‌پراکنی بطور مستقیم، در سازماندهی لشکر نازی منطقه کراسی متشکل از مسلمانان نیز مشارکت داشت. او هم بعد از جنگ دوم فراری شد و سپس به مصر رفته و مورد حمایت «اخوان المسلمین» قرار گرفت. امروزه هنوز از او به عنوان پدر سیاسی و معنوی فلسطین، البته به همراه صدام حسین، یاد می‌شود.

نازیسم و فاشیسم به عنوان الهام‌بخش و نمونه اولیه بسیاری از جنبش‌های مشتاق مانند حزب ناسیونال سوسیالیست سوریه و اخوان المسلمین تبدیل شد. هیجان ناشی از دورهای پیروزی آلمان، همراه با علاقه فکری اعراب به فلسفه آلمان، تقریباً در تمام خاطرات کسانی که به دوران سیاسی رسیدند، از جمله عبدالناصر به وضوح قابل خواندن است. یکی دیگر از به اصطلاح روشنفکران و سیاستمداران ناسیونالیست عرب که از بنیانگذاران اندیشه مدرن عربی و مسلمانان به حساب می‌آید، عبدالرحمن بدایوی [۴]، متفکر مصری و اولین فیلسوف مدرن جهان عرب است. او که به عنوان شخصیتی مهم در جهان عرب از او یاد می‌شود، همواره مراتب همدردی خود را با آلمان نشان داد. برجسته‌ترین متفکر الجزایری عصر تلاش آزادی و استقلال ملی، ملک بن نبی [۵] نیز در همین ردیف قرار می‌گیرد.

در طول جنگ جهانی دوم، اقلیتی از روشنفکران و متفکران عرب که به شدت با نازیسم و فاشیسم مخالفت می‌کردند، یا متعلق به نسل‌های قدیمی‌تر طرفدار انگلیس بودند یا کمونیست‌های جوان، در مقابل هواداران آلمان نازی قرار گرفتند. اما اغراق نیست اگر بگوییم اکثریت قاطع روشنفکران جهان عرب با آلمان و دولت‌های محور همدردی کرده و همواره از طریق نفوذ خود بر مردم آنها را به همراهی با آلمان نازی تشویق می‌کردند. شور سیاسی ناظر بر آن زمان عمدتاً ضد انگلیسی، ضد فرانسوی و ضد یهودی و طرفدار بسیج انقلابی توده‌های مردم بود. بنابراین، ایدئولوژی در بهترین حالت ممکن نقش ثانویه‌ای در این جریان‌ها داشت. یعنی بطور مشخص معلوم نبود که آنها چه نوع ایدئولوژی را در مبارزات خود دنبال می‌کردند. هرچه بود فقط در ضدیت با انگلیس و انکار وجود یهودیان در سراسر جهان عرب خلاصه می‌شد. به همین دلیل است که ویژگی‌های هویت ایدئولوژیک که به چهره‌های مشهور آن دوره، مانند حاج امین الحسینی اضافه می‌شود، اغلب او را

در میان ناسیونالیسم عرب و یا اسلام‌گرای سیاسی توصیف می‌کنند.

در پایان جنگ جهانی دوم و با شروع جنگ سرد، فضای مبارزه در اذهان مدرن‌ترین جوامع عربی نفوذ کرده بود و آنها را برای آغاز انقلاب خود برای استقلال آماده می‌ساخت. اولین مراحل این انقلاب با جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۴۸ و اخراج دستجمعی یهودیان از سرزمین‌های عرب همراه بود. کودتای ۱۹۴۹ در سوریه و کودتای مصر در سال ۱۹۵۲ در میانه همین موج انقلابی قرار می‌گیرند. درحقیقت، امواج انقلابی که دهه‌ها در حال جوشش بود، همزمان با زوال استعمار اروپایی، برای انجام مأموریت آزادی ملی و استعمارزدایی در مصر، سوریه، الجزایر و عراق، به سرعت فوران کرد. محیط انقلابی که بر تأسیس جمهوری سوریه حاکم بود شامل بحثی‌ها، ناسیونالیسم سوری، اسلام‌گرایان اولیه و کمونیست‌ها بود. به همین ترتیب، کودتای ۱۹۵۲ در مصر و به دنبال آن ظهور ناصریسم، یک پروژه جمعی بود که همه انقلابیون در آن حمایت و مشارکت داشتند. به عبارت دیگر، موج انقلابی تجسم عملی همان آرمان‌های اولیه بود که پیشتر به آنها اشاره شد. در آغاز، یک محیط انقلابی یکپارچه را تشکیل داد جنبش‌های متمایز و در عین حال بهم پیوسته ناصریسم، بعثیسم، اسلام‌گرایی، چپ جدید عربی و ناسیونالیسم فلسطینی بودند که در آنها ترکیب نیرومندی از ناسیونالیسم، سوسیالیسم انقلابی، غرب‌ستیزی و یهودستیزی وجه غالب را تشکیل می‌داد.

یکی از اعضای برجسته محیط انقلابی کسی نبود جز سید قطب، منتقد ادبی که بعدها به عنوان بنیانگذار ایدئولوژیک جهادگرایی اسلامی از او یاد شد. پیامدهای بعدی او که با ناصریسم همراه بود، او را به گرمایی و یا تروتسکی جهان اسلام تبدیل کرد که آمیزه‌ای از اگزیستانسیالیسم انقلابی، لنینیسم و یک برداشت رمانتیک ادبی از راه‌های درک شخصیت سیدقطب، بررسی افکار او با چشم منتقدی ادبی است که او را به عنوان فردی انقلابی می‌باید که با ذهنیتی مذهبی و با استفاده از آن برای سازماندهی جوامع عرب تلاش می‌کرد. با این حال، نزدیکی اخوان المسلمین با هواداران حزب نازی این موضوع را نیز مطرح می‌سازد که چهره انقلابی او نمی‌تواند از فاشیسم جدا باشد.

در این ایام، انقلاب‌های آزادیبخش ناسیونالیستی منجر به تأسیس دولت‌های توده‌ای تک‌حزبی شد که مصر بزرگترین و مهم‌ترین آنها بود. آن زمان، دوران احساس سرخوشی از مفاهیم توده‌ای بود که بر اساس وحدت مطلق بین مردم، دولت، رهبر قهرمان و روشنفکران بنا شده بود و از آن به عنوان دموکراسی توده‌ای واقعی یاد می‌شد. در اینگونه دولت‌ها، بخش عمومی، سرمایه‌گذاری‌های بزرگ دولتی، و اقتصاد تحت رهبری دولت، جوهره سوسیالیسم عربی را تشکیل می‌داند. گویی تثلیث مقدسی شکل گرفت که پایه‌های آنرا وحدت عربی، عصیبت عربی، و چپگرایی تشکیل می‌داد. سپس آرمان سیاسی بعث نیز به مرام دین سیاسی سکولار جدید عرب تبدیل شد تا بتواند با تکوین سه پایه پیشین آنها را به ستون‌های محکمی برای آرمان ناسیونالیسم عربی تبدیل سازد. پروژه‌های عظیم مدرن‌سازی پسااستعماری به شکل سرمایه‌گذاری سنگین در برنامه‌های سوادآموزی، آموزش رایگان، و آموزش عالی گسترده‌تر برای ایجاد مهارت‌های اداری مورد نیاز جهت بوروکراسی‌های عظیم دولتی و دستگاه‌های امنیتی دنبال شد. مصادره اموال خارجی و یهودیان نیز سرمایه مورد نیاز بسیاری از این پروژه‌ها را فراهم کرد.

البته استعمارزدایی و ملی شدن فقط داری‌های

جمهوری اسلامی احتمال دارد خیلی سریع از صفحه روزگار محو شود



شهروندان بر کنشگری آنها نیز تأثیر می‌گذارد و شوق و میل و آرزوهای آنها برای دوران پس از حکومت مذهبی، بیانگر نیاز جامعه به آینده‌ای مبتنی بر آزادی و دموکراسی است که می‌بایست بر اساس همبستگی و مشارکت‌های سیاسی و مدنی تأمین شود. اینها عناصری هستند که گفتمان‌های طرح شده از سوی میهن‌دوستان بر آنها تأکید می‌کنند و بیشترین اثر را بر روند گذار و تغییرات بینادین دارند. تأثیر آنها به وضوح با اعلام ارزش‌های مشترک با جوامع باز و آینده‌ای بهتر برای ایران در این نظرسنجی دیده می‌شود.

تأمیلات مردم ایران نشان می‌دهد ملی‌گرایی در جامعه موج می‌زند و میهن‌پرستان آزادخواه و مدافع دموکراسی یک‌تاز جنبش‌های اجتماعی هستند و جمهوری اسلامی به عنوان مهم‌ترین عامل ویرانی و عقب‌ماندگی کشور سرانجام از صحنه روزگار محو می‌شود. مؤسسه نظرسنجی ارفی در گزارش اخیر خود، دیدگاه حدود ۱۸ هزار شهروند ایرانی را در خصوص گرایش‌های سیاسی و اجتماعی در آخرین ماه ۲۰۲۳ محک زده. در این گزارش آمده: انگیزه‌های مختلف در میان

صنعتی و مالکیت اراضی را هدف قرار نداد. آنها همچنین بطور طبیعی به تمام جنبه‌های زندگی فرهنگی نیز توسعه داده شدند. قرار بود جهان‌وطنی شهری دوران استعمار با فرهنگ شهری متمرکز عرب جایگزین شود و به تکوین ناسیونالیسم عربی بیانجامد. در مصر، دولت به تدریج کنترل تمام مؤسسات آموزشی، سکولار و مذهبی، همه رسانه‌ها، چاپ و رادیو، شرکت‌های ضبط و همچنین صنعت سینمای مصر را که در آن زمان یکی از بزرگترین مؤسسات در جهان بود، به دست گرفت. در حقیقت، چه‌گرایی که خود را چهره مترقی عرب معرفی می‌کرد، هرچه بیشتر به رادیکالیته کردن گسترده جامعه و فرهنگ نیز اقدام کرد. به تدریج در دوران جنگ سرد، شکل فرهنگ عامه جهت‌گیری خود را از فاشیسم و نازیسم تغییر داده و ریشه‌های خود را به سمت مارکسیسم و مدار شوروی و به ویژه چپ فرانسه تغییر داد. این شرایط آن زمان و بدبینی‌های پس از جنگ بود که امید به انقلاب در اروپا را از دست داده و برای نجات خود به مستعمرات سابق نگاه می‌کرد. در این نگرش می‌بایست اندیشه رهایی‌بخشی و ناسیونالیسم با سرنوشت کشورها تحت استعمار سابق که عمده آنها در دهه استقلال در ۱۹۶۰ توانستند استقلال خود را جشن بگیرند همراه شد. در این شرایط متفکران اروپایی مانند ژان پل سارتر [۶] به پرخواننده‌ترین و متداول‌ترین روشنفکر در زبان عربی تبدیل شد. دانشجویان و روشنفکران عرب در اشتیاقی افکار او، خانه دومی برای خود در کافه‌های پاریس پیدا کردند.

در سال ۱۹۵۵، ریموند آرون در کتاب «افیون روشنفکران» [۷] به این موضوع اشاره کرد و به چپ‌های فرانسوی نسبت به تلقین دانشجویان جوان عرب و آفریقایی به ایدئولوژی‌هایی که برای جوامع آنها مناسب نیست، هشدار داد. با این حال، ترکیبی از اگزیستانسیالیسم سارتری، مارکسیسم، و استعمارزدایی همراه با تصور فرانسوی از روشنفکر عمومی به عنوان ستاره مبارزات مقدس، همچنان به شکل دادن به فرهنگ جوانان در قاهره، اسکندریه، دمشق، بیروت و بغداد به عمر ادامه داد. فضای روشنفکری جوامع عربی در دوران جنگ سرد با اینگونه نگرش‌های ناسیونالیستی برآمده از چه‌گرایی به نمایش گذاشته شد.

«سیاست‌سنجی» جدید «ارفی» در اسفندماه: رأی واقعی شما چیست؟



با علامت زدن در کنار «بله» یا «خیر» و همچنین انتخاب عدد از یک تا ده پاسخ می‌دهند. «ارفی» خود را پژوهشگران مستقل معرفی می‌کند که به هیچ نهاد دولتی و غیردولتی وابستگی ندارد و تا کنون چندین نظرسنجی درباره وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران انجام داده و نتایج و تجزیه و تحلیل آنها را در وبسایت خود در اختیار همگان قرار داده است. شرکت در این «پولیتیکومتر» بر اساس مقدمه‌ای که «ارفی» منتشر کرده، دو دقیقه زمان می‌برد. علاقمندان می‌توانند با مراجعه به لینک زیر در این نظرسنجی شرکت کنند:

<https://www.erf.institute/survey>

● این نظرسنجی که از یکم اسفند بطور عمومی منتشر شده، در آستانه‌ی «انتخابات» دوازدهمین مجلس شورای اسلامی که همزمان با آن برای «مجلس خبرگان رهبری» نیز رأی‌گیری می‌شود، انجام می‌گیرد.

● «ارفی» (مؤسسه پژوهش و پیش‌بینی تجربی) خود را پژوهشگران مستقل معرفی می‌کند که به هیچ نهاد دولتی و غیردولتی وابستگی ندارد و تا کنون چندین نظرسنجی درباره وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران انجام داده است.

«مؤسسه پژوهش و پیش‌بینی تجربی» (ارفی) «پولیتیکومتر» یا «سیاست‌سنجی» تازه و کوتاهی را تنظیم کرده و با ایرانیان در سراسر جهان به اشتراک گذاشته است. این نظرسنجی که از یکم اسفند بطور عمومی منتشر شده، در آستانه‌ی «انتخابات» دوازدهمین مجلس شورای اسلامی که همزمان با آن برای «مجلس خبرگان رهبری» نیز رأی‌گیری می‌شود، انجام می‌گیرد و می‌خواهد بداند رأی واقعی ایرانیان چیست.

شرکت‌کنندگان در کنار پرسش‌های رایج مربوط به ارزیابی کلی هر نظرسنجی، به پنج پرسش درباره موضوع و رفتار خود در ارتباط با «انتخابات ۱۱ اسفند ۱۴۰۲» و ظرفیت جمهوری اسلامی برای اصلاح و همچنین آینده رژیم و ایران

*دکتر محمود مسائلی استاد بازنشسته روابط و حقوق بین‌الملل، دانشگاه‌های آتاوا و کارلتون و دبیرکل اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل با مقام مشورتی دائم نزد ملل متحد

[۱] نگاه کنید به دفاع غیر منطقی و عصبی گونه بیژن عبدالکریمی، که خود را دانش آموخته فلسفه معرفی می‌کند، از فلسطینیان و داعیه مظلومیت آنها در مناظره‌ای با صادق زیبا کلام که توسط رسانه‌ای به نام «آزاد» اخیرا انجام گرفت.

[۲] Sāṭi' al-Ḥuṣṣrī (۱۹۶۸ - ۱۸۸۰)

[۳] Younis Saleh Bahri al-Juburi (۱۹۰۳ - ۱۹۷۹)

[۴] Abdel Rahman Badawi was an Egyptian existentialist philosopher, professor of philosophy and poet

[۵] Malek Ben Nabi (1905 - ۱۹۷۳), a prominent Algerian thinker well known of his works about the conditions of renaissance of the modern Islamic society

[۶] Jean-Paul Sartre (1905-1980)

[۷] Opium of the Intellectuals

[۱] Hussein Abubakar Mansour, The Liberation of the Arabs from the Global Left. July 11, 2022

بازنشر

بازنشر به مناسبت درگذشت «لیلا شریفوا»؛ ترانه‌هایی از دوردست



را «خشم زندگی» نام نهاده و دیگری را «گل‌های پراکنده در نظم و نثر».

وی چندی پیش همه آنها را با نامه‌ای همراه کرد و برایم فرستاد. با نامه‌ای دیگر چند عکس از او دریافت می‌کنم. «کارت پستال»هایی از دوران اتحاد شوروی، با کیفیتی نازل، که در آن زمان و در آن کشور، بهتر از این پیدا نمی‌شد. بهای «۵ گُپک» را در میان اطلاعاتی که پشت عکس‌ها چاپ شده می‌توانم تشخیص بدهم. در پستی دیگر، سی‌دی‌هایش را که به صورت آلبومی فاخر منتشر شده، می‌فرستد. به او که سال‌هاست در دوسلدورف زندگی می‌کند و پیام تلفنی برایم گذاشته زنگ می‌زنم و تشکر می‌کنم.

لیلا شریفوا ستاره‌ی موسیقی‌های محلی اتحاد شوروی بود که به زبان‌های مختلف می‌خواند. شوق و افتخار آن دوران که وی را «بلبل شرق» می‌خواندند، و اینک در آوازی و روزهای غربت و خاموشی، به گذشته و فراموشی سپرده شده، از لابلای سطور نامه‌هایش و همچنین عکس‌هایی که فرستاده می‌توانم ببینم و درک کنم، بدون آنکه کاری از دستم بر آید. گذشته را نه می‌توان تغییر داد و نه می‌توان برگرداند! هر کسی را در این جهان جایی است و سربازی، که پایدار نیست! همه، لحظاتی بر این صحنه ظاهر می‌شویم و نقش خود را بازی می‌کنیم و می‌رویم تا عده‌ی دیگری، نسل‌های دیگری، بیایند و، آنها نیز بروند... و او که زنی باتجربه و جهان‌دیده است این را می‌داند و گمان می‌کنم به همین دلیل هر بار در پاسخ احوالپرسی‌ام می‌گوید: «هیچی! منتظرم بمریم دیگه!» و شادمانه می‌خندد...

به عنوان شنونده‌ای که دستی به قلم دارد اما می‌توانم حق‌شناس باشم از اینکه لیلا سال‌های طولانی با نوای مخملین و ترانه‌هایش گوش‌های بسیاری را نواخت، و دل‌هایی را شاد کرد، و با اندوه کسانی که نمی‌شناخت همراه شد و کاست‌اش در فروشگاه کوچک دیاموند که دیگر اثری از آن باقی نیست، به خاطر‌های خوش بدل گشت.

* این مطلب نخستین بار در ۸ شهریور ۱۳۹۶ در کیهان لندن منتشر شد.



شوروی باز! در هر دو کشور، گروهی از نسل‌های مختلف آواری کشورهای دیگر می‌شوند و سال‌ها طول می‌کشد تا دوباره جایی در کشور جدید برای ادامه‌ی زندگی خود بیابند. نقطه‌ی تلاقی، شهری است که خود از میان دو قسمت شده بود: برلین!

واقعا زندگی هر یک از ما گاهی بسیار فراتر از تخیل می‌رود. من قبلا درباره‌ی آنچه لیلا شریفی منتشر کرده است، نوشته‌ام؛ کتاب‌گزاری «قصه‌ی سراسر خنده» را درباره‌ی یک منظومه‌ی کوچک طنز به نام «خوان خرد» و «آن گنهکاران بیگناه» را درباره‌ی کتاب سه جلدی «سرنوشت سه نسل آواره» که الهام‌گرفته از زندگی خود نویسنده است.

نمی‌دانستم لیلا شریفوا اصلا ایرانی است و در تبریز به دنیا آمده و تا نوجوانی در همین شهر و بعد در مشهد زندگی می‌کرده و در سال ۱۳۲۹ به اتحاد جماهیر شوروی رفت. وی نخست ساکن دوشنبه پایتخت تاجیکستان شد و در سال ۱۳۴۵ به آذربایجان شوروی کوچ کرد. در سال ۱۹۸۴ و در آستانه‌ی فروپاشی اتحاد شوروی همه چیز را رها کرد و به آلمان غربی رفت.

۱۶ ساله بود که در مشهد به ازدواج یک افسر توده‌ای به نام رحیم شریفی در آمد و پس از مدتی به دلیل عضویت همسرش در سازمان افسران حزب توده در خراسان، هر دو به اتحاد شوروی پناهنده شدند.

در کتاب‌گزاری «آن گنهکاران بیگناه» درباره «سرنوشت سه نسل آواره» نوشتم که این کتاب «اگر به دست گروهی کاردان سپرده شود می‌تواند به یک سریال تلویزیونی یا یک فیلم تبدیل شود که در آن طلوع یک «ستاره درخشان» با تحکیم یک نظام سیاسی آغاز می‌شود و غروبش پس از سی سال فعالیت هنری با فروپاشی آن نظام همزمان می‌گردد.» در این چند سالی که از نوشتن آن کتاب‌گزاری می‌گذرد، لیلا شریفی که بی‌مهری تنها فرزندش، دخترش، نسبت به او چون خنجری عمیق در قلب‌اش نشسته است، چند داستان و نظم و نثر دیگر در دو مجموعه کوچک منتشر کرده است. یکی



● لیلا شریفی زاده‌ی تبریز که در اتحاد شوروی به لیلا شریفوا معروف بود، در سن ۹۴ سالگی در دوسلدورف آلمان درگذشت.

● «آن دانشجوی قبل از انقلاب ۵۷ کجا و لیلا شریفوا در اتحاد شوروی کجا. در یک تقاطع و بزنگاه تاریخی اما، در یک فاصله‌ی ده ساله، دروازه‌های ایران بسته می‌شود و درهای شوروی باز! در هر دو کشور، گروهی از نسل‌های مختلف آواری کشورهای دیگر می‌شوند و سال‌ها طول می‌کشد تا دوباره جایی در کشور جدید برای ادامه‌ی زندگی خود بیابند. نقطه‌ی تلاقی، شهری است که خود از میان دو قسمت شده بود: برلین!»

● «گذشته را نه می‌توان تغییر داد و نه می‌توان برگرداند! هر کسی را در این جهان جایی است و سربازی، که پایدار نیست! همه، لحظاتی بر این صحنه ظاهر می‌شویم و نقش خود را بازی می‌کنیم و می‌رویم تا عده‌ی دیگری، نسل‌های دیگری، بیایند و، آنها نیز بروند... و او که زنی باتجربه و جهان‌دیده است این را می‌داند و گمان می‌کنم به همین دلیل هر بار در پاسخ احوالپرسی‌ام می‌گوید: «هیچی! منتظرم بمریم دیگه!» و شادمانه می‌خندد...»

الاهه بقراط - فروشگاه‌ی کوچکی است به نام «دیاموند» در کنار سینمای زیبا و خوش‌بنای دیاموند، خیابان روزولت روبروی امجدیه؛ صفحه و نوار می‌فروشد. بیشترین ترانه‌های ترکی و آذربایجانی، از جمله آثار هنرمندان آذربایجان شوروی را می‌توان در اینجا پیدا کرد. حتی صفحه‌فروشی بتهوون در چهارراه پهلوی هم بعضی از این آهنگ‌ها را ندارد.

اواسط دهه‌ی پنجاه خورشیدی است؛ کاست لیلا شریفوا را از «دیاموند» می‌خرم؛ در این کاست ترانه‌هایی هم به زبان فارسی دارد از جمله یک لالایی... با صدایی نرم و مخملین و آرامش‌بخش.

آن دانشجوی قبل از انقلاب ۵۷ کجا و لیلا شریفوا در اتحاد شوروی کجا. در یک تقاطع و بزنگاه تاریخی اما، در یک فاصله‌ی ده ساله، دروازه‌های ایران بسته می‌شود و درهای

معرفی گلی ترقی در محفل ادبی پنجشنبه‌های لندن

و در سال ۱۹۷۰ به تدریس فلسفه، اسطوره‌شناسی و شناخت نمادهای آغازین در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران مشغول می‌شود. در این دوره است که سودابه فرخ نیا به عنوان دانشجو در کلاس‌های گلی ترقی شرکت کرد. سخنان از امکان شرکت در کلاس‌های گلی ترقی به عنوان شانس بزرگ نام می‌برد. او افزود که از دانشکده‌ها و مراکز دیگر در کلاس‌های فوق‌العاده او شرکت می‌کردند و از سواد و کلام شیرین گلی ترقی بهره می‌جستند.

گلی ترقی در همین دوره با هژیر داریوش کارگردان سینما و مدیر جشنواره بین‌المللی تهران ازدواج می‌کند و صاحب دو فرزند می‌شوند ولی پس از ۹ سال جدا می‌شوند.

بعد از آنکه در «انقلاب فرهنگی» پس از انقلاب ۵۷ دانشگاه‌ها به مدت دو سال بسته شد، گلی ترقی با فرزندان به فرانسه مهاجرت کرد و مقیم پاریس شد. وی اما سراسر دهه ۸۰ میلادی بین ایران و فرانسه در رفت و آمد بود تا پیوندهای فرهنگی‌اش را با ایران حفظ کند.

در اینجا دومین کلیپ سخنان گلی ترقی به فارسی پخش شد. وی ابتدا می‌گوید که در تمام طول زندگی‌اش در سفر دائم بوده. بعد از شروع جنگ ایران و عراق زندگی او بین

غربی‌ها متفاوت است)، برایش صمیمی و نزدیک هستند. او ادامه داد که ایران در حال حاضر کشوری پُر تناقض است به خصوص بعد از انقلاب ۵۷، گلی ترقی سپس ادامه داد وضعیت در فرودگاه ایران پیش آمده بود که در میان بار او یک تیر درویشی پیدا کردند که داشت به عنوان هدیه برای پسرش به خارج می‌برد و آن را ضبط کردند. آقای کارشناسی به نام «طوطی» بالاخره آمد و پس از مشاهده دقیق تیر گفته که این شیخ است که سرش جدید ولی دسته‌اش عتیقه است. گلی ترقی بر اساس این حرف گفت که سر ما هم مدرن ولی دُم‌مان هنوز در زمان باستان زندگی می‌کند. و این مسئله در ما بحران هویت ایجاد می‌کند.

سودابه فرخ نیا بعد از اتمام این کلیپ، بیوگرافی مختصری از گلی ترقی ارائه داد. زهره ترقی مقدم که در عرصه ادبیات با نام گلی ترقی شناخته شده در ۱۷ مهر ۱۳۱۸ برابر با ۱۰ اکتبر ۱۹۳۹ میلادی در یک خانواده فرهنگی و علاقمند به کتاب در تهران به دنیا آمد. وی اکنون در ۸۴ سالگی در یک خانه سالمندان در حومه پاریس زندگی می‌کند. سخنان گفت بسیار دوست می‌داشت که گلی ترقی می‌توانست در این جلسه در لندن حضور داشته باشد ولی موفق به تماس

● در جلسه اخیر محفل پنجشنبه‌ها، سودابه فرخ نیا بازیگر و کارگردان تئاتر در مورد گلی ترقی نویسنده ایرانی سخنرانی کرد.

● زهره ترقی مقدم که در عرصه ادبیات با نام گلی ترقی شناخته شده در ۱۷ مهر ۱۳۱۸ برابر با ۱۰ اکتبر ۱۹۳۹ میلادی در یک خانواده فرهنگی و علاقمند به کتاب در تهران به دنیا آمد. وی اکنون در ۸۴ سالگی در یک خانه سالمندان در حومه پاریس زندگی می‌کند.

- گلی ترقی می‌گوید زندگی او همیشه در تعلیق بوده. نه اینجا و نه آنجا و همیشه در راه بوده است. اگر قصه‌های او درباره سرگردانی است از همین وضعیت معلق نشأت می‌گیرد. برای او این پرسش مطرح است که خانه و شهر وی کجاست. او دچار سرگردانی‌های «اگزیستنیال» (ناشی از موجودیت) است.

محفل ادبی پنجشنبه‌ها در لندن به همت زنده‌یاد مهری کاشانی از ۲۵ سال پیش جلسات فرهنگی برگزار می‌کند. این محفل بعد از درگذشت پایه‌گذار آن به دنبال دوره‌ای توقف کوتاه، دوباره با همت دوستداران هنر و ادبیات بطور منظم در اولین پنجشنبه هر ماه در شمال لندن تشکیل می‌شود.

در جلسه اخیر محفل پنجشنبه‌ها، سودابه فرخ نیا بازیگر و کارگردان تئاتر در مورد گلی ترقی نویسنده ایرانی سخنرانی کرد. در این سخنرانی سودابه فرخ نیا از دو کلیپ گفتگو با گلی ترقی، یکی به زبان انگلیسی و دیگری به فارسی، استفاده کرد که به حاضران برای شناخت بیشتر این نویسنده بسیار کمک نمود.

گشایش جلسه توسط عباس فیض فعال فرهنگی صورت گرفت. او از اینکه محفل پنجشنبه‌ها از وجود و دانش فرهیختگان و هنرمندان ایرانی در رشته‌های مختلف ادبی و هنری بهره‌مند است و این امر وزن فرهنگی این محفل را غنی‌تر می‌کند، اظهار خوشنودی کرد.

قبل از سخنرانی سودابه فرخ نیا، ارشام اسپنسر ترانه‌ای زیبا به انگلیسی اجرا نمود. سپس سودابه فرخ نیا سخنان خود را اینگونه آغاز کرد: گرچه عمر قصه‌نویسی در ایران چندان طولانی نیست، اما سابقه داستان‌نویسی زنان از آن هم کوتاه‌تر است. نویسندگی هم مانند اکثر کارها در تاریخ ایران مردانه بوده است. تا اینکه رشد مدرنیته و ترویج فرهنگ غرب باعث شد که برخی زنان در حوزه فرهنگ هم فعال شوند. گلی ترقی از جمله زنانی است که توانسته اسمش را در کنار زنان دیگر در تاریخ ادبیات ایران ماندگار سازد.

پس از این مقدمه کوتاه ویدئویی از گفتگوی گلی ترقی به انگلیسی که در سال ۲۰۱۳ در نیویورک انجام شده بود پخش شد.

در این کلیپ گلی ترقی با گفتن اینکه وقتی به زندگی‌اش می‌نگرد متوجه می‌شود که کاملاً در میان دو جهان زندگی کرده است، شروع کرد. او از پدری گفت که زاده شهر قم بود و قرار بود روحانی شود ولی تحصیلات حوزوی را نیمه‌کاره گذاشت و به تهران رفت و مجله «ترقی» را بنیان گذاشت. نگاه پدر همواره به سوی ترقی بود و آمریکا را مظهر پیشرفت می‌دانست و به همین دلیل او و برادرش را برای تحصیل به آمریکا فرستاد. گلی ترقی ادامه داد که حین اقامت در آمریکا دلش برای زبان فارسی تنگ می‌شود. او در اینجا گفت که زبان روح هر آدمی است. وقتی انسان بلاغت زبان ندارد چیزی در او کم است. او وقتی به ایران می‌رود به محض ورود احساس می‌کند که چقدر کلمات و صداهای مردم در ایران از جمله آه کشیدن‌ها (که با آه کشیدن‌های



گلی ترقی



گلی ترقی

ایران و فرانسه دویاره شد زیرا نتوانسته بود دست از ایران بشوید و با وجود مشکلات فراوان با فرزندان کوچکش به ایران می‌رفته است. یکی از این مشکلات این بود که با شروع جنگ وقتی راه‌ها بسته شده بودند با اتوبوس در فصل سرما ایران را ترک می‌کند. تمام زندگی او به یک مفهوم، زندگی در تعلیق و سفر دائم بوده است.

ترقی می‌گوید وقتی در ایران اقامت داشت و به یاد آورد که باید به پاریس برگردد متوجه می‌شود که دلش نمی‌خواهد ایران را ترک کند. در عین حال اما تنها تکه تکه‌هایی از ایران و نه تماشای دوست دارد زیرا بسیاری از چیزهایش را نمی‌تواند تحمل کند. گذشته از آلودگی هوا و ترافیک، تهران دیگر تهران گذشته‌ی او نیست و این امر آزارش می‌دهد. گلی ترقی ادامه داد، هم ایران را دوست دارد و با آن احساس پیوند نزدیک می‌کند در عین حال خودش را در ایران جدید غریبه حس می‌کند و حرف‌هایی و اصطلاحاتی را می‌شنود که نمی‌فهمد.

با او نشده است. پدر گلی ترقی، لطفعلی ترقی مدیر مجله «ترقی» وکیل شناخته شده دادگستری بود. مادرش شاعر و عاشق کتاب بود. گلی ترقی دوره دبیرستان را در مدرسه انوشیروان دادگر به پایان رساند.

پس از پایان دوره اول دبیرستان، در ۱۹۵۴ به اصرار پدرش به آمریکا می‌رود و شش سال در آمریکا می‌ماند و در رشته فلسفه فارغ‌التحصیل می‌شود. ولی از آنجا که زندگی در آمریکا را دوست ندارد به ایران برمی‌گردد. پس از بازگشت در دوره دکترای «فلسفه اسلامی» دانشگاه تهران مشغول می‌شود. اما آن را نیمه‌کاره رها می‌کند. سپس شروع به نوشتن درباره اسطوره، نماد، تمثیل، کهن‌الگوها برای صفحه هنر و ادب روزنامه «آیندگان» می‌کند. کمی بعد با تشویق فروغ فرخزاد شاعر و شمیم بهار نویسنده به داستان‌نویسی رو می‌آورد و قصه‌هایش را در مجله «هنر و اندیشه» منتشر می‌کند. او همچنین سراسر دهه ۶۰ میلادی را به عنوان متخصص روابط بین‌الملل در سازمان برنامه و بودجه مشغول کار بوده



گفتگو با مری آپیک؛ نمایشنامه «انگلیسی» ساناز طوسی با هنرمندان ایرانی روی صحنه رفت



ویدئو

مری آپیک، از هنرمندان پرکار و سرشناس ایرانی، نقش زنی میانسال را ایفا می‌کند که برای رفتن به کانادا و دیدن نوه نرسیده‌اش باید انگلیسی بیاموزد.

مری آپیک قبل از اینکه در ۱۶ سالگی روی صحنه ظاهر شود دوران کودکی‌اش را نیز پشت صحنه گذراند. مادرش، آپیک یوسفیان که از هنرمندان برجسته تئاتر در دهه‌های ۳۰، ۴۰ و ۵۰ خورشیدی بود، او را همیشه با خود به محل نمایش می‌برد. مری آپیک فعالیت هنری‌اش را با باله آغاز کرد، سپس در سریال‌های معروف تلویزیونی چون «اختاپوس» و «ماجراهای صمد» در کنار پرویز صیاد حضور پیدا کرد و با فیلم «داش آکل» مسعود کیمیایی به سینما راه یافت.

وی پس از خروج از ایران با کوله‌باری پر از فعالیت‌های هنری در تئاتر و سینما، در لس‌آنجلس به فعالیت‌های سینمایی و تئاتری خود و همکاری با پرویز صیاد ادامه داد. سال گذشته نیز با کارگردانی فیلم انیمیشن «گره»، مری آپیک صفحه جدیدی به کارنامه هنری خود افزود. این فیلم در جشنواره‌های مختلف توانست جوایزی نیز به دست آورد.

احمد رأفت با این هنرمند باسابقه در رابطه با بیش از نیم قرن فعالیت هنری‌اش و همچنین نمایش «انگلیسی» گفتگو کرده است.

شخصیت‌های کلی ترقی در داستان‌های اولیه او انسان‌هایی ناامید، سرخورده، بیمارگونه، ناتوان، منزوی هستند و از همه چیز بیم دارند.

کلی ترقی بعد از ۱۳۷۵ داستان‌های تأمل‌برانگیزی مانند «بزرگ‌بانوی روح من» و «اتوبوس شمیران»، «خانه‌ای در آسمان» که نمونه‌های برجسته ادبیات معاصر ایران هستند، خلق کرد. فرخ نیا در پایان افزود برای شناخت بیشتر از نوشته‌های کلی ترقی داستان کوتاه «اتوبوس شمیران» را برای حضاران خواند که به دلیل تسلط وی بر فن بیان مورد استقبال فراوان قرار گرفت.

نمایشنامه «انگلیسی» ساناز طوسی در سال ۲۰۲۳ میلادی توانست جایزه بخش تئاتر «پولیتزر» را به دست آورد. «پولیتزر» معتبرترین جایزه آمریکا در زمینه روزنامه‌نگاری، ادبیات و موسیقی است که از سال ۱۹۱۷ با نظارت دانشگاه کلمبیا به روزنامه‌نگاران، نویسندگان، شاعران و موسیقیدانان داده می‌شود. این جایزه به افتخار بنیانگذار آن جوزف پولیتزر روزنامه‌نگار مجاری‌تبار آمریکایی نامگذاری شده است.

«انگلیسی» روایت سه زن و یک مرد است که در دهه ۸۰ میلادی در کرج سرگرم فرا گرفتن زبان انگلیسی هستند. هرکدام از آنها به دلیلی متفاوت از دیگری در این کلاس، که آموزگار آن نیز پس از چند سال زندگی در بریتانیا به ایران بازگشته، ثبت نام کرده‌اند. این نمایشنامه برای اولین بار در سال ۲۰۲۲ در نیویورک با هنرمندان آمریکایی روی صحنه رفت و موفقیت آن در حدی بود که سال بعد توانست جایزه «پولیتزر» را از آن خود سازد.

در این روزها «انگلیسی» در سان دیگو در غرب آمریکا با کارگردانی آریا شاهی و نقش‌آفرینی مری آپیک، پویا حسینی، تارا گرامی، آری درم‌بخش و جو جوزف روی صحنه است و بار دیگر توانسته چنان موفقیتی به دست آورد که مدت نمایش آن برای یک هفته تمدید شد. در این نمایشنامه

روح من» و «اناربانو و پسرهایش» که تک‌داستان‌هایی در مجموعه داستان‌هاست. «درخت گلابی» از مجموعه «جایی دیگر» که در سال ۱۳۸۰ توسط داوران دوره اول جایزه هوشنگ گلشیری به عنوان داستان برگزیده انتخاب شد. «آنسوی دیوار» و «گل‌های شیراز» از مجموعه «دو دنیا» در سال ۱۳۸۲ توسط داوران دوره سوم جایزه هوشنگ گلشیری به عنوان داستان برگزیده سال انتخاب شد.

سودابه فرخ نیا همچنین گفت تحلیل‌های فراوانی از آثار کلی ترقی در اینترنت در دسترس است و لازم نیست در اینجا با تحلیل آثار او جلسه را به درازا کشاند. در مروری کلی

داریوش شایگان یکبار به کلی ترقی گفت بود که او سی سال است که در پاریس اقامت دارد ولی انگار نه انگار در آن شهر زندگی می‌کند. کلی ترقی این جداافتادگی را به غلظت تهرانی و قلمی بودن خودش نسبت می‌دهد. در عین حال او از داریوش شایگان که در این کلیپ در میان حضاران دیده می‌شود، می‌پرسد که چقدر با فرانسه احساس نزدیکی می‌کند؟ شایگان جواب می‌دهد که چون از دوران نوجوانی در پاریس بوده احساس نزدیکی به آنجا دارد. ترقی اما می‌افزاید که البته شایگان هم از همان بدو ورود به فرانسه غم می‌زند که می‌خواهد به ایران برگردد.

کلی ترقی رو به شایگان می‌گوید که تفاوت من با شما آنست که شما زبان فرانسه را مانند زبان مادری‌تان می‌دانید که این خیلی مهم است. دانستن زبان باعث نزدیکی به محل زندگی می‌شود. او اضافه می‌کند که خودش احساس مشابهی به آمریکا دارد زیرا در نوجوانی در آنجا زندگی کرده و انگلیسی را خوب می‌داند. ولی از همان بدو ورود به فرانسه ظاهراً مقاومتی در برابر یادگرفتن زبان فرانسه در او شکل گرفت که احتمالاً از این تصور سرچشمه می‌گرفته که فراگیری این زبان ممکن است باعث شود که در آنجا بماند در حالی که نمی‌خواسته در فرانسه ساکن شود.

ترقی می‌افزاید که زندگی او همیشه در تعلیق بوده. نه اینجا و نه آنجا و همیشه در راه بوده است. اگر قصه‌های او درباره سرگردانی است از همین وضعیت معلق نشأت می‌گیرد. برای او این پرسش مطرح است که خانه و شهر وی کجاست. او دچار سرگردانی‌های «اگزیستنیال» (ناشی از موجودیت) است.

پس از پایان کلیپ دوم، سودابه فرخ نیا گفت که با این دو ویدئو امیدوار است شمه‌ای از طرز فکر و جهان‌بینی کلی ترقی را دریافته باشیم. وی سپس مروری کوتاه بر داستان‌های کلی ترقی داشت.

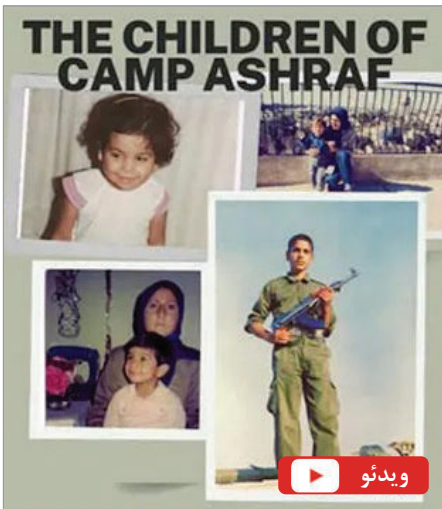
اولین اثر ترقی «منهم چه گوارا هستم» در سال ۱۳۴۷ در ایران منتشر شد. بعد از مهاجرت به فرانسه داستان‌نویسی ترقی ادامه یافت. یکی از داستان‌هایش با عنوان «بزرگ‌بانوی روح من» به فرانسه ترجمه شده و در سال ۱۹۸۵ به عنوان بهترین قصه در فرانسه برگزیده شده است. بیشتر داستان‌های کلی ترقی به زبان‌های فرانسه و یا انگلیسی و یا هر دو ترجمه شده‌اند.

مجموعه داستان‌های کوتاه وی از جمله «خاطره‌های پراکنده» در سال ۱۹۹۴ نوشته شد و در همان سال داستان «عادت‌های غریب آقای الف» را نوشت که در ایران منتشر نشده. «جایی دیگر» در سال ۲۰۰۱ نوشته شده و «فرصت دوباره» نیز در سال ۲۰۱۵ منتشر شد.

از رمان‌هایش می‌توان از «خواب زمستانی» که در سال ۱۹۷۶ نوشته شد نام برد. «اتفاق» در سال ۲۰۱۵ و «بازگشت» در ۲۰۱۷ نوشته شدند. ترقی داستان منظوم هم نوشته است که عنوان «دریاپری، کاکل‌زری» بر آن نهاده و در سال ۲۰۰۰ انتشار یافت. او فیلمنامه‌هایی نیز نوشته از جمله «بیتا» ساخته هزیر داریوش همسر سابق کلی ترقی و با بازیگری گوگوش و عزت‌الله انتظامی که در ۱۳۵۱ اکران شد. این فیلم در سال ۲۰۰۹ برنده دومین دوره جایزه «بیتا» شد. این جشنواره‌ای است برای قدردانی از بزرگان هنر و ادب ایران که از سال ۲۰۰۸ با پشتیبانی بیتا دریاپری در مرکز مطالعات ایرانی دانشگاه استنفورد برگزار می‌شود. فیلم «درخت گلابی» ۱۳۷۶ به کارگردانی داریوش مهرجویی نیز داستانش اقتباسی از اثر کلی ترقی به همین نام است. طرح اولیه داستان فیلم «چه خوب که برگشتی» هم از کلی ترقی است.

داستان‌های برگزیده‌ی کلی ترقی عبارتند از: «بزرگ‌بانوی

سازمان مجاهدین و ضدیت با آزادی بیان و سینمای آزاد



این فقط افراد نیستند که مورد حمله قرار می‌گیرند، بلکه پیش از افراد و بیش از آنها، این آزادی اندیشه، آزادی بیان، آزادی خلاقیت هنری و آزادی انتشار آثار هنری است که مورد هدف قرار گرفته است.

هرگونه تفکر ایدئولوژیک، انحصارطلب، غیرشفاف و غیرپاسخگو که خود را فراتر از قانون مبتنی بر دموکراسی و حقوق بشر بداند، دشمن یک ایران آزاد، دمکرات، سکولار و کثرت‌گراست.

حنیف حیدرئزاد- وقتی خمینی در ۲۵ بهمن ۱۳۶۷ (۱۴ فوریه ۱۹۸۹) فتوای قتل سلمان رشدی را به خاطر انتشار کتاب «آیه‌های شیطانی» صادر کرد، هزاران نفر از پیروان او در ایران و دیگر کشورهای اسلام‌زده بی‌آنکه این کتاب را خوانده یا از محتوای آن مطلع باشند به پیروی از خمینی به خیابان‌ها ریخته، عکس و آدمک او را آتش زدند. پس از آن، رشدی برای سال‌های طولانی مخفی شد و در مجامع مختلف فقط با چندین نفر محافظ شرکت می‌کرد. تهدید جانی فقط به سلمان رشدی محدود نماند، در سال ۱۹۹۱ مترجم ژاپنی کتاب «آیه‌های شیطانی» مورد حمله قرار گرفت و کشته شد؛ همان سال مترجم ایتالیایی کتاب با چاقو مورد حمله قرار گرفت. در سال ۱۹۹۳ ناشر نروژی کتاب مورد حمله قرار گرفت. در همان سال در ترکیه عزیز نسین مترجم ترکی کتاب در هتل محل اقامتش در شهر سیواس مورد حمله قرار گرفت، هتل به آتش کشیده شد، عزیز نسین موفق به فرار شد، اما ۳۳ نفر به دلیل آتش‌سوزی کشته شدند.

فتوای حکم مرگ سلمان رشدی، نمونه‌ای از دیدگاه و عملکرد اسلام‌گرایان افراطی است که حاضرند مخالف خود را فقط به خاطر آنچه فکر می‌کند، آنچه می‌اندیشد، آنچه می‌نویسد، آنچه می‌گوید یا آنچه خلق کرده و انتشار می‌دهد به قتل برسانند. این «آتش‌باختیار»ها آنجا که نتوانند کسی را حذف فیزیکی کنند، او را مورد حمله و تهدید قرار می‌دهند تا از بیان نظرات یا انتشار آثارش خودداری کند. نمونه‌هایی از این دست بسیارند: به آتش

ممنوعیت استفاده از وی.پی.ان در ایران؛ احتمال ارائه کمک مناسب به مردم از سوی آمریکا



داد آمریکا اقداماتی برای افزایش دسترسی مردم ایران به اینترنت انجام خواهد داد.

خبرنگار بخش فارسی صدای آمریکا روز چهارشنبه دوم اسفندماه از ماتیو میلر پرسید، «مرکز ملی فضای مجازی در ایران استفاده از وی.پی.ان را ممنوع کرده است، آیا مردم ایران باید نگران دسترسی به اطلاعات از جهان خارج باشند یا مثل گذشته در جریان تظاهرات ضدحکومتی، آمریکا اقدام خواهد کرد؟» وی پاسخ داد: «این تصمیم تازه یادآور آن است که رژیم ایران تا کجا از مردم خود و توانمندی آنها زمانی که بدون مانع به اینترنت و اطلاعات دسترسی داشته باشند، وحشت دارد. اختلال در اینترنت که [رژیم] ایران در گذشته مورد اجرا گذاشت میلیاردها دلار خسارت به اقتصاد آن کشور وارد کرد و خسارات زیادی به تجارت زد و نیز البته مردم را از اطلاعاتی که برای تصمیم‌گیری در مورد زندگی و آینده خود به آن نیاز دارند محروم کرد. حمایت از آزادی اینترنت در ایران همچنان کانون اصلی تلاش‌های ما برای حمایت از حقوق بشر در این کشور است.»

وی همچنین گفت: «همانطور که گفتید در گذشته در اوج اعتراضات سال ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ از هر سه نفر یک نفر از مردم ایران از ابزارهای ضدسانسور و امنیتی دیجیتال آمریکا مثل وی.پی.ان استفاده می‌کردند و میلیون‌ها نفر از مردم ایران از آن ابزارها تا به امروز استفاده می‌کردند، بنابراین نمی‌خواهم در مورد اقداماتی که ما در آینده اتخاذ خواهیم کرد صحبت کنم ولی همانطور که گفتم حفظ آزادی اینترنت و اطمینان از دسترسی مردم ایران به اینترنت کانون اصلی اقدامات ما در رابطه با آن کشور خواهد بود.»

این مقام وزارت خارجه آمریکا در مورد فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی نیز گفت: «معاون ابرام پیلی نماینده ویژه در امور ایران در وین بود تا با رافائل گروسی ملاقات کند... او مراتب قدردانی آمریکا را به دلیل تلاش‌های گسترده آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مورد نظارت بر فعالیت‌های ایران و پیگیری سؤالات بی‌پاسخ منتقل کرد... [رژیم] ایران کماکان همکاری نمی‌کند و ما بطور جدی در مورد توسعه برنامه اتمی ایران نگرانیم که هیچ هدف معتبر غیرنظامی ندارد از جمله ادامه تولید اورانیوم غنی‌شده با غلظت بالا که موضوع مذاکرات امروز بود.»

نه فقط مردم بلکه کارشناسان می‌گویند اغلب وی.پی.ان‌های موجود در بازار توسط باندهای وابسته به حکومت به فروش می‌رسند و برای سودآوری بیشتر پس از مدتی قطع می‌شوند تا سود بیشتری به جیب بزنند.

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در واکنش به قطع شدن وی.پی.ان در ایران و اقدامات جمهوری اسلامی برای محدودتر کردن دسترسی کاربران به اینترنت آزاد بطور تلویحی وعده داد آمریکا اقداماتی برای افزایش دسترسی مردم ایران به اینترنت انجام خواهد داد.

ماتیو میلر: «حمایت از آزادی اینترنت در ایران همچنان کانون اصلی تلاش‌های ما برای حمایت از حقوق بشر در این کشور است.»

هفته‌هاست دسترسی مردم ایران به اینترنت بسیار محدودتر از گذشته شده است. تقریباً اغلب «وی.پی.ان»هایی که قبلاً برای بازکردن پیام‌رسان‌هایی مثل واتساپ، تلگرام و اینستاگرام استفاده می‌شد از کار افتاده است.

وی.پی.ان‌های فعال که اکنون به صورت غیررسمی در بازار به فروش می‌رسد یا بسیار گران است یا با وجود هزینه زیاد برای خرید یا شارژ آن در کوتاه‌مدت از سرویس خارج می‌شوند. نه فقط مردم بلکه کارشناسان می‌گویند اغلب وی.پی.ان‌های موجود در بازار توسط باندهای وابسته به حکومت به فروش می‌رسند و برای سودآوری بیشتر پس از مدتی قطع می‌شوند تا سود بیشتری به جیب بزنند.

همزمان رسانه‌های داخلی ایران گزارش دادند که اخیراً با ابلاغ یک مصوبه از سوی شورای عالی فضای مجازی استفاده از فیلترشکن «غیرقانونی» تلقی می‌شود. این مصوبه پیشتر به تایید رهبر جمهوری اسلامی رسیده است.

محمدامین آقامیری دبیر شورای عالی فضای مجازی و رئیس مرکز ملی فضای مجازی، سه‌شنبه اول اسفند مصوبه شماره سه جلسه نود و ششم این شورا را برای اجرا ابلاغ کرد. در این مصوبه آمده که «استفاده از ابزارهای پالایش‌شکن [فیلترشکن] ممنوع می‌شود، مگر مواردی که دارای مجوز قانونی باشد.»

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در واکنش به قطع شدن وی.پی.ان در ایران و اقدامات جمهوری اسلامی برای محدودتر کردن دسترسی کاربران به اینترنت آزاد بطور تلویحی وعده

محاكمه يكي از رؤسای باند تبهكار «ياكوزا»ی ژاپن به اتهام تلاش برای فروش اورانيوم با درجه تسليحاتی به ايران



مواد اتمی مربوطه توقیف گشت و با کمک دولت تایلند پس از آزمایش مشخص شد که حاوی اورانیوم و پلوتونیوم با غلظت لازم برای تولید سلاح بوده‌اند. نمونه‌ها به آزمایشگاهی در آمریکا ارسال شد و آنجا نیز تایید کردند که حاوی اورانیوم و پلوتونیوم با درجه غلظت برای ساخت سلاح است.

آن میلگرام رئیس اداره مبارزه با مواد مخدر آمریکا در بیانیه‌ای نوشت: «همانطور که اعلام شده، متهمان این پرونده به قاچاق مواد مخدر، اسلحه و مواد هسته‌ای اقدام می‌کردند تا جایی که اورانیوم و پلوتونیوم با درجه غلظت لازم برای تولید سلاح را به ایران پیشنهاد می‌دهند، آنهم با علم به اینکه این کشور از آن برای ساخت سلاح هسته‌ای استفاده می‌کند.»

این مقام آمریکایی در ادامه تصریح کرد: «این یک نمونه برجسته از فساد قاچاقچیان مواد مخدر است که بی‌توجه به جان انسان‌ها فعالیت می‌کنند.»

بنا به گفته دادستان‌های آمریکا، مواد هسته‌ای را یکی از رهبران ناشناس «گروه‌های قومی شورشی» در میانمار که یک معدن اورانیوم را در این کشور در اختیار دارد، فرستاده بود. بر اساس اسناد دادگاه، تاکشی ایساوا به این رهبر شورشیان میانمار پیشنهاد کرده بود که او واسطه فروش اورانیوم بشود تا بتواند هزینه خرید سلاح را از آن افسر ارشد ایرانی تامین کند.

ایساوا که بنا گفته دادستان‌های آمریکا، رهبر یک گروه جنایی بین‌المللی در ژاپن است، آوریل ۲۰۲۲ طی یک عملیات ضربتی در منهتن آمریکا بازداشت شد.

قرار است ایساوا ۶۰ ساله و همدستش روز پنجشنبه ۲۲ فوریه در دادگاه فدرال نیویورک در برابر قاضی حاضر شوند. چنانچه ایساوا در دادگاه مجرم شناخته شود، ممکن است به حبس ابد در آمریکا محکوم گردد.

● به گفته مقامات فدرال آمریکا، تاکشی ایساوا و همدست او نمونه‌هایی از مواد هسته‌ای را که از میانمار به تایلند برده شده بود به یکی از مأموران مخفی اداره مبارزه با مواد مخدر آمریکا که خود را به عنوان قاچاقچی مواد مخدر و اسلحه جا زده بود نشان دادند. این مأمور مخفی ادعا کرده بود با یک افسر ارشد ایرانی ارتباط دارد.

● رئیس اداره مبارزه با مواد مخدر آمریکا: «متهمان این پرونده به قاچاق مواد مخدر، اسلحه و مواد هسته‌ای اقدام می‌کردند تا جایی که اورانیوم و پلوتونیوم با درجه غلظت لازم برای تولید سلاح را به ایران پیشنهاد می‌دهند، آنهم با علم به اینکه این کشور از آن برای ساخت سلاح هسته‌ای استفاده می‌کند.»

● بر اساس اسناد دادگاه، تاکشی ایساوا از رؤسای باند تبهکار «ياكوزا» به رهبر شورشیان میانمار پیشنهاد کرده بود که او واسطه فروش اورانیوم بشود تا بتواند هزینه خرید سلاح را از آن افسر ارشد ایرانی تامین کند.

دادستان‌های فدرال در آمریکا یک ژاپنی را متهم به تلاش برای فروختن اورانیوم و پلوتونیوم به رژیم ایران متهم کرده‌اند. وبسایت وزارت دادگستری آمریکا ۲۱ فوریه (دوم اسفندماه) در بیانیه‌ای اعلام کرد وی رئیس یکی از باندهای تبهکار ژاپن مشهور به «ياكوزا» است که برای انتقال مواد هسته‌ای ممنوعه از میانمار به چند کشور از جمله ایران برنامه‌ریزی می‌کرده است.

به گفته مقامات فدرال آمریکا، تاکشی ایساوا و همدست او نمونه‌هایی از مواد هسته‌ای را که از میانمار به تایلند برده شده بود به یکی از مأموران مخفی اداره مبارزه با مواد مخدر آمریکا که خود را به عنوان قاچاقچی مواد مخدر و اسلحه جا زده بود نشان دادند. این مأمور مخفی ادعا کرده بود با یک افسر ارشد ایرانی ارتباط دارد.

→ کشیده شدن خانه لارس ویلکس هنرمند سوئدی که کاریکاتوری از محمد پیامبر مسلمانان کشیده بود؛ تهدید به مرگ و حمله به کورت وستگارد طراح دانهارکی کاریکاتورهای محمد در دانهارک؛ حمله به دفتر مجله شارلی ابدو در پاریس و کشتن ۱۲ نفر از کارکنان این مجله از شناخته‌شده‌ترین رویدادها هستند.

در همه این موارد این فقط افراد نیستند که مورد حمله قرار می‌گیرند، بلکه پیش از افراد و بیش از آنها، این آزادی اندیشه، آزادی بیان، آزادی خلاقیت هنری و آزادی انتشار آثار هنری است که مورد هدف قرار گرفته است.

اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۱۹ خود تاکید دارد: «هرکس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.»

سه دهه پس از فتوای خمینی علیه سلمان رشدی با همه پیامدهای آن، هواداران یگ گروه اسلامگرای ایرانی در سوئد نیز در جلوی سینمایی که یک فیلم مستند در آن به نمایش گذاشته شده بود، تجمع کرده و کارگردان، تهیه‌کننده، شخصیت‌های فیلم و حتی مدیران جشنواره گوتبرگ در سوئد را به همکاری با وزارت اطلاعات رژیم ایران متهم کردند. همانگونه که پیروان خمینی بیانکه کتاب سلمان رشدی را خوانده باشند حاضر به کشتن رشدی بودند، پیروان رهبری سازمان مجاهدین خلق نیز بی‌آنکه از محتوای فیلم «کودکان کمپ اشرف» که برای اولین بار در جشنواره گوتبرگ در سوئد به نمایش درآمده بود مطلع باشند، در ضدیت با آزادی بیان و اندیشه به دنبال حذف این فیلم از جشنواره بودند. وجه مشترک خمینی و پیروانش با رهبری سازمان مجاهدین و پیروانش در باورمندی به حذف مخالفین و در این است که از هرگونه استدلال و بحث منطقی ناتوان و فراری هستند.

پرسش ساده از رهبری سازمان مجاهدین این است: سوئد کشوری است که حمید نوری یکی از عاملان کشتار زندانیان سیاسی در تابستان سال ۱۳۶۷ در آن دستگیر و محاکمه شد، اگر شما در ادعای خود در مورد اینکه فیلم مستند «کودکان کمپ اشرف» توسط «مزدوران وزارت اطلاعات» رژیم ایران ساخته شده، مطمئن هستید و اتهامات بی‌پایه و اساس مطرح نکرده و اسناد و مدارک کافی در اختیار دارید، چرا علیه این فیلم و افرادی که شما آنها را «مزدوران وزارت اطلاعات» می‌نامید از راهکارهای قانونی استفاده نکرده و به دادگاه شکایت نمی‌برید؟

اقدامات تبلیغی سرسام آور سازمان مجاهدین علیه فیلم مستند «کودکان کمپ اشرف» نه فقط حمله به آزادی بیان و دست اندرکاران این فیلم است، بلکه بیش از آن، حمله به اصل بنیادین آزادی اندیشه، آزادی بیان و آزادی انتشار آثار هنری و سینمای آزاد، آنهم در یک کشور دمکرات و قانونمدر است. وقتی این سازمان در کشورهای دمکرات با روش‌های توتالیتاریستی دنبال سرکوب و حذف مخالفین‌اش است، به خوبی مشخص می‌شود که هیچ صلاحیتی برای حضور در صحنه سیاسی نیروهای اپوزیسیون ایران ندارد. این سازمان با روش‌هایی که مخصوص جمهوری اسلامی و همه نیروهای توتالیتاریست است از هرگونه شفاف‌سازی و پاسخگوئی گریزان و به دنبال حذف مخالفان است. آرمان این سازمان الهام گرفته از اسلام شیعی و متکی به رهبری عقیدتی مسعود رجوی، همان اندیشه‌های ولایت فقیه، با یک بسته‌بندی متفاوت است. هرگونه تفکر ایدئولوژیک، انحصارطلب، غیرشفاف و غیرپاسخگو که خود را فراتر از قانون مبتنی بر دموکراسی و حقوق بشر بدانند، دشمن یک ایران آزاد، دمکرات، سکولار و کثرت‌گراست.

انتقال دارایی‌های بابک زنجانی به ایران؛ بابک زنجانی «عفو» و «آزاد» می‌شود؟

وارد ایران شده است؟ مشخص نیست که چه کسانی با او همکاری کرده‌اند و زنجانی ویتترین چه کسانی بوده است؟ چه کسانی او را مسوول فروش نفت و دور زدن تحریم‌ها کردند و چرا پول فروش نفت را مطالبه نکردند؟

روزنامه «اعتماد» بطور غیرمستقیم به خواست جریان یا عده‌ای در حاکمیت برای بسته شدن پرونده زنجانی و عفو او اشاره کرده و نوشته «حالا که دری به تخته خورده و به یک‌باره این موضوع حل شده و حتی وکیل بابک زنجانی با استناد به این تحولات خواستار عفو و آزادی وی شده، چه بهتر که قوه قضاییه نیز در این باره روشن‌گری کند تا ابعاد مختلف این پرونده برای افکار عمومی نیز روشن شود.»

بابک مرتضی زنجانی معروف به بابک زنجانی مالک مجموعه شرکت‌های «سورینت» شامل بیش از ۷۰ شرکت با ۲۲ میلیارد یورو سرمایه شرکت و مجموعه بانکی در کشورهای مختلف جهان، و از مهره‌های دور زدن تحریم‌های نفتی بوده است. بیژن نامدار زنگنه وزیر نفت دولت حسن روحانی شهریور سال ۱۳۹۲، و تنها چند هفته پس از آغاز بکار به عنوان وزیر نفت دولت یازدهم، اعلام کرد بابک زنجانی دو میلیارد دلار از درآمد حاصل از فروش نفت را به این وزارتخانه باز نگردانده است. بابک زنجانی چند ماه بعد و در نهم دی‌ماه سال ۱۳۹۲ به اتهام اختلاس و کلاهبرداری از دولت و وزارت نفت بازداشت، و رقم بدهی او حدود ۲ میلیارد و ۸۰۰ میلیون اعلام شد.

یک سال پیش از دستگیری بابک زنجانی، اتحادیه اروپا او را به دلیل «کمک به دور زدن تحریم‌ها و داشتن نقش کلیدی در تجارت نفت تحریمی ایران و انتقال پول مربوط به فروش نفت به جمهوری اسلامی» تحریم کرده بود. پس از آن ایالات متحده آمریکا نیز نام او را به فهرست افراد ناقض تحریم‌های جمهوری اسلامی افزوده بود. غلامحسین محسنی اژه‌ای که آن زمان سخنگوی وقت قوه قضاییه بود اسفند ۱۳۹۴ اعلام کرد که دادگاه بدوی بابک زنجانی و دو متهم دیگر این پرونده را به اعدام محکوم کرده است. همچنین این سه متهم به رد مال مربوط به شرکت ملی نفت و جزای نقدی معادل یک چهارم پولشویی نیز محکوم شده‌اند. اتهامات بابک زنجانی فساد فی‌الارض، اخلال در نظام اقتصادی کشور، کلاهبرداری گسترده از شرکت ملی نفت و پولشویی اعلام شده بود

احمد مرتضوی مقدم رئیس دیوان عالی کشور تیرماه ۱۴۰۰ در یک برنامه تلویزیونی در صداوسیما جمهوری اسلامی اعلام کرده بود که اگر بابک زنجانی همکاری کند و اموال را برگرداند، احتمال دارد «مورد عفو و تخفیف قرار گیرد. رئیس دیوان عالی کشور با اشاره به اینکه حکم اعدام بابک زنجانی تیرماه سال ۹۵ صادر شده، گفته بود که این حکم «قطعی» بوده اما در اجرای آن «مسائلی هست که باید مصالح کشور را در نظر بگیریم!»

پرونده بابک زنجانی یکی از پیچیده‌ترین و غیرشفاف‌ترین پرونده‌های اختلاس و فساد در ایران بوده است. امیرعباس سلطانی، نماینده مجلس و عضو کمیته پیگیری پرونده «بابک زنجانی» چندین ماه بعد از بازداشت او در مهر ۱۳۹۳ به رسانه‌ها گفت که بسیاری از مقامات بلندپایه دولت احمدی‌نژاد از جمله چند وزیر ازجمله وزیر دارایی، رئیس بانک مرکزی و وزیر نفت در تخلفات وی سهیم بوده‌اند.

او روابط گسترده‌ای با شخصیت‌های حکومتی و هنرمندان و ورزشکاران داشته و به نظر می‌رسد همچنان آتقدر صاحب نفوذ است که روند پرونده‌ای که یک دهه پیش تشکیل و در آن به اعدام محکوم شده بود را تغییر دهد.



همزمان با اعلام خبر بازگردانده شدن اموال بابک زنجانی، وکیل او خواستار عفو و آزادی این متهم به فساد کلان اقتصادی شده است. رسول کوهپایه‌زاده وکیل بابک زنجانی با تأکید بر اینکه موکلش، بابک زنجانی از ابتدا هم تمایل داشته که بدهی خود را به دولت پرداخت کند، گفته مطابق دادنامه قطعی صادره از سوی دیوان عالی کشور موکلش امکان استفاده از ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی و درخواست عفو و بخشش را دارد.

وکیل بابک زنجانی تأکید کرده که او بیش از رقم بدهی به دولت پرداخت کرده است: «نه تنها کلیه دیون و بدهی موکل بدین ترتیب تسویه و پرداخت گردید بلکه با توجه به اینکه قبلاً اموال ایشان در ایران به شرکت نفت منتقل شده بود بیش از آنچه که در حکم به عنوان رد مال ذکر شده است از سوی موکل پرداخت گردیده است و کاری که انجام شد در شرایط بین‌المللی کار بزرگ و خطیری است.»

روزنامه «اعتماد» اما امروز سه‌شنبه اول اسفندماه این پرسش را مطرح کرده که آیا بدهی بابک زنجانی به نرخ جدید ارزش محاسبه شده یا به نرخ زمان وقوع جرم؟ در این مطلب آمده که «مشخص نیست که آیا در جریان بازگشت دارایی‌های بابک زنجانی به کشور بدهی وی با تورم موجود همسان‌سازی شده است یا نه؟ چرا که با قیمت دلار ۳ هزار و ۵۰۰ تومان سال ۱۳۹۲، رقم بدهی زنجانی حدود ۹ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان می‌شد و با دلار بیش از ۵۰ هزار تومانی امروز، ۱۴۰ هزار میلیارد تومان می‌شود.»

بر اساس این مطلب «بازگشت پول» برای حکومت مهمتر از «مبارزه با فساد» بوده است: «با اینکه ده سال از زندانی شدن بابک زنجانی می‌گذشت و حتی حکم اعدام نیز برای وی صادر شده بود، اما به نظر می‌رسد که اولویت بازگشت پول‌ها آتقدر مهم بوده که وی تاکنون در زندان مانده است. حالا و در دهمین سالگرد بازداشت وی، خبر رسیده که بدهی‌های بابک زنجانی پرداخت شده است. هر چند که ابهامات زیادی در این باره وجود دارد.»

همچنین ابهاماتی درباره بازگشت اموال بابک زنجانی به کشور پس از یک دهه و با وجود تحریم‌ها را مطرح شده است؛ بابک زنجانی سال‌ها مدعی بود که حاضر است پول بدهی‌هایش را بدهد ولی به دلیل تحریم‌ها نمی‌تواند پول‌ها را وارد ایران کند؛ حالا هم روشن نیست که این پول چگونه

رئیس قوه قضاییه می‌گوید «اگر اموال بازگشته قبلی را هم اضافه کنیم» ارقام پس گرفته شده از بابک زنجانی بیش از بدهی او به دولت می‌شود.

دیوان عالی کشور حکم اعدام بابک زنجانی را «با این قید که اگر محکوم‌علیه کلیه اموال را مسترد گرداند می‌تواند از ارفاقات ذیل ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی بهره‌مند گردد» تأیید کرده بود.

روزنامه «اعتماد» با اشاره به افزایش قیمت دلار در سال‌های گذشته نوشته «مشخص نیست که آیا در جریان بازگشت دارایی‌های بابک زنجانی به کشور بدهی وی با تورم موجود همسان‌سازی شده است یا نه؟»

قوه قضاییه از شناسایی و انتقال اموال بابک زنجانی به کشور خبر داده و اعلام کرده که این اموال برای پرداخت بدهی او کافی و حتی بیش از رقم بدهی است. رئیس کل بانک مرکزی نیز انتقال اموال ارزی او به خزانه بانک مرکزی را تأیید کرده است. همزمان وکیل بابک زنجانی موکلش را مشمول قوانین عفو و آزادی دانسته و خواستار آزادی او شده است.

غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس کل قوه قضاییه جمهوری اسلامی روز گذشته در نشست شورای عالی قوه قضاییه از شناسایی و بازگردان اموال بابک زنجانی به کشور خبر داد. رئیس کل قوه قضاییه گفت: «محموله از اموال شناسایی شده «بابک زنجانی» در خارج از کشور که به تهران منتقل شده بنا بر کارشناسی‌های اولیه، تکافی بدهی‌ها و خسارات نامبرده خواهد بود؛ حالا اگر اموال بازگشته قبلی را هم اضافه کنیم؛ اضافه می‌آید البته من تأکید کرده‌ام که باز هم کارشناسی در این خصوص صورت بگیرد.»

محسنی اژه‌ای افزود که اموال مصادره شده بابک زنجانی حتی بیش از بدهی او بوده است: «محموله از اموال شناسایی شده «بابک زنجانی» در خارج از کشور که به تهران منتقل شده بنا بر کارشناسی‌های اولیه، تکافی بدهی‌ها و خسارات نامبرده خواهد بود؛ حالا اگر اموال بازگشته قبلی را هم اضافه کنیم؛ اضافه می‌آید البته من تأکید کرده‌ام که باز هم کارشناسی در این خصوص صورت بگیرد.»

رئیس قوه قضاییه گفته «در مرحله‌ای از رسیدگی به پرونده، جمعی از اشخاص از یک دستگاه آمدند و گفتند ما می‌خواهیم در جهت شناسایی و بازگرداندن اموال «بابک زنجانی» کار جدیدی را آغاز کنیم؛ ما اعلام کردیم از این امر استقبال می‌کنیم البته من یک اولتیماتوم دادم و ظرف زمانی مشخصی را تعیین کردیم که اگر باز هم ادعاهای محکوم‌علیه به اثبات نرسید و اموالی از او شناسایی و مسترد نشد که تکافی بدهی‌هایش را بدهد، حکم قطعی و قانونی در قبال او اجرایی خواهد شد.»

او همچنین گفته یک سال پس از محکومیت بابک زنجانی به اعدام، دیوان عالی کشور در سال ۱۳۹۵ حکم اعدام او را «با این قید که اگر محکوم‌علیه کلیه اموال را مسترد گرداند می‌تواند از ارفاقات ذیل ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی بهره‌مند گردد» تأیید کرد. محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی نیز امروز سه‌شنبه اول اسفندماه بازگشت بدهی ارزی بابک زنجانی به خزانه بانک مرکزی را تأیید کرد و گفت: «پیرو مصاحبه روز گذشته حجت الاسلام و المسلمین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه درباره شناسایی اموال بابک زنجانی در خارج و انتقال آن به تهران تأکید می‌گردد که اموال بازگردانده شده این فرد، دارایی‌های ارزی است و تماماً به خزانه بانک مرکزی منتقل شد.»

ترک اعتیاد معتادان پولدار در کمپ‌های «لاکچری» با ۵۰ میلیون تومان



صاحب مجوز، یک فرد بهبودیافته است با اینکه مجوز را به نام یک روانشناس می‌گیرد اما در عمل، این روانشناس حق دخالت در مدیریت کمپ ندارد. در بسیاری از کمپ‌های استان شاهدیم که در ظاهر با یک پزشک به عنوان مسوول فنی قرارداد می‌بندند و این پزشک به ازای دریافت مبلغی ناچیز، در طول یک هفته، به مدت یک یا دو ساعت در کمپ حضور دارد و تنها کاری که انجام می‌دهد، مهر و امضای پرونده‌هاست.»

این پزشک فعال در درمان اعتیاد در ادامه صحبت‌هایش از افرادی ملقب به «باراباس» نام برده بود، مردانی که از همکاران بعضی کمپ‌های ترک اعتیاد استان هستند و از سوی خانواده‌ها اجیر می‌شوند و در تبانی با خانواده، به خانه فرد معتاد یا غیر معتاد هجوم می‌برند و فرد را به اجبار به کمپ ترک اعتیاد می‌برند: «یک پدر یا یک برادر یا یک همسر، با مدیر کمپ صحبت می‌کند و می‌گوید پسر من یا برادر من یا شوهر من را برای مدتی در کمپ زندانی کن. صاحب کمپ هم در ازای دریافت پول، باراباس را شبانه به خانه این فرد می‌فرستد و فرد را، بدون اینکه هیچ سندی از اثبات اعتیادش در دست باشد، طناب‌پیچ به کمپ ترک اعتیاد می‌برند در حالی که این کار، مصداق آدم‌ربایی است.»

با وجود اینکه طبق ماده ۱۵ تبصره ۲ مبارزه با مواد مخدر، مسئولان موظف هستند که معتادان بی‌بضاعت را به صورت رایگان درمان کنند، اما این کمپ‌ها با ناکارآمدی و کمترین امکانات اداره می‌شوند. از سوی دیگر این کمپ‌ها بجای پیشبرد برنامه‌های استاندارد برای بهبود و درمان معتادان که شامل مراحل گوناگون از جمله سم‌زدایی و بازپروری و ادغام در جامعه می‌شود، به مکان‌هایی برای شکنجه بیماران اعتیاد بدل شده و قتلگاه کسانیست که جامعه نیز، که خود با هزاران مشکل دست و پنجه نرم می‌کند، به آنان بی‌مهر و بی‌اعتناست.

یکی از این افراد محسن قاسمی قهرمان سابق کشتی آسیا و برنده مدال طلای مسابقات آسیا ۲۰۱۲ بود که بر اثر ضرب و جرح در کمپ ترک اعتیاد به گما رفته بود و پنجشنبه ۲۳ دی‌ماه ۱۴۰۰ در ۳۱ سالگی درگذشت.

با خطر تعطیلی یا توقف فعالیت مواجه‌اند در حالی که هم‌اکنون حدود ۲۰۰ هزار بیمار، در این مراکز در حال ترک اعتیاد هستند و هرگونه وقفه درمانی، مساوی با عود دوباره و شدیدتر مصرف مواد خواهد بود. روزنامه اعتماد ۲۸ دی‌ماه در گزارشی به بررسی خسارت‌های این بخشنامه ددرساز سازمان بهزیستی برای مراکز درمان اعتیاد پرداخت و نسبت به خطر رهاشدن ۲۰۰ هزار معتاد درحال ترک هشدار داد. در همین ارتباط روز دوشنبه ۲۰ آذرماه در حومه بندرعباس پس از وقوع یک درگیری، بیش از ۱۰۰ نفر به صورت دستجمعی از کمپ ترک اعتیاد «ایسین» فرار کردند. این کمپ تحت نظارت سازمان بهزیستی قرار دارد اما به صورت غیرانتفاعی اداره می‌شود. بیشتر معتادان کمپ ایسین با حکم قضایی به این محل فرستاده می‌شوند. خیرگزاری‌های داخلی نوشته بودند که «در این کمپ، اکثر افراد از معتادان متجاهر بودند.»

فرار این معتادان از کمپ در حالی صورت گرفت که در ساعت ۵:۴۵ دقیقه صبح روز جمعه ۱۲ آبان‌ماه ۱۴۰۲ در یک کمپ ترک اعتیاد در روستای کلیدبراز توابع بخش کومله شهرستان لنگرود رخ داد و طی آن بیش از ۳۰ تن کشته و ۱۷ نفر مصدوم شدند. ۱۰ روز بعد، تعداد قربانیان این فاجعه که همگی معتادان در حال ترک مواد بودند به ۳۶ نفر رسید؛ ۳۲ نفری که در محل کمپ و پشت درهای قفل شده، زنده در آتش سوختند و ۴ نفری که روی تخت بیمارستان جان دادند. آمارها نشان می‌دهند تنها در ۵ سال گذشته ۱۰ کمپ ترک اعتیاد دچار آتش‌سوزی شده و ۷ مرگ مشکوک نیز در این کمپ‌ها اتفاق افتاده است.

مجبور کردن «باراباس»‌ها برای آدم‌ربایی و انتقال آنها به کمپ‌های ترک اعتیاد

روزنامه اعتماد در ۲۲ آبان به نقل از یک پزشک ساکن در استان گیلان با اشاره به شرایط فعالیت کمپ‌های ترک اعتیاد در این استان گفته بود: «موسس کمپ‌ها، باید پزشک و بدون سابقه اعتیاد باشند در حالی که ما در کمپ‌های استان و از جمله در مورد همین کمپ لنگرود شاهد هستیم که یا

● بر اساس گزارش «همشهری»، کمپ‌ها در ۲ بخش هستند؛ کمپ‌های ترک اعتیاد ماده ۱۶ یا اجباری زیر نظر شهرداری، سازمان زندان‌ها و نیروی انتظامی و کمپ‌های ترک اعتیاد ماده ۱۵ یا اختیاری و تمایلی که زیر نظر سازمان بهزیستی فعالیت می‌کنند.

● یک معتاد سابق درباره کمپ‌های عادی: «آخرین کمپی که من در آن بستری شدم جایی بود نزدیک ورامین. اگر خیلی سفارش شده بودیم، یک تخت فلزی زهوار دررفته هم می‌دادند. اگر آب گرم بود هفته‌ای یک‌بار هم حمام می‌رفتیم! پایان ۲۱ روز حدود ۳ میلیون تومان نیز پرداخت کردیم.»

● یک پزشک فعال در درمان اعتیاد از افرادی ملقب به «باراباس» نام برده؛ مردانی که از همکاران بعضی کمپ‌های ترک اعتیاد استان هستند و از سوی خانواده‌ها اجیر می‌شوند و در تبانی با خانواده، به خانه فرد معتاد یا غیر معتاد هجوم می‌برند و فرد را به اجبار به کمپ ترک اعتیاد می‌برند!

وبسایت «همشهری» از فعالیت کمپ‌های لاکچری با خدمات وی‌آی‌پی خبر داد و در توضیح فعالیت این مراکز نوشت: «کمپ ترک اعتیاد بدون درد و خماری همراه با اتاق اختصاصی، استخر، ماساژ، سالن بازی (بیلیارد و پلی‌استیشن)، زمین ورزش (فوتبال و والیبال)، روف‌گاردن و منوی غذایی سفارشی که همگی با توجه به تعداد تخت‌های اتاق، هزینه‌های شان از ۱۰ میلیون تومان آغاز می‌شود و به بیش از ۵۰ میلیون تومان هم می‌رسد!»

بر اساس این گزارش، کمپ‌ها در ۲ بخش هستند؛ کمپ‌های ترک اعتیاد ماده ۱۶ یا اجباری زیر نظر شهرداری، سازمان زندان‌ها و نیروی انتظامی و کمپ‌های ترک اعتیاد ماده ۱۵ یا اختیاری و تمایلی که زیر نظر سازمان بهزیستی فعالیت می‌کنند.

در همین ارتباط محمود برزگر مدیر اداره بهزیستی شهرستان تهران، گفته است: «۳۲ کمپ اختیاری، یک کمپ اجباری و یک کمپ رایگان (خیریه) هر یک با ظرفیت ۴۰ نفر زیر نظر اداره بهزیستی شهرستان تهران خدمات ارائه می‌دهند. دوره درمان و قرنطینه در این کمپ‌ها ۲۱ روزه تا ۳ ماهه است که به صورت قطع مصرف کامل انواع مواد مخدر و بدون استفاده از کمک‌درمان‌های دارویی مانند متادون انجام می‌شود.»

به گفته وی، محیط استاندارد و بهداشتی، حضور مسوول فنی، مشاور، روانشناس، پزشک و در مواردی نیز پرستار از جمله الزامات این کمپ‌هاست که مددجویان باید به اختیار و تمایل خود، حداکثر تا ۳ دوره در آنها بستری شوند. هر نوع اجبار به بستری شدن، مطابق و برابر با قانون، مجازات درپی خواهد داشت.

این در حالیست که به گفته یک فرد بهبودیافته «آخرین کمپی که من در آن بستری شدم جایی بود نزدیک ورامین. اگر خیلی سفارش شده بودیم، یک تخت فلزی زهوار دررفته هم می‌دادند. اگر آب گرم بود هفته‌ای یک‌بار هم حمام می‌رفتیم! پایان ۲۱ روز حدود ۳ میلیون تومان نیز پرداخت کردیم.»

سرنوشت نامعلوم ۲۰۰ هزار معتاد در حال ترک با بخشنامه ددرساز سازمان بهزیستی

با اجرای بخشنامه اخیر سازمان بهزیستی مبنی بر واگذاری مراکز درمان اعتیاد به دانشگاه‌های علوم پزشکی، از ابتدای سال آینده، ۱۰۱۸ مرکز درمان سرپایی وابسته به بهزیستی



کلاهبرداری «کوروش کمپانی»

ساختار فسادخیز و حمایت
از یک «سرباز فراری»
متولد سال ۱۳۷۵

● بیش از ۲۰۰ هزار شهروند تحت تأثیر تبلیغات گسترده این شرکت که از جمله با نقش آفرینی سلبریتی‌ها صورت گرفت، سرمایه خود را به امید خرید آیفون‌هایی زیر قیمت بازار به این شرکت سپردند.

● این شرکت با حجم گسترده تبلیغات می‌توانسته بدون حمایت و همکاری بخشی از نهادهای حکومتی چنین تخلف گسترده‌ای را تحت مدیریت یک «سرباز فراری» متولد ۱۳۷۵ انجام دهد.

● یک وکیل دادگستری گفته که مدیرعامل شرکت «کوروش کمپانی» حتی اگر بازداشت و به کشور بازگردانده و محاکمه شود، در نهایت به ۱۰ سال زندان محکوم می‌شود.

● کلاهبرداری بزرگ «کوروش کمپانی» اگر برای مردم زیان داشته اما برای قوه قضاییه جمهوری اسلامی نان و آب داشته و هر مالباخته برای ثبت شکایت از این کمپانی باید ۲۳۰ هزار تومان پرداخت کند.

کلاهبرداری ۲ هزار میلیارد تومانی شرکت «کوروش کمپانی» به اسم واردات موبایل زیر قیمت رسمی بازار بار دیگر فسادخیزی ساختار تباه جمهوری اسلامی را برجسته کرده است. کلاهبرداری این شرکت ۲۰۰ هزار مالباخته برجای گذاشته و مدیر جوان آن که سازماندهنده یکی از بزرگترین کلاهبرداری‌ها در ایران است نیز به خارج کشور گریخته است. شرکت «کوروش پردازان آی‌سا» با نام مستعار «کوروش کمپانی» این روزها رکورددار یکی از بزرگترین کلاهبرداری‌های سال‌های اخیر است. کلاهبرداری ۲ هزار میلیارد تومانی معادل حدود ۳۵ میلیون دلار!

این شرکت در سال ۱۳۹۹ توسط امیرحسین شریفیان به عنوان مدیرعامل و خاطره قره‌داغی ثبت شده است. «کوروش کمپانی» در ماه‌های گذشته مدعی بود با حذف واسطه‌ها، گوشی‌های آیفون را به قیمت بسیار ارزان‌تر از نرخ واقعی می‌فروشد و ظرف ۴۵ روز به دست مشتریان می‌رساند.

بر اساس گزارش‌ها، بیش از ۲۰۰ هزار شهروند تحت تأثیر تبلیغات گسترده این شرکت که از جمله با نقش آفرینی سلبریتی‌ها صورت گرفت، سرمایه خود را به امید خرید آیفون‌هایی زیر قیمت بازار به این شرکت سپردند.

امیرحسین شریفیان مالک کوروش کمپانی متولد ۱۳۷۵ و یک سرباز فراری است که بر اساس گزارش‌ها با ۱۸۰ روز غیبت اولیه اقدام به تکمیل دفترچه سربازی می‌کند اما از رفتن به سربازی خودداری کرده و از سال ۱۴۰۰ تا امروز سرباز فراری است. ویسایت «دیده‌بان ایران» گزارش داده امیرحسین شریفیان با منتسب کردن خود به جریان‌های مذهبی و حکومتی توانسته اعتماد مسئولان را جلب کند، اینکه چه کسی یا کسانی در وزارت صمت به این جوان فاقد مدارک اولیه مجوز فعالیت داده‌اند. این گزارش افزوده اینکه سایت متعلق به این شرکت چطور توانسته گواهی فعالیت را در فضای کسب و کار کشور در

اختیار بگیرد، نکته مهمی است که مسئولان وزارت صمت باید پاسخگوی آن باشند؟

آنچه مشخص است این شرکت با حجم گسترده تبلیغات و رقم بالای کلاهبرداری نمی‌توانسته بدون حمایت و همکاری بخشی از نهادهای حکومت چنین تخلف گسترده‌ای را تحت مدیریت یک «سرباز فراری» متولد ۱۳۷۵ انجام دهد.

برخی اظهار نظرهای روزهای گذشته نیز بیانگر بهره‌مندی مدیریت این شرکت از رانت و روابط حکومتی است. مهدی اسدی رئیس انجمن واردکنندگان موبایل، تبلت و لوازم جانبی هم در گفتگو با خبرنگاری «ایسنا» گفته که «این شرکت اصلاً دارای مجوز واردات آیفون نبوده و موبایل‌های آیفون را از طریق واردکنندگان داخلی تهیه کرده و در گذشته نیز دو مرتبه دفتر آنها پلمب شد که متأسفانه بنا بر دلایلی که مطلع نیستیم، مجدداً بازگشایی شد.»

یکی از مهمترین حاشیه‌های کلاهبرداری «کوروش کمپانی» تبلیغات گسترده‌ای است که سلبریتی‌ها از هنرمندان و ورزشکاران به سود این شرکت انجام داده‌اند تا تعداد بیشتری ترغیب به پرداخت پول به شرکت به امید دریافت گوشی آیفون زیر قیمت شوند. اکنون اغلب مالباختگان از «کوروش کمپانی» شکایت کرده‌اند و بخشی از آنها شکایتی از سلبریتی‌ها نیز به ثبت رسانده‌اند. بسیاری از مالباختگان این شرکت معتقدند مردم به خاطر تبلیغات سلبریتی‌ها و ورزشکاران، به «کوروش کمپانی» اعتماد کرده و برای خرید آیفون ۲۰ میلیونی اقدام کردند.

در میان این سلبریتی‌ها، چهره‌های ورزشی نظیر علیرضا بیرانوند، سعید مهری، هادی چوپان، خواهران منصوریان، هادی ساعی، امیر علی‌اکبری و... دیده می‌شوند که مردم علاوه بر شکایت از «کوروش کمپانی» از این افراد هم شاکتی هستند

قابل توجه اینکه ابوالفضل نصیری مدیرکل ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، با ارائه این توضیح که بر اساس قانون عنوان «کوروش کمپانی» جعل شده و اساس شرکتی با این عنوان وجود خارجی ندارد، گفته که امیرحسین شریفیان شرکتی با عنوان «کوروش پردازان آی‌سا» ثبت کرده که در مدارک و اوراق آن نامی از «کوروش کمپانی» آورده نشده و در عمل چنین شرکتی وجود خارجی ندارد بلکه شرکت «کوروش پردازان آی‌سا» دارای مدارک رسمی است.

ابوالفضل نصیری افزوده که تا فروردین‌ماه امسال حدود ۸-۷ نفر به مجموعه مدیریتی شرکت «کوروش پردازان آی‌سا» ورود و خروج داشتند که در نهایت در آخرین تغییرات آقای گودرزی به عنوان مدیرعامل و امیرحسین شریفیان به عنوان عضو اصلی هیئت مدیره انتخاب شده‌اند.

عبدالصمد خرمشاهی وکیل پایه یک دادگستری هم به خبرنگاری «ایسنا» گفته «افراد مشهور در تبلیغات کوروش کمپانی، وقوع جرم را خواه ناخواه تسهیل کردند لذا مسئولیت

متوجه این افراد است.»

او افزوده که مدیرعامل شرکت «کوروش کمپانی» حتی اگر بازداشت و به کشور بازگردانده و محاکمه شود، در نهایت به ۱۰ سال زندان محکوم می‌شود.

عبدالصمد خرمشاهی توضیح داده «به فرض اینکه این فرد از طریق پلیس بین‌الملل دستگیر و بازگردانده شد فایده‌ای ندارد زیرا معمولاً این افراد مالی از خودشان مستقیماً بجا نمی‌گذارند. درست است که مجازات مرتکبین لازم است و باید برخورد جدی شود ولی با توجه به تبلیغات گسترده و با عنایت به قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری، نهایتاً مجازات این شخص تا ۱۰ سال حبس است و زمانی که مالی از آنها باقی نمی‌ماند، مالباخته‌ها دیگر دست‌شان به جایی بند نیست و همین خسارت مالی ممکن است بیشترین تبعات منفی را در جامعه بجا بگذارد.»

این وکیل دادگستری تأکید کرده که چنین کلاهبرداری با این سطح گسترده اولین بار نیست که اتفاق می‌افتد: «ما سال‌هاست که شاهد هستیم در حوزه‌های مختلف اعم از خودرو، مسکن و... کلاهبرداری‌های گسترده‌ای صورت گرفته است و شاهد بودیم که افرادی کلاهبرداری کردند و اموال زیادی از مردم را به تاراج بردند یا دستگیر شدند یا نشدند. بر فرض اینکه دستگیر هم شده بودند، مالی از آنها به دست نیامده و مردم بازنده اصلی بودند.»

همانطور که عبدالصمد خرمشاهی اشاره کرده موارد مشابه این کلاهبرداری در زمینه‌های دیگری نیز طی سال‌های گذشته رخ داده است. برخی معتقدند قوانین ناکارآمد در کنار ساختاری که حکومت در تجارت ایجاد کرده، زمینه برای بروز چنین کلاهبرداری‌ها فراهم کرده، با ظاهری رسمی و قانونی را فراهم کرده است. حسین سلاح‌ورزی رئیس پیشین اتاق بازرگانی ایران در صفحه شخصی خود در شبکه «ایکس» در اینباره نوشته که «آنهايي که فريب روش‌های پانزی امثال کوروش کمپانی را خوردند، کسانی هستند که با برنده شدن در قرعه‌کشی خودرو، بی هیچ فعالیت اقتصادی مولدی، یک فرصت را فروختند. آنهايي که کد ملی را برای حواله واردات خودرو یا شماره حساب و کد اقتصادی خود را برای... می‌فروشد. دولت خودش به افراد می‌آموزد.»

روزنامه «دنیای اقتصاد» با اشاره به سخنان حسین سلاح‌ورزی نوشته «نگاهی به رویه تصمیم‌گیری‌ها در حوزه خودرو نشان می‌دهد که چرا افرادی به راحتی فريب وعده فروش خودرو یا گوشی موبایل به قیمت پایین را می‌خورند، چرا که آنها به کرات از این طریق سود کرده‌اند و یا شاهد سود دیگران از طریق این دست از واسطه‌گری‌ها شده‌اند.»

این مطلب تأکید کرده که «سیاست‌گذار با تصمیم‌گیری‌های خود به جامعه این سیگنال را می‌دهد که می‌توانند

وزارت «صمت» از مجوزهای رسمی «کورش کمپانی» خبر داد

سلبریتی‌ها باید پول تبلیغات را به دولت بازگردانند

انتقاداتی که در رسانه‌های مختلف داخلی و شبکه‌های اجتماعی درباره نقش این وزارتخانه در بروز این فساد بزرگ اقتصادی با صدور نماد «اینماد» منتشر شده، از صدور مجوز فعالیت برای این شرکت از سوی دو نهاد صنفی «صنف فروشندگان تجهیزات صوتی تصویری و تلفن همراه» و «صنف دستگاه‌های مخابراتی» خبر داده است.

وزارت صمت همچنین اعلام کرده که برای «ای‌نماد» مخفف «نماد اعتماد الکترونیکی» نیز از دستگاه‌های امنیتی استعلام گرفته شده و مشکلی نبوده است.

وزارت صمت با فرافکنی عنوان کرده که «ای‌نماد» مجوز نیست و این نماد یک نشان است که در وبسایت فعال تجاری قرار می‌گیرد تا مخاطبان آن بتوانند شناسنامه و اطلاعات قانونی فعال تجاری را مشاهده و در صورت هرگونه شکایت از آن، بتوانند شکایت خود را پیگیری کنند. این وزارتخانه اما توضیح نداده که اعطای این نماد به شرکتی که حتی در عنوان و نام هم «جعل» کرده، به معنای اعتمادسازی برای شهروندان از سوی وزارت صمت است!

ابوالفضل نصیری مدیرکل ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور روز گذشته با ارائه این توضیح که بر اساس قانون عنوان «کورش کمپانی» جعل شده و اساس شرکتی با این عنوان وجود خارجی ندارد، گفته که امیرحسین شریفیان شرکتی با عنوان «کورش پردازان آی‌سا» ثبت کرده که در مدارک و اوراق آن نامی از «کورش کمپانی» آورده نشده و در عمل چنین شرکتی وجود خارجی ندارد بلکه شرکت «کورش پردازان آی‌سا» دارای مدارک رسمی است.

ابوالفضل نصیری افزوده که تا فروردین‌ماه امسال حدود ۷-۸ نفر به مجموعه مدیریتی شرکت «کورش پردازان آی‌سا» ورود و خروج داشتند که در نهایت در آخرین تغییرات آقای گودرزی به عنوان مدیرعامل و امیرحسین شریفیان به عنوان عضو اصلی هیئت مدیره انتخاب شده‌اند. اکنون با گذشت چند روز از خبری شدن کلاهبرداری بزرگ «کورش کمپانی» انتقاداتی که ساختار فسادزا و فسادخیزی که جمهوری اسلامی در بیش از چهار دهه در اقتصاد ایران ایجاد کرده افزایش یافته است.

در حالیکه قیمت آیفون در بازار ۳۵ تا ۴۰ میلیون تومان بود، این شرکت مدعی شده بود که آیفون را با قیمت ۲۰ میلیون تومان به خریدار تحویل می‌دهد. همین موضوع بسیاری را وسوسه می‌کرد از این شرکت خرید کنند. برخی دیگر نیز برای خرید همزمان چند گوشی اقدام و رقم بزرگی سرمایه‌گذاری کرده بودند به این امید که بعد با فروش گوشی‌ها در بازار سود کنند.

وبسایت «دیده‌بان ایران» گزارش داده امیرحسین شریفیان با منتسب کردن خود به جریان‌های مذهبی و حکومتی توانسته اعتماد مسئولان را جلب کند، اینکه چه کسی یا کسانی در وزارت صمت به این جوان فاقد مدارک اولیه مجوز فعالیت داده‌اند.

این گزارش افزوده اینکه وبسایت متعلق به این شرکت چطور توانسته گواهی فعالیت را در فضای کسب و

● وزارت صمت با فرافکنی و سلب مسئولیت از خود از صدور مجوز فعالیت برای «کورش کمپانی» از سوی دو نهاد صنفی خبر داده است.

● سخنگوی قوه قضاییه: مدیرعامل شرکت کورش کمپانی به اتهام کلاهبرداری تحت تعقیب است و اموال منقول این شرکت در نقاط مختلف کشور مانند قایق‌هایی در جزیره کیش شناسایی و توقیف شده است.

● شرکت «کورش پردازان آی‌سا» یکی از بزرگترین کلاهبرداری‌های تاریخ اقتصادی ایران را به بهانه فروش موبایل آیفون زیر قیمت بازار انجام داده و سرمایه بیش از ۲۰۰ هزار شهروند را به جیب زده است.

حاشیه‌های کلاهبرداری دو هزار میلیارد تومانی «کورش کمپانی» در ایران ادامه دارد. وزارت صنعت معدن و تجارت از مجوزهای دریافتی این شرکت از «صنف فروشندگان تجهیزات صوتی تصویری و تلفن همراه» و «صنف دستگاه‌های مخابراتی» خبر داده است.

شرکت «کورش پردازان آی‌سا» با نام مستعار «کورش کمپانی» یکی از بزرگترین کلاهبرداری‌های تاریخ اقتصادی ایران را به بهانه فروش موبایل آیفون زیر قیمت بازار انجام داده و سرمایه بیش از ۲۰۰ هزار شهروند را به جیب زده است.

امیرحسین شریفیان مالک کورش کمپانی متولد ۱۳۷۵ و «سرباز فراری» است که پس از کلاهبرداری بزرگ به خارج از کشور گریخته است. این کلاهبرداری با استفاده از سلبریتی‌ها از جمله ده‌ها ورزشکار و سینماگر در تبلیغاتی با ترغیب مردم به سرمایه‌گذاری در این شرکت صورت گرفته است.

همچنین شواهد نشان می‌دهد مدیر عامل این شرکت از حمایت ویژه افراد یا جریانانی درون حکومتی برخوردار بوده و توانسته به راحتی یک کلاهبرداری بزرگ از اموال مردم را سازماندهی و اجرا کند.

در روزهای گذشته موج گسترده انتقادات هم به سلبریتی‌هایی که در برابر دریافت وجوهی این شرکت را تبلیغ و برای آن نزد افکار عمومی اعتمادسازی کرده‌اند به راه افتاده است.

همزمان گزارش شده که اغلب مالباختگان از «کورش کمپانی» شکایت کرده‌اند و بخشی از آنها شکایتی از سلبریتی‌ها نیز به ثبت رساندند. بسیاری از مالباختگان این شرکت معتقدند مردم به خاطر تبلیغات سلبریتی‌ها و ورزشکاران، به «کورش کمپانی» اعتماد کرده و برای خرید آیفون ۲۰ میلیون اقدام کردند.

از سوی دیگر کارشناسان و تحلیلگران نیز اصل انتقاد را متوجه دولت و وزارت صمت و همچنین مراکز نظارتی مانند پلیس نظارت می‌دانند که با صدور مجوز و چشم بستن بر آنچه در این شرکت در جریان بوده، بستر چنین کلاهبرداری‌های هنگفتی را برای یک جوان دهه هفتادی ایجاد کردند.

وزارت صنعت، معدن و تجارت در برابر موج گسترده

کالا را ارزن خریداری کرده و در بازار آزاد به قیمت بیشتری فروخت و سود کسب کرد.

روزنامه «دنیای اقتصاد» به ساختار دلال‌پروری جمهوری اسلامی اشاره کرده و نوشته که «تفاوت قیمت گاه صد درصدی خودرو بین کارخانه و بازار، سودهای بسیار کلانی را نصیب دلالان و واسطه‌گران کرده است؛ آنهم در شرایطی که فعالیت اقتصادی مولد، یعنی تولید، در این فرآیند مهجور مانده و با زیان‌های نجومی دست و پنجه نرم می‌کند. وضعیت در مورد خودروهای وارداتی نه تنها بهتر نیست بلکه می‌توان گفت بسیار تشدید یافته‌تر ظهور کرده است؛ بطوری که ثبت‌نام‌کنندگان خرید خودروهای وارداتی که اسفندماه سال گذشته ۵۰۰ میلیون تومان مسدود کرده و تنها یک ماه بعد توانستند آن را برداشت کنند، حالا با امتیازی که برای خرید این خودروها به دست آورده‌اند به سودهای چندین میلیارد تومانی دست پیدا کرده‌اند. وضعیت فروش حواله‌های خودرو که تعبیری جز فروش شانس نمی‌توان برای آن به کار برد نیز کاملا در سطح شهر قابل مشاهده است. تقریباً در هر خیابانی می‌توان آگهی‌هایی با عنوان «حواله فروش خودرو شما را خریداریم» دید.»

اینهمه در حالیست که این شرکت با مجوزهای رسمی آغاز به فعالیت کرده و در مدت کوتاهی توانسته بدون نظارت نهادهای صنفی و پلیس نظارت و دولت، پول هنگفتی از جیب ده‌ها هزار نفر بردارد و فرار کند. برای نمونه این شرکت دارای نشان «ای‌نماد» یعنی «نماد اعتماد الکترونیکی» است که بر اساس آن نماد شهروندان به شرکت اعتماد کرده و سرمایه خود را به آن سپردند.

رضا قربانی رئیس کمیسیون فین تک سازمان نصر تهران و کارشناس فناوری مالی معتقد است: «مسئول اصلی این اتفاق نهادهای تنظیم‌گر دولت و قوه قضائیه هستند؛ چرا که در قوه قضائیه نهادی وجود دارد به عنوان «معاونت امور اجتماعی و پیشگیری از جرم» که باید در این زمینه اکنون پاسخگو باشد. از سوی دیگر در پلیس فراجا بخشی با عنوان «پلیس پیشگیری» وجود دارد که آنجا هم باید پاسخگو باشد. این بخش‌ها باید گزارش منتشر کنند که چه کارهایی برای پیشگیری از وقوع چنین جرمی کرده‌اند.»

رضا قربانی افزوده که «نهادهای صنفی همچون اتحادیه فناوران رایانه، اتحادیه کسب و کارهای مجازی، سازمان نظام صنفی و بسیاری دیگر در این مسئله مسئول هستند. حتی اتحادیه فناوران رایانه مدتی پیش می‌گفت فضای مجازی را می‌توانیم تنظیم‌گری و مدیریت کنیم. اکنون این نهادهای صنفی چه گزارشی در این زمینه دارند؟ سازمان تعزیرات نیز باید بگوید که چه گزارشی در خصوص این شرکت دارد و چرا به فروش، قیمت، انبار و نحوه واردات و خیلی از مسائل این شرکت بی تفاوت بوده است؟ مثلاً مرکز توسعه تجارت الکترونیک و وزارت صمت کجا بوده‌اند؟»

در آنسو اما مقامات دولتی واکنش بسیار محدودی به این کلاهبرداری نداشتند. داوود منظور رئیس سازمان برنامه و بودجه گفته «در جایی خواندم در سال‌های اخیر ۳۲ مورد کلاهبرداری مشابه کورش کمپانی رخ داده و ۲۲۰ هزار نفر مالباخته گرفتار شده‌اند. مراقب سرمایه‌های خود باشید.»

او افزوده که «کلاهبرداری‌های پانزی معمولاً با وعده سودهای بالا در قالب طرح‌های سرمایه‌گذاری، شرکت‌های بازاریابی شبکه‌ای و ارزهای دیجیتال انجام می‌شود.»

در این میان، کلاهبرداری بزرگ «کورش کمپانی» اگر برای مردم زیان داشته اما برای قوه قضاییه جمهوری اسلامی نان و آب داشته و هر مالباخته برای ثبت شکایت از این کمپانی باید ۲۳۰ هزار تومان پرداخت کند. این رقم با توجه به بیش از ۲۰۰ هزار مالباخته بیش از ۴۵ میلیارد تومان خواهد شد.

دور جدید اعتصاب کارگران گروه ملی فولاد اهواز؛ «نه تهدید نه زندان، دیگر اثر ندارد»

● دور تازه اعتصاب کارگران گروه ملی فولاد اهواز روز سه‌شنبه اول اسفندماه در اعتراض به اخراج و تعلیق شماری از کارگران معترض و اجرای ناقص طرح طبقه‌بندی مشاغل آغاز شد.

● کارگران اعتصاب‌کننده همزمان با تظاهرات در خیابان‌های اهواز شعارهایی چون «نه تهدید نه زندان، دیگر اثر ندارد» و «کارگر می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد» سر دادند. منابع کارگری گزارش می‌دهد جدا از تعلیق و ممنوع‌الورود شدن ده‌ها کارگر این مجتمع از ابتدای پاییز تا کنون، شماری از کارگران نیز به جای پاسخ گرفتن درباره حقوق صنفی خود، در فهرست اخراج قرار دارند.

کارگران بخش‌های مختلف گروه ملی صنعتی فولاد ایران در اهواز روز چهارشنبه دوم اسفند در دومین روز پیاپی، دور تازه‌ای از اعتصابات خود را برگزار کردند. کارگران گروه ملی فولاد از ابتدای پاییز تا کنون بارها اعتصاب کرده و دست از کار کشیده‌اند.

دور تازه اعتصاب کارگران گروه ملی فولاد اهواز روز سه‌شنبه اول اسفندماه و در اعتراض به اخراج و تعلیق شماری از کارگران معترض و اجرای ناقص طرح طبقه‌بندی مشاغل آغاز شد. این اعتصاب با وجود تهدیدهای گسترده امنیتی امروز چهارشنبه دوم اسفندماه نیز برای دومین روز پیاپی ادامه یافت.

کارگران گروه ملی فولاد صبح چهارشنبه در محوطه این مجتمع بزرگ صنعتی تجمع کرده و سپس از محل شرکت تا میدان «بقایی» در ابتدای جاده اهواز- خرمشهر دست به راهپیمایی اعتراضی زدند.

کارگران اعتصاب‌کننده همزمان با تظاهرات در خیابان‌های اهواز شعارهایی چون «نه تهدید نه زندان، دیگر اثر ندارد» و «کارگر می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد» سر دادند.

فعالیت تولیدی در اکثر بخش‌های مجتمع صنعتی گروه ملی فولاد اهواز از دیروز متوقف شد. این اعتصاب از سوی خیرگزاری «ایلنا» در تهران هم بازتاب یافته است. «ایلنا» گزارش داده که کارگران به مسدود شدن کارت تردد پنج نفر از همکارانشان معترض هستند.

پنج کارگری که با مسدود شدن کارت تردد به شرکت در عمل تعلیق شده‌اند، روز دوشنبه ۳۰ بهمن‌ماه در اعتراض به بی‌پاسخ ماندن مطالبات صنفی کارگران گروه ملی فولاد اهواز، مقابل در ورودی این مجتمع تحصن کرده بودند.

منابع کارگری گزارش می‌دهد جدا از تعلیق و ممنوع‌الورود شدن ده‌ها کارگر این مجتمع از ابتدای پاییز تا کنون، شماری از کارگران نیز بجای پاسخ گرفتن درباره حقوق صنفی خود، در فهرست اخراج قرار دارند.

«اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل»، «همسان‌سازی

ممکن است از جنبه کیفری مثلاً عنوان کنند ما نمی‌دانستیم و سوءنیت نداشتیم و وحدت قصد نداشتیم اما به هر حال از باب مسئولیت مدنی باید پاسخگو باشیم.»

امیرحسین شریفیان مدیر عامل کوروش کمپانی و طراح این کلاهبرداری کلان که گفته می‌شود هم‌اکنون در کشور دبی است، در یک گفتگوی اینترنتی اعلام کرده که «تعداد سلب‌ریتی‌هایی که تبلیغ کوروش کمپانی را کرده‌اند حدود ۴۰۰، ۵۰۰ نفر بوده و رقم‌هایی دریافتی برای تبلیغ از یک میلیون تومان بوده تا ۲۰، ۱۵ میلیون تومان! به عنوان مثال بازیکن تیم ملی ۲۰ میلیون تومان گرفته و تبلیغ کرده است. چون ما یک دوستی قدیمی با هم داشتیم.»



او همچنین در موضع طلبکار صحبت کرده و گفته «در حال حاضر همه انگشت اتهامشان به سمت سلب‌ریتی‌ها و تبلیغات چی‌ها دراز شده است. دولت تماس گرفته که باید برگردم و پول‌ها را به این افراد برگردانم. آیا پدیده شاندیز که بارها صداسیما تبلیغاتش را کرد، صداسیما پول مردم را پس داد؟ ما در برابر امثال مدیرعامل چای دیش سر سوزنی هم شبیه‌شان نیستیم.»

امیرحسین شریفیان گفته شرکت را تخلیه نکرده بلکه مردم اموال او را غارت کردند! وی همچنین مدعی شده بدهی‌اش تنها ۱۵۰ میلیارد تومان است!

در حالیکه منابع رسمی رقم کلاهبرداری کوروش کمپانی را ۲ هزار میلیارد تومانی معادل حدود ۳۵۰ میلیون دلار عنوان کردند. مسعود ستایشی سخنگوی قوه قضاییه گفته که «مدیرعامل شرکت کوروش کمپانی به اتهام کلاهبرداری تحت تعقیب است و اموال منقول این شرکت در نقاط مختلف کشور مانند قایق‌هایی در جزیره کیش شناسایی و توقیف شده است.»

سخنگوی قوه قضاییه همچنین گفته تاکنون هزار و ۵۰۰ نفر در تهران علیه این شرکت شکایت کرده‌اند. گزارش‌های غیررسمی اما حکایت از آن دارد که چند مالباخته این شرکت که ارقام بالایی در آن سرمایه‌گذاری کرده بودند اقدام به خودکشی کرده‌اند.

از سوی دیگر برخی ابهامات درباره این پرونده همچنان بی‌پاسخ مانده است؛ از جمله اینکه یک «سرباز فراری» چگونه و با چه روابطی توانسته دست‌کم از سه سال پیش تاکنون ثبت شرکت کند و فعالیت گسترده بانکی و اقتصادی با دریافت مجوزهای مختلف داشته و بعد هم از کشور خارج شود؟

➔ کار کشور در اختیار بگیرد، نکته مهمی است که مسئولان وزارت صمت باید پاسخگوی آن باشند؟

برخی اظهار نظرهای روزهای گذشته نیز بیانگر بهره‌مندی مدیریت این شرکت از رانت و روابط حکومتی است. مهدی اسدی رئیس انجمن واردکنندگان موبایل، تبلت و لوازم جانبی هم در گفتگو با خیرگزاری «ایسنا» گفته که «این شرکت اصلاً دارای مجوز واردات آیفون نبوده و موبایل‌های آیفون را از طریق واردکنندگان داخلی تهیه کرده و در گذشته نیز دو مرتبه دفتر آنها پلمب شد که متأسفانه بنا بر دلایلی که مطلع نیستیم، مجدداً بازگشایی شد.»

در این میان به نظر نمی‌رسد اراده‌ای در حکومت برای

از میان برداشتن مسیرهایی که سبب ظهور بروز «کوروش کمپانی»‌ها می‌شود داشته باشد.

مسعود ستایشی سخنگوی قوه قضاییه بدون اشاره به مسئولیت وزارت صمت و نهادهای دیگر دولتی و صنفی در صدور مجوز و عدم کنترل این شرکت، اعلام کرده که تعدادی از چهره‌های مطرح که برای این شرکت مبادرت به «تبلیغات ناصحیح» کرده‌اند، باید مبالغ دریافتی را به صندوق دولت برگردانند.

در این میان برخی از سلب‌ریتی‌ها هم با بروز موجی از انتقاد و خشم شهروندان علیه آنها که برای پول به هر اقدامی دست می‌زنند، از مردم عذرخواهی کرده و برخی دیگر از خود اعلام براءت کرده‌اند!

الهام حمیدی بازیگر سینما با انتشار ویدئویی از مردم پوزش خواسته و مدعی شده که «همه پول تبلیغ کوروش کمپانی را به حساب اعلامی مراجع قضایی برگشت دادم.» در مقابل اما محسن افشانی بازیگر و مجری که از جمله افرادی بود که برای کوروش کمپانی تبلیغات انجام داده بود، با انتشار ویدئویی سلب مسئولیت کرده و گفته که «کوروش کمپانی را تبلیغ کردم، اما الان که این شرکت جمع کرده و رفته به من ارتباطی ندارد.»

این در حالیست که عبدالصمد خرمشاهی وکیل دادگستری روز گذشته به خیرگزاری «ایسنا» گفته بود تبلیغات برخی رسانه‌ها و افراد مشهور برای «کوروش کمپانی» وقوع جرم را تسهیل کرده و آنها در قبال این تبلیغات مسئول هستند. این وکیل دادگستری افزوده بود که «مردم با اعتبار و اعتماد به تبلیغات افراد مشهور به این شرکت اعتماد کردند و کلاه سرشان رفت؛ لذا مسئولیت متوجه این افراد است.

دیگر، به شخصیت و شعور کارگر توهین کردند، که مطمئناً مجموع این توهین‌ها بی‌جواب نخواهد ماند.»

این بیانیه افزوده که «کارگران شرکت گروه ملی در طول این دو سال به اندازه کافی از خود حسن نیت نشان دادند و اگر مسئولین استانی و کشوری متوجه حسن نیت کارگر

مشخص و تصمیم جمعی سه هزار نفره، اهواز و خوزستان را به لرزه در می‌آورند.

در ادامه این متن آمده که «می‌خواهیم فرزندانمان با طین عدالت‌طلبی ما به وجد آیند. بگذار مبارزانی باشیم که در چشمان طبقه کارگر برق جوشش و پویش می‌اندازند.»

حقوق‌ها» و «بازگشت به کار همکاران اخراجی» سه خواسته اصلی کارگران گروه ملی فولاد اهواز است.

اعتراضات دیگری از سوی کارگران گروه ملی از اوایل پاییز تا کنون برگزار شده است. همراه امسال دادگاه انقلاب اهواز ۱۷ کارگر گروه ملی فولاد را که پیشتر در اعتراضات



نشدند، یا با حسن نیت میانه‌ای ندارند یا حسن نیت کارگر را نشانه‌ای از ترس می‌دانند که در مورد دوم بارها ثابت کردیم ترس در قاموس کارگری که برای نان با فولاد گداخته می‌جنگد جایگاهی ندارد.»

از هفته سوم بهمن‌ماه بار دیگر اعتراضات در مجتمع گروه ملی فولاد اهواز اوج گرفت. کارگران این مجتمع روز شنبه ۲۱ بهمن ۱۴۰۲ در «اعتصابی اختطاری» برای ساعاتی تولید را متوقف کردند.

دو روز بعد و در روز دوشنبه ۲۳ بهمن گروهی از کارگران گروه ملی صنعتی فولاد با توقف خط تولید در برخی بخش‌ها، مقابل ساختمان معاونت امور اجتماعی دست به تجمع اعتراضی زدند.

روز سه‌شنبه ۲۴ بهمن کارگران تمامی بخش‌ها با ادامه اعتصاب و توقف فعالیت‌های کارخانه‌ها، مقابل دفتر اداری تجمع کردند. روز چهارشنبه ۲۵ بهمن‌ماه نیز اعتصاب همچنان ادامه داشت و تمام بخش‌ها فعالیتشان را متوقف کرده بودند.

گروه ملی صنعتی فولاد ایران پیش از این زیر نظر گروه سرمایه‌گذاری امیرمنصور آریا، متهم پرونده اختلاس سه هزار میلیارد تومانی اداره می‌شد. پس از تشکیل پرونده قضایی و اعدام او، مالکیت شرکت به بخش خصوصی واگذار شد. کارگران صنایع، فعالان اصناف مختلف و بازنشستگان در ماه‌های اخیر تجمعات اعتراضی زیادی را در راستای رسیدگی به وضع معیشتی خود برگزار کرده‌اند.

شماری از این تجمعات با هجوم نیروهای نظامی و امنیتی و تشکیل پرونده قضایی برای معترضان و تجمع‌کنندگان روبه‌رو شده‌اند.

این نهاد صنفی در پایان تأکید کرده که «تازه آغاز راهیم؛ نبردی دشوار که وسوسه تسلیم در آن راه ندارد. گفته بودیم می‌آییم؛ این آغاز راه است!»

علی محمدی مدیر عامل گروه ملی فولاد ایران اهواز پس از اعتصاب کارگران همه بخش‌های کارخانه در روز شنبه دوم دی، در توضیح مسدود شدن کارت ورودی ۲۱ تن از کارگران گفته بود که «با هماهنگی شورای تامین استان کارت حدود ۲۰ نفر بسته شده است تا تجمعات با متوقف کردن خطوط تولید دنبال نشود. کمیته عالی منابع انسانی فعلاً تصمیم بر بستن کارت‌ها گرفته و این تصمیم با هماهنگی شورای تامین انجام شده است.»

کارگران پس از چند روز اعتصاب، طی مذاکراتی که با مدیران شرکت و مقامات استان خوزستان انجام دادند، راضی شدند فرصتی دوباره به مدیریت شرکت بدهند و اعتصاب را پایان دادند.

با گذشت حدود یک ماه و از سوم بهمن‌ماه و با بی‌پاسخ ماندن خواسته‌هایشان بار دیگر اعتصاب کردند بطوریکه گستردگی شمار کارگران اعتصاب‌کننده سبب تعطیل شدن خطوط تولید در این مجتمع صنعتی بزرگ شد.

کارگران گروه ملی فولاد اهواز عصر روز پنجشنبه پنجم بهمن‌ماه و در پایان سومین روز از اعتصاب خود در بیانیه‌ای با انتقاد از «نگاه برده‌داری» مسئولان استانی، بانکی و شرکتی در استان خوزستان به کارگران، «وقت‌گشی» مدیران در پاسخگویی به مطالبات را توهین به شخصیت و شعور کارگران ارزیابی کردند.

این بیانیه تأکید کرده بود که «امروز مسئولین با وقت‌کشی و موکول کردن نتیجه مذاکرات به جلسه‌ای

صنفی این واحد صنعتی شرکت داشتند به سه ماه زندان، تحمل ۷۴ ضربه شلاق تعزیری و دو میلیون و ۵۰۰ هزار تومان جزای نقدی محکوم کرد.

همزمان با صدور این حکم، خبرگزاری «ایلنا» گزارش داد که پیش از این شکایت شرکت از کارگران در سال گذشته در پی تجدیدنظر دادگاه به «قرار منع تعقیب» ختم شده بود که شرکت شاکو دوباره اقدام به شکایت از کارگران معترض کرد و حالا این کارگران محکوم شدند.

با اینهمه از ماه گذشته اعتراضات و اعتصابات در این مجتمع صنعتی و با مسدود شدن کارت ۲۱ نفر از کارگران این شرکت و با انباشت مطالبات صنفی از جمله اجر نشدن طرح طبقه‌بندی مشاغل شدت گرفته است.

منابع کارگری می‌گویند برخلاف وعده مدیران این مجتمع که قرار بود طرح طبقه‌بندی مشاغل در حقوق دی ماه کارگران اعمال شود، اما انجام نشده است.

کارگران از دوم دی‌ماه اعتصابی بزرگ را با مشارکت صدها کارگر رقم زدند. گروه تلگرامی «صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد» در بیانیه‌ای از ترفندهای حکومت برای در هم شکستن اعتصاب کارگران خبر داد.

در این بیانیه که پس از شش روز اعتصاب کارگران صادر شد آمده بود که «در شش روز نخست اعتصاب، تمام ارگان‌های حاکمیت بنا بر سهم خود از غارت شرکت، چشم به اعتراض کارگران دوختند و از هر راه و روشی برای ایجاد تفرقه و بر هم زدن عزم اعتصاب از طریق دادن وعده‌های توخالی و اعمال فشارهای امنیتی و نظامی استفاده کردند.» آنان خطاب به حکومت تأکید کردند اگر قرار باشد «گروه» ملی به «گره» ملی تبدیل شود، کارگران با سازماندهی

روز ایران در برلیناله با اکران «کیک محبوب من» در غیبت بهتاش صناعی فر و مریم مقدم



لیلی فرهادپور و اسماعیل محرابی با عکسی از کارگردانان ممنوع‌الخروج فیلم بهتاش صناعی‌ها و مریم مقدم

این فیلم را در مملکت خودمان و برای مردم سرزمین‌مان نمایش دهیم. آن روز بی‌شک روز دیگری و نه شبیه امروز، برای سینمای ایران و برای مردم ایران خواهد بود.» از این دو کارگردان در سال ۲۰۲۱ میلادی «قصیده گاو سفید» در همین جشنواره اکران شد که بسیار مورد توجه قرار گرفت. این فیلم که موضوع آن قصاص و اعدام یک بی‌گناه است، هرگز در ایران مجوز نمایش نیافت و متهم به زیر سوال بردن سیستم قضائی جمهوری اسلامی شد.

این اولین بار نیست که جمهوری اسلامی مانع حضور کارگردانان ایرانی در زمان اکران فیلم‌هایشان در جشنواره برلین می‌شود. در سال‌های گذشته هنگام اکران «تاکسی» جعفر پناهی نیز صندلی‌ای که قرار بود کارگردان در برلیناله روی آن بنشیند خالی ماند. محمد رسول‌اف نیز در زمان اکران «شیطان وجود ندارد» نتوانست در برلیناله حضور پیدا کند. البته هر دو فیلم مهم‌ترین جایزه این جشنواره، یعنی «خرس طلائی» را به دست آوردند. تنها کارگردان ایرانی که توانست «خرس طلائی» را از دستان مدیران برلیناله دریافت کند، اصغر فرهادی برای «جدائی نادر از سیمین» بود.

در روزهای آینده ۵ فیلم دیگر از کارگردانان ایرانی در هفتاد و چهارمین جشنواره برلین اکران خواهند شد: «خمیازه بزرگ» به کارگردانی علی‌یار راستی در بخش «مواجهه»، فیلم کوتاه «گوسفند»، کاری از هادی بابائی‌فر، و مستند «میدگل» از سروناز عالم‌بیکری در بخش «نسل»، مستند «سپاره دزدیده شده من» از فرحناز شریفی در بخش «فوروم» و بالاخره «شهید» کاری از نگس کلهر که در سال ۱۳۸۸ پس از شرکت در جشنواره فیلم حقوق بشری نورنبرگ با فیلمی با موضوع شکنجه به آلمان پناهنده شد و دیگر به جمهوری اسلامی بازنگشت. البته در بخش «کلاسیک»، نسخه مرمت شده «زمان بلوغ» سهراب شهید ثالث نیز گنجانده شده است.

می‌کنیم والدینی هستیم که حتی از نگاه کردن به فرزند تازه متولد شده خود منع می‌شوند. ما غمگین و خسته هستیم، اما تنها نیستیم. این جادوی سینما است، سینما ما را به یکدیگر نزدیک می‌کند. این دریچه‌ای است که زمان و مکانی برای ما می‌گشاید.»

داستان این فیلم درباره زنی ۷۰ ساله به نام مهین (لیلی فرهادپور) است که تنها زندگی می‌کند، ولی تصمیم می‌گیرد وارد رابطه‌ای عاشقانه شود. آشنایی او با یک مرد (اسماعیل محرابی) به یک شب خاطره‌انگیز و فراموش‌نشده تبدیل می‌شود. داستان این فیلم به روایت این دو کارگردان، «داستانی است از واقعیت روزمره زندگی زنان طبقه متوسط ایران و نگاهی است از نزدیک به تنهایی یک زن در آستانه سالمندی. مقطعی از زندگی زنان که داستان‌های معمولاً شنیده نمی‌شود. روایتی برخلاف تصویر رایج از زن ایرانی و شبیه به قصه زندگی بسیاری از مردم تنهایی این کره خاکی. قصه‌ای درباره چشیدن لحظه‌های شیرین و کوتاه زندگی.»

بهتاش صناعی‌ها و مریم مقدم در ادامه این نامه که خطاب به مدیران جشنواره و روزنامه‌نگاران نوشته شده است می‌افزایند: «ما به این باور رسیده‌ایم که دیگر نمی‌توان قصه زن ایرانی را با قوانین دست و پا بسته‌ای چون حجاب اجباری تعریف کرد. زنانی که خطوط قرمز هرگز اجازه نداده زندگی واقعی‌شان تصویر شود و ما اینبار تصمیم گرفتیم با شکست تمام این خطوط قرمز دست و پاگیر و با قبول عواقب این انتخاب، سراغ ارائه یک تصویر واقعی از زن ایرانی برویم. تصویری که بعد از انقلاب اسلامی و تا به حال در سینمای ایران ممنوع بوده است.»

بهتاش صناعی‌ها و مریم مقدم اکران جهانی فیلم خود در جشنواره برلین را به زنان ایرانی تقدیم کرده‌اند که در خط مقدم اعتراضات «زن زندگی آزادی» جان خود را فدا می‌کنند، و در پایان ابراز امیدواری کردند «روزی فرا برسد که بتوانیم

● هفتاد و چهارمین جشنواره سینمایی برلین یا برلیناله پنجشنبه ۲۶ بهمن آغاز به کار کرد و ۷ اسفند با انتخاب بهترین‌ها به کار خود پایان خواهد داد.

● دو صندلی خالی در جریان نشست رسانه‌ای فیلم «کیک محبوب من» یادآور ممنوع‌الخروجی بهتاش صناعی‌فر و مریم مقدم، کارگردانان این فیلم بودند که در دومین روز جشنواره اکران شد.

● در نشست رسانه‌ای «کیک محبوب من» لیلی فرهادپور و اسماعیل محرابی بازیگران این فیلم حضور داشتند که نامه مشترک این دو کارگردان را به نمایندگی از آنها خواندند.

● در روزهای آینده ۵ فیلم دیگر از کارگردانان ایرانی در هفتاد و چهارمین جشنواره برلین اکران خواهند شد. نسخه مرمت شده «زمان بلوغ» سهراب شهیدثالث نیز در بخش «کلاسیک» گنجانده شده است.

احمد رأفت - هفتاد و چهارمین جشنواره سینمایی برلین یا برلیناله پنجشنبه ۲۶ بهمن با اکران فیلم «چیزهای کوچک مثل این» به کارگردانی تیم میلانتیس بلژیکی آغاز به کار کرد. این فیلم به داستانی واقعی می‌پردازد که در سال‌های اخیر شوک بزرگی را به ساکنان ایرلند شمالی وارد کرد. هزاران زن که توسط کلیسای کاتولیک ایرلند بدکاره به حساب می‌آمدند به رختشویی صومعه «مگ‌دالن» فرستاده می‌شدند تا «گناهان خود را بشویند». کیلیان مورفی بازیگر «اینهایمر» نقش اصلی این فیلم را ایفا می‌کند. «چیزهای کوچک مثل این» روایت یک تراژدی است و جنایاتی که به نام مذهب صورت گرفته‌اند.

روز دوم این جشنواره را که با انتخاب بهترین‌های بخش‌های مختلف ۷ اسفند به کار خود پایان خواهد داد، می‌توان روز سینمای ایران نامید. جمعه ۲۷ بهمن فیلم «کیک محبوب من» کار مشترک بهتاش صناعی‌ها و مریم مقدم در حالی اکران شد که این دو کارگردان نتوانستند به برلین سفر کرده و در این مراسم شرکت کنند. بهتاش صناعی‌ها و مریم مقدم با اتهاماتی چون «تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت ملی» ممنوع‌الخروج هستند.

نشست خبری این فیلم در جشنواره برلین بدون حضور این زوج هنری و همراه با دو صندلی خالی برگزار شد. بهتاش صناعی‌ها و مریم مقدم، شه‌ریور گذشته در حالی که برای تکمیل امور فنی فیلم خود قصد سفر به فرانسه را داشتند، ممنوع‌الخروج شدند و جمهوری اسلامی گذرنامه‌های آنها را توقیف کرد. مدیران برلیناله امیدوار بودند که مقامات جمهوری اسلامی با سفر آنها به آلمان برای شرکت در جشنواره موافقت کنند. امیدی که تحقق پیدا نکرد و این زوج هنری نتوانستند در شب فیلم خود حضور داشته باشند. لیلی فرهادپور با عکس کارگردان فیلم که به دلیل ممنوع‌الخروجی نتوانستند در برلیناله حضور داشته باشند

در نشست رسانه‌ای «کیک محبوب من» لیلی فرهادپور و اسماعیل محرابی، بازیگران این فیلم حضور داشتند. در ابتدای این نشست، لیلی فرهادپور نامه مشترک این دو کارگردان را به نمایندگی از آنها خواند. در آغاز این نامه بهتاش صناعی‌ها و مریم مقدم می‌نویسند: «امروز فیلمی که سه سال از عمر خود را صرف ساخت آن کردیم، متأسفانه بدون حضور ما در اینجا به نمایش درمی‌آید، ما احساس

آمار خودکشی رزیدنت‌ها و دستیاران تخصصی پزشکی ۱۰ برابر خودکشی جمعیت عمومی

آنها که می‌مانند اما با مشکلاتی دست و پنجه نرم می‌کنند که به گفته خودشان «هفت خان رستم» است. کارزارهای اینترنتی مختلفی هم از سوی آنها به جریان افتاده است، اما صدای این اعتراض هم تاکنون به گوش مقامات نرسیده است.»

بابک شکارچی معاون آموزشی و پژوهشی سازمان نظام پزشکی ایران در گفتگو با این وبسایت گفته بود که «رزیدنتی هیچ زمان کار راحتی نبود، اما قبلا امید به آینده وجود داشت. مجموعه‌ای از مشکلات وجود دارد، اما حالا مشکل اصلی نداشتن امید به آینده است. پزشکانی که آموزش دیده‌اند تا سلامت مردم را تأمین می‌کنند، خودشان به بن‌بست خورده و خودکشی می‌کنند.»

بابک شکارچی توضیح داده بود که «امید به آینده لزوماً جنبه اقتصادی ندارد. امید به آینده می‌تواند اقتصادی، اجتماعی و معنوی باشد. نداشتن امید به آینده یکی از مهم‌ترین عواملی است که موجب شده دستیاران ما اقدام به خودکشی کنند. دلایل دیگری هم وجود دارد که این وضعیت را تشدید می‌کند. متناسب با شرایط اقتصادی فعلی، حقوق دستیاران پزشکی و پزشکان طرحی افزایش پیدا نکرده است.»

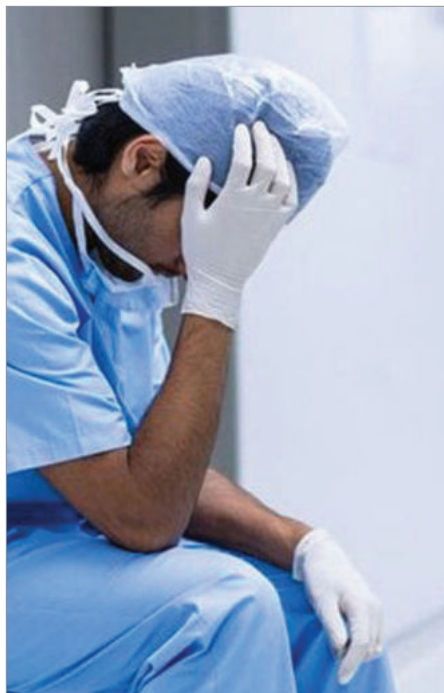
به گفته این مقام سازمان نظام پزشکی «دستیاران پزشکی [رزیدنت‌ها]، هشت تا ۱۱ میلیون تومان حقوق دریافت می‌کنند. با این میزان حقوق چطور باید زندگی خود را بگذرانند؟ حداقل حقوق کارگری را دریافت می‌کنند.»

او افزوده بود که «بطور کلی این پرداختی به دستیاران پزشکی را حقوق هم نمی‌گویند. به آن کمک هزینه تحصیلی می‌گویند. یعنی بر سر آنها منت گذاشته می‌شود. بنابراین اول باید آن را شغل در نظر بگیریم. این افراد دانشجو نیستند. پزشکانی هستند که می‌خواهند تخصص بگیرند. بنابراین چون پزشک هستند باید مزایای شغلی به آنها تعلق بگیرد. مزایای شغلی هم یعنی داشتن حقوق، بیمه و امتیازات دیگری که در مشاغل وجود دارد و شاغلان می‌توانند از آن بهره‌برند.»

انجمن علمی روانپزشکان ایران دی‌ماه امسال در نامه‌ای به ابراهیم رئیسی با اشاره به آمار بالای خودکشی در بین رزیدنت‌ها، هشدار داده که تداوم این روند زمینه‌ساز «فروپاشی نظام سلامت کشور» است.

در این نامه با اشاره به اینکه «فراوانی خودکشی پزشکان جوان و دستیاران پزشکی چندین برابر از آنچه در جمعیت عمومی کشور رخ می‌دهد، بالاتر است»، بر ضرورت تشکیل کمیته‌ای از متخصصان با اختیارات لازم برای مداخله فوری و جلوگیری از تبدیل روند کنونی خودکشی رزیدنت‌ها به یک بحران فراگیرتر تأکید کرده است.

نویسندگان این نامه افزوده‌اند «در ماه‌های اخیر شاهد موارد متعددی از فوت پزشکان جوان و دستیاران پزشکی به دلیل اقدام به خودکشی بوده‌ایم که باعث نگرانی شده است. لازم به ذکر است که فراوانی خودکشی در این گروه، شوربختانه چندین برابر از آنچه در جمعیت عمومی کشور رخ می‌دهد، بالاتر است. عوامل متعددی در پیدایش این امر سهم دارند که بسیاری از آنها مربوط به شرایط اجتماعی-اقتصادی-شغلی هستند. این پدیده نه تنها نشانگر وجود بحران و فشار در جامعه درمانی کشور به‌ویژه جوانان این عرصه است، بلکه به‌نوعی بازتابی از شرایط اجتماعی و نیازمند توجه جدی و فوری است.»



آن زمان به دلیل نبود شبکه‌های اجتماعی به گستردگی زمان حاضر، این مسائل برای عموم، اطلاع‌رسانی نمی‌شدند، مسئولان دانشگاه هم خانواده‌ها را متقاعد می‌کردند که موضوع خودکشی فرزندان را عمومی نکنند. دانشگاه علوم پزشکی تهران دو مورد خودکشی را نیز تصادف رانندگی علت مرگ عنوان کرده بود! او با اشاره به حقوق ناچیز و شرایط بحرانی زندگی و معیشت رزیدنت‌ها و انترن‌ها گفته بود که «مجرد ۸ میلیون، متاهل ۱۰ میلیون و متاهل بچه‌دار ۱۱ میلیون تومان دریافت می‌کنند.»

دکتر نازنین پزشک افزوده بود که «رزیدنت‌هایی داشتیم که کشیک ۷۲ ساعته داشتند. آخر کجای دنیا به رزیدنت ۷۲ ساعت کشیک می‌دهند؟! فشار کاری ۴ سال است و هر سال این فشار کاری سبک‌تر می‌شود ولی مسئله آزردهنده این بود که وقتی هر روز به بیمارستان می‌رفتیم می‌دیدیم قیمت‌ها هر روز بالاتر می‌رود، دلار بالاتر می‌رود، قیمت مسکن و مطب بالا می‌رفت، ولی خدماتی که قرار بود در آینده فروشنده آن باشیم پایین‌تر می‌رفت، شب‌ها و روزهایم در تاریکی، خستگی و فشار و توهین سپری می‌شد. در نهایت پسرخاله‌ام که در بازار موبایل‌فروشی دارد یا دخترعمه‌ام که ناخن‌کار شده سر ۵ سال بارشان را می‌بندند ولی من اگر بخواهم مطب بزنم می‌گویند دو سه سال برو طرح؛ طرح‌ها را که گذراندی در شهرستان، باید فلان کار را انجام دهی؛ بعد هم در تهران نمی‌توانی مطب بخری. این مسائل مرا ناامید می‌کرد. همه این شرایط طاقت‌فرسا باعث می‌شود تا رزیدنت‌هایی که سابقه افسردگی و مشکلات اقتصادی دارند دست به خودکشی بزنند.»

وبسایت «تجارت‌نیوز» ماه گذشته در رابطه با افزایش خودکشی در میان پزشکان و دندانپزشکان جوان نوشته که «برخی از فارغ‌التحصیلان پزشکی بطور کلی قید کار در ایران را می‌زنند. همان ابتدای مسیر مهاجرت از ایران را انتخاب می‌کنند.

● رئیس انجمن علمی روانپزشکان ایران: در یک سال گذشته ۱۶ دستیار تخصصی خودکشی کرده‌اند. البته وزارت بهداشت حتماً آمار دقیق‌تر و بیشتری دارد اما متأسفانه این آمار را محرمانه می‌دانند و اعلام نمی‌کنند.

● معاون آموزشی و پژوهشی سازمان نظام پزشکی ایران: رزیدنتی هیچ زمان کار راحتی نبود اما حالا مشکل اصلی نداشتن امید به آینده است.

رئیس انجمن علمی روانپزشکان ایران با اعلام آمار خودکشی ۱۶ رزیدنت پزشکی در یک سال گذشته گفته است «۳۰ درصد دستیاران پزشکی به خودکشی فکر می‌کنند.» آمار خودکشی در ایران صعودی است و در این میان خودکشی دانشجویان پزشکی و رزیدنت‌ها، به پدیده‌ای تکانه‌دهنده تبدیل شده است.

در همین رابطه وحید شریعت رئیس انجمن علمی روانپزشکان ایران به خبرنگاری «ایرنا» گفته که «مشاهدات میدانی نشان می‌دهد میزان خودکشی بطور کلی در کل جمعیت کشور افزایش پیدا کرده اما بطور خاص در بین دستیاران پزشکی این افزایش بسیار بیشتر از جمعیت عمومی است.»

به گفته رئیس انجمن علمی روانپزشکان ایران «نتایج تحقیقی که در سال ۱۴۰۱ بر روی تعدادی از رزیدنت‌ها انجام شده، نشان داد حدود ۳۰ درصد دستیاران پزشکی به خودکشی فکر کرده‌اند. مهم‌تر از نتایج این تحقیق تعداد دستیاران پزشکی هستند که خودکشی موفق [منجر به مرگ] داشته‌اند.»

او افزوده «آماری که سازمان نظام پزشکی اعلام کرده نشان می‌دهد در یک سال گذشته ۱۶ دستیار تخصصی خودکشی کرده‌اند؛ البته وزارت بهداشت حتماً آمار دقیق‌تر و بیشتری دارد اما متأسفانه این آمار را محرمانه می‌دانند و اعلام نمی‌کنند.»

وحید شریعت همچنین با اعلام آمار خودکشی در کل اقصا و مقایسه آن با آمار خودکشی منجر به مرگ در میان رزیدنت‌ها گفته میزان «خودکشی موفق» در بین رزیدنت‌ها و دستیاران تخصصی پزشکی حدود ۱۰ برابر جمعیت عمومی است.

رئیس انجمن علمی روانپزشکان ایران توضیح داده که «شاخص آمار خودکشی بر مبنای تعداد در صدهزار نفر در سال است. اگر آمار ۱۶ خودکشی موفق رزیدنت‌ها را در یکسال اخیر مبنای قرار دهیم، با توجه به جمعیت حدود ۱۵ هزار نفری رزیدنت‌های کشور آمار خودکشی رزیدنت‌ها در ایران حدود ۱۰۰ در صدهزار نفر می‌شود. این آمار در جمعیت عمومی بر اساس آمار رسمی پزشکی قانونی ۶/۵ در صد هزار نفر است البته تخمین‌های غیررسمی این میزان را حدود ۱۰ در صدهزار نفر نشان می‌دهد. بر این اساس می‌توان برآورد کرد که میزان خودکشی موفق در بین رزیدنت‌ها و دستیاران تخصصی پزشکی حدود ۱۰ برابر جمعیت عمومی است که بسیار بالا و نگران‌کننده است.»

دکتر نازنین پزشک متخصص زنان و زایمان که به تازگی به تورنتو نقل مکان کرده نیمه بهمن امسال در رابطه با افزایش آمار خودکشی در میان رزیدنت‌ها و اینترن‌ها به «کیهان لندن» گفته بود که «موضوع خودکشی انترن‌ها و رزیدنت‌ها تنها به یکی دو سال گذشته خلاصه نمی‌شود، در سال‌های نخست دهه ۸۰ که دوران رزیدنتی خود را می‌گذراندم شاهد خودکشی دو نفر از رزیدنت‌ها بودم

دادستان کل کشور خواستار تشدید برخورد قضایی با مراکز سقط جنین شد

پارسل بهرام عین‌اللهی وزیر بهداشت جمهوری اسلامی دستورالعمل اجرای ماده ۵۳ قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» را با هدف «حفظ و مراقبت از جنین سالم» ابلاغ کرد.

بر اساس آن دستورالعمل، مادران باردار کمتر از ۳۵ سال که سابقه تولد فرزند دارای مشکلات ژنتیک و سندروم داون ندارند، نیاز به غربالگری ندارند، اما زنان بالای ۳۵ سال و کسانی که سابقه زایمان فرزند با مشکلات ژنتیک یا سندروم داون دارند، باید تحت غربالگری قرار گیرند.

این دستورالعمل همچنین تأکید می‌کند که «مباشرت یا معاونت در سقط جنین جرم‌انگاری و برای فرد خاطی جرایم سنگین در نظر گرفته می‌شود».

پیش از این مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی اعلام کرده که مواردی چون تورم و بیکاری در کاهش نرخ ازدواج اثرگذار بوده است. در گزارش این مرکز آمده بود که بالا بودن هزینه‌های آغاز زندگی، هزینه بالای مسکن، بیکاری و عدم اشتغال جوانان و پیدا نکردن گزینه مناسب ازدواج در سه اولویت اول عدم ازدواج به‌هنگام جوانان قرار دارند.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی همچنین به افزایش سن ازدواج در کشور اشاره کرده و نوشته بود که بر اساس داده‌های ثبت احوال و مرکز آمار ایران، روند تحولات شاخص‌های ازدواج به گونه‌ای است که نرخ ازدواج با کاهش و میانگین سن ازدواج با افزایش روبه‌رو بود.

بنا بر داده‌های مرکز آمار ایران، میانگین سن ازدواج مردان ۲۷/۷ سال در سال ۱۳۹۹ بود. در سال ۱۴۰۰ اما میانگین سن ازدواج مردان ۲۷/۸ سال و در سال گذشته به ۲۸ سال رسید. میانگین سن ازدواج زنان نیز از ۲۳/۴ سال در سال ۱۳۹۹ به ۲۳/۸ سال در سال ۱۴۰۱ رسید.

همچنین روزنامه «دنیای اقتصاد» در شماره روز پنجشنبه ۲۶ بهمن‌ماه، نوشت که نرخ رشد جمعیت در ایران در سال ۱۴۰۱ به ۰/۶ درصد و نرخ باروری نیز به ۱/۶۶ واحد رسیده است.

در این گزارش تأکید شد که وام فرزندآوری، قرعه‌کشی خودرو، یارانه دادن و افزایش مبلغ وام ازدواج از سوی دولت نیز برای بهبود وضعیت فرزندآوری راه به جایی نبرده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز در گزارش خود افزوده بود که مسئله ازدواج و الگوهای همسرگزینی نشان از کلیدی بودن متغیر سن ازدواج در این الگوهاست. افزایش سن ازدواج الگوهای آن را دچار تحول کرده است و شاخص‌های دیگر از جمله فرزندآوری، طول عمر، استحکام خانواده، ضرورت ازدواج و... را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

این گزارش همچنین تأکید کرده عوامل ذکر شده به ترتیب در حوزه‌های اقتصادی، اقتصادی-اجتماعی و اجتماعی-فرهنگی قرار دارند. به عبارتی می‌توان گفت عدم تغییر روند موجود و عدم توانمندسازی اقتصادی افراد در تأمین معاش یک خانواده نه‌تنها استحکام خانواده‌های موجود را تحت الشعاع قرار می‌دهد، بلکه شکل‌گیری خانواده‌های جدید را هم با مشکل مواجه کرده است.

در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس آمده که افراد در سطح اول رفع نیازهای خود با مشکل روبرو شده و به سطوح دیگر که تشکیل خانواده و تأمین نیازهای عاطفی را شامل می‌شود، وارد نمی‌شوند.



پلمب یک مطب در یزد به دلیل وجود داروهای سقط جنین

و فرزندآوری را طی یک سال گذشته کاهش داده است. بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران، در سال ۱۴۰۰ تعداد ازدواج ثبت‌شده ۵۷۲ هزار و ۱۱ مورد بود. سال گذشته اما با کاهش بیش از ۸ درصدی به ۵۲۴ هزار و ۱۳۹ مورد رسید. آمار ازدواج در تابستان و پاییز امسال هنوز منتشر نشده است. اما در بهار سال جاری تعداد ازدواج ثبت‌شده نسبت به بهار سال گذشته، بیش از ۹ درصد کاهش داشت. بهار سال گذشته ۱۴۳ هزار و ۶۹۷ ازدواج ثبت شد، در حالی که بهار امسال ۱۳۰ هزار و ۳۰۵ ازدواج ثبت شد.

بنا بر داده‌های مرکز آمار ایران، ۱۸۷ هزار و ۷۸۳ مورد طلاق در سال ۱۳۹۹ ثبت شد. در سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ اما به ترتیب تعداد طلاق ثبت‌شده به ۲۰۴ هزار و ۴۸۷ و ۲۰۴ هزار و ۳۰۱ مورد رسید. یعنی آمار طلاق در سال گذشته نسبت به سال ۱۳۹۹ حدود ۹ درصد افزایش داشت.

در همین بازه زمانی نرخ فرزندآوری نیز کاهش داشته است بطوریکه تعداد ولادت‌های ثبت‌شده در سال ۱۴۰۰، یک میلیون و ۱۱۶ هزار و ۲۱۲ نفر بود. سال گذشته آمار ولادت ثبت‌شده به یک میلیون و ۷۵ هزار و ۲۳۱ نفر رسید. یعنی تعداد ولادت‌ها حدود ۳/۷ درصد کاهش داشت.

تعداد ولادت‌های ثبت‌شده در بهار سال گذشته، ۲۵۷ هزار و ۶۴۹ نفر بود، اما در بهار سال جاری، ۲۵۲ هزار و ۶۵۱ ولادت ثبت شد. یعنی حدود ۲ درصد کاهش داشته است. تابستان سال جاری نیز نسبت به تابستان سال گذشته حدود ۲/۷ درصد کاهش داشته است.

علی‌خامنه‌ای اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۳ سیاست افزایش جمعیت و فرزندآوری را به دستگاه‌های مربوطه ابلاغ کرد و رواج ازدواج‌های سفید را دسیسه‌ی «صهیونیسم» و کاهش جمعیت ایران خواند. برنامه‌ها و طرح‌های افزایش جمعیت اما در سال‌های گذشته نتیجه مورد نظر رهبر جمهوری اسلامی را در پی نداشت.

ابراهیم رئیسی در آبان ۱۴۰۰ «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» را در ۷۳ ماده با تصویب مجلس شورای اسلامی ابلاغ کرد. شش ماه پس از ابلاغ قانون «جوانی جمعیت» از سوی ابراهیم رئیسی و در اواخر خرداد

● در این بخشنامه از دادستان‌های مراکز استان‌های سراسر کشور خواسته شده «شعب اختصاصی» و «قاضی مجرب» برای رسیدگی به سقط جنین‌های بدون مجوز تعیین شود.

● طی دو سال گذشته سقط جنین بطور ویژه جرم‌انگاری شده و حتی برای سقط‌های درمانی نیز شرایطی پیچیده گذاشته شده است.

● توقف تولید و واردات کیت‌های آزمایش غربالگری جنین و توقف توزیع وسایل پیشگیری از بارداری از مراکز بهداشت از جمله دیگر اقدامات جمهوری اسلامی برای افزایش زاد و ولد در ایران بوده است.

دادستان کل کشور با صدور بخشنامه‌ی خواستار شدت گرفتن برخورد با «مراکز غیرمجاز» و آنچه «شبکه‌های مجرمانه در مسیر سقط جنین» خوانده می‌شود شده است. جمهوری اسلامی هرچند بر فرزندآوری اصرار دارد اما زمینه‌ها و زیرساخت‌های افزایش جمعیت در کشور فراهم نیست و خانوارها به دلیل فقر و مشکلات معیشتی حاضر به بچه‌دار شدن نیستند.

بر اساس اعلام روابط عمومی داستانی کل کشور، محمد کاظم موحدی آزاد دادستان کل کشور در بخشنامه‌ای خطاب به دادستان‌های مراکز استان‌های سراسر کشور خواستار برخورد قاطع با مراکز غیرمجاز سقط جنین و شبکه‌های مجرمانه در این حوزه شد.

در این بخشنامه از دادستان‌های مراکز استان‌های سراسر کشور خواسته شده «شعب اختصاصی» و «قاضی مجرب» برای رسیدگی به این موضوع تعیین شود.

اعلام شده این بخشنامه «به منظور تحقق کامل اهداف «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» مورد تأکید قرار گرفته است.

در این بخشنامه آمده که «در صورتی که فعالیت‌های غیرمجاز در اماکن و مراکز سقط جنین غیرقانونی، برابر گزارش ضابطین قضایی یا بازرسان وزارت بهداشت، احراز شد؛ در چارچوب قانون ترتیبی اتخاذ شود که از ادامه فعالیت غیرمجاز مراکز یادشده جلوگیری شود.»

این بخشنامه افزوده که «موارد مربوط به این جرم در فضای مجازی را جهت اقدام مقتضی» به معاونت امور فضای مجازی دادستانی کل کشور نیز گزارش شود.

همچنین با اشاره به ممنوعیت خرید، فروش و پخش غیرمجاز داروهای رایج در سقط جنین، خارج از سامانه وزارت بهداشت، و همچنین نگهداری و حمل این داروها و تجهیزات بدون نسخه پزشک، از دادستان‌ها خواسته شده با جرایم مذکور برخورد قاطع قضایی صورت بگیرد.

طی دو سال گذشته سقط جنین به طور ویژه جرم‌انگاری شده و حتی برای سقط‌های درمانی نیز شرایطی پیچیده گذاشته شده است.

توقف تولید و واردات کیت‌های آزمایش غربالگری جنین، و توقف توزیع وسایل پیشگیری از بارداری از مراکز بهداشت که پیشتر رایگان در اختیار متقاضیان قرار می‌گرفت، از جمله دیگر اقدامات جمهوری اسلامی برای افزایش زاد و ولد در ایران بوده است.

جمهوری اسلامی در حالی سال‌هاست تبلیغات ایدولوژیک برای افزایش جمعیت و فرزندآوری راه انداخته که هیچ اقدام زیربنایی و ساختاری برای رسیدن به این اهداف انجام نداده است. آمارها نشان می‌دهد تورم و بیکاری نرخ ازدواج

بازداشت ۱۰ نوجوان اهل جوانرود به اتهام خوشحالی از باخت «تیم ملی» فوتبال



محمد یوسفی ۱۷ ساله، حمزه برزگر ۲۱ ساله، محمد محمودی ۱۶ ساله

فیلم‌های دوربین مداربسته آن محدود صورت گرفته بود. ما هم از فردای همان روز با ثبت شکایت خود پیگیر روند پرونده بودیم. بعد از چند روز و با انجام برخی تحقیقات اولیه وقتی مشخص شد که فرد شلیک کننده به سمت مهران، از مقامات نظامی است و به همین واسطه پرونده با صدور قرار عدم صلاحیت به دادرسی نظامی ارسال شد.» حمید سماک درباره روند پیگیری پرونده در دادرسی نظامی و چند و چون بازداشت متهم به قتل فرزندش گفته بود: «تحقیقات پرونده در دادرسی نظامی سرعت بیشتری به خود گرفت. همچنین دلایل متعدد و خاصی به دست آمد که اتهام را متوجه متهم فعلی پرونده می‌کرد تا اینکه در شب هفتم قتل مهران سماک، متهم دستگیر و با صدور بازداشت موقت روانه زندان شد. با صدور کیفرخواست پرونده به شعبه اول دادگاه نظامی یک گیلان ارجاع شد. دادگاه با تشکیل چند جلسه رسیدگی و تحقیقات گسترده، نهایتاً قتل مهران سماک را عمدی تشخیص داد و متهم را به مجازات قصاص نفس محکوم کرد، که پس از آن با فرجام خواهی متهم و وکلایش، پرونده به شعبه ۲۶ دیوانعالی کشور ارجاع شد، شعبه دیوان صرفاً یک مورد نقض تحقیقات گرفت و پرونده را به همان شعبه اعاده کرد. دادگاه نظامی یک گیلان پس از رفع نقض مورد نظر دیوانعالی کشور، مجدداً اقدام به صدور رای کرد. دادگاه نظامی گیلان اینبار هم قتل مهران سماک را عمدی تشخیص داد و حکم بر قصاص متهم داد.» پدر مهران سماک با انتقاد از نقض حکم متهم به قتل در دیوانعالی کشور گفته بود: «دیوان در حالی نظر هیات کارشناسان فراجا را تایید کرده که از فاصله حدود ۶ متری با تفنگ ساچمه‌ای به سمت مهران که داخل ماشین نشسته بود، شلیک شد و بیش از ۱۱۵ ساچمه فلزی به سر و صورت مهران اصابت و وارد جمجمه اش شد. براساس رای دادگاه نظامی یک گیلان، حتی یکی از موارد قانون نحوه بکارگیری سلاح توسط متهم در هنگام شلیک به مهران رعایت نشده است. با این اوصاف که به دقت در پرونده قید شده، سوال من این است که چطور می‌شود که دیوان نظر دادگاه نظامی را رد می‌کند و نظر کارشناسان را می‌پذیرد. آن هم در شرایطی که تیراندازی به سمت خودرو و سرنشینان، دارای شرایط خاصی است که در قانون مشخص شده است.»

این جوان فوتبال‌دوست به دلیل بوق زدن و شادی کردن از باخت تیم ملی فوتبال در خیابان، با شلیک مستقیم ماموران نیروی انتظامی کشته شد. با شکایت خانواده سماک، فرمانده نیروی انتظامی بندر انزلی از کار خود برکنار و دادگاهی شد. مجید احمدی وکیل خانواده مهران سماک ۲۵ بهمن‌ماه ۱۴۰۱ اتهام فرمانده سابق نیروی انتظامی انزلی را «عدم رعایت قانون به‌کارگیری سلاح منجر به قتل عمد» عنوان کرده بود. در خردادماه سال جاری فرمانده سابق نیروی انتظامی شهر انزلی در رابطه با پرونده مهران سماک در دادگاه به قتل عمد متهم و محکوم شد

با اینهمه شعبه ۲۶ دیوان عالی کشور در ۱۶ دی‌ماه حکم قتل عمد مهران سماک توسط فرمانده سابق نیروی انتظامی بندر انزلی را با استناد به نظریه کارشناسان فراجا، لغو و پرونده را برای بررسی مجدد به دادگاه نظامی استان قزوین ارجاع داد. به گزارش وبسایت امتداد، فرمانده سابق نیروی انتظامی بندر انزلی در حال حاضر و به گفته وکلای خانواده سماک، در زندان بسر می‌برد. اتهام او قتل عمد است هرچند که دیوان عالی کشور تا کنون دو بار حکم قصاص او را نقض کرده؛ یکبار با اتکا به «نقص تحقیقات» و بار دوم، با اتکا به «نظریه کارشناسان فراجا.»

حمید سماک پدر مهران سماک ماه گذشته در گفتگو با «امتداد» شب قتل فرزندش را اینطور توصیف کرد: «در شب بازی فوتبال ایران و آمریکا و بعد بازی، در حالی که مهران قصد داشت به محل کارش برود در محدوده چهارراه برق انزلی مورد هدف شلیک گلوله قرار گرفت و جانش را از دست داد. کمی بعد وقتی خبر به ما رسید، به بیمارستان انزلی رفتیم و در حالی که ممانعت می‌کردند، پیکر مهران را به خانه آوردیم و تا صبح در پارکینگ خانه نگه داشتیم و صبح جهت انجام کارهای کالبدشکافی و معاینات جسد به پزشکی قانونی مراجعه کردیم.»

وی اضافه کرده بود: «در لحظه تیراندازی و شلیک به سمت ماشین مهران سماک، بازپرس شعبه دوم بازپرسی دادرسی بندرانزلی با فاصله چند ماشین پشت سر ماشین مهران در حال حرکت بود که خودش لحظه توقف ماشین مهران را دیده بود و به همین دلیل از همان شب و با ورود او، تحقیقات و برخی اقدامات پرونده از جمله جمع‌آوری

● بر اساس گزارش‌ها، طی هفته گذشته دست کم ۱۰ کودک در شهر جوانرود به همین دلیل بازداشت شده‌اند که تا کنون هویت سه نفر از آنها به نام محمد یوسفی ۱۷ ساله، محمد محمودی ۱۶ ساله و حمزه برزگر ۲۱ ساله اعلام شده است.

● سال گذشته مهران سماک هشتم آذرماه ۱۴۰۱ در بندر انزلی به دلیل بوق زدن و شادی کردن از باخت تیم ملی فوتبال در خیابان، با شلیک مستقیم ماموران نیروی انتظامی کشته شد.

● هواداری حامیان حکومت ایران از «تیم ملی» و مواضع برخی بازیکنان آن در دفاع از رژیم باعث شد که بسیاری از مردم از این تیم فاصله بگیرند و اعضای آن را به بی‌تفاوتی و انفعال در برابر سرکوب معترضان متهم کنند و آن را «تیم جمهوری اسلامی» و «تیم ملا» بخوانند نه تیم ملی ایران.

«هه‌نگاو» گزارش داد که اداره اطلاعات جوانرود روز چهارشنبه، ۲۵ بهمن، محمد محمودی، نوجوان ۱۶ ساله را به دلیل شادی و خوشحالی از باخت تیم فوتبال ایران در مقابل تیم قطر، در محل کارش بازداشت کرده است.

بر اساس گزارش رسیده به سازمان حقوق بشری «هه‌نگاو»، صبح روز چهارشنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۲ نیروهای اداره اطلاعات جوانرود، محمد محمودی نوجوان ۱۶ ساله را بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کردند.

به گفته یک منبع نزدیک به خانواده محمودی، نیروهای اداره اطلاعات با هجوم به محل کار وی در یک مغازه هجوم برده و با توسل به خشونت، وی را بازداشت کردند.

نهادهای امنیتی به خانواده محمودی گفته‌اند که فرزند شما به دلیل شادی و خوشحالی پس از شکست تیم فوتبال جمهوری اسلامی ایران مقابل تیم قطر بازداشت شده و به یکی از بازداشتگاه‌های امنیتی در شهر کرمانشاه منتقل شده است. بر اساس گزارش‌ها، طی هفته گذشته دست کم ۱۰ کودک در شهر جوانرود به همین دلیل بازداشت شده‌اند که تا کنون هویت سه نفر از آنها به نام محمد یوسفی ۱۷ ساله، محمد محمودی ۱۶ ساله و حمزه برزگر ۲۱ ساله اعلام شده است. بر اساس گزارش هه‌نگاو، محمد یوسفی، کودک ۱۷ ساله اهل جوانرود در میان جمعیتی که به ابراز خوشحالی از باخت تیم فوتبال ایران می‌پرداختند، بازداشت شد و از آن زمان تا کنون خبری از او در دسترس نیست.

تیم ملی فوتبال جمهوری اسلامی ایران، روز چهارشنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۲ در مرحله نیمه نهایی جام ملت‌های آسیا در ورزشگاه «التمامه»، با نتیجه ۳ بر ۲ مقابل تیم ملی فوتبال قطر شکست خورد و از راه یافتن به فینال ناکام ماند.

در آذرماه سال گذشته نیز پس از باخت تیم فوتبال جمهوری اسلامی ایران در برابر تیم ملی آمریکا و حذف آن از جام جهانی قطر، شهروندان معترض به خیابان‌ها آمدند و شادی کردند و همزمان شعار «مرگ بر دیکتاتور» سر دادند.

همزمان هواداری حامیان حکومت ایران از «تیم ملی» و مواضع برخی بازیکنان آن در دفاع از رژیم باعث شد که بسیاری از مردم از این تیم فاصله بگیرند و اعضای آن را به بی‌تفاوتی و انفعال در برابر سرکوب معترضان متهم کنند و آن را «تیم جمهوری اسلامی» و «تیم ملا» بخوانند نه تیم ملی ایران. در این میان، مهران سماک هشتم آذرماه ۱۴۰۱ در جریان اعتراضات پس از باخت تیم ملی فوتبال جمهوری اسلامی در برابر آمریکا جان باخت.

جلوه‌های فقر در ایران؛ اجاره لاستیک برای معاینه فنی اتومبیل!

قیمت‌های نجومی لاستیک و درآمدهای ناچیز حقوق‌بگیرانی که حتی از تأمین هزینه روزمره خوراک و اجاره‌بهای مسکن نیز عاجز هستند، سبب شده بازار اجاره لاستیک اتومبیل داغ شود. استفاده از لاستیک‌های فرسوده اقدامی بسیار خطرناک در وقوع تصادفات مرگبار رانندگی به دلیل ترکیدن چرخ است؛ تصادفاتی که مشخص است بخش بزرگی از قربانیان آن خانوارهای کم‌درآمد هستند!

گسترش فقر در ایران پدیده‌هایی نوظهور از کارتن‌خوابی تا زباله‌گردی، از سالمندان سرراهی تا خودکشی دستجمعی خانواده‌ها، از بازنشستگان دو شغله تا اجاره لاستیک اتومبیل خلق کرده است.

وزارت «ورزش و جوانان» برای مراکز «همسریابی» مجوز صادر می‌کند!

مهدی متقی‌فر مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی و توسعه اجتماعی جوانان وزارت ورزش و جوانان روز چهارشنبه ۲ اسفند در گفتگو با خبرگزاری ایسنا با اشاره به فعالیت ۱۲۰ مرکز همسریابی در ایران گفت: «طبق تبصره ماده ۳۷ قانون جوانی جمعیت، ما متولی صدور مجوز مراکز همسان‌گزینی یا فعال در انتخاب همسر هستیم و این کار را از سال ۱۴۰۱ آغاز کرده‌ایم و مهمترین شاخص‌هایی که برای این مراکز ترسیم می‌کنیم بحث اطمینان، امانت‌داری و شاخص‌های آموزش و مشاوره پیش از ازدواج است.»

تابستان نفس‌گیر در انتظار ایران؛ کاهش بارندگی، تداوم خشکسالی و فرونشست زمین

رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران سازمان هواشناسی: حتی اگر بارش‌های گسترده بهاره هم داشته باشیم، بسیاری از نقاط کشور همچنان دچار مشکلات ناشی



از کم‌آبی خواهند بود. رئیس مرکز ملی اقلیم و سرپرست بحران خشکسالی سازمان هواشناسی: در سال چهارم خشکسالی هستیم و تابستان سخت و پرتنش از نظر تأمین آب خواهیم داشت. همه مرودشت از جمله در پاسارگاد، تخت جمشید و نقش رستم دچار پدیده فرونشست شده و وسعت و سرعت آن در این دشت پیشرفت قابل توجهی داشته است.

صف سپرده ۱۰۰ میلیونی خرید اقامت توسط مهاجران افغان در ورامین!

وبسایت «اعتماد» روز دوم اسفند ۱۴۰۲ با انتشار این ویدئو نوشته است: «ببینید؛ صف سپرده ۱۰۰ میلیونی خرید اقامت ایران توسط افغان‌ها فقط در ورامین! اقامت ایران با سپرده صدمیلیونی به صورت اقساط ۲۰ ماهه ماهی ۵ تومن! با کارت تردد و بیمه و گواهینامه و کارت کار و کلی مزایای دیگر! فقط صدمیلیون!»

سه کشته در حمله موشکی به یک منطقه امنیتی در دمشق

منابع غیررسمی گزارش دادند عوامل جمهوری اسلامی و همچنین عناصر وابسته به رژیم سوریه از ساختمان‌های مسکونی این محله به عنوان پوشش فعالیت‌های خرابکارانه‌ی خود استفاده می‌کنند.

سازمان حقوق بشر سوریه گزارش داد که حمله اخیر به این ساختمان در دمشق «هدفمند» و مشابه حمله‌ای بود که دی‌ماه ۱۴۰۲ صورت گرفت و طی آن صالح العاروری نایب رئیس حماس کشته شد.

حدود یک سال پیش در همین محله تعدادی از نیروهای امنیتی وابسته به جمهوری اسلامی کشته شدند. همچنین در سال ۲۰۰۶ عماد مغنیه فرمانده پیشین نظامی حزب‌الله لبنان در آپارتمان خود در همین محله کشته شد.

سه سال و هفت ماه حبس برای برگزیده المپیاد جهانی میکروالکترونیک!

علی رضانی از دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر و عضو تیم المپیاد میکروالکترونیک ایران و برنده مدال المپیاد جهانی میکروالکترونیک، که شب ۲۴ مهرماه با هجوم ماموران وزارت اطلاعات در منزل شخصی خود



بازداشت شده بود، توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به تحمل ۳ سال و ۷ ماه حبس تعزیری محکوم شد. شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی افشاری با اتهاماتی نظیر «اجتماع و تبانی علیه امنیت داخلی و خارجی» و «تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی» او را محکوم کرده است.

شناسایی ۲۰۰ هزار بی‌شناسنامه در کشور

به گزارش خبرگزاری‌های داخلی، هاشم کارگر رئیس ثبت احوال اعلام کرد: «از ابتدای امسال سامانه‌ای طراحی کردیم تا هر فردی که ادعا دارد ایرانی است و مدارک هویتی ایرانی ندارد، در آن ثبت نام کند و تا کنون نزدیک به ۲۰۰ هزار نفر در آن ثبت نام کرده‌اند.»

گذشته از اینکه ۴۵ سال پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی و بیش از دو دهه پس از قرن بیست و یکم، کم نیستند ایرانیانی که در نقاط مختلف کشور به ویژه در استان‌های مرزی، نه تنها شناسنامه ندارند بلکه نهادهای مسئول در ایرانی بودن آنها هم تردید می‌کنند، هزاران مهاجر افغانستانی نیز در کشور زندگی می‌کنند که فاقد مدارک هویتی هستند و معلوم نیست بجز درست کردن وبسایت جهت ثبت نام افراد، ساز و کار مسئولان برای رفع این معضل چیست!

ممنوعیت اطلاع‌رسانی درباره پاکبان کشته شده توسط نهادهای امنیتی

«دادبان» در گزارشی از «ممنوعیت اطلاع‌رسانی درباره پاکبان کشته شده توسط نهادهای امنیتی» خبر داد.

«دادبان» می‌نویسد: عده‌ای از روزنامه‌نگاران داخل ایران مطرح کرده‌اند که نهادهای امنیتی به آنها هشدار داده‌اند که درباره پاکبانی که نیمه‌شب ۲۰ بهمن توسط فردی در اتوبان نیایش به پایین پل نیایش در تهران پرت شده، دیگر پیگیری نداشته باشند.

برقراری ممنوعیت در خبررسانی مصداق بارز اعمال سانسور است و به ویژه در موضوعات چالش‌برانگیز نشانه‌ای از عملکرد احتمالی غیرقانونی مراجع رسیدگی کننده دارد. بر اساس قانون این تنها دادگاه است که می‌تواند از اطلاع‌رسانی درباره جزئیات یک پرونده قضایی جلوگیری کند. این در حالیست که شهرداری تهران نیز هیچ خبری از هویت این پاکبان منتشر نکرده و تنها اطلاعات منتشره



از او این است که «بامداد ۲۰ بهمن، جوانی از خودروی خود پیاده می‌شود، یک پاکبان شهرداری تهران را از بالای پل نیایش به پایین پرت کرده چون فکر می‌کرده مقتول قصد اهانت به پرچم‌هایی را دارد که به مناسبت ۲۲ بهمن برافراشته شده!»

پاکبان جوان بلافاصله جان باخته و حتی چند ماشین نیز که از زیر پل در حال حرکت بودند، پیکر وی را زیر گرفتند.

نایب رئیس «خانه احزاب»:

فردی که رای نمی‌دهد میّت سیاسی است!

حسین کنعانی مقدم نایب‌رئیس «خانه احزاب» جمهوری اسلامی روز سه‌شنبه اول اسفند طی یک مناظره انتخاباتی با اشاره به افرادی که تصمیم گرفته‌اند در انتخابات فحاشی یازدهم اسفند شرکت نکنند گفت: «افرادی که رأی نمی‌دهند، میّت سیاسی‌اند!»

اعتصاب کارگران شرکت «لیدوم آذرستان رژون صعت» در جاسک

شماری از کارگران شرکت «لیدوم آذرستان رژون صعت» در جاسک در جنوب استان سیستان و بلوچستان روز دوشنبه ۳۰ بهمن‌ماه در اعتراض به مشکلات معیشتی و عدم پرداخت دستمزد و معوقات خود دست به اعتصاب زدند.

شهرداری مشهد به تن درختان لباس پوشاند!

تصاویری در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که نشان می‌دهد در آستانه اسفندماه درختان این شهر با پارچه‌های رنگی پوشانده شده است. گفته می‌شود هدف شهرداری از این اقدام «زیباسازی و بهاری کردن چهره شهر» بوده است.

بازخواست مادر نوزاد ۶ ماهه که بر اثر گرسنگی جان خود را از دست داد

یک منبع آگاه به «کمپین فعالین بلوچ» گفته است که ۳۰ بهمن ۱۴۰۲ نیروهای انتظامی و کارکنان بهداشت به منزل پدر و مادر محمدصدرا ریگی فرزند نادر اهل میرآباد از توابع بخش نازیل شهرستان تفتان رفتند. این نوزاد ۶ ماهه در ۲۴ بهمن‌ماه بر اثر گرسنگی جان خود را از دست داده. مأموران مادر نوزاد را بازخواست کردند که چرا زودتر



بازخواست مادر نوزاد ۶ ماهه که بر اثر گرسنگی جان خود را از دست داد

دبیر اجرایی «قرارگاه راهیان نور جنوب»:

هزار دانشجوی دختر و پسر خارجی برای «راهیان نور» به ایران می‌آیند

دبیر اجرایی قرارگاه «راهیان نور جنوب» ادعا کرده حدود هزار دانشجوی خارجی از دانشگاه «جامعه المصطفی» به اردوی «راهیان نور» اعزام شدند. ایمان یاراحمدی ۳۰ بهمن‌ماه به خزرگزاری دولتی ایرنا گفت: «دانشجویان دانشگاه جامعه المصطفی از کشورهای اروپایی، آفریقایی، آمریکای لاتین، آسیای دور و اقیانوسیه برای دیدن مناطق عملیاتی عازم ایران می‌شوند.» وی همچنین توضیح داد، «۱۲۰ نفر از دانشجویان خارجی از کشورهای ژاپن، افغانستان، لبنان، عراق، مراکش، تاجکستان و اوپا که در دانشگاه‌های ایران مشغول به تحصیل هستند نیز به واسطه بسیج دانشجویی اخیراً به اردوی راهیان نور اعزام شدند.» «در راه فتح قله‌ایم» به عنوان شعار سال ۱۴۰۳ «راهیان نور» انتخاب شده است. این برنامه تبلیغاتی جمهوری اسلامی به دلیل تصادفات مرگباری که در راه برای دانش‌آموزان و دانشجویان روی داده، به «راهیان گور» معروف شده است.

کیهان تهران:

اگر حکومت پهلوی ادامه داشت

وضعیت ایران مانند عربستان امروز بود

روزنامه کیهان چاپ تهران روز ۲۷ بهمن‌ماه در ستون «خوانندگان» خود می‌نویسد «اگر حکومت پهلوی ادامه داشت وضعیت ایران مانند عربستان بود...» این روزنامه به نقل از یکی از خوانندگانش با نام مستعار «میرتبار» می‌نویسد: «گاه این ادعا از سوی مطرودان ملت ایران مطرح می‌شود که اگر حکومت پهلوی هم مانده بود، ایران لاجرم به سمت پیشرفت و توسعه حرکت می‌کرد! کسانی که چنین شبهه‌ای را می‌پذیرند یا معنای استکبار جهانی را نمی‌فهمند یا معنای نوکری غرب را نمی‌دانند. چگونه ممکن بود نظام سلطه به دولت نوکر خود مثل شاه اجازه پیشرفت بدهد؟ در



کیهان تهران: اگر حکومت پهلوی ادامه داشت وضعیت ایران مانند عربستان امروز بود

گل آنقدر گران شده که خیلی‌ها توان خرید آن را ندارند!

وبسایت «اقتصاد آنلاین» یکشنبه ۲۹ بهمن‌ماه به نقل از فروشندگان گل در تهران گزارش داد بازار فروش انواع گل به دلیل گران بودن کساد است. صاحب یک گل‌فروشی در «جنت آباد» گفته «هر سال در ولنتاین فروش خوبی داشتیم. گل رز در این روز خیلی فروش داشت اما امسال فروش خوب نبود، حالا قیمت این گل به شاخه‌ای ۹۰ تا ۱۱۰ هزار تومان رسیده است و دیگر کسی گل نمی‌خرد.» بر اساس این گزارش، قیمت سبدهای گل به ۷۰۰ هزار تومان تا یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان رسیده است!

غلامحسین سلطان محمدی رئیس اتحادیه گل و گیاه تهران می‌گوید: «خیلی‌ها توان خرید گل ندارند... قیمت گل نسبت به سال قبل ۲۰ تا ۳۰ درصد ارزان‌تر است اما هزینه تولید گل بالا رفته و قدرت خرید پایین آمده است. توان خرید مردم مثل گذشته نیست.»

استوری مادر نیکا شاکرمی در حمایت از شاهزاده رضا پهلوی

نسرین شاکرمی مادر نیکا شاکرمی از جانباختگان خیزش ملی شنبه ۲۸ بهمن ۱۴۰۲ در استوری اینستاگرام خود به حمایت از شاهزاده رضا پهلوی پرداخت.

افزایش بیش از ۸۰ درصدی تورم دارو

حذف دوا و درمان از سبد مصرفی خانوارها

ورشکستگی داروخانه‌ها

میزان تورم بخش دارو در اردیبهشت امسال نسبت به اردیبهشت سال گذشته به ۸۱ درصد رسیده اما درآمد



افزایش بیش از ۸۰ درصدی تورم دارو؛ حذف دوا و درمان از سبد مصرفی خانوارها و ورشکستگی داروخانه‌ها

خانوارها با این رقم تناسبی نداشته است. دولت در طرح «دارویار» حتی تسویه با داروخانه‌ها را نیز نتوانسته مدیریت کند بطوری که حدود ۴۵ درصد داروخانه‌ها در دریافت مطالبات خود از شرکت‌های بیمه‌ای مشکل دارند. ۵۰ درصد از خانوارها طی یک سال گذشته مراجعه به دندانپزشک را به دلیل مشکلات مالی کنار گذاشته‌اند.

خوشبینانه‌ترین حالت، وضعیت امروز عربستان را داشتیم که حکم گاو شیرده برای آمریکایی‌ها را دارد. بزرگ‌ترین اثر انقلاب اسلامی این است که زنجیره‌های اسارت و توقف را از دست و پای ملت ایران گسست و راه را برای پیشرفت باز کرد. «سال‌هاست اهالی رسانه بیان می‌کنند ستون «خوانندگان» کیهان تهران در واقع حیاط خلوت مدیرمسئول آن برای بیان نظرات خودش به نقل از دیگران است.

برای دریافت شیرخشک به خانه بهداشت مراجعه نکرده؛ او جواب داده که خودش از دو روز پیش از فوت نوزادش چیزی نخورده بوده است! منابع محلی گفتند پس از چند روزی که این نوزاد #شیرخشک نداشت، والدین‌اش برای دریافت شیرخشک او را به خانه بهداشت می‌بردند که در راه جان خود را از دست داد.



KAYHAN LONDON
NEWS AND VIEWS FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN
COMMUNITY

www.kayhanlife.com



عکس هفته | رأی دادن یا ندادن!؟

بنر تبلیغاتی برای ترغیب مردم جهت رأی دادن به «مشروعیت» جمهوری اسلامی / کرمان / بهمن ۱۴۰۲